



مَجْمَعَةُ
الْمَدِينَةِ

الْأُمَّةَ كُنْ لَوْلِيكَ



هیأت رزمندگان اسلام در ماه گذشته

- پدیده میسارک**
نگاهی به آنچه رهبر معظم انقلاب درباره هیأت رزمندگان اسلام بیان فرمودند ۶
- نگاهی به برنامه‌های هیأت رزمندگان اسلام در ماهی که گذشت
از عزاداری شهادت تا جشن میلاد ۸
- گزارشی از حضور هیأت رزمندگان اسلام در مناطق زلزله زده
هیأت شهدای گمنام ولایت در کرمانشاه ۱۰
- جمعی بر محور عشق**
توصیه‌های رهبر انقلاب به هیئات مذهبی به قلم سردار محمدحسین نجات
مسئول هیأت امانا و ستاد مرکزی هیئت رزمندگان اسلام ۱۲



ویژه نامه شهادت حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها

- نگاهی به زندگی دختر امام موسی کاظم علیه السلام در گفت و گو با حجت الاسلام
جعفر واضحی
لطف باباهاست معمولاً به دختر بیشتر ۱۶
- گفتگو با حجت الاسلام والمسلمین جواد زمانی، شاعر آیینی
نمی از در سای شعر ۱۸
- عمل به وصیت پدر**
دلیل عدم ازدواج حضرت معصومه و دیگر دختران امام موسی کاظم (علیه السلام)
۲۰
- پلی که با دل ساخته شد**
روایتی که در ادامه این نوشتار می آید داستان کارگری ساده است که با عنایت
حضرت معصومه (س) کاری بزرگ انجام داد ۲۱
- سلام ای خواهر خورشید**
همراه با شعرای آیینی و اشعارشان در وصف حضرت معصومه (س) ۲۲
- پناه شهر قم**
کرامات حضرت معصومه (س) در کلام بزرگان ۲۴
- بانوی خوبی‌ها**
نگاهی به شخصیت زنان با الگو گرفتن از حضرت معصومه (سلام الله علیها) ۲۶
- اینفوگرافی زندگی حضرت معصومه (سلام الله علیها)**
در شهر قم علاوه بر زیارت حضرت معصومه (سلام الله علیها) جاهای دیدنی دیگری
هم وجود دارد ۲۸
- همسایه بانوی آفتاب**
تأملی در چند اثر از چند نویسنده معاصر درباره حضرت معصومه (سلام الله علیها)
در ستایش کریمه اهل بیت ۳۲
- علت سفر کریمه اهل بیت (علیه السلام) به ایران چه بود؟
دیدار با برادر ۳۴



هیأت



هیأت رزمندگان اسلام ماهنامه فرهنگی - مذهبی

سال دوازدهم - شماره ۱۱۷ - آذر و بهمن ۱۳۹۶ - قیمت ۶۰۰۰۰ ریال

صاحب امتیاز:
هیأت رزمندگان اسلام

رئیس شورای سیاستگذاری:
حجت الاسلام والمسلمین اسماعیل سعادت نژاد

مدیر مسئول:
محمدصادق آهنگران

جانشین مدیر مسئول:
حجت الاسلام والمسلمین عبدالرحمان سفیدی امین

سر دبیر: محمدامین ایمانجانی

جانشین سر دبیر: امیرحسین صالحی
دبیر تحریریه: دانیال معمار
تحریریه:

فاطمه صناعتی، زهرامهاجر، طاهره ایمانی، مرضیه یوسف اقدم، وحید
فراهانی، اعظم سادات هراتی، الهام مرادی، مهدی واعظی، محمد مجد
امیرحسین بکاتبان، صدرا صدوقی، الهام سادات کاظمی، سعیده محمدی
مریم شاه کلا، سیما خوشرو، مهدی پیرزمان، احمد سیفی، سجاد شبرافکن
عاطفه جعفری و زینب محبوبی

مدیر هنری: مهدی سلامی
تصویرسازی جلد: محمد علی حلیمی
اینفوگرافیک: اسماعیل پیوندی
ویراستاری: علی فرزانه
عکس: کمیل ایمانجانی

نشانی:

تهران، میدان فاطمی، نبش خیابان فلسطین و زر تشت، پلاک ۵۵۴، واحد ۵
تلفن و نامبر: ۸۹۷۸۰۳۱۳ - ۸۸۹۶۰۴۳۰
نشانی اینترنتی: www.ehyat.com



جست و جوی تاریخی در ابعاد قیام ۱۹ دی قم

- ۶۰ حرکتی که ایران را لرزاند
بخشی از بیانات رهبر معظم انقلاب درباره قیام ۱۹ دی در قم
- ۶۲ واکاوی اسناد قیام ۱۹ دی، در گفت و گو با حاج قاسم تبریزی
قیامی که جرقه انقلاب شد!
- ۶۴ تأثیراتی که قیام مردم قم در انقلاب اسلامی گذاشت
گسترش بحران



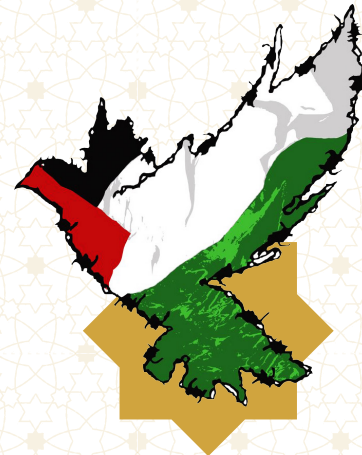
نگاهی به اوضاع منطقه در ماه گذشته

- ۶۶ پیروزی ایران در تحولات منطقه / ایران ۳ آمریکا
- ۶۷ نقش ماندگار روسیه و ایران در سوریه
- ۶۸ ایران و ترکیه برنده توطئه چینی آمریکا
- ۶۹ تشکیل جبهه جدید اسلامی توسط ایران و ترکیه برای دفاع از قدس
- ۷۰ آمریکا به دنبال چاره‌ای برای مقابله با گسترش ایران
- ۷۱ تمایل ترکیه به ائتلاف ایران در منطقه
- ۷۲ شکست محور عبری، عربی و غربی در پروژه حریری



کنکاشی در ابعاد واقعه ۹ دی

- ۳۶ **حقیقت را باید تبلیغ کرد**
مرور فرمایشات رهبر معظم انقلاب با کلیدواژه‌های «فتنه»، «جذب حداکثری»، «جنگ نرم» و «هدف دشمن»
- ۳۸ **مروری کوتاه بر رویدادهای عاشورای ۸۸ تا ۹ دی**
یک خیابان، یک ملت
- ۴۰ امام جمعه موقت تهران از خواصی که فقط به منافع خود فکر می‌کنند، گلایه‌های بسیاری دارد
اگر بصیرت داشتند پاسخ دشمنان را می‌دادند
- ۴۱ نگاهی به برخی از آثار هنری و فرهنگی تولید شده با موضوع فتنه
هنر در برابر فتنه
- ۴۲ حماسه نهم دی و بازتاب و واکنش رسانه‌های بین‌المللی به آن
نهم دی از دریچه رسانه‌های بیگانه



بررسی مقاومت مردم فلسطین به مناسبت روز غزه

- ۴۴ گزیده‌ای از بیانات رهبر معظم انقلاب درباره رژیم غاصب صهیونیستی
مسئله فلسطین
- ۴۶ نگاهی به حماسه مردم غزه در جنگ ۲۲ روزه رژیم اشغالگر قدس در گفت‌وگو با عباس خامه‌بار
پیروزی با طعم ایمان
- ۴۸ بیشتر رسانه‌ها، تصویر مردم غزه را در هنگام مقاومت و مبارزه نشان می‌دهند که به خاطر موقعیت خاص آن‌هاست؛ اما زندگی فلسطینی، روی دیگری هم دارد
شکوفه‌های زندگی؛ شکوفه‌های زیتون
- ۵۱ ماجرای ام‌نضال فرحات، شیرین فلسطینی
مسافر فلسطین
- ۵۲ اینفوگرافی فلسطین
چرا مذاکرات سازش به نتیجه‌ای نخواهد رسید و فلسطینیان هم با آن مخالف هستند؟
- ۵۴ **نه قاطع فلسطینیان به سازش**
- ۵۶ ۱۰ چهره جهانی مرتبط با قدس، فلسطین و بیت‌المقدس را بیشتر بشناسیم
ستارگان در خشان قدس



درباره زندگی حضرت زینب (سلام الله علیها) به مناسبت ولادت ایشان

- ۷۴ بررسی ابعاد زندگی حضرت زینب (سلام الله علیها) در گفت و گو با دکتر محمد حسین رجیبی دوانی
زینب، زینت خانه امیر المؤمنین (علیه السلام)
- ۷۶ گفت و گو با حاج حمید بهاری، مداح اهل بیت
قهرمان بودن زینب (سلام الله علیها) را در شعرهایمان نشان بدهیم
- ۷۸ **ما را به سر هوای شهیدان بی‌سراست**
نگاهی به زندگی پیشگسوت تازی که بدون سواد فقط شعرهای اهل بیت (علیه السلام) را می‌فهمد

جایی برای آرام گرفتن دل‌ها

آدمی بعضی وقت‌ها، دلش می‌گیرد، روحش سنگینی می‌کند، حس می‌کند همه درها بسته است و راه به جایی ندارد، آن هم در حالی که همه امکانات زندگی را داشته و همه چیز دنیایش، به راه است. اما با این حال، باز هم راضی نیست، رضایت ندارد. چرا؟ واقعاً چرا ماها این چنین می‌شویم؟ البته خاص ما هم نیست؛ غربی‌ها هم که خیلی پیشرفته‌تر از ما هستند، درگیر این خلأ معنوی شده‌اند. ما، از دنیا نیامده‌ایم به دنیا که حالا با دنیا هم، همه چیزمان روبه‌راه شود. ما از جایی آمده‌ایم به دنیا و به همان جا هم باز خواهیم گشت؛ که گفته‌اند انالله و انا الیه راجعون. پس طبیعی است که ما، با چیزی از جنس خدا آرام می‌گیریم؛ نه با چیزی از جنس غیر خدا. دل و روح آدمی، یادگار ملکوت‌اند؛ پس با پول و ماشین و خانه و دنیا و پست و مقام، نمی‌شود آرام‌شان کرد. باید با خدا ربط داشته باشند. بقاع متبرکه و حرم‌های بیت (علیهم‌السلام) و فرزندان بزرگوارشان از جمله جاها برای ربط دادن دل و دلدار است.

آمار و ارقام هم نشان می‌دهد ما ایرانی‌ها به این حرم‌های امن الهی اعتقادی راسخ داریم. تاکنون بیش از ۸ هزار زیارتگاه در کشور شناسایی شده که میلیون‌ها زائر در طول یک سال در این زیارتگاه‌ها استخوانی سبک می‌کنند. البته همه این زیارتگاه‌های کشور مربوط به بقاع متبرکه امام و امامزادگان نیست، بلکه برخی مساجد، برخی حسینیه‌ها، برخی قبور پیامبران الهی، برخی از قبور علما و قدمگاه‌ها هم به عنوان زیارتگاه شناخته می‌شوند. به هر حال مسلمانان بعضی جاها رهایی هستند، یعنی کمک می‌کنند که از دود و بوق و قیل و قال زندگی فرار کنیم و زیارتگاه‌ها همان جاها برای رهایی هستند. حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه (سلام‌الله‌علیها) هم یکی از اصلی‌ترین زیارتگاه‌های کشور است که هر سال از زائران و مجاوران زیادی در این بهشت زمینی پذیرایی می‌کند. گنبد فیروزه‌ای و حوض وسط صحن این حرم مطهر، کلی حال و هوای شاهکار را برای زائران این فرزند امام موسی کاظم (علیه‌السلام) و خواهر حضرت ثامن الحجج (علیه‌السلام) به ارمغان می‌آورد.

قم به دلیل وجود همین حرم مطهر، همواره محل حضور ارادتمندان و عاشقان خاندان عصمت و طهارت بوده و بزرگان دین ما کرامات زیاد دیده‌اند از این بانوی مطهره. گفته‌اند که یک روز وسط کوچه‌ای از شهر قم، مریضی را روی تشک خوابانده بودند. هر چه از اطرافیانش خواستند زودتر این بساط را جمع کنند گوش‌شان بدهکار نبود. آخر سر آن قدر طول دادند تا آیت‌الله بهجت، رحمت‌الله‌علیه برای رفتن به مسجد از خانه بیرون آمد. با دیدن آقا، همراهان مریض دویدن سمتش و گفتند: «برای شفا بیمار آورده‌اند.» آقا فرمود: «آب زمزم تهیه کنید.» و بعد دستور العملی دادند. یکی‌شان گفت: «آقا این را باید خوب کنید!» دوم تبه آقا جوابش را تکرار کرد. تا اینکه آن شخص گفت: «پسر عموی این هم همین کسالت را داشت و شما شفا دادید. این را هم باید شما شفا بدهید!» آقا تا این مطلب را شنید، برافروخته شد: «من چه کاره‌ام؟! من گدا هستم! گدایی می‌کنم! از خدا، از حضرت معصومه سلام‌الله‌علیها گدایی می‌کنم! برای خودم، برای شما، برای مردم، برای همه مومنین و مومنات.»

بله، علما و بزرگان ما به گدایی همین آستان رفت‌اند و کرامات دیده‌اند.



محمدامین ایمانجانی
سردبیر

هیأت

بارین شیخ محمد باقر عظیمی
بارین شیخ محمد باقر عظیمی
بارین شیخ محمد باقر عظیمی



هیأت

پدیده مبارک

نگاهی به آنچه رهبر معظم انقلاب در باره هیأت رزمندگان اسلام بیان فرمودند

خودش آن گلیول‌های سفید را که مثلاً مأمور به مواجهه هستند، نداشته باشد؛ انواع و اقسام بیماری‌ها بر این جامعه ممکن است عارض بشود. اینکه این مجموعه بیایند برای مسئله‌ی عاشورا و مسئله‌ی عزاداری حسین بن علی (علیهما السلام) تلاش نکنند و کار کنند و آن را گرم و گرمی و زنده بدارند، این خیلی کار مناسب و لازمی است. بنابراین نفس این انتساب، یعنی انتساب هیأت عزاداری به رزمندگان، چیز مبارکی است، چیز خیلی خوبی است، این را رها نکنید و هر چه می‌توانید حفظ کنید و نگاه دارید. نکته‌ی دیگر این است که اسم هیأت در آن تبادر عرفی، [به معنی] بی‌نظمی است؛ می‌گویند فلانی هیئتی عمل می‌کند، یعنی بی‌نظم عمل می‌کند. تقریباً می‌شود گفت شما اولین کسانی هستید که آمدید این مجموعه‌ای را که گویا

خداوند - یکی از خصوصیات مجاهدت و معنای جهاد این است که دشمن در مقابل انسان باشد؛ هر تلاشی را جهاد نمی‌گویند؛ ممکن است کسی یک کار علمی‌ای هم بکند [اما] جهاد نباشد؛ جهاد، آن حرکتی است که در مواجهه‌ی با یک خصم، با یک دشمن، انجام می‌گیرد - و این خصوصیات را دارند، این روحیه را دارند، برای همه‌ی اجتماعات وجودشان مبارک است؛ چون اجتماعات بشری خالی از دشمن نیستند - حالا کم یا زیاد؛ یک وقت مثل ما دشمن زیاد دارند، یک وقت هم این قدر دشمن ندارند اما بالاخره دارند - و اگر چنانچه این جامعه در درون خود یک نیروی مواجه شونده و مقابله‌کننده‌ای داشته باشد که همان مبارزین و رزمندگان و مجاهدین هستند، می‌تواند احساس امنیت بکند؛ والا اگر این را نداشته باشد، مثل بدنی است که در درون

هیأت رزمندگان یک پدیده‌ی مبارکی است؛ نفس اینکه رزمندگان ما هیأت عزاداری تشکیل بدهند - محور و نقطه‌ی ثقل اصلی هم عزاداری عاشورا است؛ بقیه‌ای که فرمودید، این‌ها حواشی لازم و خوبی است، اما آن نقطه‌ی ثقل، احیای عاشورا، زنده نگاه داشتن عاشورا و عمق‌یابی ژرفای حادثه‌ی عاشورا است - چیز بسیار مبارک و مهمی است. یک نکته این است که اصل انتساب هیأت به رزمندگان، یک معنای مهمی دارد. رزمندگان یعنی کسانی که در مواجهه‌ی با دشمن مجاهدت کردند؛ مجاهدت هم اعم از مقاتله است؛ مقاتله یعنی جنگ نظامی، مجاهدت مجموعه‌ای از انواع مبارزه‌ها است؛ جنگ نظامی، جنگ فکری، جنگ روحی، جنگ اجتماعی، مجموع این‌ها اسمش مجاهدت است، مجاهدت شامل همه‌ی این‌ها هم هست. آن کسانی که اهل مجاهدت در راه



هیأت

را با یک گرایش خاصی - حالا یا این طرف، یا آن طرف - بیان کنیم و احیاناً با یک چیزهایی هم همراه باشد؛ نه، اما فکر انقلاب، فکر اسلام، خط مبارکی که امام (رضوان الله علیه) در این مملکت ترسیم کردند و باقی گذاشتند، اینها بایستی در مجموعه‌ها و مانند اینها حضور داشته باشد. به هر حال کار کار بزرگی است، کار مهمی است؛ و شایسته‌ترین مجموعه‌هایی که می‌توانند برای امام حسین عزاداری کنند، واقعا همین مجاهدین فی‌سبیل‌الله‌اند، همین رزمندگانند، همین جوانها هستند؛ و شما این را قدر بدانید و این را هدایت کنید؛ هدایت کنید. این می‌تواند یک چشمه‌ی خورشید و چشمه‌ی نوری باشد برای اشباع در مغزها و در فکرها و در دل‌های مخاطبین که بتواند اینها را از لحاظ معارف اسلامی و معارف دینی بالا ببرد. چقدر خوب است که در محافل هیئت‌ها، به مسئله‌ی قرآن - قرآن خوانی و معارف قرآنی - اهتمام ورزیده بشود؛ چقدر خوب است که در این نوحه‌خوانیها مضامین اسلامی، مضامین انقلابی، مضامین قرآنی گنجانده بشود؛ یک وقت هست که سینه می‌زنند و صد بار با تعبیرات مختلف مثلا می‌گویند «حسین وای»، خوب این یک کاری است اما هیچ فایده‌ای ندارد و هیچ چیزی از «حسین وای» انسان نمی‌فهمد و یاد نمی‌گیرد. یک وقت هست که شما در همین مطلبی که [عزادار] تکرار میکند و حرفی که ابا آن [سینه می‌زند، با زبان نوحه و با زبان شعر، یک مسئله‌ی روز، یک مسئله‌ی انقلابی، یک مسئله‌ی اسلامی، یک معرفت قرآنی را می‌گنجانید؛ او وقتی تکرار می‌کند، در ذهن او ملکه می‌شود؛ این خیلی باارزش است، کاری است که هیچ‌کس دیگر غیر از شما نمی‌تواند این کار را بکند؛ یعنی هیچ رسانه‌ای واقعا قادر نیست که این جور معارف الهی را با جسم و جان و فکر و روح و احساس و عقل و مانند اینها آمیخته کند. لذا کار کار مهمی است، کار بزرگی است و امیدواریم که ان شاء الله خدای متعال بهتان توفیق بدهد و شما را مأجور بدارد که بتوانید به بهترین وجهی ان شاء الله این کار را پیش ببرید.

والتسلام علیکم ورحمة‌الله وبرکاته

جمعیت تبدیل میشود به جمعیت‌های میلیونی به‌خاطر انتشار؛ اینجا باید محاسبه بشود که تأثیر یک حرف غلط و نامناسب بر روی ذهن مخاطب چیست. یک عده‌ای همان حرف غلط را قبول میکنند، و یک معرفت غلطی پیدا میکنند؛ یک عده‌ای آن را استنکار میکنند و این استنکار موجب میشود که از اصل دین زده بشوند؛ بین کسانی و کسانی سر این حرف اختلاف می‌افتد؛ ببینید، از چند جهت مجاری فساد به‌وجود می‌آید برای یک حرف غلطی که یک نفر می‌زند. از قدیم دیده بودیم ما - مخصوصا حالا نیست؛ از بچگی میرفتیم روضه و پای منبر - گاهی روضه‌خوان‌ها روضه‌هایی می‌خواندند که معلوم بود غلط است، معلوم بود خلاف است، اما می‌خواندند؛ برای اینکه حالا چهار نفر مستمع دلشان بسوزد و گریه کنند. مگر به هر قیمتی باید این کار را کرد؟ حادثه را بیان کنید؛ با هنرمندی بیان کنند تا مردم دلشان شیفته بشود و منقلب بشود، نه اینکه خلاف بگویند. حالا هم می‌شنوم، منبری یا مداح سر منبر خطاب به امیرالمؤمنین میکند و میگوید آقا هر چه داری از امام حسین داری! شما فکرش را بکنید! این چه حرفی است و این چه مهمل‌گویی است که کسی این جور درباره‌ی امیرالمؤمنین حرف بزند؟ امام حسین هر چه دارد از امیرالمؤمنین دارد، امام حسین هر چه دارد از پیغمبر دارد؛ چرا نمی‌فهمند این معانی و این مسائل را؟ آن وقت ادعا هم دارند، هر چه هم به دهنشان بیاید می‌گویند؛ یعنی اینها را خیلی باید به نظر من بزرگ بشمریم. یک نکته هم همین مطلبی است که آقای نجات اشاره کردند که درست هم هست. هیئت‌ها نمیتوانند سکولار باشند؛ هیأت امام حسین سکولار ما نداریم! هر کس علاقه‌مند به امام حسین است، یعنی علاقه‌مند به اسلام سیاسی است، اسلام مجاهد است، اسلام مقاتله است، اسلام خون دادن است، اسلام جان دادن است؛ معنای اعتقاد به امام حسین این است. اینکه آدم در یک مجلس روضه یا هیأت عزاداری مراقب باشد که نباشد وارد مباحث اسلام سیاسی بشود، این غلط است. البته معنای این حرف این نیست که هر حادثه‌ی سیاسی در کشور اتفاق می‌افتد، ما باید حتما در مجلس روضه آن

طبیعتش طبیعت «بی‌نظمی» است، تحت نظم درآورد؛ این خیلی چیز خوبی است. خوب، هیأتی بودن - که به اصطلاح تعبیری از بی‌نظم بودن است - به خاطر چیست؟ به خاطر این است که وقتی کسی وارد هیأت امام حسین می‌شود هیچ‌کس به او نمی‌گوید فلان جا بنشین، فلان جا بنشین؛ فلان جور بنشین، فلان جور بنشین؛ کی بیا، کی برو؛ کاملا همه‌ی تحرکات، برخاسته‌ی از اراده‌ی مردم و خواست خود مردم است که آن‌ها ناشی از ایمان آن‌ها است؛ این چیز خیلی خوبی است، این را باید نگه دارد؛ یعنی ارتباط هیأت را به ایمان مردم و عشق مردم، و جاذبه و گیرایی خود هیأت و خود این کانون را برای دل‌های مردم باید نگه دارد، این را باید حفظ کنید، یعنی جوری نشود که حالت اداری و مانند این‌ها پیدا بکند. به نظر من مراکز شماها حسینیه‌ها است. شما مرکز اداری نمی‌خواهید؛ حسینیه، هیئت، مسجد، مراکز شما اینها است. یعنی اگر آمدیم ما اینجا را وابسته کردیم به یک اداره‌ای و یک ساختمانی و طبقه‌ی اول و طبقه‌ی دوم و صندوق گردان و مانند این‌ها، این دیگر هیأت نمی‌شود؛ می‌ترسم اشکال پیدا بکند، نمی‌گویم قطعا هیأت نمی‌شود، اما به نظر من می‌رسد که طبیعت کار هیأت این است که مردم با عشق و شور و اشک بیایند طرف مجلس امام حسین؛ این است که اثر میکند؛ این است که از دلش این انقلاب می‌جوشد، با لاقلم مزرع خوبی برای رشد فضائل انقلابی و معارف انقلابی میشود. نکته‌ی بعد که خیلی مهم است، همین مسئله‌ی تربیت نیروها یا حراست از نیروهای گوینده و خواننده از خطاها و اشتباهات است؛ این خیلی مهم است. واقعا یکی از گرفتاریهای ما این است؛ حالا اسم مذاحها بد در رفته، مخصوصا مذاحها نیست، مذاح و غیر مذاح ندارد. از کسانی که در این ماجرای منبر رفتن و از عاشورا خواندن وارد بوده‌اند - اعم از مذاح و منبری و مانند اینها - مواردی دیده شده که حرفهای نامناسبی از اینها صادر شده. یک وقت حالا من و شما نشسته‌ایم، یک حرف غلطی هم از دهان بنده می‌آید بیرون، چیزی نیست، [چون] دو نفر پهلو هم نشسته‌اند، مهم نیست، یک وقت نه، ما هزار نفر، ده هزار نفر، گاهی پنجاه هزار نفر مستمع داریم، گاهی این

نگاهی به برخی از برنامه‌های هیأت رزمندگان اسلام در ماهی که گذشت

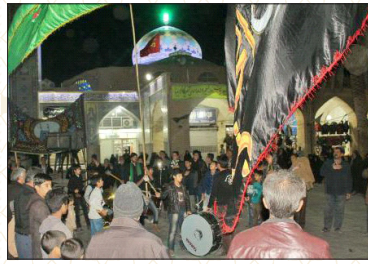
از عزاداری تا جشن میلاد

خراسان رضوی

جشن میلاد در مشهد

به مناسبت فرارسیدن هفته وحدت و سال روز ولادت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) و امام جعفر صادق (علیه السلام)، جشن بزرگ «وحدت اسلامی» به همت هیأت رزمندگان فاطمیون برگزار شد.

در این مراسم، «جواد کریمی قدوسی» نماینده مردم مشهد و کلات و عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی سخنرانی و رزمنده فاطمی «سیدمسافر» ناهانگ وارثین را به صورت زنده اجرا خواهد کرد.



قم

میزبان زائران عزادار حرم کریمه اهل بیت (س)

مراسم عزاداری رحلت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم)، شهادت امام حسن مجتبی (علیه السلام) و امام رضا (علیه السلام) با مشارکت اداره اوقاف و امور خیریه قم در مسجد امام حسن عسکری (علیه السلام) برگزار شد. هیأت رزمندگان اسلام استان قم در این مراسم عزاداری، به مدت سه شب میزبان زائران و مجاوران حرم کریمه اهل بیت (س) بود. همچنین، حجت الاسلام والمسلمین محمدباقر حیدری کاشانی از سخنران برجسته کشوری و حسن شالیبافان از مداحان برجسته اهل بیت (علیه السلام) نیز به سخنرانی و مدیحه سرایی پرداختند.



یزد

عزاداری در مؤسسه بیت الرضای شهرستان بافق

ایام سوگواری پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم)، امام حسن مجتبی (علیه السلام) و حضرت ثامن الحجج علی ابن موسی الرضا (علیه السلام) در مؤسسه فرهنگی مذهبی بیت الرضا شهرستان بافق با سخنرانی دکتر شفیعی با حضور امت حزب الله و عزادار به مدت سه شب برگزار شد.

دکتر شفیعی، مهمان ویژه و سخنران مراسم پیرامون زندگانی و رسالت پیامبر عظیم الشان سخنرانی بیان داشتند و سپس در بحث عالم بودن امامان، حضرت علی علیه السلام را باب علم و علم اندوزی دانست و دوران امامت امام رضا علیه السلام را دوران شکوفائی مباحث علمی بیان کردند. ایشان بیان کردند: در یک نگاه کلی و اجمالی می توان گفت در قالب مناظرات امام رضا علیه السلام افق های جدیدی در معرفت دینی روی جامعه ما گشوده شده، ابهامات و شبهات زیادی در رهگذر این مناظرات برطرف شده. ورود امام رضا علیه السلام به مناظرات و مباحث علمی نشانگر این است که امام رضا علیه السلام مباحث علمی و استدلال داشتند که می توانستند در آن مناظرات ایفای نقش کنند به طوری که خود مخالفان و کسانیکه رقیبان امام رضا علیه السلام بودند به برتری علمی ایشان اذعان داشتند.



تبریز

تجلیل از مداحان و خادمین هیأت رزمندگان اسلام

مراسم تجلیل از مداحان و خادمین هیأت رزمندگان اسلام تبریز در حسینیه بیت با حضور حضرت آیت الله مجتهد شبستری برگزار گردید. حضرت آیت الله محسن مجتهد شبستری، در مراسم تجلیل از مداحان و خادمین هیأت رزمندگان اسلام تبریز که در حسینیه بیت معظم له برگزار شد، ضمن تقدیر از بلبلان گلشن حسینی و خادمین آستان مقدس علوی و فاطمی، با اشاره به آیات قرآن درباره اولیاء الله فرمودند: اولیاء الله نزد پروردگار کسانی هستند که قرآن را برای خود شعار و دعا را برای خود دثار قرار می دهند، یعنی همانطوری که لباس زیرین همیشه ملازم حتی در موقع خواب در بدن انسان است، قرآن همیشه ملازم اولیاء الله است.

عکس خبر



عزاداری شب شهادت امام حسن عسکری (علیه السلام) در هیأت رزمندگان اسلام - حسینیه شهدای یونک

بجنورد

مراسم شب شهادت امام حسن عسکری (علیه السلام)

مراسم شب شهادت امام حسن عسکری (علیه السلام) با حضور خیل ارادتمندان خاندان عصمت و طهارت در مسجد انقلاب و مسجد امام خمینی بجنورد برگزار شد. در این مراسم اساتید مرکز تخصصی مهدویت قم به بیان فضایل و مکارم اخلاقی پدر بزرگوار حضرت مهدی موعود (عج) پرداختند.





یزد

عزاداری در آستان امامزاده عبدالله علیه السلام بافق مراسم عزاداری یازدهمین اختر آسمان امامت و ولایت حضرت امام حسن عسکری علیه السلام در آستان مقدس امامزاده عبدالله علیه السلام جوار شهدای گرانقدر برگزار گردید. در این مراسم سوگواری که همراه با هیأت سینه زنی بود حضرت حجت الاسلام والمسلمین قائمی پیرامون زندگانیان حضرت بیان داشتند. قابل ذکر است حجت الاسلام والمسلمین سید محمود هاشمی مسئول هیأت نوجوانان عاشورائی نیز مراسم شهادت این امام همام را در مسجد جامع شهر برگزار نمودند.

برز

جشن میلاد در هیأت انصار الامام کرج

جشن میلاد پیامبر اکرم (صلی... علیه وآله وسلم) و امام جعفر صادق (علیه السلام) در هیأت انصار الامام کرج با سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین الهی و مداحی ذاکرین اهل بیت (علیهم السلام) برگزار شد.

چهار محال و بختیاری

جشنی با حضور نوجوانان عاشورایی

همزمان با میلاد پر خیر وبرکت حضرت محمد (صلوات الله علیه وآله وسلم) و امام جعفر صادق (علیه السلام) و هفته وحدت مراسم جشن میلاد با حضور نوجوانان عاشورایی در اشکفتک برگزار شد.

خواهران / ورامین

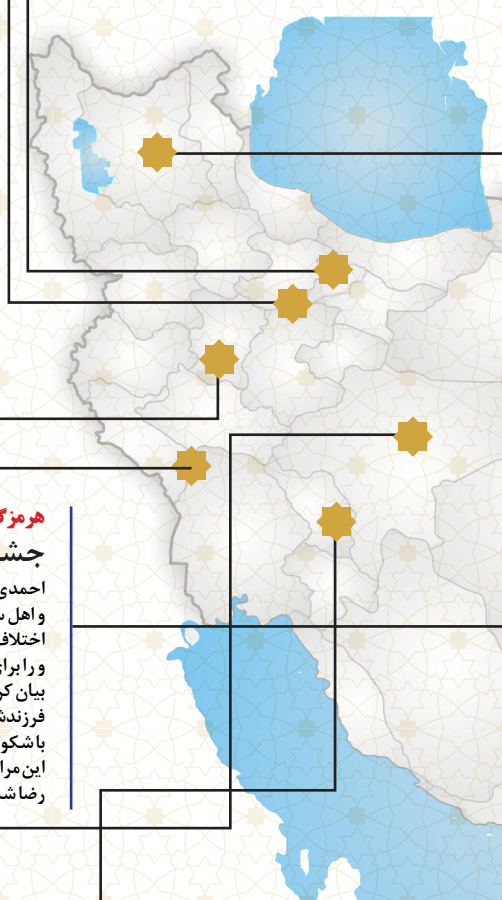
جشن امامت و ولایت امام عصر (عج)

جشن بزرگ امامت و ولایت امام عصر (عجل الله تعالی فرج الشریف)؛ با سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین سید یاسر موسسوی و مداحی مدیحه سرایان اهل بیت (علیهم السلام) در هیأت پیروان عترت شهرستان ورامین برگزار شد.

همدان / خواهران

خواهران در مراسم عزای امام یازدهم

همزمان با فرارسیدن شهادت امام حسن عسکری (علیه السلام) یازدهمین ستاره راه گشای راه بندگی، بانوان هئیت پیروان عترت شهرستان کبودر آهنگ همتوا با سوز دل امام المتقین امام زمان (عج) در سوگ از دست دادن پدر بزرگوارشان اشک ماتم ریختند. سرکار خانم اسکندری پس از تفسیر آیات تلاوت شده پیرامون زندگی پر بار امام حسن عسکری (علیه السلام) و سختی‌ها و مشقت‌های دوران امامت ایشان پرداختند. قرائت زیارت عاشورا، زیارت امام حسن عسکری (علیه السلام) و ذکر مصیبت و نوحه خوانی، از دیگر برنامه‌های این مراسم بود.



هرمزگان

جشن ولادت در بندر عباس

احمدی پناه مسئول هیأت رزمندگان اسلام استان هرمزگان گفت: هفته وحدت نمادی از اتحاد و برادری مسلمانان شیعه و اهل سنت در سراسر جهان اسلام، جای هیچ شکی نیست که دشمنان قسم خورده اسلام با ایجاد تفرقه در بین مسلمانان اختلاف ایجاد نمایند و این ضرورت بیش از پیش اتحاد مذاهب مختلف مسلمانان مخصوصاً در هرمزگان، سیستان و کرمان و را برای خنثی کردن توطئه‌های دشمنان می‌طلبد. احمدی پناه از برگزاری مراسم جشن در شب میلاد حضرت خیر داد و بیان کرد: با توجه به قرار گرفتن در این ایام مبارک و ولادت با سعادت حضرت رسول مهربانی (صلی الله علیه وآله وسلم) و فرزندش امام جعفر صادق (علیه السلام) رئیس مذهب تشیع، هیأت رزمندگان اسلام استان به رسم سال‌های گذشته مراسم باشکوهی را در شب ولادت این بزرگواران با حضور آحاد مردم ولایتمدار شهرستان بندرعباس برگزار می‌نماید. وی افزود: در این مراسم حجت الاسلام والمسلمین دکتر عبادی زاده سخنرانی خواهند داشت و مولودی خوانی سعید سیارسانی و کربلایی رضا شنبه زاده، اجرای گروه توشیح و اهداء جوایز به القاب حضرت از دیگر برنامه‌ها است.

برخوار

برگزاری نشست‌های سبک زندگی اسلامی

سبک زندگی اسلامی محور نشست‌های خواهران عترت هیأت رزمندگان شهرستان برخوار است. زهرا افتخارزاده مدیر عترت خواهران هیأت رزمندگان شهرستان برخوار: بابیان اینکه بانوان، نقش بسزایی در جامعه کنونی، به‌ویژه در محافل و مجالس مذهبی خاص بانوان ایفای می‌کنند، اظهار کرد: نقش تأثیرگذار و مهم بانوان در جامعه غیرقابل انکار است و امروزه بانوان فعال در زمینه‌های فرهنگی و مذهبی، می‌توانند در تحقق موضوع سبک زندگی اسلامی نقش خوبی را ایفا کنند. وی افزود: هیأت بانوان عترت رزمندگان اسلام در شهرستان برخوار با تشکیل سلسله جلسات هم‌اندیشی و بصیرتی اقدام خوبی را در ارتباط با مسائل فرهنگی داشته است. مسئول پیروان عترت هیأت رزمندگان اسلام شهرستان برخوار: با اشاره به نشست‌های اخیر هیأت بانوان عترت این شهرستان، بیان کرد: در نشست اخیر به مناسبت اعیاد گذشته، حاضران در جلسه از نکات مهم و ارزنده سخنران مدعو بهره‌مند شدند. وی افزود: در این نشست‌ها به موضوع سبک زندگی اسلامی و بهره‌مندی بانوان از سیره اخلاقی اهل بیت (علیهم السلام) پرداخته شد. افتخارزاده، اضافه کرد: در هیأت پیروان عترت بانوان شهرستان برخوار، اساتید مدعو، پیرو مکارم اخلاق که از صفات رفتاری پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) بوده است مطالبی را بیان داشته‌اند. مدیر هیأت پیروان عترت خواهران رزمندگان شهرستان برخوار اظهار کرد: سلسله نشست‌هایی با موضوع بهره‌مندی از سبک زندگی اهل بیت (علیهم السلام) و استفاده مخاطبان از روایات امامان برای زندگی ایده آل و خوب مطرح شده است. افتخارزاده مسئول پیروان عترت شهرستان برخوار در پایان صحبت‌های خود با خبرنگار واحد عترت در این شهرستان، اظهار کرد: در نشست هیأت بانوان عترت، مسابقه فرهنگی برگزار و از نفرات برتر و خادمان فعال نیز، تجلیل به عمل می‌آید.



مراسم عزاداری هیأت رزمندگان اسلام قم در شب شهادت امام حسن عسکری (علیه السلام)

شهرکرد

زیارتی از بعید

مدیر هیأت رزمندگان اسلام شهرکرد در گفت‌وگو با خبرنگار تسنیم گفت: همزمان با سالروز رحلت جانشین نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) و شهادت سبط اکبرش، مراسم پر فیض زیارت حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) از بعید با مداحی و نوای گرم حاج علیرضا شریفی در شهرکرد برگزار شد. مدیر هیأت رزمندگان اسلام شهرکرد بیان کرد: در فضیلت زیارت پیامبر اعظم (صلی الله علیه وآله وسلم)؛ امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: از رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) نقل شده هر که مرا در حیات یا پس از ممات زیارت کند، روز قیامت شفیع اومی شوم. وی خاطر نشان کرد: شیخ عباس قمی (اعلی الله مقامه) برای محبان و ارادتمندانی که امکان سفر به مدینه‌النبی و زیارت قبر حضرت رسول (صلی الله علیه وآله وسلم) را ندارند، زیارتنامه‌ای شریف با سند معتبر ذکر کرده‌اند که به زیارت حضرت رسول (صلی الله علیه وآله وسلم) از بعید معروف است.

هیأت

گزارشی از حضور هیأت رزمندگان اسلام در مناطق زلزله زده هیأت شهدای گمنام ولایت در کرمانشاه

گروه جهادی شهدای گمنام ولایت بعد از مراسم اربعین حسینی و پس از دریافت پیام مقام معظم رهبری (مدظله العالی) با ظرفیت ۷۰۰ نفر جهت خدمت رسانی به مردم زلزله زده غرب کشور در منطقه سر پل ذهاب مستقر شدند و تعداد ۵ چادر ۲۴۰ متری در ستاد گروه نصب و تجهیز شد. همچنین خادمین با مشارکت قرارگاه خاتم الانبیاء مشغول ساخت کانکس برای ساکنین روستاهای مجاور و توزیع ارزاق و پوشاک برای آنها شدند. جهت برگزاری مراسمات و برنامه های فرهنگی، حسینیه شهدای گمنام راه اندازی و مراسمی با حضور مردم منطقه و مداحان مشهور برگزار شد.



راه اندازی حسینیه شهدای گمنام در منطقه سر پل ذهاب



ارسال کانکس اهدائی

شرکت سنگ آهن مرکزی ایران بافق

بنابر توصیه امام جمعه محترم و مساعدت و پیگیری های مدیریت محترم شرکت سنگ آهن مرکزی ایران بافق تعداد ۲۰ عدد کانکس زیست برای زلزله زدگان کشور به ارزش یک میلیارد و چهار صد میلیون ریال به غرب کشور ارسال گردید همچنین کمک های دیگری نیز با همکاری باشگاه آهن از قبیل پتو و پوشاک و مواد خوراکی و وسایل نقلیه جهت انتقال کمک های مردمی صورت گرفته قابل ذکر است تعداد ۵ عدد کانکس دیگر توسط مسئول محترم هیأت نوجوانان عاشورائی هیأت رزمندگان اسلام در حال ساخت هست که هزینه مربوطه از جمع آوری کمک های مردمی صورت گرفته است و ارسال خواهد شد.



توزیع اقلام جمع آوری شده بین مردم در روستاهای زلزله زده حومه سر پل ذهاب

مختصری از اقلام و مبالغ اهدائی هیأت رزمندگان اسلام به زلزله زدگان غرب کشور

ردیف	استان - شهرستان
۱	خوزستان - اهواز
۲	زنجان - ابهر
۳	یزد - بافق
۴	خوزستان - دزفول
۵	گیلان - رشت
۶	گیلان - صومعه سرا
۷	گیلان - انزلی
۸	گیلان - شفت
۹	گیلان - لنگرود
۱۰	مازندران - نکا



اهدایی هیأتی های کرج

هیأت محبان الرضا (علیه السلام)، از کرج یک تریلی به تعداد ۵۰۰ پاکت سیمان پنجاه کیلویی جهت کمک به مردم غیور زلزله زده کرمانشاه ارسال کردند.



لوله کشی سرویس بهداشتی و حمام عمومی



لوله کشی سرویس بهداشتی و حمام عمومی



نصب چادرهای اسکان و آشپزخانه جهت خدمات رسانی به زلزله زدگان



توزیع اقلام جمع آوری شده بین مردم در روستاهای زلزله زده حومه سرپل ذهاب ۲

هیأت

شرح کمک های ارسالی

۱۴۸ اهداء مورد قلم کالا از جمله یخچال، بخاری، پتو، اجاق گاز، ماشین لباسشویی، چادر، مواد خوراکی و بهداشتی به همراه مبلغ ۵۰,۵۰۰,۰۰۰ ریال نقدی

اهداء دو کانکس

اهداء سه کانکس

اهداء سه کانکس

اهداء چراغ والور به ارزش ۱۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال - پتو و البسه به استعداد یک دستگاه وانت

اهداء ۳ تخته فرش - مواد غذایی، پتو و البسه با ارزش ۴۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال

اهداء مواد غذایی به ارزش ۲۸,۰۰۰,۰۰۰ ریال به همراه مبلغ ۷۷,۰۰۰,۰۰۰ ریال نقدی

اهداء پتو - کفش البسه - شیر خشک به ارزش ۴۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال

موکب ستاد عتبات و هیأت شهرستان در حسینیه فاطمه الزهرا سلام... علیها جنب شهرداری گیلان غرب برپا شده و در روستاهای حومه سرپل ذهاب اقلام ذیل توزیع گردیده: ۳ تن برنج، ۷ تن مرغ، ۵۰۰ تخته پتو، ۲ دستگاه تلویزیون، ۲۵ دستگاه بخاری برقی، ۲۰ عدد بخاری نفتی، موکت ۱۵ تخته، فرش ۱۳ تخته، ۲۰۰ دست لباس گرم، چادر بزرگ ۲ عدد و مواد غذایی به ارزش ۵۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال

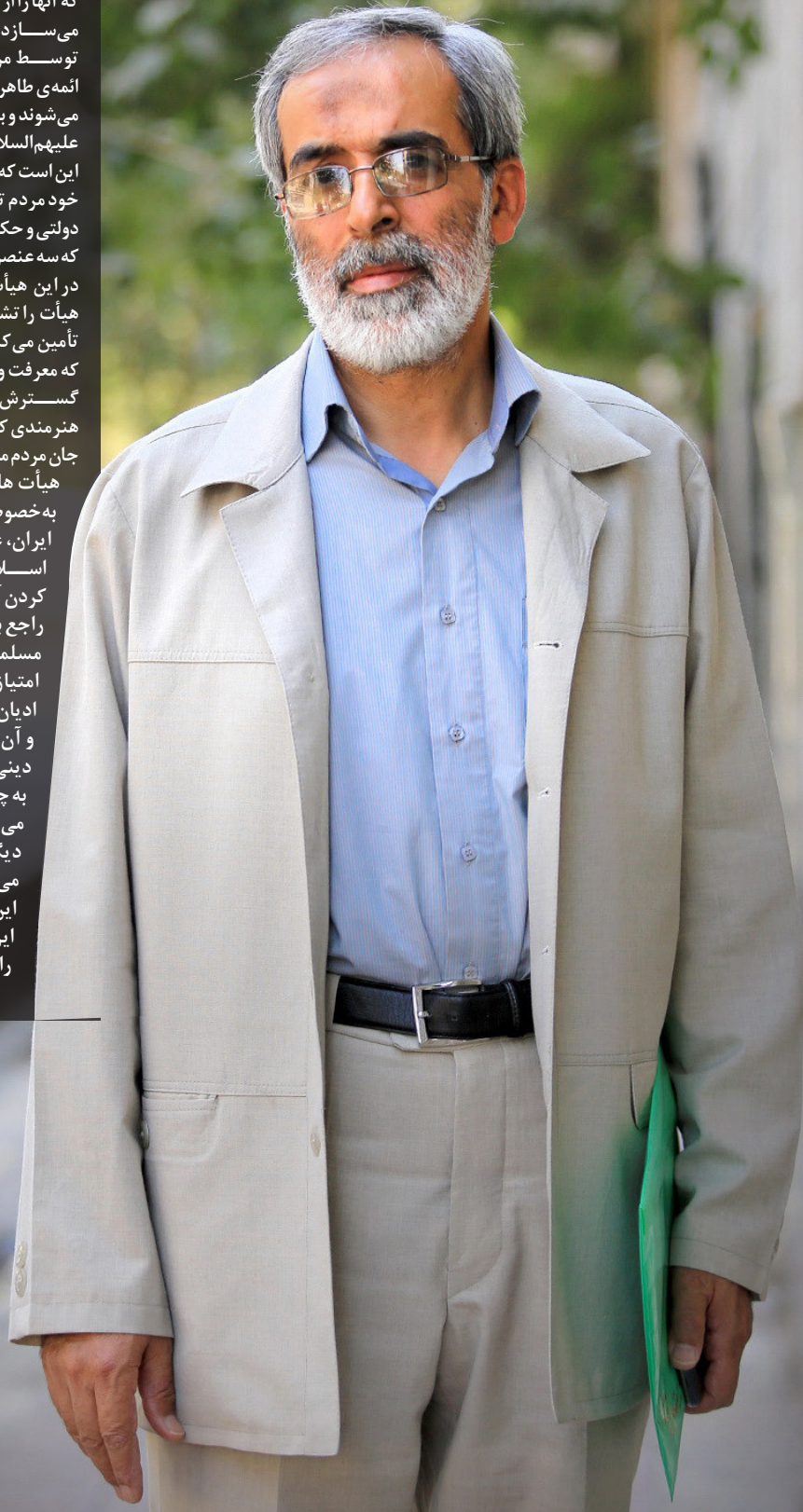
اهداء ۱۲ قلم کالا از جمله برنج، پرتقال، پتو و اقلام بهداشتی، خوراکی و ساختمانی با ارزش ۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال به همراه هزینه ساخت ۸ دستگاه کانکس

لازم به ذکر است هیئت رزمندگان اسلام دیگر هم کمک های مختلفی به مناطق زلزله زده غرب کشور داشته اند که اقلام و مبالغ جمع آوری شده را به مراکز هلال احمر و سپاه تحویل داده اند.

جمعی بر محور عشق

توصیه‌های رهبر انقلاب به هیأت مذهبی به قلم سردار محمدحسین نجات
مسئول هیأت امانا و ستاد مرکزی هیئت رزمندگان اسلام

هیأت‌های مذهبی دارای چند ویژگی هستند که آنها را از سایر تشکلهای جمع‌ها جدا می‌سازد: اولین ویژگی‌شان این است که توسط مردمی که علاقه‌مند به اسلام و ائمه‌ی طاهرین علیهم‌السلام هستند اداره می‌شوند و بر محور عشق به ائمه‌ی طاهرین علیهم‌السلام تشکیل شده‌اند. ویژگی دوم این است که هزینه‌های این هیأت‌ها توسط خود مردم تأمین می‌شود و نه دستگاه‌های دولتی و حکومتی، ویژگی سوم هم این است که سه عنصر «مردم»، «روحانیت» و «مداح» در این هیأت‌ها جمع شده‌اند. «مردم» هیأت را تشکیل می‌دهند و هزینه‌هایش را تأمین می‌کنند، «روحانی» به عنوان کسی که معرفت و محبت به ائمه‌ی علیهم‌السلام را گسترش می‌دهد، و «مداح» هم به عنوان هنرمندی که می‌تواند این محتوا را به دل و جان مردم منتقل کند در هیأت حضور دارد. هیأت‌های مذهبی در طول تاریخ به خصوص در طول تاریخ تشیع در ایران، عامل اصلی گسترش فرهنگ اسلامی در بین مردم و نهادینه کردن آن بوده‌اند. رهبر معظم انقلاب راجع به این موضوع فرموده‌اند: «ما مسلمانان را به خصوص ما شیعیان، امتیازی داریم که دیگر ملیت‌ها و ادیان این امتیاز را به قدر ما ندارند و آن عبارت است از اجتماعات دینی که به شکل روبه‌رو، چهره به چهره، نفس به نفس تشکیل می‌شود که این را در جاهای دیگر دنیا و در ادیان دیگر کمتر می‌شود پیدا کرد. هست؛ نه به این قوت، نه به این وسعت، نه به این تأثیرگذاری و محتواهای راقی.» (۴/۴/۱۳۸۷)



هیأت



۱. فضای هیأت

درباره‌ی فضای جلسات، حضرت آقا معتقدند که باید تلفیقی از عنصر «منطق» و «عاطفه» باشد. ایشان معتقدند اساس حرکت تشیع بر «منطق قوی» و «عواطف» استوار است. یعنی اگر جلسه‌ای باشد که بحث‌های استدلالی آن زیاد باشد، اما بحث‌های محبتی و عاطفی آن کم باشد، این جلسه معمولاً نمی‌تواند مخاطب را جذب خودش کند. افراد معمولاً سراغ جلسه‌ای می‌روند که بخشی از آن استدلال باشد و بخشی هم عاطفه. این امتزاج عاطفه و استدلال همیشه مورد تأکید رهبر انقلاب بوده است. ایشان فرموده‌اند: «اولاً اساس حرکت عمومی تشیع علاوه بر منطق قوی بر عواطف بود. از روز اول تا امروز در کنار عقل، عشق حضور جدی داشت؛ برای همین هم حرکت تشیع نابود نشد یعنی از بین نرفت و الا باید صد مرتبه در امواج متلاطم سیاست‌های متعرض و عنان آلود نابود شده بود. منطق قوی است. یعنی صرف عواطف نیست، اما منطق تنها هم نیست. عواطف هم با آن در آمیخته است. این از آن جاهایی است که عقل و عشق با هم می‌سازد.» (۲۰۷/۱۳۱۸)

۲. منبر

ایشان در جلسه‌ای در جمع فعالان هیأت‌های رزمندگان اسلام درباره‌ی اهمیت و کارکرد منبر در هیأت فرمودند: هیأت‌های مذهبی باید کلاس درس باشند. یعنی این طور می‌فرمایند که اگر کسی ۱۰ جلسه یا یک دهه رفت پای منبری نشست، آخر دهه احساس کند یک مطلب را فهمیده است. مثلاً فهمیده باشد که خواص و عوام عاشورا چه کسانی بودند و چه موضوعاتی موجب شد تا عده‌ای در برابر امام معصوم علیه‌السلام قرار بگیرند و او را به شهادت برسانند. لذا ایشان در مورد بحث منبر می‌فرمایند که عزاداری را واقعاً به معنای حقیقی کلمه باید به صورت کلاس درس در بیاوریم. این حالت را ما الان کم می‌بینیم، به خصوص در هیأت‌ها کم مشاهده می‌شود. این جزو نقص‌های کار کنونی کشور ما است. این همه مجالس عزا و این همه مناسبت‌های مربوط به وفات و شهادت و مولود ائمه علیهم‌السلام که اجتماعات مردم را به صورت طبیعی به وجود می‌آورد یک فرصت بسیار بزرگی است و فرمودند از این فرصت‌ها باید شما استفاده کنید. (۲/۸/۱۳۸۶)

۳. هیأت نباید سکولار باشد

در جلسه‌ای که سال گذشته اعضای ستاد مرکزی هیأت رزمندگان اسلام خدمت حضرت آقا رسیدند، بنده صحبت کردم و اشاره داشتم که ما در هیأت‌ها به شعرا و سخنرانان خودمان گفتیم که باید به دغدغه‌های نظام اسلامی که دغدغه‌ی مردم هم هست پرداخته شود و از این جلسات باید برای بصیرت‌افزایی استفاده شود. ایشان هم بعداً در خلال صحبت خود به همین موضوع اشاره کردند و فرمودند: «یک نکته هم همین مطلبی است که آقای نجات اشاره کردند که درست هم هست. هیأت‌ها نمی‌توانند سکولار باشند؛ هیأت امام حسین سکولار ما نداریم! هر کس علاقه‌مند به امام حسین است، یعنی علاقه‌مند به اسلام سیاسی است، اسلام مجاهد است، اسلام مقاتله است، اسلام خون دادن است، اسلام جان دادن است؛ معنای اعتقاد به امام حسین این است. این که آدم در یک مجلس روضه یا هیأت عزاداری مراقب باشد که نبادا وارد مباحث اسلام سیاسی بشود، این غلط است.»

یعنی هیأت این نیست که به سیاست کاری نداشته باشد؛ چون بعضی سخنران‌ها عادت کردند که می‌گویند ما سیاسی نیستیم. رهبر انقلاب معتقدند این عبارت، عبارت صحیحی نیست. ایشان فرموده‌اند: «یکی از خصوصیات ائمه‌ی طاهریین این بوده که همه‌ی آن‌ها مبارزین و مجاهدین فی سبیل الله بودند. یکی از ائمه‌ی طاهریین را سراغ ندارید که این‌ها در موضع مجاهدت و مبارزه قرار نداشته باشد.» (۲/۸/۱۳۸۲)

این آموزه و این خط همان عاملی است که موتور محرکه‌ی شیعه را به کار انداخته است و ما بعد از ۱۳۰۰ سال از ظهور اسلام، شاهد هستیم پرچم شیعه در مناطقی از جهان اسلام بلند شده و این مسأله باعث عصبانیت سیاسیون، متعصبین و متحجرین منطقه و جهان شده است. ما قبل از انقلاب با تمسک به همین آموزه‌ها مبارزه می‌کردیم. شهادت‌طلبی‌ها و مبارزه‌ی ما با طاغوت از همین منبرها شروع شد. یعنی این که حضرت امام رحمه‌الله عصر روز عاشورای سال ۴۲ تشریف می‌برد به مدرسه‌ی فیضیه و آن منبر معروف خود را می‌روند و خطاب به شاه می‌گویند که ای جناب شاه، من به تو نصیحت می‌کنم، دست از این اعمال و رویه بردار، من میل ندارم که اگر روزی ارباب‌ها بخواهند تو بروی، مردم شکرگزار می‌کنند؛ من نمی‌خواهم تو مثل پدرت بشی و شروع می‌کنند به شاه نصیحت کردن. بنابراین حضرت امام در برهه‌های مختلف از عاشورا و تاسوعا و اربعین و محرم و صفر استفاده کردند برای پیروزی نهضت علیه رژیم. این یعنی هیأت سیاسی. همچنین پس از پیروزی انقلاب هم ما از این ظرفیت استفاده کردیم. یعنی مادر دفاع مقدس با تمسک به مبارزه و شهادت‌طلبی ائمه علیهم‌السلام بود که رزمندگان خودمان را تشویق می‌کردیم؛ رزمندگان ما با سربندهای «یا فاطمه‌الزهره» و «یا حسین» به جبهه‌ها رفتند و در آن جا هم می‌گفتند که ما می‌خواهیم همان طور که امام حسین علیه‌السلام شهید شد، ما هم شهید بشویم. پس معرفت‌زایی و شناسخت باید از مهمترین کارکردهای هیأت باشد. یکی از مهم‌ترین کارها این است که به مردم بگوییم «هویت حسینی» و «هویت یزیدی» در دوران حاضر مربوط به چه کسانی است. چنانچه رهبر انقلاب فرموده‌اند: «فهمیدن قضیه‌ی عاشورا فقط در تاریخ نیست، در هر زمانی باید دید عناصر تشکیل‌دهنده‌ی هویت یزیدی کجا پیدا می‌شود؟ آن‌گاه در مقابلش باید عناصر تشکیل‌دهنده‌ی هویت حسینی را به میدان آورد. منبر باید انسان‌ساز باشد، اندیشه‌ساز باشد، روضه و نوحه و سینه‌زنی باید فضا را از مسائل زنده‌ی حسینی، معرفت و آگاهی پر کند.» (۲۳/۱/۱۳۸۷)

۴. مداح هیأت

راجع به مداحی به‌طور کلی نظر رهبر انقلاب این است که اگر محتوای شعر و نوع خواندن آن مداح هنرمندانه باشد بعضاً تأثیرش از دو یا سه منبر هم بیشتر است. بارها ایشان در صحبت‌های خود فرموده‌اند که مداح باعث «معرفت‌افزایی» به افراد می‌شود. ایشان مداحی را «جوشاندن چشمه‌های عواطف در دل‌ها» می‌دانند: «مداحی، معرفت‌افزایی است. مداحی، پراکندن معرفت و حکمت و امید و عقیده‌ی راسخ است. مداحی، جوشاندن چشمه‌های عواطف در دل‌ها است؛ با استفاده از هنر شعر، هنر آواز، هنر اجرا.» (۱۱/۲/۱۳۹۲)

یک موقع یک فردی راجع به واقعه‌ی کربلا داستانی می‌گوید که داستانش، هم خیلی زیبا و هم خیلی حزن‌انگیز است؛ آن فردی هم که می‌شنود متأثر می‌شود؛ اما یک فرد دیگری می‌آید همین داستان زیبا را تبدیل به فیلم یا تئاتر یا یک اثر هنری می‌کند و آن وقت خیلی اثر می‌گذارد بر قلوب انسان‌ها؛ اثری که درازمدت است. کار مداح هم مانند کار یک هنرمند است که یک موضوع را با استفاده از نوا و صدای خوش و هنرمندانه به مخاطب عرضه می‌کند که موجب اثرگذاری بیشتر آن می‌شود. رهبر انقلاب در یک جایی فرموده‌اند: «در کار مداحی شما چند چشمه‌ی هنری وجود دارد: شعرتان هنر است؛ صدایتان هنر است؛ آهنگی که انتخاب می‌کنید، هنر است؛ اشارات و کارهایی که انجام می‌دهید، هنر است.» (۱۹/۷/۱۳۷۷) لذا می‌گویند در مداحی، شعر خوب و هنرمندانه خواندن بسیار مهم است.

۵. اشعار مداحی

راجع به بحث شعر، حضرت آقا می گویند شعری را قبول داریم و می گوئیم که این شعر برای مجلس امام حسین علیه السلام خوب است که واجد چند خصوصیت باشد. فرموده اند شعر باید «محکم»، «قوی»، «خوش مضمون» و «قانع کننده» باشد. شعر شما باید خوب، محکم، قوی، خوش مضمون و قانع کننده باشد. گاهی قصیده‌ای که شما می خوانید، به اندازه‌ی چند منبر یک منبری خوش بیان تأثیر می گذارد. گاهی یک بیت شعر بجا به قدر یک کتاب قیمت دارد. اینها آسان و مجانی به دست نمی آید. انسان باید زحمت بکشد، کار و تلاش کند، شعر خوب را بیابد، آن را حفظ کند و بخواند.» (۱۹/۷/۱۳۷۷)

درباره‌ی خصوصیت دیگر شعر فرموده اند که باید دارای مفاهیم اسلامی باشد و صرف قشنگ و جذاب بودن کفایت نمی کند. مثلاً بعضی از اشعاری را که مداحان می خوانند قشنگ است و آدم خوشش می آید، اما هیچ مفهوم اسلامی همراهش نیست. افراد هم می آیند و همراهش گریه می کنند اما معرفتی در آن نهفته نیست. به همین دلیل ایشان فرموده اند: «یکی از چیزهایی که باید در این اشعار باشد، عبارت از مفاهیم بلند اسلامی - مثلاً در باب توحید یا نبوت - است. بهترین اشعار قدما در باب توحید و نبوت، همین مدایحی است که شعرای بزرگ ما در مقدمه‌ی دیوان‌ها و مثنوی‌هایشان ذکر کرده اند و گفته اند.» (۲۸/۱۰/۱۳۶۸)

۶. سبک و آهنگ مداحی

درباره‌ی سبک‌هایی هم که مداحان برای سرودها و نوحه‌های خود در ایام ولادت و شهادت انتخاب می کنند نیز ایشان توصیه‌ها و نکاتی دارند. اولین نکته‌ای که ایشان راجع به سبک روی آن تأکید دارند، «توجه به موسیقی اصیل ایرانی» است؛ ایشان معتقدند بسیاری از گوشه‌های موسیقی ایرانی برگرفته از مرثیه‌ها و مداحی‌ها است. یعنی بسیاری از موسیقی‌هایی که الان مرسوم است و آهنگسازان ما در دستگاه‌های مختلف می سازند، برگرفته از مرثیه‌های مداحی‌های قدیمی در ایران است. بنابراین مداحان می توانند از این موسیقی اصیل سنتی ایران که اتفاقاً دارای تنوع زیادی هم هست برای ساخت سبک‌ها و آهنگ‌های خود استفاده کنند: «ما در قدیم از زبان موسیقی دان‌های معروف شنیده بودیم که می گفتند موسیقی اصیل ایرانی را نوحه خوان و شبیه خوان‌ها حفظ کرده اند؛ موافق خوان، مخالف خوان، علی اکبر خوان، قاسم خوان. هر کدام یک دستگاهی را به اینها می دادند که باید در آن دستگاه بخوانند. این موجب شد که موسیقی نانوشتی ایرانی - که نه نت داشت، نه نوشته داشت و نه چیز دیگری داشت - بتواند برسد به دست کسانی که اینها را با نت و شیوه‌های جدید بتوانند ثبت و ضبط کنند.» (۱۴/۴/۱۳۸۶)

نکته‌ی بعدی «برهیز از تقلید غلط از سبک‌های غربی» است. ایشان معتقدند از سبک‌های غربی باید پرهیز شود و در جاهای مختلفی بر این موضوع تأکید کرده اند: «خواننده‌ی جلسه‌ی مداحی، ناگهان بیاید آهنگ‌های اروپایی را - آن هم به شکل غلط و نابلد بنا کند خواندن؛ سبک‌هایی که فرض کنید حالا فلان خواننده‌ی غربی یا مقلد عرب آن غربی یک وقتی خوانده، ما این را از او یاد بگیریم و بنا کنیم خواندن! که قبل از انقلاب هم متأسفانه همین کارها را کردند. موسیقی اصیل ایرانی را که می توانست نوع حلال هم داشته باشد - البته همان موسیقی اصیل، یک نوعش هم حرام است؛ فرقی بین ایرانی و غیر ایرانی نیست - همان را هم ضایع کردند. البته بعد از انقلاب بهتر شد؛ اما حالا مثلاً مداح یا خواننده‌ی ما بیاید در رادیو و تلویزیون به تقلید - آن هم غلط - آهنگ غربی یا آهنگ مجلس لهورا در مجلس ایمان و در مجلس معنویت تکرار کند، این درست نیست؛ این غلط است.» (۱۴/۴/۱۳۸۶)

به همین دلیل هم ایشان به مداحان توصیه می کنند که خودشان آهنگ بسازند: «خودتان آهنگ بسازید. این همه ذوق و این همه هنر وجود دارد. یقیناً در جمع علاقه‌مندان به این جریان کسانی هستند که می توانند آهنگ‌های خوب مخصوص مداحی بسازند؛ آهنگ عزا، آهنگ شادی.» (۵/۵/۱۳۸۴)

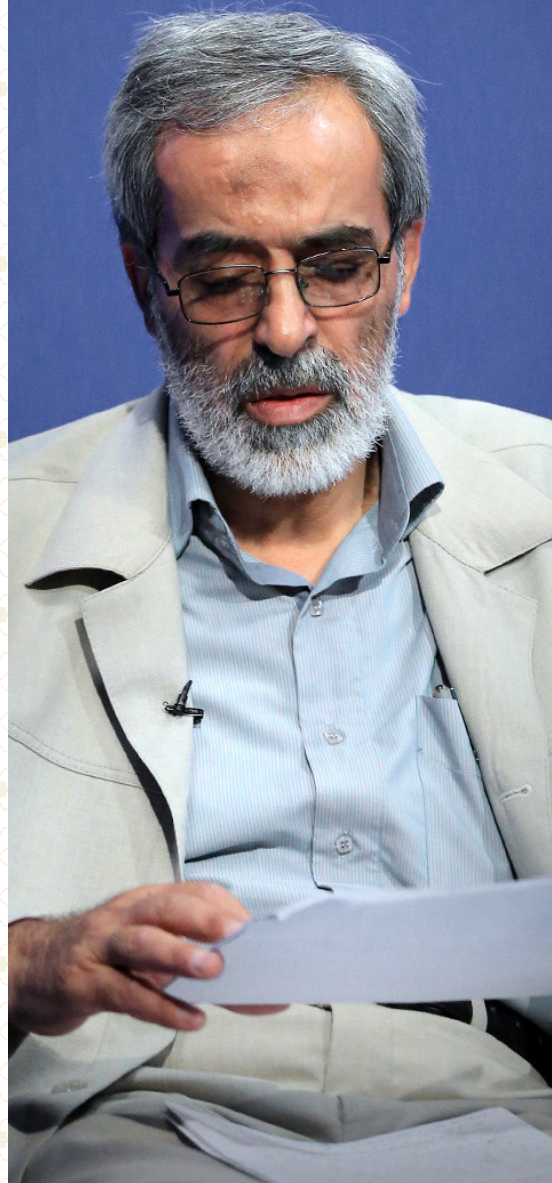
■ توصیه رهبر انقلاب درباره مراسم حسینی امام خمینی (ره)

حضرت آقا درباره‌ی جلسات حسینی چند نکته را هم تذکر داده اند؛ مثلاً این که گفته اند چون مردم از یکی دو ساعت قبل از شروع جلسه به این جا می آیند و می نشینند، برنامه‌ها طوری تنظیم شود که وقت مردم تلف نشود. به همین خاطر دفتر مقام معظم رهبری برنامه‌ی نمازهای ظهر و عصر ماه مبارک رمضان را این گونه تنظیم کرده که از یک ساعت قبل از اذان ظهر برنامه‌ی قرائت قرآن شروع شود. یاد در ایام محرم و فاطمیه، آقای فلاح زاده از نیم ساعت قبل از اذان می آیند و مسائل شرعی را مطرح می کنند. این باعث می شود که وقت مردم بیهوده نگذرد.

■ در جلسات کتاب بخوانید

ایشان یکبار خودشان به من فرمودند که در این جلساتی که دارید، بعضی از کتاب‌های خوب را بیاورید و از روی آنها برای حضاران بخوانید. حالا ممکن است این کتاب‌ها خاطرات رزمندگان باشد یا غیره. این باعث می شود که افراد به کتاب خواندن عادت کنند. چون مردم عموماً عادت ندارند به کتاب خواندن. ما هم با توجه به همین مسأله در جلسات خودمان، بعضاً این کار را انجام دادیم.

شعر مداحی باید دارای مفاهیم اسلامی باشد و صرف قشنگ و جذاب بودن کفایت نمی کند. مثلاً بعضی از اشعاری را که مداحان می خوانند قشنگ است و آدم خوشش می آید، اما هیچ مفهوم اسلامی همراهش نیست. افراد هم می آیند و همراهش گریه می کنند اما معرفتی در آن نهفته نیست



ویژہ نامہ شہادت
حضرت معصومہ سلام اللہ علیہا



ہیات



نگاهی به زندگی
دختر امام موسی کاظم
علیه السلام در گفت و گو با
حجت الاسلام جعفر واضحی

لطف باباهاست

معمولاً به دختر بیشتر

| مرضیه یوسف اقدم

هیأت

بهشتی می‌شوند؛ این نظر امام صادق (علیه السلام) پیرامون حضرت معصومه (سلام الله علیها) است. در میان امامزاده‌ها سه یا چهار نفر هستند که زیارتنامه هایشان از معصوم (علیه السلام) صادر شده است، حضرت معصومه (سلام الله علیها) از معدود امامزادگانی است که زیارتنامه شان از امام رضا (علیه السلام) صادر شده است. کسی که امام رضا (علیه السلام) می‌گویند در حرم اش اینگونه به او سلام بده که بگو "یا فاطمه اشغعی لی فی الجنة"، فاطمه مرا روز قیامت در بهشت شفاعت کن، آیا این دلیل بر جایگاه ویژه حضرت معصومه (سلام الله علیها) نیست؟! شما به هر بعدی از زندگی حضرت معصومه (سلام الله علیها) نگاه کنید می‌بینید ایشان مثل نگینی میان فرزندان امام کاظم (علیه السلام) می‌مانند و در میان امامزادگان نیز جزورده‌های بالای فرزندان ائمه (علیه السلام) هستند.

یکی از القاب‌ی که حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) به ایشان داده‌اند "محدثه" بوده، دلیل انتخاب این لقب چیست؟

در روایات ماعنوانی داریم تحت عنوان محدث یا محدثه، یکی از ویژگی‌های مهم ولی خدا از جمله انبیاء و ائمه (علیه السلام) این است که باید محدث باشند یعنی اینکه از عالم بالا به او خبر بدهند؛ آنچه که در عالم اتفاق می‌افتد و به تعبیر صریح‌تر و روشن‌تر محدث یعنی کسی که ملائکه با او در ارتباط هستند و با او صحبت می‌کنند، پیغمبر (ص) فرمود: جانشینان من همگی محدث هستند یعنی ولی خداوندی تواند کسی باشد که ملک با او حرف زند زبیرا ولی الله باید نسبت به آینده یعالم اطلاعات داشته باشند، نسبت به جهان آفرینش اطلاعات داشته باشند، اگر ملائکه با او سخن نگویند نمی‌تواند اطلاعات کسب کند، به تعبیر دیگر علم او به علم الهی متصل است. حضرت زهرا (سلام الله علیها) هم محدثه است و هم محدثه یعنی به مقامی رسیدند که هم ملائکه با ایشان صحبت می‌کردند و هم ایشان با ملائکه صحبت می‌کردند. محدثه می‌گویند برای اینکه ملائکه با ایشان صحبت می‌کردند، محدثه می‌گویند زیرا ایشان با ملائکه حرف می‌زدند. خیلی از اولیا خدا فقط ملائکه با آنها صحبت می‌کردند.

شاید برای شما هم پیش آمده که دلناتن خیلی گرفته باشد، آن قدر که حتی تحمل ماندن در شهرتان را هم ندارید. اما برای رفع این دلناتن چکار می‌کنید؟ شاید یکی بگوید سر به کوه و دشت و بیابان می‌گذارم اما سؤال می‌کنم واقعا حالتان خوب می‌شود؟ آیا درونتان هنوز خلایع عجیب را حس نمی‌کنند که با دیدن هیچ کوهی پر نمی‌شود؟ برای خیلی‌ها این اتفاق افتاده است اما جای حرکت به سمت کوه به سمت نوری در قلب کویر مرکزی ایران سرازیر شده‌اند. جایی که اولیا و اوصیای خدا به آن نظر دارند؛ شهر مقدس قم. شهری که مرقد بزرگ بانوی عالم تشیع را در خود جای داده است تا مردمی شود بد دل خسته مسافران و دلدادگان به حضر تش. اما چقدر این بانوی بزرگ را می‌شناسیم و به زندگی ایشان واقفیم؟ برای آشنایی بیشتر با زندگی دختر موسی بن جعفر (علیه السلام) سراغ حجت الاسلام و المسلمین جعفر واضحی آشتیانی، کارشناس مذهبی آمدیم تا ببینیم آن بانوی بزرگ چطور زندگی می‌کردند و این همه ارادت به ایشان از کجا سر چشمه می‌گیرد.

هر سه راه می‌توانید به شخصیت حضرت معصومه (سلام الله علیها) پی ببرید. اولاً از خودشان اینکه محل مراجعه زن‌ها بودند برای پاسخ به سؤال‌های شرعی آنها، وقتی مادر تاریخ می‌بینیم که امام کاظم (علیه السلام) یا امام رضا (علیه السلام) پاسخ به سؤالات رابه حضرت معصومه (سلام الله علیها) ارجاع می‌دادند، یعنی اینکه این شخص کسی است که خداوند به او عنایت کرده و چیزهایی را می‌داند که دیگران بلد نیستند، لذا اگر شما در زندگی شخصی خود حضرت معصومه (سلام الله علیها) دقت کنید می‌بینید که ایشان از لحاظ اخلاقی، از لحاظ علمی و تواضع، ادب، حیا و عفت حتی میان برادر و خواهر هایش زبازند بوده‌اند، اینکه می‌گوییم ایشان از مدینه به خراسان حرکت کردند، در مسیر یکسری از خواهر که برادرهای ایشان هم همراهشان بوده‌اند، اما آنهایی که همراه حضرت معصومه (سلام الله علیها) بودند مطرح نبوده‌اند و محور این اجتماع حضرت معصومه (سلام الله علیها) بوده‌اند، وقتی محور ایشان بودند یعنی یک جایگاه ویژه‌ای میان برادر و خواهر هایشان داشته‌اند، مثل حضرت زینب (سلام الله علیها) کسان دیگری که در کربلا بودند نیز مقام و منزلتی داشته‌اند اما جایگاه حضرت زینب (سلام الله علیها) یک جایگاه ویژه‌ای بوده است. امام صادق (علیه السلام) که پدر بزرگ حضرت معصومه (سلام الله علیها) هستند نیز وقتی که عده‌ای از ایرانی‌ها خدمت ایشان رسیدند ایشان فرمودند درود به برادرانمان در قم که در قم پاره تن موسی بن جعفر (علیه السلام)، دختری از مادر آنجادی می‌شود که نامش فاطمه است و مورد تکریم است و تمام شیعیان به واسطه او

لطفاً در ابتدا مروری کلی بر زندگی حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) داشته باشید.

حضرت معصومه (سلام الله علیها) از فرزندان آقا امام کاظم (علیه السلام) هستند، حضرت کاظم (علیه السلام) در میان اسناد تاریخی کهن، بین ۳۷ تا ۴۲ فرزند داشته‌اند، حدود ۱۸ یا ۱۹ پسر و حدود ۱۸ یا ۱۹ دختر داشته‌اند. حضرت معصومه (سلام الله علیها) از جمله درخشان‌ترین فرزندان امام کاظم (علیه السلام) بوده‌اند که با حضرت رضا (علیه السلام) از پدر و مادر یکی هستند، ایشان در روز یکم ذی القعدة سال ۱۷۳ قمری متولد شده‌اند و در روز دهم ربیع الثانی سال ۲۰۱ قمری یعنی ۲۸ ساله بودند که در قم از دنیا رفته‌اند، که بر اساس برخی منابع تاریخی ایشان را مسموم کردند و به شهادت رسانده‌اند.

جایگاه حضرت معصومه (سلام الله علیها) در میان اعضای خانواده چگونه بود و چه شأن و منزلتی داشتند؟

از یکسری شواهد و قراین معلوم می‌شود که جایگاه ایشان، هم در بین خانواده و هم در بین جامعه دینی یعنی بین شیعیان یک جایگاه ویژه‌ای بوده است، اما شما به طور کلی هر شناختی که بخواه‌ی از کسی پیدا بکنی، حداقل سه راه دارد که یکره‌اش این است که در رفتارهای شخصی از فرد دقت بکنی، به نوع رفتار، نوع نگاهش، ادبش در کلام، یک راهش این است که از کسانی که به او نزدیک هستند بپرسی مانند دوستان و برادر و خواهر هایش، یک راهش هم این است که از بزرگان یک جامعه، یک محل سؤال بکنی. شما از



وقتی این لقب به حضرت معصومه (سلام الله علیها) دادند یعنی ای مردم ولو اینکه حضرت معصومه (سلام الله علیها) جانشین پیغمبر (ص) نیست اما به خاطر ویژگی های درویشان مثل حیا و عفت و پاکدامنی ایشان، تواضع و عبادت و اطاعتشان در برابر پروردگار، خداوند او را به مقامی رسانده است که ملائکه با او سخن می گویند.

رابطه حضرت معصومه (سلام الله علیها) با پدر بزرگوارشان به چه صورتی بود؟ آیا اطلاعات تاریخی خوبی در این باره وجود دارد؟

متأسفانه حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) چندین بار زندانی شدند. حضرت معصومه (سلام الله علیها) زمانی که پدرشان به شهادت رسیدند ۹ سال بیشتر نداشتند. هم سنشان پایین بوده است و هم اینکه حضرت موسی (علیه السلام) به دلیل زندانی شدن فراوان ارتباطشان با فرزندان بسیار کم بوده است لذا خاطراتی که حضرت معصومه (سلام الله علیها) از پدرشان داشتند و یا ویژگی هایی که حضرت موسی (علیه السلام) درباره ی حضرت م عصومه (سلام الله علیها) گفته اند زیاد نبوده است و در تاریخ ثبت نشده است. بیشتر حشر و نشر حضرت معصومه (سلام الله علیها) با برادرشان یعنی امام رضا (علیه السلام) بوده است، ارتباط عاطفی، ارتباط اخلاقی، ارتباط دینی و علمی ایشان بیشتر با امام رضا (علیه السلام) بوده است.

مراتب علمی حضرت معصومه (علیه السلام) بسیار مورد توجه است، ایشان مراتب علمی خود را تا چه مرحله ای و نزد چه اشخاصی گذرانده اند؟

این ها چون جزو خاندان وحی بوده اند لذا بعضی هایشان مثل حضرت فاطمه معصومه، مثل حضرت زینب (سلام الله علیها) نرفتند یک سری رتبه های علمی را کسب کنند بلکه یکسری زمینه های معنوی در شان موج می زد، این زمینه ها باعث شده بود که از محضر پدرانشان در منزل استفاده کنند. اصلاً در زمان حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) اختناق شدیدتری هست، این اختناق اجازه خیلی فعالیت ها را نمی داد اما کسی مثل حضرت معصومه تا ۹ سالگی ایشان که پدرشان حضور داشتند، آن زمانی که پدر بودند از محضر ایشان بهره بردند و از آن به بعد بیشتر از محضر امام رضا (علیه السلام) بهره مند شدند، منتها آن بهره مندی مانند آموزش های مرسوم مان بود، بلکه آنها آموزشی معنوی و الهی می دیدند، فلذا اگر شما زیارتنامه حضرت معصومه (سلام الله علیها) و نظراتی که ائمه درباره ایشان داده اند را ببینید همه به مقامات معنوی و ملکوتی حضرت معصومه (سلام الله علیها) بر می گردد، ایشان علمی از نوع العلم نور داشته اند یعنی علمی از جنس معنویت و عرفان، حضرت معصومه (سلام الله علیها) از آن علم چنان بهره مند شد که به چنین جایگاه و مقامی رسیدند.

چه آثار مهمی از ایشان به جای مانده است؟

مهم ترین اثر ایشان قبر مطهرشان است که منبع نور است، یعنی آثار معنوی از ایشان به جای مانده است، جایگاه معنوی ای که ایشان در نظام هستی پیدا کرده اند، مثلاً زیارتنامه ایشان معرف شخصیت معنوی ایشان است، شما در ابتدای زیارت نامه به پنج پیغمبر سلام می دهی ولی این سلام ها غیابی است یعنی پیغمبرها اینجا نیستند و غایب اند، اما وقتی به پیغمبر اکرم (ص) و ائمه (علیه السلام) می رسد شما همه ی سلام ها را خطاب می دهی، می گویی السلام علیک یا رسول الله،

نقش حضرت معصومه (سلام الله علیها) در رساندن پیام و سخنان امام رضا (علیه السلام) و برآنت ایشان از ظلم و جور حکومت به چه صورت بوده است؟

حضرت معصومه (سلام الله علیها) تا زمانی که امام رضا (علیه السلام) در مدینه حضور داشتند، تنویر افکار عمومی در مجالس زنانه می کردند این در حالی بود که آن قدر اختناق شدید بود که نمی گ داشتند آشکارا جلسهای صورت بگیرد فلذا حضرت تبلیغ چهره به چهره می کردند و زن ها دوتا دوتا با ایشان رفت و آمد می کردند، اما هنگامی که حضرت رضا (علیه السلام) به خراسان آمدند و ایشان که قصد داشتند از مدینه به زیارت برادرشان بیایند، یک عده ای با ایشان همراه شدند، اگر این همراهی بوی سیاسی و مبارزه نداشت برای چه دشمنان کاروان ایشان را محاصره و قلع و قمع کردند، همین حرکت نشان می دهد که حضرت معصومه نسبت به مسائل اجتماعی روز، نسبت به مبارزه با ظلم دغدغه داشتند، و اینکه برخی بر اساس منابع مستند گفته اند که حضرت معصومه (سلام الله علیها) مسموم شده اند، این مسمومیت به دلیل همان مبارزه ایشان با ظلم بود.

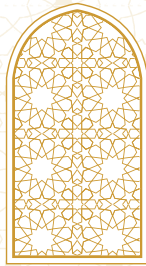
دلایل از دواج نکردن حضرت معصومه (علیه السلام) چه بوده است؟

یکی به دلیل اختناق شدید جامعه، خیلی ها جرئت خاستگاری رفتن را نداشتند اما یک دلیل دیگر هم علاوه بر این که افراد خوب به علت این فضای اختناق اقدام نمی کردند، این بوده است که افرادی هم که اقدام می کردند هم کفو و شایسته ی آن حضرت نبودند.

سخنان ائمه (علیه السلام) در رابطه با شأن حضرت معصومه (سلام الله علیها) و جایگاه زیارت آن حضرت در قم به چه صورت بوده است؟

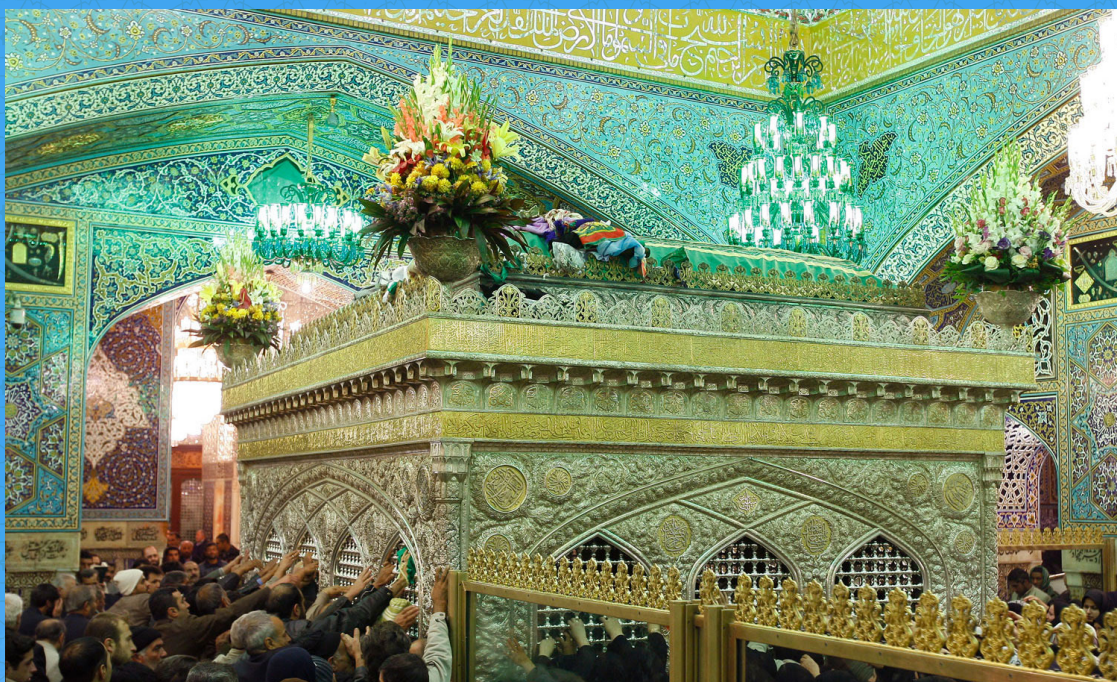
سه امام معصوم نظرات ویژه ای در مورد زیارت حضرت معصومه (سلام الله علیها) داده اند، اول امام صادق (علیه السلام) فرمودند: حضرت معصومه (سلام الله علیها) شأنی دارند که همه شیعیان به واسطه ی او شفاعت می شوند اما در روایت دیگری دارند که هر کسی که فاطمه معصومه (سلام الله علیها) را با معرفت زیارت بکند، او زمینه ورود به بهشتش تضمین می شود. دیگری امام رضا (علیه السلام) هستند که لقب معصومه را ایشان به خواهرشان داده اند که فرمودند: هر کس بخواهد معصومه را در قم زیارت بکند مثل این است که مرا زیارت کرده است اما خود امام رضا (علیه السلام) هم فرموده اند که کسی که حضرت معصومه (سلام الله علیها) را با معرفت زیارت بکند، زمینه ورود به بهشتش فراهم می شود و یکی هم امام جواد (علیه السلام) هست که فرموده اند هر کسی عمه ی من را در قم زیارت بکند، بهشت بر او واجب می شود. البته باید توجه داشت آن زیارتی که معرفت به شما بدهد می تواند شمارا بهشتی کند.

این ها چون جزو خاندان وحی بوده اند لذا بعضی هایشان مثل حضرت فاطمه معصومه، مثل حضرت زینب (سلام الله علیها) نرفتند یک سری رتبه های علمی را کسب کنند بلکه یکسری زمینه های معنوی در شان موج می زد، این زمینه ها باعث شده بود که از محضر پدرانشان در منزل استفاده کنند



هیات





گفتگو با حجت الاسلام و المسلمین جواد زمانی، شاعر آیینی

نمی از دریای شعر

انداظهری |

هیأت

زبان شعر و با احتساب وزن و قافیه به رشته تحریر در آورد. در این باره با حجت الاسلام والمسلمین جواد زمانی، از شاعران آیینی مذهبی گفتگویی کردیم که در ادامه می خوانید.

تحت تأثیر قرار دادن روحیه دینی و مذهبی مسلمانان است. اما یک شاعر آیینی و مذهبی به طور قطع تفاوت هایی با شاعران معمولی دارد و باید با اشرافی که بر رویدادهای دینی و مذهبی دارد، بتواند گوشه های مختلف را به

در مناسبت های مذهبی اعم از محرم و صفر، میلادها و شهادت ائمه اطهار و بزرگان دین، معمولاً مداحان اقدام به خواندن اشعار و نوحه های مذهبی می کنند که هدف اصلی آنها آشنایی مخاطبان با بخشی از تاریخ و نیز

دارد. یکی معارف اسلامی و دیگری معارف ادبی و شعری و شاعر باید همه اینها را با هم داشته باشد. یعنی اگر شاعر آیینی جوان ما بخواهد رشد کند، هم باید به منابع ادبی تسلط فراوان داشته باشد، اعم از وزن و عروض و صنایع ادبی و شعر پیشینیان ما از قرن سه و چهار تا به امروز. یک دوره اعم مهم ترین کتاب های شعر را مطالعه کرده باشد و در آنها دقت کرده باشد، از شعر عرفانی اطلاع داشته باشد، از گونه های دیگر شعری مثل شعر سیاسی، شعر اجتماعی، شعر تغزلی و غزلی اطلاع داشته باشد و آثار را مطالعه کرده باشد و خود اینها کمک می کند که قریحه شعری فرد رشد پیدا کند. دوم بحث معارف اسلامی است. آشنایی با تاریخ اسلام، آشنایی با سیره معصومان، آشنایی با قرآن کریم و تفاسیر قرآن کریم و آشنایی با احادیث معصومین، آشنایی با کتب عرفانی و آشنایی با آثار عرفا، آشنایی با فلسفه اسلامی و آثار حکما، آشنایی با مقوله های دینی و تاریخ معاصر و به شکلی آشنایی با معرف انقلاب اسلامی و همه اینها از نیازهای شاعر آیینی امروز است.

شعرهای خوبی تولید کرده اند.

آقای زمانی به نظر شما شعر

هیأتی با شعر آیینی فرق می کند؟

من خیلی تفکیکی بین شعر آیینی و شعر هیأتی ندارم. هیأت یک مکان است برای برگزاری مراسم شعاعری و آیینی و به نظر من این دو مقوله در واقع، در هم منفک هستند و با هم تعامل دارند و به واقع می توان گفت شعری که در هیأت ها خوانده می شود، محصول شعر آیینی است و خیلی هم در نام گذاری شعر به شعر دینی و آیینی یا اسم های دیگر دعوایی نداریم. حالا امروز مرسوم شده که به این نوع شعر می گویند شعر آیینی. مهم بحث محتوای شعر آیینی است که باید سعی کنیم که با توجه به این که در انقلاب اسلامی در عرضه های مختلف رشد ایجاد شده، در عرصه شعر آیینی هم رشد فراوانی داشته باشیم.

اگر جوانی استعداد شعر داشته

باشد از کجا باید شروع کند؟ سراغ چه منابعی برود؟ از چه اساتیدی باید بهره ببرد؟ به نظر من این کبوتر شعر آیینی دو بال

اگر بخواهیم تعریف درستی

از شعر آیینی داشته باشیم از نظر شما چیست؟

به نظر من همان طور که از اسم شعر آیینی مشخص است، هر چیزی که در دایره آیین، دین و شریعت قرار می گیرد به یک شکلی مربوط به حوزه شعر آیینی است و شعر آیینی اعم از شعر توحیدی، اشعاری که مرتبط است با زندگی و سیره معصومین (علیه السلام)، الهی نامه ها، اشعار توسلی، اشعار نیایشی، همه اینها در دایره شعر آیینی قرار می گیرند. همچنین اشعاری که در واقع، بخشی از آنها مربوط به موضوعات صدر اسلام است و البته مرتبط با روزگار و موضوعات روزگار ما هم هست، اینها همه در دایره شعر آیینی قرار می گیرند. بنابراین، حوزه های شعر آیینی بسیار گسترده و متنوع است و در روزگار ما هم شعر آیینی تشخیص خاصی پیدا کرده، رشد فراوانی پیدا کرده و امروزه با مجموعه عظیمی شاید مجموعه چند هزار نفره از شاعران آیینی در سراسر کشور برخورداریم که هر کدام در حوزه خود مشغول هستند و انصافاً

با توجه به نزدیکی بود وفات حضرت معصومه (سلام الله علیها) به نظر شما برای شعر سرودن درباره ایشان باید رعایت چه مضامینی رفت؟

درباره حضرت معصومه اشعار فراوانی سروده شده اما یکی از مشکلاتی که ما داریم این است که در این عرصه‌ها به ویژه درباره اشعار رضوی و اشعاری که در مدح حضرت معصومه سروده شده در واقع، بسیاری از آن‌ها صرفاً پستنده شده به مضامینی که مرتبط است با حرم این بزرگواران و توصیف صحن و سرای آنها، شدت و فراوانی زائرانشان و کرامات آنها. اما از جنبه‌هایی غفلت شده و آن سیره سیاسی، سیره اجتماعی، سیره اخلاقی و خدماتی که آنها به جامعه بشری داشتند و خدماتی که به مسلمانان داشتند و معرفت عمیق نسبت به آنها و آثار آن در زندگی انسان. خود اینها یک مقوله‌های بسیار عظیمی هستند که به نظر من شاعر امروز باید به این عرصه‌ها ورود پیدا کند و آثاری را با رعایت اصولب‌های ادبی و



هنری خلق کند.

از بهترین شعرایی که برای حضرت شعر دارند چه کسانی را می‌شود نام برد؟

من اینجا نمی‌توانم صرفاً از شعرایی نام ببرم که برای این بزرگواران شعر سروده‌اند. می‌دانیم که خیلی از شعرای ما از سر ارادت به این بزرگان دینی اشعاری را برای آنها سروده‌اند اما در معاصران، ما چهره‌های شاخصی داریم که به مدح این بزرگواران رو آورده‌اند مثل آقای علی معلم، مثل حجت‌الاسلام

والمسلمین سیدرضا جعفری، مثل آقای میرشکاک و بسیاری از شعرای دیگری که از شعرای جوان ما محسوب می‌شوند و اشعار فراوانی در مدح این بزرگان سروده‌اند.

خود شما چه شعری را در خصوص حضرت معصومه (سلام الله علیها) به ذهن دارید که الان برای ما بگویید؟

روز آینه‌های از عارض، مقابل داری شب، ملاتک به چراغانی محفل داری در حجاز شب ما سوره قرآن بودی که فرود آمدی و پا به سر دل داری هر چه دیدیم همه مرحمت دریا بود نشنیدیم ز امواج که ساحل داری گل احساس تو منزل به کویر قم داشت ای که عمری است به جان همه منزل داری بی سبب نیست اگر ناقه به وجود آمده است یک چمن گل، عوض پرده به محمل داری! دل آفاق به دیدار جلال تو خوش است ای که هر ثانیه عطر سفر دل داری

هیأت



عمل به وصیت پدر

دلیل عدم ازدواج حضرت معصومه و دیگر دختران امام موسی کاظم (علیه السلام)

محسن رستگار

همواره این سؤال برای بسیاری مطرح می شود که چرا دختران امام کاظم (علیه السلام) بر خلاف تأکید پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) ازدواج نکردند، اما باید گفت که این مسئله دلایل مختلفی دارد. یعقوبی که از مورخین شیعه است درباره علت ازدواج نکردن دختران امام موسی کاظم (علیه السلام) می نویسد: حضرت امام موسی کاظم (علیه السلام) وصیت فرمود که دخترانش ازدواج نکنند، ولذا هیچیک از آنان ازدواج نکردند، به جز (ام سلمه) که هم از دواج واقعی نبود، بلکه وی از مصر عازم حج بود برای اینکه در این سفر محر می داشته باشد با پسر عمویش قاسم بن محمد بن جعفر الصادق (علیه السلام) عقد محرمیت جاری کرد.

■ ثانیاً: در عصر امام کاظم (علیه السلام) جوانان شایسته ای از اولاد امام حسن مجتبی (علیه السلام) و از تبار حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) بودند که می توانستند کفو دختران آن حضرت باشند. لذا احتمالاً نظر سوم درست است و آن خفقان شدید هارونی است. اختناق در عصر هارون الرشید به جایی رسیده بود که کسی جرأت نداشت به در خانه امام کاظم (علیه السلام) آمد و شو کند، کجا رسد به اینکه آرزوی دامادی آن حضرت را در سر ببروراند.

■ اما پاسخ دیگری نیز وجود دارد و آن اینکه اولاً: فاطمه کبری حضرت معصومه (علیه السلام) در سال ۱۷۳ هـ.ق به دنیا آمده و نظر به اینکه این بانو به اجماع مورخین بزرگترین دختران حضرت امام موسی کاظم (علیه السلام) بوده و همچنین آن حضرت هم در سال ۲۰۱ هـ.ق به شهادت رسید باید گفت که ایشان در زمان شهادت امام کاظم (علیه السلام) ۱۰ سال بیشتر نداشت و تازه به حد بلوغ رسیده بود چه رسد که مابقی دختران آن حضرت که از فاطمه معصومه (علیه السلام) کوچکتر بودند.

■ ثانیاً: چون مورخین عنایت کافی در تاریخ تولد و وفات و ازدواج اولاد ائمه (علیه السلام) و بعضاً خود ائمه (علیه السلام) نداشتند ممکن است که آن مخدرات با تمام آن مسائل و مصائب و مشکلاتی که مطرح گردیده، ازدواج نموده و این سنت شایسته جدها را پیروی کرده باشند مضاف بر اینکه عدم الوجدان لا یدل علی عدم الوجود) چون مورخین مسئله ازدواج اولاد ائمه (علیه السلام) را ذکر نکرده و یا در کتب تاریخی موجود نیست دلیل بر ازدواج نکردن آن مخدرات نمی توان باشد گر چه در مورد شخص حضرت معصومه (علیه السلام) همان دلایل فوق مبنی بر عدم ازدواجش کافی است.

عموماً ایشان شوهر دهند، مگر با نظر و مشورت حضرت رضا (علیه السلام) اگر بدون اجازه او به چنین کاری اقدام کنند، با خدا و رسول خدا مخالفت ورزیده اند و در سلطنت خدا نماز عه نموده اند، زیرا او به مصالح قومش در امر ازدواج آگاه تر است، پس هر کس را او تزویج دهد اطاعت کند و هر کسی را او تزویج نکند فرمان برد.

■ باید متذکر شد که در این وصیت نامه حضرت بیشتر خواستند، به فرزندان خود اعلام کند که حجت خدا بعد از وی حضرت رضا (علیه السلام) است و باید در هر موردی من جمله مسئله ازدواج از آن حضرت اطاعت و اجازه بگیرند. بنا بر بیان فوق باز فرمایش یعقوبی رد می شود و بی اساس بودن قول او را می توان پی برد و لذا صاحب کتاب (حیات الامام موسی بن جعفر) صریحاً مجعول بودن نقل یعقوبی را اعلان نموده است.

■ نظریه دوم که در مورد عدم ازدواج دختران حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) داده اند این است که گفته اند چون برای آن مخدرات هم کفو پیدا نمی شد لذا ازدواج نمودند. در رد این نظریه فوق دو جواب ذکر شده است: اولاً: «سیره ائمه اطهار (علیه السلام) این نبود که دختران خود را به جهت پیدا نشدن (کفو) در خانه نگه بدارند و مانع از ازدواج آن ها شوند، بلکه آن ها عملاً و قولاً مؤمن و مؤمنه را کفو یکدیگر می دانستند و امر می فرمودند که اگر دین و تقوای کسی را پسندید دختران خود را به همسری او در آورید.

■ در پاسخ به این گفته یعقوبی باید گفت که اولاً: گفته یعقوبی بی اساس و مخالف با سنت اهل بیت (علیه السلام) است، زیرا امکان ندارد ائمه (علیه السلام) مخالف سیره جدها رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) عمل نمایند، زیرا که روایات زیادی از ناحیه مقدسه رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) بدست ما رسیده که همه حاکی از اهمیت این امر مستحبی دارد تا جایی که حضرت ختمی مرتبت مسی فرماید (فلیس منی) یعنی اگر کسی ازدواج نماید از من نیست. آیا معقول است امامی که ما قائل به معصومیتش می باشیم این وصیت را در حق فرزندانش نماید، پس باید گفت که نظریه یعقوبی خالی از واقعیت و غیر مستند است.

■ ثانیاً: متن وصیت نامه حضرت امام موسی کاظم (علیه السلام) در طول قرن ها و سال ها از حوادث باقی مانده و در کتب تاریخی موجود است که مرحوم کلینی تمام وصیت آن حضرت را در کتاب شریف کافی نقل می نماید که نوشته: حضرت امام موسی کاظم (علیه السلام) در این وصیت نامه پس از آنکه همه فرزندان را به تبعیت از امام رضا (علیه السلام) فرمان داد، در مورد فرزندانش فرموده: «وان اراد رجل منهم ان یزرع اخته فلیس له ان یزوجها الا باذنه وامره، فانه اعرف بمناکح قومه». «هر کدام از آن ها اگر بخواهد خواهرش را تزویج دهد، بدون اجازه و فرمان امام رضا (علیه السلام) چنین حقی را ندارند، زیرا او به مصالح قومش در امر ازدواج از همه آن ها آگاه تر است.»

■ در جای دیگر از همین وصیت نامه می فرماید: «ولا یزوج بناتی احد من اخوتهن من امهاتهن ولا سلطان ولا عم الا برأیه ومشوره، فان فعلوا ذلک فقد خالفوا الله ورسوله وجاهدوه فی ملکه، وهو اعرف بمناکح قومه، فان اراد ان یزوج زوج، وان اراد ان یترک ترک». «هیچ یک از دخترانم را نباید برداران مادری و سلاطین و یا



پلی که بادل ساخته شد

روایتی که در ادامه این نوشتار می آید داستان کارگری ساده است که با عنایت حضرت معصومه (س) کاری بزرگ انجام داد



مسجد جای خالی نداشت مالامال از جمعیت شده بود؛ واعظ از ثواب و اجر وقف در جهان آخرت تعریف می کرد از مسجد که بیرون آمد، فکر وقف کردن رهایش نمی کرد، از طرفی چیزی نداشت تمام زندگی اش را بدهی و بیچارگی پر کرده بود. مگر یک کارگر ساده چه می توانست داشته باشد! نگاهش که به گنبد طلایی حضرت معصومه سلام الله علیها افتاد دلش فرو ریخت زمزمه ای در جانش شکل گرفت: بی بی جان، من هم آرزو دارم مالی داشته باشم و آن را وقف کنم تا بعد از مرگم باقی بماند و از آن بهره آخرتی ببرم، اما خودت می دانی که جز بدهی چیزی ندارم. برایم دعا کن و از خدا بخواه مالی برایم فراهم کند تا آن را وقف کنم. اشک هایش را با گوشه آستین پاک کرد و مثل هر روز جلوی میدان شهر به امید پیدا شدن کار ایستاد وضعیت اقتصادی روز به روز خراب تر می شد از طرفی خبر آمدن قحطی همه جا را پر کرده بود. با این وضعیت اگر کسی کاری هم داشت، آن را خودش انجام می داد تا مجبور نباشد پولی به کارگر بپردازد.

چاره ای جز هجرت از شهر برایش نمانده بود شنیده بود در بندرها جنوبی می تواند کار پیدا کند. هوا کم کم تاریک می شد، باز هم بدون هیچ درآمدی راهی خانه شد عزمش را جزم کرد و بار سفر بست. به خانواده قول داد اگر از وضعیت کاری آنجا راضی باشد، خیلی زود آن را رها نیز نزد خودش ببرد.

ده، دوازده روزی می شد که در یکی از بندرهای جنوبی کارگری می کرد، اما باز هم اوضاع، رضایت بخش نبود. کار در بندر هم آن چیزی نبود که شنیده بود. سردرگم و گیج مانده بود. دلش می خواست سختی این روزها را از ته دل فریاد بکشد. در مانده و ناامید، کنار دیواری چمباتمه زد که دستی بر شانه اش سنگینی کرد و یکی گفت: آقا، کار می کنی؟ بله، چرا که نه! اصلاً برای همین اینجا هستم. حالا چه کاری هست؟ من می خواستم بار آن کشتی بزرگی را که در کنار اسکله لنگر انداخته بخرم، اما احتیاج به یک شریک دارم. شنیده ام کارگران این منطقه روزانه پول خوبی به دست می آورند. می خواهی با من

شریک شویی تا هم تو به سودی برسی، هم من به مقصودم؟
دلش فرو ریخت خرید بار کشتی؟! بدنش یخ کرده بود. با دلهره پرسید: حالا وقتی بار را خریدیم، مشتری هست که آن را بفروشیم؟ اگر خدا بخواهد، همین امروز می توانیم مشتری پیدا کنیم. من در این کار مهارت دارم. پولی در بساط نداشت. نمی خواست بگوید که چیزی برای شراکت ندارد، اما از طرفی شاید این تنها موفقیت زندگی اش بود امیدش را به خدا داد و گفت: باش، من هم شریک!! همه چیز به سرعت پیش رفت. معامله سر گرفت. حالا نوبت آن ها بود که پول جنس را بپردازند. بدنش داغ شده بود. نمی دانست چه بگوید؛ آبرویش در خطر بود اگر مرد می فهمید که او با دست خالی شریکش شده آن وقت چه می شد؟ درست همان موقع، مردی با کت و شلوار قهوه ای و کلاه لبه داری که تاروی ابروهایش پایین کشیده بود جلو آمد گفت: بار آهن مال شماست؟ گفتند: بله! گفت: هر قدر که باشد می خرم؛ هنوز پولی بابت خرید آن ها پرداخت نکرده بودند که همه آن ها به طور معجزه آسایی به فروش رسید. سود به دست آمده به دو قسمت مساوی تقسیم شد؛ باور نمی کرد در عرض یک ساعت چنین پولی به دست آورده باشد. این چیزی بود که حتی در رؤیاهایش نیز به آن فکر نکرده بود.

حالا می توانست تمام قرض هایش را بپردازد و تا مدت ها به راحتی زندگی کند. شبانه راهی قم شد. می خواست هر چه زودتر این خبر خوش را به خانواده اش برساند. در راه به یاد عهدش با حضرت معصومه سلام الله علیها افتاد: بی بی جان، آرزو دارم مالی را وقف کنم.
حالا زمان آن رسیده بود که به عهدش وفا کند. بهترین چیزی که به فکرش رسید تا مشکلی از مردم حل کند، ساختن پلی در کنار حرم حضرت معصومه بود. مردم برای رفت و آمد در این منطقه مشکل داشتند. با برنامه ریزی که کرد حدود ۳۰ کارگر نیاز داشت و برای ثبت نام کارگران خودش دست بکار شد اما تعداد کارگرهای ثبت نام کننده به ۲۰۰ نفر رسید. قصد داشت ۳۰ نفر را جدا کند اما یاد بیکاری و ناامیدی خودش افتاد، دلش به درد آمد و گفت: خانم حضرت معصومه خودش برکت این پول را زیاد می کند. من همه کارگران را مشغول کار می کنم و به تک تک آن ها مزد می دهم. نقشه مهندسی و اجرایی پل آماده شد و کارگران مشغول کار شدند و کارها به سرعت پیش رفت و بالاخره بعد از مدت ها ساختن پل پایان یافت و پل آهنچی نام گرفت و عبور و مرور مردم آسان شد. حالا به آرزویش رسیده بود و اموالش را وقف کرده بود.



سلام ای خواهر خورشید

همراه با شعرای آیینی و
اشعارشان در وصف حضرت معصومه (س)

وارد روضه منوره که بشوید غلغله است. اینجا باید همنفس هزاران هزار عاشقی شوید که رهسپار دیار عاشقی شده‌اند. آمده‌اند تا اجازه زیارت امام رئوف (ع) را از خواهرشان بگیرند. با حاجت‌های قلبی که یکی بعد از دیگری در حرم مطهر شهر قم روا می‌شوند. با مریض‌هایی که شفا می‌گیرند و با دست‌هایی که به دامن متبرک حضرت معصومه (س) متوسل می‌شوند. شاعران آیینی کشورمان در رسای این بانوی مکرمه سروده‌های زیادی دارند. این چند شعر این صفحه، مشتی نمونه خروار است.

سلام علیک فدای

هیات

علی اکبر لطیفیان

حرم امن تو کافی است هراسان شده را
مثل شه راه بده اهوی گریان شده را
دل سپردیم به آن معجزه ی چشمانت
تا که آباد کنی خانه ی ویران شده را
مهر تو باعث خاموشی آتشدان است
خارج از دست خلیل است ، گلستان شده را
گندم ری به تنور کرمت پخته شود
از تو داریم پس این مزرعه ی نان شده را
هر چه شد خرج حرم ارزش او بیشتر است
از طلا حرف زنن، نقره ی ایوان شده را
به در خانه ی تو بسته و وابسته شدیم
چه نیازی است به جنت سگ دربان شده را
گر قرار است جبینش به قدومت نرسد
کافرش بیش نخوانیم مسلمان شده را
در محله خبر لطف تو بهتر پیچید
پخش کردند اگر قصه مهمان شده را
شدنی نیست کرم داشته باشی ، اما
دستگیری نکنی دست به دامان شده را
پنجره ساخته ای دور ضریح کرمت
تا ببندند به آن زلف پریشان شده را
ما فقط ظاهری از اوج تو را می بینیم
گذری نیست به معراج تو حیران شده را
جلوه ای کردی و زهرای پر از جذبه ی تو
تا قم آورد دل شاه خراسان شده را

هادی جان فدا

جایی که کوه خضر به زحمت بایستد
شاعر چگونه پیش تو راحت بایستد
نزدیک می شوم به تو، چیزی نمانده است
قلبم از اشتیاق زیارت بایستد
بانو سلام! کاش زمان با همین سلام
در آستانه در ساعت بایستد
و گردش نگاه تو در بین زائران
روی من - این فتاده به لکنت - بایستد
تا فارغ از تمام جهان روح خسته ام
در محضر شما دو سه رکعت بایستد
بانو اجازه هست که بار گناه من
در کنج صحن این شب خلوت بایستد؟
در این حرم هزار هزار آیه عذاب
هم وزن با یک آیه رحمت بایستد
باید قنوت حاجت بی انتهای ما
زیر رواق های کرامت بایستد
شیعه به شوق مرقد زهرا به قم رسید
طاقت نداشت تا به قیامت بایستد
آنکس که جای فاطمه در قم نشسته است
در روز حشر هم به شفاعت بایستد
تو خواهر امام غریبی و این غزل
با بیت هاش در صف بیعت بایستد
من واژه واژه عطر تو را پخش می کنم
حتی اگر نسیم ز حرکت بایستد....

محمدعلی مجاهدی

من به پابوسی تو آمده ام
شهر گلدسته های رنگارنگ
شهر قم، اشیان آل الله
شهر علم و دیانت و فرهنگ
گنبد دلگشای تو از دور
در میان مناره ها پیداست
امتداد حضور آینه ها
در نگاه ستاره ها پیداست
آه بانو، بگیر دست مرا
که به جز تو مرا پناهی نیست
می توان با تو تا خدا کوچید
کز حرم تا بهشت راهی نیست
در پگاهی که با دو دست نیاز
به ضریح دخیل می بندم
پروبال دعای خود را من
به بر جبرئیل می بندم
بس که شب ها ستاره می شمارم
آسمانی شده است دامن من
گر گناه است عاشقی کردن
گنه عالمی به گردن من
قطعه ای از بهشت خوب خدا
آشکارا به منظر حرم ست
طایر پرشکسته دل ما
تا همیشه کبوتر حرم ست

قاسم صرافان

میون شلوغی شهر
تا دلی دوباره گم شد
یادش افتاد که تو هستی
پاشد و راهی قم شد
رو به روی گنبد تو
قلبامون میشن کبوتر
تشنه یه جرعه نوریم
فاطمه! دختر کوثر
سلام ای خواهر خورشید
سلام ای حضرت بارون
به شوق مهربونی هات
دوباره اومده مهمون
گنبد طلایی تو
به دل همه نشست
با چه امیدی رسیدن
زائر ای دلشکسته
چه غریبونه یه زائر
پیش تو رضا، رضا کرد
گره هاشو دستای تو
چقد عاشقونه وا کرد
سلام ای خواهر خورشید
سلام ای حضرت بارون
به شوق مهربونی هات
دوباره اومده مهمون
حالا که مدینه دوره
تو بیبا و مادری کن
با نکات، ملیکهای قم!
این دلارو کوثری کن
از حرم تا جمکرانم
جاده ای چشم انتظاره
تا همین روزا رو خاکش
آقامون قدم بذاره

هیات

پایه المعصوم (س)

محمود ژولیده

گرچه دیدار برادر نرسیدی بانو!
بدنی زیر سم اسب ندیدی بانو!
خبر چند برادر تو شنیدی اما
سر نی آیه قرآن نشنیدی بانو
داغ مرگ همه اصحاب چشیدی آری
درد کعب نی و سیلی نچشیدی بانو
شعله هجر برادر جگرت را سوزاند
رأس او را سر بازار ندیدی بانو
عمه ات زینب مظلومه به ویرانه اسیر
تو به قم خلوت محراب گزیدی بانو
احترامت همه جا حفظ شد ای بنت رسول
چون نسیمی سوی قم پاک وزیدی بانو
مثل مولای غربیت که به غربت جان داد
به غریبانه ترین وجه، شهیدی بانو
صبر تو زینبی و همت تو فاطمی است
با همین رتبه به اهداف رسیدی بانو
مکتب فاطمه را خوب که احیا کردی
دل ز دنیای پر از غصه بریدی بانو
نهضت روح خدا را تو به بار آوردی
نهضت فاطمه را صبح سپیدی بانو
کربلار از مدینه تو به قم آوردی
ملک ری را تو به ایتار خریدی بانو
قم تو بارگه نور و قیام و شرف است
همچو خورشید از این شهر دمیدی بانو
قطعه ای از حرم حضرت زهرا حرمت
حرمش را تو به تصویر کشیدی بانو
پرچم علم و عمل را تو کشیدی بر دوش
زیر این بارگران گرچه خمیدی بانو

قاسم نعمتی

تا که دل را آه سینه راهی قم می کند
بانگاهی بر ضریحت دست و پا گم می کند
آه چون از دل بر آید کار آتش می کند
بی محابا رخنه ای در جان هیزم می کند
آن ضریحی که بود گرم طوافش جبریل
حضرت حق قبله ای حاجات مردم می کند
هر که دارد عقده در دل یاد قبری گمشده
هر سه شنبه در حریمت نذر گندم می کند
با سلامی نم نم اشک از دو دیده می چکد
کاسه ای خالی ما لبریز از خم می کند
نیمه شبها در حرم تا صحن گردی می کنم
ناگهان دل یاد قبله گاه هفتم می کند
لفظ خواهر گویا مانوس گشته با بلا
خون زینب در رگان تو تالطم می کند
کس ندیده تا به حالا خواهی گیسوپریش
جستجوی یار زیر نیزه و سم می کند
با وجودی که حدود مقتلش را دیده بود
باز هم جسم عزیز مادرش گم می کند

محمد جواد شرافت

به دریار رسیدم پس از جستجوها
به دریای پهناور آرزوها
به دریای محضی که این خاک سوزان
گرفته از امواج او آبروها
سلام ای که لطف کریمانه ای تو
کشانده دلم را به این سمت وسوها
سلام ای که گشته شب بار گاهت
به لطف نگاهت شب آرزوها
شراب طهور است و تسنیم نور است
که در این حرم می چکد از سبوها
چه شعری چه شوری چه عطری چه نوری
به جانم بتابان از این رنگ و بوها
هباهوی اشک است و آه و تبسم
مرا غوطه ور کن در این های و هوها
به مدح تو گفتند و گفتیم اما
تو هستی فراتر از این گفتگوها
که موسی بن جعفر به وصف تو فرمود
فداها ابوها فداها ابوها
به شوق مدینه به اینچار رسیدم
به زهرا رسیدم پس از جستجوها

پناه شهر قم

گرامات حضرت معصومه (س) در کلام بزرگان

امهدی واعظی|

روز دهم ربیع الثانی مصادف با روز وفات حضرت معصومه سلام الله علیها است؛ بانویی که به گفته امام صادق علیه السلام سه در از درهای بهشت به خاطر وجود نورانی ایشان، از قم به روی شیعیان باز می شود؛ حضور مقبره نورانی این بزرگوار از قدیم الایام در شهر مقدس قم باعث پناه و توسل بسیاری از علما و بزرگان این شهر عالم پرور به کریمه اهل بیت (علیها السلام) شده است. به همین مناسبت در اینجا تلاش کردیم تا به گوشه ای کوچک از گرامات این بانوی بزرگوار جهان اسلام اشاراتی داشته باشیم:

آزاد شدن اسیر جنگی

حضرت حجت الاسلام والمسلمین آقای ابن الرضا حاج آقای کشفی از خدمتگزاران بلند پایه حرم حضرت معصومه (علیها السلام) نقل کردند که در ایام جنگ، شبی از شبها گروهی از اسرای عراقی را به حرم مطهر کریمه اهل بیت آورده بودند، در طرف بالای سر حضرت میله هایی نهاده شده بود که اسرا در داخل میله ها و دیگر زائران در بیرون میله ها مشغول زیارت بودند. یک مرتبه دیدیم که زنی از میان تماشاگران جیغ کشید و بلافاصله یکی از اسرا نیز جیغی کشید. معلوم شد که این اسیر از شیعیان عراقی بوده، به خدمت سربازی رفته، توسط ارتش عراقی او را اجباراً به جبهه برده اند و آنجا به اسارت نیروهای ایرانی درآمده است. مادرش نیز به جرم شیعه بودن از عراق اخراج شده، به ایران آمده، در قم اسکان داده شده، و به کلی از سرنوشت پسرش بی خبر مانده است؛ این مادر بیچاره، هر شب به حرم مطهر حضرت معصومه (علیها السلام) مشرف می شده، به خدمت بی بی عرض می کرده، بی بی جان من پسر مرا از تو می خواهم؛ آن شب نیز چون شب های دیگر به حرم مشرف شده، برای پسرش دعا کرده، به حضرت معصومه (علیها السلام) متوسل شده است که یک مرتبه پسرش را در میان اسیران دیده، بی اختیار جیغ کشیده، پسرش نیز متوجه مادر شده، متقابلاً جیغ کشیده و این گونه از عنایات حضرت معصومه (علیها السلام) پس از مهر و مومها جدایی، چشم مادر با دیدن میوه دلش روشن گردیده است. پس از این رخداد جالب، توسط سازمان بین المللی تربیتی داده شد که این پسر از اسارت آزاد شده به کانون گرم خانواده برگردد.

یاداش گرامیداشت خادم

مرحوم حاج میرزا محمد تنکابنی، متوفای ۱۳۰۲ هـ تألیفات فراوانی دارد که انسانی ۲۱۲ جلد از آن ها را در کتاب قصص العلماء آورده است؛ کتاب قصص العلماء به طوری که از عنوانش پیداست، در مورد شرح حال علمای اعلام تألیف شده است. مرحوم تنکابنی در این کتاب به سبک قدما شرح حال خودش را نیز نوشته است؛ او در ضمن شرح حال خویش به عنایاتی از حضرت معصومه (علیها السلام) اشاره کرده، که یک نمونه آن را در اینجا می آوریم: در سالی که برای زیارت حضرت فاطمه دختر موسی بن جعفر (علیهما السلام) ملقب به حضرت معصومه (علیها السلام) به قم مشرف شدم، کیسه ای داشتم که مخصوص پول طلا بود، همواره مقدار معینی طلای مسکوک در آن می گذاشتم و همراه خود می بردم. در یک شب جمعه ای دو اشرفی طلا در آن کیسه نهادم و برای آستان بوسی دختر باب الحوائج به حرم مطهر مشرف شدم. در حرم مطهر به دلم گذشت که به یکی از خدام هدیه ای بدهم، چون هوا تاریک بود به جای دو روپیه، دو اشرفی طلا را به او داده بودم؛ هنگامی که به منزل مراجعت کردم، کیسه پول را خالی یافتم و متوجه شدم که اشرفی ها را سهواً به جای روپیه داده ام. صبح هنگامی که می خواستم از منزل بیرون بروم آن کیسه را برداشتم که تعدادی اشرفی در آن بگذارم و برای خرجی همراه خود بردارم، باکمال تعجب مشاهده کردم که دو اشرفی طلا در آن هست من مطمئن هستم که شب آن کیسه خالی بود و مطمئن هستم که احدی در آن تصرف نکرده بود؛ سپس ایشان اضافه می کند که این قضیه دو بار بر ایم اتفاق افتاد است.

گرامت حضرت معصومه (علیها السلام) نسبت به جوان نخجوانی

حضرت آیت الله مکارم شیرازی می فرمود: «بعد از فروپاشی شوروی و آزاد شدن جمهوری های مسلمان نشین، مردم شیعه نخجوان تقاضا کردند که عده ای از جوانان خود را به حوزه علمیه قم بفرستند تا برای تبلیغ در آن منطقه تربیت شوند. مقدمات کار فراهم شد و استقبال عجیبی از این امر به عمل آمد. از بین سیصد نفر داوطلب، پنجاه نفری که معدل بالایی داشتند و جامع ترین آن ها بودند برای اعزام به حوزه علمیه انتخاب شدند. در این میان جوانی که با داشتن معدل بالا، به سبب اشکالی که در یکی از چشمانش وجود داشت، انتخاب نشده بود، با اصرار فراوان پدر ایشان، مسئول مربوطه ناچار از قبول ایشان شد. ولی هنگام فیلم برداری از مراسم بدرقه از کاروان علمی، مسئول فیلم برداری دوربین را روی چشم معیوب این جوان متمرکز کرده و تصویر برجسته ای از آن را به نمایش می گذارد. جوان با دیدن این منظره بسیار ناراحت و دل شکسته می شود. وقتی کاروان به قم رسید و در مدرسه مربوطه ساکن شدند، این جوان به حرم مشرف شده و با اخلاص تمام متوسل به حضرت می شود و در همان حال خوابش می برد در خواب عوالمی را مشاهده کرده و بعد از بیداری می بیند چشمش سالم و بی عیب است. او بعد از شفا گرفتن به مدرسه برمی گردد. دوستان او با مشاهده این کرامت و امر معجزه آسا، دسته جمعی به حرم حضرت معصومه (علیها السلام) مشرف شده و ساعت ها مشغول دعا و توسل می شوند. وقتی این خبر به نخجوان می رسد، آن ها مصرانه خواهان این می شوند که این جوان بعد از شفا یافتن و سلامتی چشمش به آنجا برگردد که باعث بیداری و هدایت دیگران و استحکام عقیده مسلمین گردد.

فداها ابوها

آیت الله سید نصرالله مستنبت از کتاب «کشف اللثالی» نقل فرموده که روزی عده ای از شیعیان وارد مدینه شدند و پرسش هایی داشتند که می خواستند از محضر امام کاظم (علیه السلام) بپرسند. امام (علیه السلام) در سفر بودند، پرسش های خود را نوشته به دودمان امامت تقدیم نمودند، چون عزم سفر کردند برای پاسخ پرسش های خود به منزل امام (علیه السلام) شرفیاب شدند، امام کاظم (علیه السلام) مراجعت نفرموده بود و آنها امکان توقف نداشتند، از این رو حضرت معصومه (س) پاسخ آن پرسش ها را نوشتند و به آنها تسلیم نمودند، آنها با مسرت فراوان از مدینه منوره خارج شدند، در بیرون مدینه با امام کاظم (علیه السلام) مصادف شدند و داستان خود را برای آن حضرت شرح دادند. هنگامی که امام (علیه السلام) پرسش های آنان و پاسخ های حضرت معصومه (س) را ملاحظه کردند، سه بار فرمودند: «فداها ابوها» «پدرش به قربانش باد». باتوجه به این که حضرت معصومه (س) به هنگام دستگیری پدر بزرگوارش خردسال بود، این داستان از مقام بسیار والا و دانش بسیار گسترده آن حضرت حکایت می کند.

هیأت



افطار با
بوسه بر ضریح

مرحوم علامه طباطبایی در زمان سکونت در قم، در ماه های رمضان، پیش از افطار به حرم ملکوتی کریمه ی اهل بیت، فاطمه ی معصومه (علیها السلام) مشرف می شدند و با بوسه زدن بر ضریح مطهر آن بانوی بزرگوار، روزه ی خود را افطار می کردند.

علامه شهید مطهری، هر گاه نام مرحوم علامه طباطبایی را به زبان می آورد، می گفت: روحم به فدای او باد. یکی از دانشمندان از استاد مطهری پرسید: دلیل این همه تجلیل و احترام شما از علامه طباطبایی چیست؟ استاد مطهری در پاسخ گفت: من فیلسوف و عارف بسیار دیده‌ام و احترام من به علامه طباطبائی به خاطر فیلسوف بودن ایشان نیست، بلکه از این جهت است که او عاشق و دلپاخته اهل بیت است. چرا که علامه طباطبایی در ماه رمضان روزه ی خود را با بوسه بر ضریح مقدس حضرت معصومه (علیها السلام) افطار می کرد. ابتدا پیاده از منزل تا حرم مطهر (با توجه به آن سنین پیری و دوری راه) مشرف می شد. ضریح مقدس را می بوسید، سپس به خانه می رفت و غذا می خورد.

راهگشای مشکلات
فلسفی ام

مرحوم صدر المتألهین شیرازی، فیلسوف بزرگ جهان اسلام و صاحب کتاب گرانسنگ «اسفار اربعه» شاهکار فلسفه اسلامی، در سالهای اواخر عمر پر برکت خود، تبعید شده و در روستای «کهک» قم مقیم گشته و در آنجا به تحریر مباحث فلسفی مشغول شده بود. ایشان گفته است: هر گاه در زمینه ی فلسفه، مشکلی برایم پیش می آمد که از حل آن عاجز می ماندم، با پای پیاده از کهک به قم می رفتم و به کنار قبر حضرت فاطمه ی معصومه سلام الله علیها رفته، از آن حضرت استمداد می نمودم. با این کار، مسأله و مشکل من حل می شد و سپس به روستای کهک باز می گشتم.

عنایت حضرت
در فهم قرآن

آیت الله العظمی فاضل لنکرانی می فرماید: روزی به حرم مطهر حضرت فاطمه ی معصومه (علیها السلام) مشرف شدم و پس از این که زیارت را خواندم، خدمت آن حضرت عرض کردم که من امروز آمده‌ام و هیچ حاجت دنیوی ندارم. فقط یک حاجت دارم و آن این است که در فهم آیه «تطهیر» مورد عنایت شما واقع شوم و این آیه را درست بفهمم و مشکلاتم در این زمینه حل گردد. پس به خانه آمدم و مشغول نوشتن مطالبی پیرامون این آیه شریفه شدم؛ پس مسائل و مطالبی به برکت حضرت فاطمه معصومه (علیها السلام) برای من روشن شد که شاید اگر پنجاه سال دیگر درس می خواندم آن مطالب برای ما روشن نمی شد!



شفاعت همه ی
شیعیان

آیت الله حاج سید محمد وحیدی از یکی از سادات برقی نقل فرمودند که گفته بود: شبی در عالم رؤیا محضر مقدس حضرت معصومه سلام الله علیها رسیدم. مانع و حجابی در بین نبود. احساس کردم که من محرم ایشان هستم و ایشان عمه ی سادات برقی می باشند. از محضر مقدسشان سؤال کردم: «آیا شما به اهل قم، شفاعت خواهید فرمود؟» حضرت در پاسخ فرمودند: «میرزای قمی برای شفاعت اهل قم کافی است. من برای همه ی شیعه شفاعت می کنم.»

بانوی خوبی‌ها

نگاهی به شخصیت زنان با الگو گرفتن از حضرت معصومه (سلام الله علیها)

اسم حیات طیبه که می‌آید مجموعه‌ای از کارهای سخت و دشوار در ذهنمان مجسم می‌شود که خیلی‌هایمان فکر می‌کنیم برای ما نشدنی است، سخت است، اصلاً در مسیر رسیدن به آن موفق نمی‌شویم. دلمان اگر قرص باشد که قرآن معجزه‌ای است برای همه قرون و قرار است در هر زمین و زمانه‌ای از پیروانش دستگیری کند، اگر خاطرمان جمع باشد که پیامبر و ائمه (علیه السلام) همگی چراغ‌های هدایتند و سیره زندگی آنها روشنگر راه زندگی ما هم هست، با تمسک جستن به آنها، پیروی از آنها و درس گرفتن از ایشان نوری در دستان گرفته‌ایم که سایه‌مان نه جلوی پا که پشت سرمان می‌افتد و راهمان را روشن می‌کند و راه رسیدن به زندگی پاکیزه هموار می‌شود. یکی از اصول مهمی که زندگی پاکیزه به آن نیاز دارد اسمش «حیا» است. حیا در واقع باید و نیاید‌هایی است که ما در زندگی باید به آنها پایبند باشیم و پرهیز از کارهای ناشایست با کارهایی که به رشد ما ضربه می‌زنند. خیلی از دیدن‌ها، شنیدن‌ها و گفتن‌های ما نیازمند رد شدن از فیلتر حیا هستند تا بعد از آن جاری شدن خیر و نسیم خوش حیات طیبه را در زندگی خودمان ببینیم.

افق

نگاهتان را تغییر دهید

چشم‌مان به نور شدید که می‌افتد، دستان را جلوی آن می‌گیریم تا چشم‌مان اذیت نشود. بعضی تصویرها هم که به چشم‌مان هجوم می‌آورند به اندازه همان نور شدید ضربه‌زننده هستند که باید جلویشان را گرفت. چشم ما را صبح تا شب عکس‌ها و فیلم‌هایی پر می‌کنند که خودمان در برابر انتخاب آنها مسلوب‌الاراده شده‌ایم. «پاک‌چشمی» دستوری است که خطاب به زن و مرد، باهم داده شده. قرآن می‌گوید نگاه خود را از نامحرم بردارید؛ فرقی ندارد استادت باشد یا دانشجوییت؛ همسایه باشد یا پسر خاله و همکار. دلیلش را هم می‌گوید: «این برای شما پاکیزه‌تر است». وقتی ذهن آدم با تصویر پر می‌شود پس چه بهتر که خودش انتخاب کند چه تصویرهایی ملکه ذهنش شوند.

هیأت



ولخرجی عاطفی نداشته باشید

زن منبع عاطفه و مهرورزی است. همانطور که دریافت محبت برای او لازم است، خرج عاطفه درون خانواده و مهرورزی کلامی، زن را سیر می‌کند و بی‌نیاز از گرفتن محبت از هر کس دیگری. زنی که ترجیح می‌دهد به جای خانواده، محبت خودش را در بیرون خانه یا شبکه‌های اجتماعی خرج کند، حتماً از خلأ بزرگی در خانواده و اطرافیان‌ش رنج می‌برد. خلئی که انگشت اتهام را به سوی مرد می‌برد. ما ملزم به انسانیت هستیم و باید در چهار چوب روابط انسانی زندگی کنیم اما خرج کردن همه دلسوزی و عاطفه برای محیطی بیرون از خانه، غمخوار شدن برای همکار و سنگ‌سور او بودن، دخالت در زندگی‌اش به بهانه راهکار دادن برای زندگی بهتر... نه از ما خواسته شده و نه در نهایت، تأثیر خوبی روی ما خواهد گذاشت. باید حواسمان جمع باشد که محبتمان را خرج چه کسی می‌کنیم و برای چه کسی از عاطفه‌مان مایه می‌گذاریم. لایه‌لای دل‌داری دادن‌ها ممکن است کلماتی استفاده کنیم که در نهایت ظرافت هم نباشد اما به بار معنایی آن توجهی نداشته باشیم و راه برای برداشت‌های اشتباه از آن باز نشود. اگر یک خط قرمز برای ما وجود داشته باشد که کلمات محبت‌آمیز را فقط در محدوده محارم و دوستان به کار ببریم با بعضی مشکلات احتمالی و صمیمی شدن‌های اجباری دست و پنجه نرم نخواهیم کرد.

وقار را عملی صرف کنید

روی پیشانی کسی نوشته نشده که او مریض است و از اختلال روحی رنج می‌برد. «کیاست» یکی از ویژگی‌هایی است که به ویژه از زنان و دختران انتظار می‌رود. خود آنها وقتی نشانه‌های بیماری را می‌بینند، وقتی از حضور در کنار کسی احساس ناخوشایندی دارند، کسی که مرزهای حیا را زیر پا گذاشته و از بیان کردن شوخی‌های زننده دریغ نمی‌کند، باید از او دوری کنند. هر گوشه‌ای از زندگی معصومین درس‌های بزرگی برای ما دارد. حتماً همه‌مان این داستان معروف را شنیده‌ایم که یکی از شیعیان امام موسی کاظم (علیه السلام) به قصد پرسشی به منزل ایشان رفت اما امام در منزل نبودند. سؤال را از فاطمه معصومه (سلام الله علیها)، دختر بزرگشان، پرسیدند و ایشان جوابش را نوشتند و به او دادند. آن مرد وقتی جواب حضرت معصومه (سلام الله علیها) را به امام نشان داد پدرشان او را تحسین کردند. همین اتفاق برای ما سرمشقی است از سبک معاش و رفتار علمی و اخلاقی و شرعی آن بانوی بزرگوار. قرآن یک دستور کلی به زنان داده؛ می‌گوید: تو باید حواست جمع باشد. حرفی اگر می‌خواهی بزنی صداقت با عشوه نباشد. خنده و شوخی همراه حرفت نباشد: «و قلن قولا معروفا». با به کارگیری همین روش است که رابطه با نامحرم در محیط کار و اجتماع پذیرفته است. قرآن در تعریف دختران شعیب می‌گوید: «تمشی علی الاستحیا» با حیا راه می‌آید. وقار آنها قبل از هر چیز در راه رفتنشان معلوم بود. محیطی که قرار است برای آن قواعدی تعریف کنیم یکی از شاخصه‌هایی است که در تعیین رفتار ما مؤثر است. حتماً محیط دوستانه و کار، تفاوت‌های جدی با یکدیگر دارند. همانطور که پوشش جمع‌های خانوادگی برای محل کار انتخاب نمی‌شود، رفتارهای آن جمع هم محدود به خودش است.

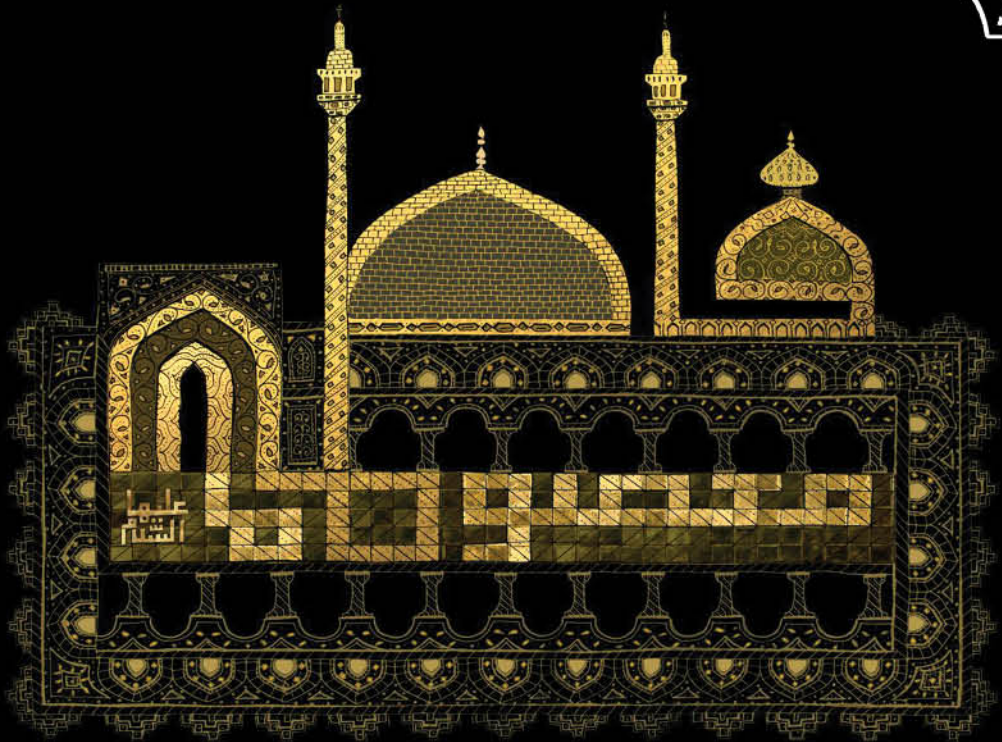
کلمه‌ها را با وسواس انتخاب کنید

آدم بددهن، آدمی که مثل نقل و نبات حرف بد می‌زند، حرف‌های روزمره‌اش بدون متلک گفتن کامل نمی‌شود، شوخی‌های بیخودی می‌کند، اهل مشاجره و دعواست و خلاصه از هیچ‌گونه تندگویی دریغ نمی‌کند مصداق آدمی است که حیا ندارد. یکی از محیط‌هایی که عبار ظرافت کلام در آن سنجیده می‌شود شبکه‌های اجتماعی است. همانقدر که لطیف و نغز سخن گفتن برای دختران جذاب و دوست‌داشتنی است، استفاده از اصطلاحات لات‌ما بانه و تندری زبان ولو به بهانه شوخی، زشت و زننده است. خیلی‌ها از بگو و بخندها و قربان صدقه همدیگر رفتن‌ها هم در یک گروه عمومی نابجا بوده و حتی مورد تمسخر مردان ساکن در این فضا می‌شود. در همین فضا است که با اشتراک گذاری لحظه‌به‌لحظه زندگی‌مان و حرف زدن از همه زوایای آن، حجاب را از زندگی‌مان کنار زده‌ایم، چیزی برای پنهان کردن نداریم و پذیرفته‌ایم که خودمان را در معرض انواع و اقسام قضاوت‌ها و برداشت‌ها قرار بدهیم. روی دیگر بد حرف زدن، بد شنیدن است. کسی که خودش را همیشه در معرض حرف‌های آدمی که حیا کلام ندارد قرار می‌دهد؛ خودبه‌خود خودش هم تلخ می‌گردد و پرده حیا را کنار می‌زند.



مِنْ رَأْسِهَا أَرْفَأَ حَقِّهَا فَالْحَبِيبُ

امام رضا علیه السلام بر کسی او را حضرت فاطمه زهرا علیه سلام
با شاکت زور از همه شریفتر و باطنی او موهبته بود.
عصر ظهور: ۱۱۶۰ هجری قمری



حرم امن کریمه اهل بیت

در اینجا سعی شده تا گوشه‌ای تاریخچه بنای حرم حضرت معصومه^(س) در قالبی موجز و کلی مورد بررسی قرار گیرد

شاه صفی

در سال ۱۰۷۷ هجری قمری شاه صفی صحن زبانه را که اکنون به صورت محوطه سربوشیده به نام مسجد طباطبائی است و سابقاً سقف و گنبد نداشته است ساخت که در سمت جنوبی آستانه است. این صحن برای مقبره شاه عباس و شاه سلیمان و شاه سلطان حسین راه مخصوصی شد.

شاه عباس

سپس شاه عباس ضریحی از فولاد سفید، ترتیب داد و ضریح فعلی همان ضریح فولادی است که صفحه‌هایی از نقره را بر آن افزودند.

خاندان صفوی

تعمیرات مهم آستانه مقدسه حضرت معصومه از زمان سلطنت خاندان صفوی شروع شد.

شاه اسماعیل

در سال ۹۲۵ قمری شاه اسماعیل اول، ایوان قسمت شمالی (ایوان طلا) را ساخت و شالوده صحن کهنه (کوچک) را ریخت.

شاه طهماسب

پس از او شاه طهماسب اول برای مرقد ضریحی از کاشی درست کرد و تیز بنای تاریخی ایوان جنوب مدرسه فیضیه را که به صحن کهنه چسبیده است، ساخت.

حرم مطهر حضرت معصومه^(س)

بزرگ‌ترین و مهم‌ترین جاذبه‌ی مذهبی شهر مقدس قم



قرن سوم هجری

توسط پسران اشعری دارای سایبانی شد



در اواسط قرن سوم هجری، حضرت زینب دختر امام جواد^(ع) از مصالح آجر و سنگ و گچ، گنبد و بارگاهی بر روی مرقد مطهر حضرت معصومه^(س) ساخت



سپس به مرور زمان دو گنبد دیگر در کنار گنبد اول ساخته شد که سومین آن‌ها مدفن حضرت زینب دختر امام جواد^(ع) شد. این سه گنبد تا سال ۴۵۷ هجری قمری برقرار بودند.

میر ابوالفضل عراقی

میر ابوالفضل عراقی (وزیر طغرل کبیر) به تشویق عالم بزرگ، شیخ طوسی به جای آن سه گنبد، یک گنبد مرتفعی ساخته است؛ از آن زمان تا ظهور خاندان صوفی، بارگاه به همان وضعی که نگاشتیم بود، نه ضریحی بود و نه ایوان‌های باشکوهی که اکنون دیده می‌شود، و نه صحن کهنه و نو.



پس از پایان حکومت صفویان دیگر تعمیرهای قابل توجهی در بارگاه نشد تا وقتی که سلطنت ایران به دست قاجاریه رسید

فتحعلی شاه

در سال ۱۲۱۸ قمری فتحعلی شاه با دوازده هزار خشت با پوشش طلا، گنبد را طلا نمود و در سال ۱۲۳۶ مسجد بالاسر بنا شد. در سال ۱۲۷۶ ایوان شاه اسماعیل صفوی را طلا کردند. در سال ۱۳۷۵ ضریح فولادین شاه عباس را تفرقه نمودند.

امین السلطان

در آخر قرن ۱۳ هجری قمری، شالوده صحن جدید (بزرگ) به وسیله آقا ابراهیم امین السلطان ریخته شد و ساختمان آن را پسرش میرزا علی اصغر خان اتابک صدراعظم ایران در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه، در سال ۱۳۰۳ قمری به پایان رسانید.

رواق پیشرو

در محوطه بین مسجد طباطبایی تا ضریح مطهر است.

رواق آینه

رواق آینه (شهید بهشتی) که در بخش زنانه و پایین پای حضرت^(ع) واقع است.

رواق بالاسر

رواق بالاسر که محوطه بین مسجد بالاسر تا ضریح مطهر است و با آئینه کاری و گچ کاری های بسیار زیبا آراسته شده است.

رواق دارالحفاظ

که محوطه بین ایوان طلا و ضریح مطهر است.

صحن نو اتابکی

این صحن زیبا دارای چهار ایوان شمالی، جنوبی و شرقی و غربی است. ایوان شمالی آن ورودی از میدان آستانه و ایوان جنوبی ورودی از طرف قبله و ایوان شرقی ورودی از خیابان ارم و ایوان غربی همان ایوان آینه است. در هر کدام از این ایوان های یاد شده ظرایف و آثار هنری، معماری خاصی به کار رفته است.

این صحن با بیوتات متعلق به آن در مساحتی حدود ۸ هزار مترمربع با چهار جهت ورودی، در سال ۱۳۸۱ شروع و در سال ۱۳۸۴ افتتاح گردید. دیواره های اطراف این صحن منقوش به کتیبه های قرآنی با خطوط بنائی و کوفی در ساختار و طرح جدید با ترکیبی از سیمان سفید و آجر است.

صحن صاحب الزمان

گلدسته های ایوان طلا

در دو طرف این ایوان در صحن عتیق، گلدسته هایی پوشیده از کاشی گرهی به صورت مارپیچ (به بلندی ۱۷/۴ متر از سطح بام و قطر ۱/۵ متر) ساخته شده است که بین پیچ ها، اسامی مبارک: «الله»، «محمد»، «علی» به خط کوفی نوشته شده است که در بالای آن ها زیر مقرنس کتیبه ای قرار دارد، که سقف آن "ان الله و ملائکته یصلون..." است.

گلدسته های ایوان آینه

بر فراز پایه های دو طرف ایوان دو مأذنه است که از بلندترین بناهای آستانه می باشد. ارتفاع آن ها از سطح بام ۲۸ متر و از سطح صحن ۴۲/۸ متر و محیط آن ۳/۳ متر می باشد.

گلدسته های صحن بزرگ

در صحن بزرگ (نو یا اتابک) روبروی ایوان آئینه قرار دارند. پوشش آن ها، کاشی گرهی هشت ضلعی متساوی است. روی چهار ضلع این گلدسته ها نام های مبارک «الله»، «محمد»، «علی» از بالا به پایین ۴ مرتبه نوشته شده است. این اثر مذهبی در ۱۵ دی ۱۳۱۰ به شماره ۱۲۸ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است.

صحن عتیق

اولین صحنی است که در این بارگاه مبارکه بنا شده، این صحن را چهار ایوان زیبا فرا گرفته است. ایوانی با عظمت در جنوب که همان ایوان طلا (ورودی صحن به روضه مطهره) هست و ایوانی در شمال که ورودی فیضیه به صحن را تشکیل می دهد که ساختمان نقاره خانه روی آن بنا شده است.



در شهر قم علاوه بر زیارت حضرت معصومه (سلام الله علیها) جاهای دیدنی دیگری هم وجود دارد

همسایه بانوی آفتاب

عباسی محمدی |

تا به حال چند بار به شهر قم برای زیارت حضرت معصومه (سلام الله علیها) رفته‌اید؟ بیشتر سفرهای مردم به این شهر مذهبی خلاصه می‌شود در همین زیارت که البته بسیار هم خوب و پسندیده است. اما سفر به شهرهایی همچون قم، صرفاً می‌تواند سفری برای زیارت نباشد؛ بلکه می‌تواند پایه و اساس گردشگری و توریسم دینی هم باشد. البته در ایام وفات، این شهر نیمه تعطیل است، اما در موقعیت گردشگری دینی، دیدنی‌هایی در این شهر وجود دارد که می‌توانید از آن‌ها دیدن کنید. نگاهی به این تماشایی‌ها غالباً دینی می‌اندازیم.



مقابر باغ گنبد سبز آرامش در کنار آرامگاه

این مقابر باغ گنبد سبز هم ثبت ملی شده‌اند و به قرن هشتم هجری قمری برمی‌گردند. در فرهنگی قدیمی معماری ایرانی، به برج‌های آرامگاهی معروف بودند. سه برج را شامل می‌شود که درون باغچه‌ای به نام باغ سبزه، در انتهای خیابان چهارمردان و جنب گلزار شهدا جا خوش کرده‌اند. هنر گچ‌بری به کار رفته در آن‌ها واقعا تماشایی و منحصر به فرد است. به استناد کتیبه‌هایی که موجود است، دو تا از این گنبدها آرامگاه خاندان صفی، از فرمانروایان مستقل شهر قم در قرن هشتم قمری است؛ اما گنبد سوم مشخص نیست برای کیست.



بازار قدیم قم

یادی از سنت‌های نیکو

بازارهای قدیمی هر شهری، جزو نقاط دیدنی آن شهر هستند؛ خاصه با مدارس علمیه و مساجد و نوع معماری دینی‌ای که دارند. بازار قدیم قم نیز از این قاعده جدا نیست. این اثر تاریخی و دیدنی قم، دو راسته سرپوشیده با پوشش گنبدی، به قاعده رایج بازارهای قدیمی دارد. سرپوشیده بودن این بازار، در سرمای امروز و گرمای غالب این شهر در ماه‌های دیگر، گردش و سیاحت در آن را راحت‌تر می‌کند. در یچه‌هایی که در پوشش‌های گنبدی سقف بازار قرار دارند، امکان رد و بدل شدن هوا را در آن فراهم ساخته. این بازار، بناهایی دارد که قدمتشان حتی به دوره سلجوقی-ایلخانی هم می‌رسد. البته بافت غالب آن به دوره صفوی و قاجاری برمی‌گردد. در دوره صفویه، اینجا مسجد جامعی واقع بوده که به عرف شهرهای دینی و قدیمی، باقی بازار دور و بر آن شکل گرفته. همان‌طور که اشاره شد، این بازار در روز وفات حضرت معصومه (سلام الله علیها) تعطیل است، اما روز قبل و بعد از آن می‌توانید سری به این مجموعه دیدنی بزنید.



بازار قدیم قم

یادی از سنت‌های نیکو

بازارهای قدیمی هر شهری، جزو نقاط دیدنی آن شهر هستند؛ خاصه با مدارس علمیه و مساجد و نوع معماری دینی‌ای که دارند. بازار قدیم قم نیز از این قاعده جدا نیست. این اثر تاریخی و دیدنی قم، دو راسته سرپوشیده با پوشش گنبدی، به قاعده رایج بازارهای قدیمی دارد. سرپوشیده بودن این بازار، در سرمای امروز و گرمای غالب این شهر در ماه‌های دیگر، گردش و سیاحت در آن را راحت‌تر می‌کند. در یچه‌هایی که در پوشش‌های گنبدی سقف بازار قرار دارند، امکان رد و بدل شدن هوا را در آن فراهم ساخته. این بازار، بناهایی دارد که قدمتشان حتی به دوره سلجوقی-ایلخانی هم می‌رسد. البته بافت غالب آن به دوره صفوی و قاجاری برمی‌گردد. در دوره صفویه، اینجا مسجد جامعی واقع بوده که به عرف شهرهای دینی و قدیمی، باقی بازار دور و بر آن شکل گرفته. همان‌طور که اشاره شد، این بازار در روز وفات حضرت معصومه (سلام الله علیها) تعطیل است، اما روز قبل و بعد از آن می‌توانید سری به این مجموعه دیدنی بزنید.



خانه تاریخی ملاصدرا

سلامی به آقای فیلسوف بزرگ

به کهک در جنوب قم که بروید، خانه تاریخی ملاصدرا واقع در محله چال حمام معروف است؛ یک کهک است و یک خانه قدیمی این فیلسوف شهیر. روزگاری مخروبه شده و نقش اسطبل را بازی می‌کرد، اما بعدها بازسازی شد تا به یادگار بماند. البته کماکان بخشی از این خانه از دست رفته است، ولی کلیت قضیه حفظ شده؛ از جمله طراحی شبستانی آن. این خانه، از خشت خام، ملات گل و تیرهای چوبی ساخته شد و سقفی بلند و پوششی گنبدی دارد و بیشتر شبیه امامزاده‌های دوران صفوی است.



امامزاده عبدالله

سلامی به نواده سیدالسادین

امامزاده‌ای است باصفا، نزدیکی یک رودخانه و در فضایی مناسب. منتسب به نوادگان امام سجاد (ع) است. در نزدیکی های قلعه صدری قم واقع شده. این بقعه، دارای بنایی چهارضلعی با جدار ساده آجری است. احتمال می‌دهند که بخشی از معماری این بقعه به زمان قاجاریه برگرسد. در ورودی و فضای داخلی بقعه، کاشی کاری رنگی و جالبی دارد. این امامزاده، در مسیر قم به اصفهان قرار دارد و هم گردشگری مذهبی را برای شما به ارمغان می‌آورد، هم سیاحتی طبیعی را.



حیات

روستای وشنوه مناظری کوهستانی در جنوب شهری کویری

معمولاً وقتی از قم صحبت می‌کنیم، غالباً شهروندان یاد خشکی و کویر و نمک و این جور چیزها می‌افتند. البته حق هم دارند، این شهر در نقطه‌ای کویری واقع شده و لاجرم، باید که چنین جغرافیایی داشته باشد.

اما در جنوب و جنوب شرق و جنوب غرب استان قم، روستاها و مناظری وجود دارند که وقتی عکس‌هایش را به دیگران نشان می‌دهید، باورش‌ناپذیر می‌شود. روستاهای دستجرد و میم و وشنوه و ... از جمله این نقاط تماشایی هستند. البته الان هوا سرد است و زمستانی، ولی برای گشت‌و‌گذاری زمستانی در این نقاط نیز می‌توانید اقدام کنید؛ تا برف و کوه و درختان عریان و باغ‌های میان دره و ... را به تماشا بنشینید. اگر یکی، دو ماه پیش گذرتان به این روستاها می‌افتاد، از تماشای پاییز هزاررنگ این حوالی آن‌هم در استان کویری قم، واقعاً شگفت‌زده می‌شدید؛ پاییزی که زیباتر از بهاران این حوالی است.

از جمله روستاهایی که به فاصله کمتر از یک ساعت می‌توانید به آن برسید، روستای وشنوه است. فقط باید رانندگی‌تان خوب باشد؛ چون یکی، دو تا پیچ نسبتاً خطرناک دارد که رانندگان آماتور از پس آن‌ها به‌سختی برمی‌آیند. این روستا، از توابع بخش کهک شهرستان قم است؛ واقع در جنوب شرقی قم. این روستا از شمال به کوه قلعه‌دژ و از شمال غربی به کوه بخاره محدود می‌شود. یک رودخانه هم دارد که غالباً آب دارد؛ ولی در فصول بارندگی و بهاران، آبش بیشتر است. روستا، امامزاده هادی را هم در دل خودش جا داده است تا گردش طبیعی شما، رنگ و بسوی دینی هم به خودش بگیرد. این روستا، در این روزهای زمستانی، فرصتی برای کوهنوردان و گردشگردانی است که مشکلی با برف و سردی و کوه ندارد. قله‌های مناسب برای کوهنوردی، غارهای وشنوه، باغ‌های میوه، پوشش گیاهان دارویی و جانورانی چون شغال و گرگ و روباه و کبک و گراز و ... از جاذبه‌های دیگر این روستا محسوب می‌شوند. اگر قصد مراجعه به این روستا را دارید، می‌توانید برای استراحت و نماز و ناهار، به امامزاده هادی بروید و بعد از چند ساعتی، دوباره به قم برگردید.



خانه تاریخی زند

سفر یک موزه مردم‌شناسی

معمولاً در هر شهری، جایی را به موزه مردم‌شناسی و قوم‌شناسی آن منطقه اختصاص داده‌اند؛ از جمله شهر قم. در این شهر، خانه تاریخی زند را داریم که از دوران قاجارها به‌جا مانده است. این خانه، در بافت قدیمی این شهر (محل گذرقلعه) واقع شده و نمادی از معماری اصیلی ایرانی است؛ شامل خانه‌ای با دو حیاط و ۱۴ اتاق و درها و پنجره‌های چوبی از جنس گردو و ون و ۱۴ ستون سنگی. این خانه، به حاجی خان و حاج علی از دوره قاجار به برمی‌گردد؛ با ۱۳۰ سال قدمت. ساخته‌شده با مصالحی همچون سنگ و خشت و چوب و آجر و گ.



مدرسه فیضیه قم

سفر به تقاطع علم و تاریخ

لابد درباره مدرسه فیضیه قم زیاد شنیده‌اید، تا اسم این مدرسه می‌آید، همگی یاد وقایع انقلاب و حمله به این مدرسه و ... می‌افتیم. اما دو نکته جالب درباره این مدرسه وجود دارد: این که خیلی نزدیک به حرم حضرت معصومه (سلام‌الله‌علیها) است، درست چسبیده به این حرم است و وقتی به زیارت می‌روید، می‌توانید نگاهی به آن بیندازید. دوم این که تاریخش برمی‌گردد به سده‌های میانه دوران‌های تاریخی پس از اسلام، باورتان می‌شود؟ حتی به‌عنوان اثر ملی هم ثبت شده است. این مدرسه، در نیمه اول قرزن سیزدهم هجری، جایگزین مدرسه آستانه شد. نکته جالب‌تر این که مدرسه آستانه، تاریخش به میانه قرن ششم هجری برمی‌گردد و شگفت این که بیشتر مردم به‌واسطه عدم اطلاع از این گذشته تاریخی، از کنار این مدرسه بی‌تفاوت عبور می‌کنند؛ درحالی که اگر همین بنا در یک کشور پیشرفته واقع شده بود، کلی باید صف می‌ایستادند تا آن بازدید کنند.



خانه یزدان‌پناه

به تماشای معماری ناب ایرانی

این خانه هم، به اواخر قاجارها و اوایل پهلوی‌ها برمی‌گردد و حوالی بازار قدیم است. قدمت آن را به ۱۲۰ سال قبل مربوط دانسته‌اند؛ خانه‌ای واقع در محله‌های باغ‌پنجه قم. این عمارت، از نمونه‌های قابل‌اعتنای معماری فاخر ایرانی بوده و ۱۰ تا اتاق داشته. از نکات جالب این عمارت، اتاق‌های زمستان نشین آن بوده است؛ که جهت آن‌ها رو به آفتاب بوده تا در فصول سرد، گرمایی طبیعی داشته باشد. در حال حاضر، این عمارت هفت اتاق دارد و راهروهای پیچ‌تو پیچ آن، سابقاً مانع دید اغیار به حریم خانه بوده. این خانه را، می‌توانید در خیابان باجک، انتهای کوچه یازدهم پیدا کنید.

پل شکسته قمرود

این اثر ملی ثبت شده

البته الان قمرود آب ندارد و خشک است، مگر این که اتفاقی مانند سیل چند سال پیش بیفتد یا بارندگی زیاد. قبلاً این رودخانه پر آب بوده است. در نتیجه، مردم برای تردد از آن، باید که از پل‌ها استفاده می‌کردند. به همین دلیل، در دوره صفویه، پلی روی این رودخانه زدند تا قابل استفاده برای مردم باشد. این پل در بخش مرکزی شهرستان قم، در روستای کاج واقع شده. جالب است بدانید که ثبت ملی هم شده و حالا جزو آثار قدیمی ملی کشور است. این پل بر روی رودخانه‌ای به نام قره‌چای ساخته بودند. دهانه‌های این پل حالا مخروطی، با گل مسدود شده از آجر ضربی است و پایه‌هایش را هم آجرهایی قطور شکل داده‌اند با مصالحی دیگر؛ آجرهایی که نقل است در دوره ساسانی کاربرد داشته است. نقل است که این پل در معبری بسیار قدیمی مربوط به دوره ساسانی، که اصفهان را به ری وصل می‌کرده، واقع شده.



قبرستان شیخان

در همین نزدیکی

به سمت حرم حضرت معصومه (سلام‌الله‌علیها) که می‌روید، دست چپ‌تان چند پله بالاتر، قبرستانی است که کوچک، ولی در باطن خودش بزرگ است. شهدای گران قدر و علمای جلیل‌القدری این‌جا دفن شده‌اند؛ از جمله زکریا بن ادریس و پسرعمویش زکریا بن آدم و برادرزاده او آدم بن اسحاق بن آدم (از اصحاب ائمه اطهار علیهم‌السلام) و میرزای قمی و میرزا جواد آقا ملکی تبریزی، آخوند ملامحمد طاهر قمی، حاج میرزا محمد ارباب و عکس شهدا را هم قاب شده، در یکی، دو کنج این قبرستان نصب کرده‌اند؛ یعنی که بخشی از آن نیز آرامگاه شهدای این شهر بوده است. خوبی این قبرستان در آن است که هم نزدیک حرم بی‌بی است و هم همیشه می‌توانید به آن سر بزنید.

شهری یا همه جاذبه‌هایش

این که بتوانیم جاذبه‌های شهری مثل قم را در یک گزارش ارائه کنیم، کمی سخت است؛ مگر این که بخواهیم لیست‌وار از کنارش بگذریم. در کنار همه مواردی که معرفی شده است، در این ستون به یک سری نکات دیگر در مورد گردشگری در این شهر مذهبی نیز اشاره می‌کنیم؛ شاید به کارتان بیاید. کاروانسراها از جاذبه‌های جالب این استان محسوب می‌شوند. از جمله کاروانسرای دیر گچین، منظر به، طینوج، قلعه سنگی، یاسنگان، دلاک و ... بناهای طبیعی نمکی نیز از دیگر جاذبه‌های استان قم است؛ همچون گنبد نمکی یزدان، حوض سلطان و ... بیشتر مردم قم برای گشت‌و‌گذار داخل شهری کوتاه‌همراه با خانواده، به بوستان‌ها و رستوران‌ها و راسته‌های خاصی از شهر می‌روند. بوستان‌های علوی، پارک کهک، پارک بنیادی، پارک آب‌وتاب (برای تفریحات آبی)، رنگین‌کمان و ... از این جمله‌اند. میل‌های تاریخی هم می‌توانید سر بزنید؛ مثل میل سنگی جاهک، میل صفر علی، میل امامزاده عبدالله، میل پایک و ... شهر دستجرد با ۲۷ روستا را هم فراموش نکنید؛ گردشگران زیادی به آنجا و روستاهای اطراف می‌روند.

تأملی در چند اثر از چند نویسنده معاصر درباره حضرت معصومه (سلام الله علیها)

در ستایش کریمه اهل بیت

آثار متعددی در طول این چند سال درباره مقام علمی و معنوی کریمه اهل بیت (سلام الله علیها) چاپ و منتشر شده است که هر کدام از منظر شخصییت این بانوی بزرگوار را مورد بررسی قرار داده اند. در ادامه بابرخی از این آثار بیشتر آشنا می شویم.



فروغی از کوثر

این کتاب توسط الیاس محمد بیگی تألیف و مشتمل بر ۷ بخش است. نگاهی کوتاه به این کتاب حاکی از آن است که در «بخش اول: پیشینه های درخشان شهر قم؛ بخش دوم: اجمالی از زندگانی حضرت فاطمه معصومه (علیها السلام)؛ بخش سوم: فضائل و مناقب حضرت فاطمه معصومه (علیها السلام)؛ بخش چهارم: روایاتی از حضرت فاطمه معصومه (علیها السلام)؛ بخش پنجم: کرامات کریمه اهل بیت (علیهم السلام)؛ بخش ششم: حضرت فاطمه معصومه (علیها السلام) در شعر شاعران و در بخش هفتم: سیر تحولات معماری، هنری آستانه مقدسه» مورد بررسی قرار گرفته است.



کتاب الکترونیکی دانستنی های کریمه اهل بیت (سلام الله علیها)

کتاب دانستنی های کریمه اهل بیت سلام الله علیها اثر واحد تحقیقات مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان با امکانات تحقیقاتی فراوان منتشر شد. این کتاب با رعایت پاورقی ها و صفحه بندی و با امکانات تحقیقاتی فراوان (جستجو - ارسال پیامک - انتخاب و ذخیره متن و امکانات فراوان دیگر) و ویژگی های سومند و مفید (تغییر رنگ اعراب و متن تغییر اندازه و نوع قلم و بوک مارک (صفحات مورد علاقه)...) انتشار یافته است. این اثر در ۱ جلد به زبان فارسی در موضوعات «شخصیت ها، اصحاب و علماء» و «قم مقدسه» و «کتاب و کتابداری» در سایت این مرکز برای مطالعه آنلاین کتاب و دانلود نسخه الکترونیکی آن قرار گرفته است. این کتاب الکترونیکی در ۶ فرمت نرم افزاری - pdf - java - android - Html - epub - ghb برای استفاده در رایانه، انواع گوشی های تلفن همراه و انواع تبلت به صورت رایگان بر روی وبسایت مرکز به نشانی www.ghbook.ir قرار گرفته است.



بانوی ملکوت

«بانوی ملکوت» کتابی است که با نگاهی به حیات معنوی حضرت فاطمه معصومه (س) توسط آیت الله علی کریمی چهارمی به رشته تحریر درآمده است. در مقدمه این کتاب آمده است: آستان سبز «بانوی ملکوت» حضرت فاطمه معصومه (س)، تصویری از بهشت الهی است که خدای بزرگ بر بندگان شایسته خویش وعده کرده است؛ آن جا که جان هر زائر مشتاق در ترم سبز زیارت به تمنای بلند شفاعت نشست و در حریم آن بانوی با جلال، دل به عطای او بسته است. کتاب «بانوی ملکوت»، پس از نگاهی اجمالی به قم در کلام روایات و تحلیلی از آن اخبار، به بررسی ابعاد مختلفی از حیات طیبه کریمه آل محمد، حضرت فاطمه معصومه (س)، می پردازد و خاتمه کتاب، ذکر و یاد جرعه نوشانی از صباهای علم و معنویت کریمه اهل بیت است که در همجواری با دختر موسی بن جعفر (ع)، قرین سعادت ابدی شده اند. موسسه بوستان کتاب، این کتاب را با قیمت ۸ هزار تومان منتشر کرده است.

هیأت

ایرانیان و حضرت معصومه (سلام الله علیها)

کتاب «ایرانیان و حضرت معصومه (سلام الله علیها)» به قلم محمدحسین شمسایی منتشر شده است. این کتاب آثار دوسویه ورود حضرت معصومه (سلام الله علیها) به ایران و ساختن آستانه ایشان در شهر قم بر فرهنگ عامه ایران و نیز رفتارها و آداب و آیینی را بررسی کرده است و پاسخی به این پرسش هاست که آرامگاه حضرت معصومه (سلام الله علیها) که از خانواده پیامبر اسلام (ص) و از شخصیت های دوره تابعین به شمار می رود، چه اندازه در پیدایی و شکل گیری فرهنگ کنونی شهر قم و فرهنگ عامه ایران نقش داشته است؟ مردمان قم و نیز ایرانیان با این بانو و آرامگاه و آستانه وی چه رفتاری داشته اند و بر پایه آن چه آداب و آیینی بر ساخته اند؟ کتاب «حضرت معصومه؛ ایرانیان و حضرت معصومه (سلام الله علیها)» در قالب هشت بخش به مباحث زندگی حضرت معصومه (سلام الله علیها) در یک نگاه، جایگاه دینی و شخصیت معنوی حضرت معصومه (سلام الله علیها)، حضرت معصومه (سلام الله علیها) و آیین های معنوی ایرانیان، حضرت معصومه (سلام الله علیها) و آداب ایرانی، ساختار حرم حضرت معصومه (سلام الله علیها)، مکان ها و ساختمان های آداری، حضرت معصومه در ادبیات فارسی (سلام الله علیها) و حرم حضرت معصومه (سلام الله علیها) و گسترش شهر قم پرداخته است. در بخشی از کتاب درباره مقام و جایگاه حضرت معصومه (سلام الله علیها) چنین بیان شده است: «ملاصدرا - فیلسوف نامدار ایرانی قرن یازدهم هجری - در مدتی که در قم زندگی می کرد، هر گاه به مشکلی بر می خورد، یا مطلبی برایش مبهم می شد، به حرم حضرت معصومه (سلام الله علیها) می رفت و از او یاری می جست و همان جا مطلب برایش حل می شد.» کتاب ۱۲۸ صفحه ای «ایرانیان و حضرت معصومه (سلام الله علیها)» در انتشارات به نشر به چاپ رسیده است.



نگاهی به بخشی
از آثار منتشر شده درباره کریمه
اهل بیت (علیها السلام)

معصومه قم

هیات: حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) مشهور به کریمه اهل بیت، دختر امام کاظم (علیه السلام) و خواهر امام رضا (علیه السلام) است. این بانوی بزرگوار در ۲۰۱ قمری برای دیدار برادرش امام رضا (علیه السلام) در طوس، از مدینه به ایران آمد؛ اسادر میانه راه، به علت بیماری درگذشت و در قم مدفون شد. عالمان شیعه، و ویژگی‌های شخصیتی و علمی وی را ستوده و از او روایاتی نیز نقل کرده‌اند. در برخی روایات، پادشاه زیارت او، بهشت دانسته شده است. آیت الله رضا استادی، از نویسندگان برجسته معاصر معتقد است که قدیمی ترین منبعی که تاریخ تولد و وفات حضرت معصومه را ذکر کرده کتاب نور الآفاق (منتشر شده در ۱۳۳۴ق) نوشته جواد شاه عبدالعظیمی (م ۱۳۵۵ق) است. استاد با کنار هم گذاشتن مطالب متعددی از این کتاب نتیجه می‌گیرد بسیاری از ادعاهای آن از جمله تاریخ تولد و وفات حضرت معصومه ساختگی است و از کتاب او به کتاب‌های دیگر نیز راه یافته است. چند سال بعد از انتشار مقاله استادی، رسول جعفریان در اعتراض به ثبت شدن این تاریخ تولد و وفات در تقویم‌ها، خلاصه‌ای از تحقیقات استادی را منتشر کرد. سید ضیاء مرتضوی نیز در مقاله‌ای با عنوان تاریخ ولادت و وفات حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) «شرحی بر یک سندسازی بی پایه» همین نکته را تأکید می‌کند. او ضمن گزارشی از تلاش‌های بی نتیجه برای یافتن تاریخ تولد و وفات حضرت معصومه، منابع مورد استناد جواد شاه عبدالعظیمی را نیز ساختگی و غیر قابل اعتماد معرفی می‌کند. بر پایه برخی روایات، حضرت معصومه (سلام الله علیها) از مقام شفاعت نزد خداوند بر خردار است و شیعیان با شفاعت او وارد بهشت می‌شوند. از جمله از امام صادق (علیه السلام) روایت شده است که: «در قم، زنی از نسل من دفن می‌گردد که فاطمه نامیده می‌شود، با شفاعت او همه شیعیان ما وارد بهشت می‌شوند. همچنین در زیارتنامه آن حضرت به جایگاه او نزد خدا اشاره شده و از او درخواست شفاعت شده است. صاحب کتاب تاریخ قم می‌نویسد: «در سال ۴۰۰ ق مأمون خلیفه عباسی، از امام رضا (علیه السلام) خواست که برای ولیعهدی از مدینه به مرو بیاید. پس خواهر ایشان در سال ۴۱۰ ق به قصد دیدار برادر راهی مرو شد. گفته شده فاطمه معصومه (سلام الله علیها) پس از دریافت نامه برادرش، خود را آماده سفر کرد. آن حضرت با کاروانی از بستگان و خوشان راهی ایران شد. کاروان وقتی به ساوه رسید، دچار جنگ سختی با دشمنان اهل بیت شد و همه برادران و برادرزادگان حضرت معصومه (سلام الله علیها) به شهادت رسیدند. آن حضرت پس از دیدن جنازه‌های غرقه به خون عزیزانش به سختی بیمار شد. او پس از این جریان، به خادم خود گفت او را به قم ببرد. تاریخ وفات حضرت معصومه (سلام الله علیها) در منابع متقدم ذکر نشده اما برخی از منابع متأخر وفات او در ۱۰ ربیع الثانی سال ۲۰۱ قمری در ۲۸ سالگی عنوان کرده‌اند. برخی نیز ۱۲ ربیع الثانی را نقل کرده‌اند. شیعیان پس از رحلت این بانوی واجب‌التعظیم پیکر او را تشییع کردند و در منطقه‌ای به نام بابلان (حرم کتونی) که متعلق به موسی بن خزیج بود به خاک سپردند. موسی بن خزیج سایبانی از بور، با بر فراز قبر او قرار داد تا اینکه در سال ۲۵۶ زینب (سلام الله علیها) دختر امام جواد (علیه السلام) که برای زیارت مزار عمه خود، به قم آمده بود، قبری از آن بنا کرد. در برخی از کتب شیعه، زیارتنامه‌ای از امام رضا (علیه السلام) برای حضرت معصومه نقل شده است. علامه مجلسی این زیارتنامه را در تحفه‌الزائر آورده و در مقدمه آن یاد آور شده است که در این کتاب فقط زیارتنامه‌هایی را می‌آورد که سند آنها معتبر باشد. با تمام آنچه ذکر شد در حقیقت بانوی بزرگوارى مواجه هستیم که صاحب مقامات موقعبتی ممتاز در اندیشه شیعی است. از همین روست که بعد از تأتعدادی درباره آن حضرت توسط دانشمندان به رشته تحریر در آمده است. در ادامه به مهمترین کتاب‌هایی که درباره شخصیت و کرامات این بانوی بزرگوار در سه دهه اخیر منتشر شده‌اند، اشاره می‌کنیم:

— زیارت کریمه اهل البیت علیها سلام (به زبان عربی) / شیخ محسن آل عصفور بحرانی / قم / ۱۳۶۳ — معصومه قم / آیت الله سید تقی طباطبایی قمی / انتشارات مفید / ۱۳۶۵ — زندگی و کرامات حضرت معصومه (سلام الله علیها) / احمد بانیور / نشر الف / ۱۳۷۶ — فروغی از کوثر: حضرت فاطمه معصومه الیاس محمدیگی / امور فرهنگی آستانه مقدسه / ۱۳۷۵ — نگاهی به زندگانی حضرت معصومه (سلام الله علیها) / غلامرضا حیدری ابهری / انتشارات زائر / ۱۳۷۵ — حضرت معصومه (سلام الله علیها) و شهر قم / محمد حکیمی / سازمان تبلیغات اسلامی / ۱۳۷۶ — آینه عصمت: مجموعه اشعاری درباره حضرت معصومه (سلام الله علیها) / محمود شاهرخی و عباس مشفق کاشانی / انتشارات اسوه / ۱۳۷۶ — حیاة فاطمة المعصومة (علیها السلام) / عبدالهادی شهرستانی / قم / ۱۳۷۶ — زیارت نامه حضرت امام رضا (علیه السلام) و حضرت معصومه (سلام الله علیها) / محمد تقی دیباجی / انتم (علیه السلام) / ۱۳۸۱ — کرامات حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) / سیدعلی حسینی قمی / نبوغ / ۱۳۸۱ — کرامات و زیارت نامه حضرت معصومه (سلام الله علیها) / محسن آشتیانی / زهیر / ۱۳۸۱ — تاریخچه قم و زندگینامه حضرت معصومه (سلام الله علیها) / محمد محمدی اشتیاری / گلستان ادب / ۱۳۸۲ — زیارتنامه حضرت معصومه (سلام الله علیها) / مهدی الهی قمشه‌ای، محمد هادی اشرفی / انفال / ۱۳۸۲ — نگاهی به زندگانی حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) / غلامرضا حیدری ابهری، بشیر خزامی پور (ترجمه)، رسول سیف مترجم / زائر / ۱۳۸۳ — زندگانی حضرت معصومه (سلام الله علیها) و تاریخ قم / سیدمهدی صفحی / صفحی / ۱۳۸۴ — دعای ندبه به انضمام زیارت حضرت معصومه (سلام الله علیها) / عباس نادری (خطاط) / یاد / ۱۳۸۴ — جغرافیای تاریخی هجرت حضرت معصومه (سلام الله علیها) / سیدعلیرضا سید کباری / آستان مقدسه حضرت معصومه (سلام الله علیها) / ۱۳۸۴ — فاطمه معصومه (سلام الله علیها) و تاریخ و فرهنگ قم / علی صدراپی خویی / آستان مقدسه حضرت معصومه (سلام الله علیها) / ۱۳۸۴ — عنایات معصومه (از زبان خادمین آستانه مقدسه حضرت معصومه علیه‌السلام) / محمدعلی زینی نند، رضا شیخ محمدی (ویراستار) / آستان مقدسه حضرت معصومه (سلام الله علیها) / مشک فشان: اشعار آیات و علمای حوزه علمیه در مدح و منقبت حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) / مهدی محمدیگی (گردآورنده) / آستان مقدسه حضرت معصومه (سلام الله علیها) / ۱۳۸۴ — حضرت معصومه (سلام الله علیها) / فاطمه معصومه (سلام الله علیها) / تاریخ متولیان آستانه مقدسه حضرت معصومه (سلام الله علیها) / جمران و امام زادگان ... / محمد محمدی اشتیاری / اخلاق / ۱۳۸۴ — تاریخ متولیان آستانه مقدسه حضرت معصومه (سلام الله علیها) / محمدعلی محمدی / زائر / ۱۳۸۴ — ستایشگران کوثر قم: اشعار و مدایح در منقبت حضرت معصومه (سلام الله علیها) / منوچهر حقگو (گردآورنده) / آستان مقدسه حضرت معصومه (سلام الله علیها) / ۱۳۸۴ — چهل حدیث قم و حضرت معصومه (سلام الله علیها) / محمود شریفی / معروف / ۱۳۸۵ — شرح حدیث عرض دین حضرت عبدالعظیم حسنی (علیه السلام) / لطف الله صافی گلپایگانی / آستان مقدسه حضرت معصومه (سلام الله علیها) / ۱۳۸۵ — شیعه محشر: زندگینامه و زیارتنامه حضرت معصومه (سلام الله علیها) / حبیب الله تقیان / حسین مستان / ۱۳۸۵ — برادر بد گویند: حضرت فاطمه معصومه / مهدی وحیدی صدر، فرشته منعمی (نقاش) / ابراق / ۱۳۸۵ — بوستان معصومه (سلام الله علیها) / مرتضی عبدالوهابی / آستان مقدسه حضرت معصومه (سلام الله علیها) / ۱۳۸۵ — آئین مستان: ویژگی‌های فاطمی و شهادت حضرت معصومه (سلام الله علیها) / مهدی نوری (شاعر) / مشهور / ۱۳۸۶ — حضرت معصومه (سلام الله علیها) / چشمه جوشان کوثر / محمد محمدی اشتیاری / مهر / ۱۳۸۶ — عمه سادات: زندگی حضرت معصومه (سلام الله علیها) / اسدیا ابوالقاسم حمیدی / مسجد مقدس جمکران / ۱۳۸۶ — حضرت معصومه (سلام الله علیها) / اور شهر مقدس قم / نثار احمد زین پوری / انصاریان / ۱۳۸۶ — حضرت معصومه (سلام الله علیها) و شهر قم / سیدمحمد حکیمی / دفتر نشر فرهنگ اسلامی / ۱۳۸۷ — فروغی از کوثر: زندگینامه حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) / الیاس محمدیگی / آستان مقدسه حضرت معصومه (سلام الله علیها) / زائر / ۱۳۸۷ — مهتاب اهل بیت (سلام الله علیها): سیری در زندگی حضرت معصومه (سلام الله علیها) / سیدحسین اسحاقی / خادم الرضا (علیه السلام) / ۱۳۸۷ — حضرت معصومه (سلام الله علیها) / رضا علی نیا، حکیمه شریفی (تصویرگر) / ابراق / ۱۳۸۷ — فاطمه معصومه (سلام الله علیها) مهمان هفده روزه / فرید مسعودی / دلیل ما / ۱۳۸۸



حضرت معصومه (سلام الله علیها) آینه عصمت

این کتاب که آیت الله ضیاءالدین نجفی است در هشت بخش با عنوان‌های «ولادت و تبار خانوادگی حضرت معصومه (سلام الله علیها)»، «شخصیت علمی و جایگاه معنوی حضرت معصومه (سلام الله علیها)»، «دعوت امام رضا به خراسان و پیشنهاد و لایحه‌دهی تا شهادت»، «هجرت حضرت معصومه (سلام الله علیها) از مدینه به ایران به قصد دیدار امام رضا (ع)»، «شهر قم در پیشینه تاریخ (مرکز علم و اجهدات)»، «بارگاه نورانی حرم مطهر حضرت معصومه (سلام الله علیها)»، «یادداشت‌ها» و «امامزادگان آرمیده در قم» تنظیم شده است. نویسنده کتاب «حضرت معصومه (سلام الله علیها) آینه عصمت» با اشاره به ویژگی این کتاب در مقایسه با آثاری با موضوع مشابه آن، گفت: رساله‌ها و کتاب‌های مختلفی درباره این بانوی مکرم به صورت مختصر و پراکنده منتشر شده است ولی این کتاب در حجمی نزدیک به ۵۰۰ صفحه به صورت جامع به همه زوایای زندگی ایشان پرداخته است. در بخشی از مقدمه این اثر که از سوی انتشارات آثار اهل بیت (ع) به چاپ رسیده، می‌خوانیم: «یکی از امامزادگان معتبر و معروف که در شهر مقدس قم آرمیده، دخت گرامی امام هفتم حضرت موسی کاظم و خواهر بزرگوار امام رضا (ع) حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها است. این بانوی معظم در اول ذی قعدة سال ۱۷۳ ه ق در مدینه منوره بیت نورانی امام هفتم حضرت موسی کاظم (ع) متولد شد. در دامان پدر و مادر تربیت یافت، در نوجوانی رنج تبعید و زندان و شهادت را دید و یک سال بعد از دعوت اجباری برادرش امام رضا (ع) توسط مأمون، خود دیدار برادر از مدینه به سوی ایران هجرت نمود. این کاروان علوی در ساوه مورد هجوم دشمن و مأموران عباسی قرار گرفت و ۲۳ نفر از برادران و همراهان او به شهادت رسیدند و به استناد محقق دانشمند جعفر مرتضی عاملی حضرت فاطمه معصومه نیز در جریان تهاجم به دست دشمن مسموم گشت، با انتشار خبر این حادثه در ناک، بزرگان قم به کمک و استقبال ایشان شتافتند و از آن بانوی معظم برای اجلال نزول در شهر قم، مرکز محدثان و ارادتمندان و شیعیان و اهل بیت (ع) دعوت نمودند و با شرایطی که پیش در آمد آن حضرت این دعوت را پذیرفت و حرکت کاروان از مسیر خراسان به سوی شهر قم تغییر کرد و از دیدار امام رضا (ع) بازماندند.»

هیات

علت سفر کریمه اهل بیت (علیها السلام) به ایران چه بود؟

دیدار با برادر



حضرت معصومه - سلام الله علیها - که بعد از پدرش تنها امیدش یعنی برادرش را از خود دور می‌دید بسیار آزرده خاطر و افسرده بود و نمی‌توانست دوری برادرش را تحمل بکند تا اینکه بعد از یک سال به سوی ایران حرکت کرده اما اینکه علت سفر آن حضرت به ایران چه بوده دقیقاً مشخص نیست اما طبق اقوال و گزارش‌های موجود تاریخی علت سفر به ایران را این طوری می‌توان بیان کرد.

طبق برخی از گزارشات علت سفر حضرت معصومه - سلام الله علیها - به ایران جهت دیدار با برادر خودش بوده چون همان طور که قبلاً هم اشاره شد حضرت معصومه بعد از شهادت پدر بزرگوارش علاقه و محبت و وابستگی خاصی به برادر خودش امام رضا - علیه السلام - داشت و از محضر علمی و معنوی آن حضرت سود می‌برد حال که امام و برادرش را از خود دور می‌دید نمی‌توانست این دوری را تحمل بکند از این رو تصمیم گرفت برای زیارت برادرش از مدینه به مقصد خراسان حرکت بکند و در سال ۲۰۱ هجری وارد ایران گردید.

طبق نقل دیگر امام رضا - علیه السلام - بعد از ورودش به خراسان نامه‌ای خطاب به خواهر گرامی‌اش فاطمه معصومه مرقوم فرمود و آن را توسط یکی از غلامانش به مدینه منوره ارسال فرمود. امام به غلامش دستور داد که در هیچ منزلی توقف نکند تا در اندک زمان ممکن آن نوشته را به مدینه برساند. و حضرت معصومه به مجرد رسیدن نامه برادرش خود را آماده سفر نمود. البته جریبان این نامه در کتاب‌های دست‌اول و قدیمی نیست. برخی محققین از لابه‌لای مطالب کتاب‌های گذشته وجود چنین نامه‌ای را اثبات می‌کنند.

از این دو نقل استفاده می‌شود که حضرت معصومه - سلام الله علیها - به خاطر وابستگی که به برادر بزرگوار خود داشته و اوضاع مساعد برادرش در خراسان آن حضرت را بر آن داشت تا به حضور برادر خود در خراسان برسد. لذا محقق بزرگوار آقای جعفریان می‌نویسد: پس از آمدن علی بن موسی - علیه السلام - به ایران گروه‌هایی از «سادات» راهی ایران شدند. تسامح مأمون در مقابل سخت‌گیری پدرش نسبت به سادات، در رشد و سربلندی علویان، تأثیر بسزایی داشت و آمدن حضرت معصومه - سلام الله علیها - به ایران از جمله مهاجرت‌هایی بوده که در رابطه با آمدن امام رضا - علیه السلام - به ایران صورت گرفته است.

مرعشی هم در این باره می‌نویسد: سادات از آوازه ولایت امام رضا - علیه السلام - و پناهی که مأمون به آن حضرت داده بود، روی به طرف ایران نهادند و مجموع برادران و بنو اعمام که به بیش از بیست نفر می‌رسید به ایران آمده و در قم مورد تکریم واقع شدند. در حالی که در سواه درگیری بین دشمنان اهل بیت و کاروان در افتاد که حلی آن عده‌ای از همراهان او شهید شدند.

دلایل تاریخی

لازم به ذکر است سفر حضرت فاطمه معصومه - سلام الله علیها - و سایر امام زادگان و همراهان از روی غفلت نبوده است. بنا به دلایل تاریخی این سفر در حال علم و با آگاهی از اوضاع صورت گرفته است.

این دلایل عبارت‌اند از:

در کتاب کریمه اهل بیت - علیهم السلام - سخن از نامه امام رضا - علیه السلام - به حضرت فاطمه معصومه - سلام الله علیها - است که امام - علیه السلام - خواستار سفر خواهرش شده است. نویسنده کتاب که سند این نامه را از کتاب «من لایحضره الفقیه» نقل می‌کند آورده است که حضرت امام رضا - علیه السلام - به یکی از غلامانشان دستور دادند که نوشته‌ای را به خدمت حضرت فاطمه معصومه - سلام الله علیها - برسانند و حضرت به مجرد رسیدن نامه آماده سفر

شدند.

سیاست مأمون که خلیفه مسلمین بود ابتدا در صدد جلب نظر علویان به سوی خود بود و سیاست خوبی با علویان داشته ولی بعداً این سیاست تبدیل به شکنجه و آزار و اذیت علویان منجر گشت. شاید به همان خاطر حضرت فاطمه معصومه - سلام الله علیها - و سایر امام زادگان دست به سفر زدند.

«مأمون بعد از شهادت امام رضا - علیه السلام - به سال ۲۰۲ قمری طی نامه‌ای به بنی عباس و موالی آن‌ها در بغداد، از آن‌ها استمالت نمود و پایان سیاست گرایش به علویان را اعلام کرد و سیاست سابق دولت عباسی در قتل عام شیعیان و سرکوب طالبان را به رویه‌ی ثابت خود قرار داد.»

اکثر منابع علت سفر حضرت معصومه - سلام الله علیها - را زیارت برادرش ذکر کردند. در هیچ‌یک از منابع در مورد غفلت آن بانو حرفی نزدند.

نتیجه‌گیری

با دلایل تاریخی که گفته شد، مشخص می‌شود حضرت معصومه - سلام الله علیها - و سایر امام زادگان و همراهان از روی غفلت دست به سفر به سوی ایران نمی‌زدند، نامه امام رضا (ع)، سیاست مأمون، دیدار امام رضا (ع)، تبلیغ امامت و مذهب تشیع، انتخاب مسیر و از همه مهم‌تر جو اختناق و فشار حاکم بر عراق از جمله دلایل تاریخی است که حضرت معصومه (س) برای دیدن برادرش به سمت ایران حرکت کرد و در این راه از تبلیغ امامت و مذهب تشیع فروگذار نکرد.



کنکاشی در ابعاد
واقعہ ۹ دی

ہیات



حقیقت را باید تبلیغ کرد

مرور فرمایشات رهبر معظم انقلاب با کلیدواژه‌های «فتنه»، «جذب حداکثری»، «جنگ نرم» و «هدف دشمن»

مراقب سنگرهای معنوی باشید
... دشمن به سراغ سنگرهای معنوی می‌آید که آنها را منهدم کند؛ به سراغ ایمانها، معرفت‌ها، عز‌مها، پایه‌ها و ارکان اساسی یک نظام و یک کشور؛ دشمن به سراغ اینها می‌آید که اینها را منهدم بکند و نقاط قوت را در تبلیغات خود به نقاط ضعف تبدیل کند؛ فرصتهای یک نظام را به تهدید تبدیل کند. این کارهایی است که دارند می‌کنند؛ در این کار تجربه هم دارند، تلاش هم زیاد دارند می‌کنند، ابزار فراوانی هم در اختیارشان هست. باید ابعاد دشمن و ابعاد دشمنی را بدانیم تا بتوانیم بر او فائق بیاییم. البته ما مدد الهی داریم، کمک غیبی داریم بدون شک؛ این را انسان دارد مشاهده می‌کند؛ لکن ما مادامی که هوشیارانه، آگاهانه در میدان نباشیم، تدبیر لازم را به کار

حماسه ۹ دی را می‌توان با نگاه‌های گوناگون تحلیل و واکاوی کرد، اما بدون تردید فصل مشترک همه این تحلیل‌ها، واژه‌های «صبر» و «بصیرت» است که عامل اصلی پیدایش این حماسه ماندگار شد. امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در جنگ صفین خطاب به یاران فرمودند: «الا ولا یحمل هذا العلم الا اهل البصر و البصیر» حالا همین دو گزاره را می‌توان در رفتار و بیانات مقام معظم رهبری در کنترل وقایع پس از انتخابات ریاست جمهوری ۸۸ مشاهده کرد. «بصیرت انقلابی» و «صبر انقلابی» رهبر انقلاب، باعث شد تا هر دو سوی منازعه، قانون را فصل الخطاب قرار دهند. این «جامعیت» باعث شد تا نه آنهایی که به دروغ ادعای تقلب بزرگ کرده بودند، بتوانند کشور را بیراهه ببرند و نه آنهایی که با «اجتهاد شخصی» قصد برخورد با معترضان را داشتند. اگر سیر فرمایشات معظم له را دنبال کنیم، کاملاً می‌توانیم «مدار مدارا» را در این مسیر ببینیم. ۸ سال بعد از گذشت از این اتفاقات، گزیده‌هایی از این فراها را مرور می‌کنیم.



در فتنه باید بصیرت داشت

در حوادث فتنه‌گون، شناخت عرصه دشوار است، شناخت اطراف قصه دشوار است، شناخت مهاجم و مدافع دشوار است، شناخت ظالم و مظلوم دشوار است، شناخت دشمن و دوست دشوار است. اگر بنا باشد یک شاعر هم مثل دیگران گول بخورد، فریب بخورد و بی‌بصیرتی به سراغش بیاید، این خیلی دون شأن یک انسان هنری و یک انسان فرهنگی است. پس باید حقیقت را فهمید؛ بعد هم باید همان حقیقت را تبلیغ کرد...

۸۸/۶/۱۴ - دیدار با جمعی از شاعران

مراقب باش در خدمت فتنه‌گر نباشی

بعضی‌ها در فضای فتنه، این جمله «کن فی الفتنه کابن اللبون لا ظهر فیرکب و لا ضرع فیحلب» را بد می‌فهمند و خیال می‌کنند معنایش این است که وقتی فتنه شد و اوضاع مشتبه شد، بکش کنار! اصلاً در این جمله این نیست که: «بکش کنار». این معنایش این است که به هیچ وجه فتنه‌گر نتواند از تو استفاده کند؛ از هیچ راه. «لا ظهر فیرکب و لا ضرع فیحلب»؛ نه بتواند سوار بشود، نه بتواند تو را بدوشد؛ مراقب باید بود. گاهی سکوت کردن، کنار کشیدن، حرف نزدن، خودش کمک به فتنه است. در فتنه همه بایستی روشنگری کنند؛ همه بایستی بصیرت داشته باشند. امیدواریم ان شاء الله خدای متعال ما را و شما را به آنچه می‌گوییم، به آنچه نیت داریم، عامل کند؛ موفق کند.

۸۸/۷/۲ - دیدار با اعضای خبرگان رهبری

تشخیص دشوار می‌شود

در شرایط فتنه، کار دشوارتر است؛ تشخیص دشوارتر است. البته خدای متعال حجت را همیشه تمام می‌کند؛ هیچ وقت نمی‌گذارد مردم از خدای متعال طلبکار باشند و بگویند تو حجت را برای ما تمام نکردی، راهنما نفرستادی، ما از این جهت گمراه شدیم. در قرآن مکرر این معنا ذکر شده است. دست اشاره الهی همه جا قابل دیدن است؛ منتها چشم باز می‌خواهد. اگر چشم را باز نکردیم، هلال شب اول ماه را هم نخواهیم دید؛ اما هلال هست. باید چشم باز کنیم، باید نگاه کنیم، دقت کنیم، از همه امکاناتمان استفاده کنیم تا این حقیقت را که خدا در مقابل ما قرار داده است، ببینیم.

۸۸/۱۰/۱۹ - دیدار با مردم قم

جذب حداکثری

بنای نظام جذب حداکثری است

اشکالی ندارد که مسئولان کشور، متولیان امور کشور منتقدینی داشته باشند که ضعفهای آنها را به خود آنها نشان بدهند. وقتی انسان در مقام رقابت قرار بگیرد، مقابل منتقد قرار بگیرد، بهتر کار می‌کند. اینجور نیست که وجود منتقدین و کسانی که این روش را قبول ندارند، آن روش را قبول دارند، برای نظام ضرری داشته باشد؛ منتها باید در چهارچوب نظام باشد؛ این اشکالی ندارد، این مخالفت هیچ مخالفت مضر نیست؛ نظام هم مطلقاً با یک چنین مخالفتی برخورد نمی‌کند. البته انتقاد باید در چهارچوب اصول باشد. اصول انقلاب هم مشخص است که چیست. اصول انقلاب امور سلیقه‌ای نیست که هر که از یک گوشه‌ای در بیاید، سنگ اصول را به سینه بزند؛ بعد که سراغ این اصول می‌رویم، می‌بینیم بیگانه از انقلاب است. اصول انقلاب، اسلام است؛ قانون اساسی است؛ رهنمودهای امام است؛ وصیت‌نامه امام است؛ سیاستهای کلی نظام است که در قانون اساسی معین شده که این سیاستهای کلی بایست تدوین بشود. در این چهارچوب،



هیأت

اختلاف نظر و اختلاف سلیقه عیب نیست که حسن است...
خطبه‌های نماز جمعه تهران - ۸۸/۶/۲۰

اعتقادی به دفع ندارم

من هیچ اعتقادی ندارم به دفع؛ من گفتم در نماز جمعه؛ اعتقاد من به جذب حداکثری و دفع حداقلی است؛ اما بعضی‌کس آنه خودشان اصرار دارند بر اینکه از نظام فاصله بگیرند. یک اختلاف درون خانوادگی را، درون نظام را - که مبارزات انتخاباتی بود - یک عده‌ای تبدیل کردند به مبارزه با نظام - البته این‌ها اقلیت‌اند، کوچک‌اند؛ در مقابل عظمت ملت ایران صغرند، لکن به نام اینها شعار می‌دهند، اینها هم دل خوش می‌کنند به این - این باید مایه عبرت باشد. تبلیغ باید بتواند این حقایق را برای مردم و برای خود آنها روشن بکند که بفهمند دارند خطا می‌کنند و اشتباه می‌کنند.

۸۸/۲/۲۹ - دیدار با طلاب و دانشجویان

جنگ نرم

نبریم، کمک الهی به سراغ ما نخواهد آمد.
۱۳۸۸/۷/۲ - دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری

ایجاد فتنه برای ایجاد اختلاف

آنچه که مهم است، این است که ملت عزیز ما اتحاد خود را حفظ کنند، وحدت کلمه را حفظ کنند. این وحدت کلمه، خاری در چشم دشمنان است. سعیشان این است که وحدت کلمه ملت را به هم بزنند. به گمان من مهمترین هدف از حوادث دوران فتنه بعد از انتخابات - این چند ماه - این بود که بین احاد ملت شکاف بیندازند؛ سعیشان این بود، میخواستند بین احاد مردم شکاف بیندازند و نتوانستند. امروز معلوم شده است که آن کسانی که در مقابل عظمت ملت ایران، در مقابل کار بزرگ ملت ایران در انتخابات ایستادند، آنها بخشی از ملت نیستند؛ افرادی هستند یا ضد انقلاب صریح، یا کسانی که بر اثر جهالت خود، بر اثر لجاجت خود، کار ضد انقلاب را میکنند؛ بطی به توده‌ی مردم ندارند. توده‌ی مردم راه خود را ادامه میدهد؛ راه خدا را، راه اسلام را، راه جمهوری اسلامی را، راه پیاده کردن احکام الهی را، راه رسیدن به عزت و استقلال در پناه اسلام را. ملت حرکتش اینجوری است.

۸۸/۱۷/۱۹ - دیدار با فرماندهان و پرسنل نیروی هوایی ارتش

همه می‌گویند جنگ نرم

حالا معمول شده که در بیانها و در تلویزیون و توی تبلیغات و توی دادگاه و توی زبان همه، می‌گویند: جنگ نرم؛ راست است، این یک واقعیت است؛ یعنی الان جنگ است. البته این حرف را من امروز نمی‌زنم؛ من از بعد از جنگ - از سال ۶۷ - همیشه این را گفته‌ام؛ بارها و بارها. علت این است که من صحنه را می‌بینم؛ چه بکنم اگر کسی نمی‌بیند؟! چه کار کند انسان؟! من دارم می‌بینم صحنه را، می‌بینم تجهیز راه می‌بینم صفا آری‌ها را، می‌بینم دهانهای با حقد و غضب گشوده شده و دندانهای با غیظ به هم فشرده شده علیه انقلاب و علیه امام و علیه همه این آرمانها و علیه همه آن کسانی که به این حرکت دل بسته‌اند راه اینها را انسان دارد می‌بیند، خوب چه کار کند؟ این تمام نشده. چون تمام نشده، همه وظیفه داریم. وظیفه مجموعه فرهنگی و ادبی و هنری هم وظیفه مشخصی است: بلاغ، تبیین؛ بگویید، خوب بگویید. من همیشه تکیه بر این می‌کنم: بایستی قالب را خوب انتخاب کنید و هنر را

بایستی تمام عیار توی میدان بیاورید؛ نباید کم گذاشت، تا اثر خودش را بکند.
۱۳۸۸/۶/۱۴ - دیدار با جمعی از شعرا

شما جوانان افسران جنگ نرم هستید

ببینید عزیزان! شماها می‌دانید - چون دیدم در بیانات شماها هم هست - امروز جمهوری اسلامی و نظام اسلامی با یک جنگ عظیمی مواجه است، لیکن جنگ نرم - که دیدم همین تعبیر «جنگ نرم» توی صحبت‌های شما جوانها هست و الحمدلله به این نکات توجه دارید؛ این خیلی برای ما مایه خوشحالی است - خوب، حالا در جنگ نرم، چه کسانی باید میدان بیابند؟ قدر مسلم نخبگان فکری‌اند. یعنی شما افسران جوان جبهه مقابله با جنگ نرمید. این که چه کار باید بکنید، چه جوری باید عمل کنید، چه جوری باید تبیین کنید، اینها چیزهایی نیست که من بیایم فهرست کنم، بگویم آقا این عمل را انجام بدهید، این عمل را انجام ندهید؛ اینها کارهایی است که خود شماها باید در مجامع اصلی تان، فکری تان، در اتاقهای فکر تان بنشینید، راهکارها را پیدا کنید؛ لیکن هدف مشخص است: هدف، دفاع از نظام اسلامی و جمهوری اسلامی است در مقابله با یک حرکت همه‌جانبه‌ی متکی به زور و تزویر و پول و امکانات عظیم پیشرفته‌ی علمی رسانه‌ای. باید با این جریان شیطانی خطرناک مقابله شود.

۱۳۸۸/۶/۴ - دیدار با
دانشجویان و نخبگان
علمی کشور

هیات

۹ دی نسخه شفا بخش فتنه بود

حمیدرضا مقدم‌فر، کارشناس مسائل سیاسی در گفت‌وگویی با اشاره به سالروز حماسه ۹ دی و تأکید بر ماندگاری این روز اظهار داشت: ۹ دی می‌تواند بهانه‌ای برای تحلیل کل فتنه باشد.

وی افزود: حماسه ۹ دی از زمره حماسه‌های بزرگ مانند حضور مردم در پیروزی انقلاب اسلامی است و از این حیث باید ماندگار بماند. کارشناس مسائل سیاسی با اشاره به اینکه حماسه بزرگ ۹ دی رانمی‌توان بدون پیشینه و مقدمه تحلیل کرد، خاطر نشان کرد: پیشینه حماسه ۹ دی به هشت ماه دفاع مقدس نرم از انقلاب اسلامی برمی‌گردد.

وی ادامه داد: جنگ تحمیلی ایران بر خورد با یک دشمن بیرونی بود و از این جهت تکلیف کاملاً برای همگان روشن بود؛ اما در فتنه ۸۸ دشمن در خانه‌ها آمده و می‌جنگید، بنابراین در این عرصه دشوار و برای مقابله با این وضعیت، راهکارهای معمولی جواب نمی‌داد. خیلی از توطئه‌ها و دسیسه‌ها را می‌توان با کار اطلاعاتی و رسانه‌ای، روشنگری و خنثی کرد ولی فتنه ۸۸ با هیچ کدام از این راهکارها قابل خنثی شدن نبود. مقدم‌فر با بیان اینکه فتنه ۸۸ راهکاری از جنس خودش را طلب می‌کرد و آن راهکار «نرم» بود، اضافه کرد: راهکار مقابله با فتنه ۸۸ و علاج این بیماری، حضور مؤمنانه مردم در صحنه بود. این کارشناس مسائل فرهنگی و سیاسی با اشاره به تعبیر مقام معظم رهبری از فتنه به یک بیماری خاطر نشان کرد: ویروس بیماری فتنه مسئولان را تحت تأثیر قرار می‌داد؛ این ویروس خبیگان، اساتید، دانشجویان و حتی برخی از روحانیون را بیمار کرد و تنها نسخه برای مداوی این بیماری تکیه بر معارف دینی بود که توسط مقام معظم رهبری تشخیص داده شد و آن حضور مؤمنانه مردم در صحنه با سه کلید واژه حضور مردمی، ایمان و عمل صالح بود و حضور همان عمل صالح

بالاتر از آن هشت سال بود، چراکه این هشت ماه سرمایه‌گذاری دشمن به گونه‌ای بود که اگر بعضی از موضوع‌ها نبود، حتماً نظام دچار مشکل می‌شد از این‌رو عرصه جنگ نرم عرصه‌ای بسیار مهم و خطیر بود. مقدم‌فر با اشاره به حساسیت عظیم فتنه گفت: در این ۸ ماه دفاع مقدس، مقام معظم رهبری نزدیک به ۵۰ سخنرانی با موضوع جنگ نرم، فتنه و بصیرت داشتند و این نشان از حساسیت این موضوع داشت. در واقع فتنه‌ای که رقم خورد به تعبیر ایشان چیزی نبود که مادر کف خیابان‌ها می‌دیدیم بلکه این فتنه پشت صحنه و هدایت‌کننده‌هایی از بیرون کشور داشت و در واقع یک جنگ احزاب بود، یعنی همه جریانات و جبهه‌های متضادی که در یک مسئله با هم مشترک بودند، متحد شده بودند و آن هدف مشترک «فروپاشی نظام جمهوری اسلامی» بود. کارشناس مسائل سیاسی بیان کرد: در جریان فتنه ۸۸، بهائیان، منافقان، صهیونیست‌ها، آمریکایی‌ها، انگلیسی‌ها، سفارتخانه‌ها و عناصر اطلاعاتی غربی، همه دست به دست دادند تا این نظام دچار فروپاشی شود و تمام توانشان را در این زمینه به صحنه آوردند.

مقدم‌فر تصریح کرد: معتقدم ۸ ماه دفاع مقدس نرم سخت‌تر از ۸ سال دفاع مقدس بود، در واقع جنگ نرم سخت‌تر از جنگ سخت است؛ چراکه در جنگ سخت دچار سردرگمی نمی‌شویم، دشمن مشخص است و جهت نیز مشخص، برای همین دفاع و هجمه را نیز می‌توان به راحتی تنظیم کرد، ولی در جنگ نرم، دشمن به راحتی تشخیص داده نمی‌شود.

وی با اشاره به اینکه به تعبیر نهج البلاغه و از نظر امیرالمؤمنین (ع) فتنه «غبار آلودگی» است، ادامه داد: در جنگ نرم تشخیص دوست و دشمن دشوار است و انسان ممکن است مسیری را برود که دشمن می‌خواهد، ولی در جنگ سخت این طور نیست، در واقع برنامه جنگ نرم این است که زمانی مردم، خبیگان و مسئولان متوجه شوند چه شده که دشمن به هدفش رسیده باشد و کار از کار گذشته و زمان بازگشت دیگر دشوار باشد. این‌ها مواردی است که جنگ نرم را سخت‌تر می‌کند.

این کارشناس مسائل استراتژیک اضافه کرد: یکی دیگر از سختی‌های دشوار جنگ نرم ریزش بسیاری از کسانی بود که سال‌ها در خدمت انقلاب اسلامی بودند و در این راه مجاهدت کردند؛ به همین دلیل حساسیت این هشت ماه



اقدام آنها به نفع دشمنان بود، کسانی بودند که در تحلیل دچار مشکل شدند. کارشناس مسائل سیاسی تصریح کرد: ساکتین دچار تردید شدند و اشتباه آنها در تحلیل بود؛ در واقع آنها مرز بین مخالفت با فرد و مخالفت با نظام را نتوانستند تشخیص دهند، در فتنه ۸۸ دعوا بر سر افراد نبود بلکه مسئله «اصل نظام» بود و جبهه متحد استکبار جنگ احزابی علیه اصل نظام به راه انداخته بود، اما ساکتین نمی توانستند این را بفهمند.

وی با اشاره به اینکه ۹ دی در واقع یک جرعه بود، گفت: در روز عاشورای ۸۸ تحمیلی که مردم در ۸ ماه از خود نشان داده بودند، سرریز شد و ۹ دی رقم خورد. مردم پس از عاشورای ۸۸ دیگر نمی توانستند در مقابل توهین به مقدسات خاموش باشند.

مقدم‌فر با اشاره به جوشش مردم در عاشورای ۸۸ یادآور شد: چون الگوی نهضت ما بر گرفته از نهضت عاشورا است، مردم در حرکتی خودجوش فریاد ۹ دی را که فریادی دینی بود سر دادند. در روز عاشورای ۸۸ به مقدس‌ترین اعتقادات مردم توهین شد و پس از آن مردم یکپارچه به میدان آمدند و روز ۹ دی، روز مرگ فتنه شد.

کارشناس مسائل سیاسی گفت: هیچ کس نمی تواند ادعا کند که صاحب ۹ دی است؛ به تعبیر مقام معظم رهبری خدا دل‌ها را در این روز متوجه کرد پس روز ۹ دی با لطف الهی یوم‌الله شد و این روز در واقع روز خداست و خدا این دل‌ها را به صحنه آورد.

وی در پایان بیان داشت: به همین دلیل است که ۹ دی باید برای همیشه ماندنی باشد، چراکه تکریم این روز یادآوری خوبی‌ها، دل‌های ایمانی و یادآوری حماسه‌ای برای مجاهدت است و ما باید این روز را به خاطر اسلام و تربیت نسل‌های آینده برای همیشه تکریم کنیم و گرامی بداریم.



زمان مانند همیشه هدف و عرصه آن جنگ نرم را تشخیص دادند؛ بنابراین نسخه مداوای آن را نیز به خوبی تشخیص دادند؛ پذیرش این نسخه در ۹ دی رقم خورد و مردم به صورت یکپارچه، مؤمنانه و با اعتقاد راسخ به صحنه آمدند و عمل صالح خود را به رخ دشمن کشاندند و با عملشان حمایت و دفاع از نظام جمهوری اسلامی ایران را بیان کردند و آن موقع بود که فتنه تمام شد؛ بنابراین ۹ دی نسخه شفابخش بود.

کارشناس مسائل سیاسی ادامه داد: در آن دوران برخی از مسئولان که از آنها انتظار نمی‌رفت، بعد از سه دهه از گذشت انقلاب و نمود عینی پیدا کردن جنگ فرهنگی این بیماری را تشخیص ندادند و دچار ریزش شدند. مقدم‌فر با اشاره به ساکتین در برابر جریان فتنه ادامه داد: برخی از مسئولان که در جریان فتنه دچار سکوت کردند و برخی از رسانه‌هایی که از اموال عمومی تغذیه می‌شدند اما برآیند

ناشی از ایمان بود.

مقدم‌فر با اشاره به ابعاد و هدف جنگ نرم تصریح کرد: با مطالعه و تحلیل ابعاد جنگ نرم به دو هدف میانی و نهایی دست می‌یابیم که در هدف میانی دشمن با عملیات رسانه‌ای به دنبال ایجاد مانور خیابانی مردم به عنوان اعتراض و در هدف نهایی و غایی به دنبال فروپاشی و تغییر سیاسی نظام است.

مقدم‌فر ادامه داد: وقتی در ۲۵ خرداد ۸۸ جمعیتی در خیابان‌ها آمدند، دشمن احساس کرد که به هدف میانی رسیده است و توان خود را چند برابر کرد تا کار خود را یکسره کند و توان‌ها چند برابر شد و سرمایه‌گذاری و حمله‌ها بیشتر شد، بنابراین وقتی حضور مردم در مانورهای سیاسی می‌تواند هدف غایی و نهایی را برای دشمن رقم بزند از طرفی نسخه و درمان هم می‌تواند همان حضور مردم مقابل این صحنه باشد. وی اظهار داشت: مقام معظم رهبری در آن



مروری کوتاه بر رویدادهای عاشورای ۸۸ تا ۹ دی

یک خیابان، یک ملت

سال ۱۳۸۸ در تاریخ انقلاب اسلامی، سالی پر از خاطرات شیرین و تلخ بود. سالی که با مشارکت کم نظیر مردم در انتخابات ریاست جمهوری دوره دهم، شیرین و تاریخی شد. اما بعد، اتفاق‌های تلخی افتاد که کم‌کم ملت را تلخ کرد. اتفاق‌هایی که اوج آن در عاشورای ۸۸ رخ داد و موضوعی را نشانه گرفته بود که خشم کم‌نظیر مردم را برانگیخت و ۹ دی را ساخت. خیابان انقلاب، بی‌شک روز ۹ دی را برای همیشه به خاطر خواهد سپرد. روزی که گام‌های مردم برای دفاع از امام حسین (ع)، انقلاب و ولایت با هم یکی شد. این نوشته، مرور کوتاهی است بر اتفاقاتی که از عاشورا شروع شد و به ۹ دی رسید.

یکشنبه ۶/۱۰/۸۸

عاشورای خونین

عزاداران امام حسین (ع) طبق معمول همیشه مشغول آماده کردن دسته‌ها برای عزاداری در شهر هستند. شهر اما غیر از عزاداران، جمع‌های دیگر هم دارد. هر دو دسته به راه افتاده‌اند. دسته‌ها، عزاداری می‌کنند و سینه و زنجیر می‌زنند. گروه دیگر اما به جای سینه، کف می‌زنند و به جای زنجیر، سنگ دارند. آن‌ها سر قرارشان آمده‌اند؛ فراری که رسانه‌های فارسی‌زبان خارج از کشور گذاشته‌اند.

وقت نماز ظهر فرا رسیده است. دسته‌های عزاداری به نماز ایستاده‌اند. صدای سوت و کف معترضان اما قطع نمی‌شود. دسته معترضان به نماز گزاران یک دسته عزاداری در خیابان جمهوری اسلامی حمله می‌کنند و امام جماعت نماز را مجروح می‌کنند. آتش زدن ایستگاه‌های صلواتی و بیرق‌های عزاداری، فصل مشترک همه اغتشاش‌های امروز است. نیروی انتظامی برای کنترل اوضاع، وارد عمل می‌شود. درگیری‌ها کم‌کم بالایی می‌گیرد. اوج درگیری‌ها در خیابان‌های مرکزی شهر است. از خیابان‌های اسکندری به سوی تقاطع خیابان توحید، میدان فردوسی به سمت میدان انقلاب، میدان امام حسین (ع) و پل چوبی، خیابان حافظ به سمت چهارراه کالج و چهارراه ولی عصر. شدت درگیری‌ها آن را خونین‌تر می‌کند و کشته شدن چند نفر را در پی دارد. اغتشاشگران طبق معمول به تخریب اموال عمومی روی آورده‌اند. شیشه‌های بانک‌ها یکی پس از دیگری شکسته می‌شود. آتش در سطل‌های زباله شعله‌ور می‌شود.

دوشنبه ۷ دی ۸۸

از تهران به ایران

ماجرای عاشورای تهران، به گوش اهالی شهرهای دیگر هم رسیده است. خشم ملت، لحظه‌به‌لحظه بیشتر می‌شود. بی‌حرمتی به عاشورا خون همه را به جوش آورده است. تظاهرات در قم و مشهد چشمگیرتر از شهرهای دیگر است. در قم، مردم در حرم مطهر حضرت معصومه تجمع می‌کنند و با سردادن شعارهایی، خواستار برخورد با توهین‌کنندگان به عاشورا و ارزش‌های مذهبی می‌شوند. دانشجویان و مردم مشهد هم با پوشیدن کفن، در مهدیه این شهر تحصن کرده و خواستار محاکمه سران فتنه و برخورد جدی با حرمت‌شکنان عاشورای حسینی در تهران می‌شوند.

هیأت



سه‌شنبه ۸ دی ۸۸

مراجع بیانیه می دهند

واکنش‌های رسمی مراجع تقلید، شروع می‌شود. آیت‌الله نوری همدانی با صدور بیانیه‌ای، هتک حرمت به مقدسات در عاشورای حسینی را محکوم و اعلام کردند که مردم در برابر این گونه اعمال ضد عاشورایی ساکت نمی‌مانند. آیت‌الله جعفر سبحانی هم با صدور بیانیه‌ای، هتک حرمت به مقدسات اسلامی و سیدالشهدا (ع) و تخریب اماکن عمومی را محکوم و اعلام کردند: «هرگز فکر نمی‌کردیم که در چنین روز مقدسی که حتی پیروان ادیان دیگر نیز نسبت به آن روز احترام قائل هستند و در برخی از کشورهای غیر اسلامی عاشورای حسینی تعطیل رسمی است، چنین رویداد دور از اخلاق انسانی رخ دهد و قداست آن روز شکسته شود.» بیانیه آیت‌الله مکارم شیرازی هم تأکید می‌کند: «هدف مغرضان فقط ویران کردن کشور و تجزیه آن و سپردن به دست بیگانگان است که قطعاً با هوشیاری وفاداران به اسلام و نظام هرگز به اهداف شوم خود نخواهند رسید.»



چهارشنبه ۹ دی ۸۸

روز حسین (علیه‌السلام)

عصر چهارشنبه، روز موعود است. مردم سراسر کشور با دعوت شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی، در محل‌های مشخص شده تجمع می‌کنند تا بر غائله عاشورای ۸۸ مهر پایان بزنند. محل قرار تهرانی‌ها میدان انقلاب است. چشم‌ها اما تا جایی که کار می‌کند، فقط سیل جمعیت را می‌بیند. پرچم‌های سبز و سرخ یا حسین (علیه‌السلام) و تصاویر امام (ره) و رهبری را می‌شود در دست خیلی‌ها دید. بعضی‌ها شعار ابتکاری نوشته‌اند. بعضی‌های دیگر هم مشغول عزاداری‌اند. قیافه‌ها را که می‌بینی، از هر صنفی و با هر سلیقه‌ای می‌شود توی جمعیت دید. مردمی که شاید اختلافشان در نوع پوشش، کار و حتی سلیقه سیاسی باشد. اما در یک چیز با هم مشترک‌اند و آن هم دفاع از مقدسات و ارکان دین و کشورشان است. خیابان‌های اطراف آزادی، حتی کوچه‌های چند کیلومتر دورتر از محل برگزاری مراسم، ۹ دی را خوب به یاد سپرده‌اند. روزی که همه یکی شدند تا نام حسین (علیه‌السلام) و هدف مقدس او را فریاد بزنند.

بی‌اعتمادی به نظام اسلامی را می‌توان مهمترین هدف ایجاد کنندگان حوادث سال انتخابات ۸۸ دانست

هدف اصلی، دشمن اصلی

متأسفانه در برخی گروه‌های جامعه ما کمتر حرف‌ها شنیده می‌شود. ما عادت داریم بیشتر آن چیزی که دوست داریم را بشنویم و بقیه را نه. فتنه ۸۸ محصول بذریه توطئه‌ای بود که دشمنان قسم خورده این مرز و بوم کاشته بودند و برخی از عناصر داخلی هم حامیان یا از روی سبزه آن پرو بال دادند.

همه مبارزه، در حنجره نیست

نقش عده‌ای در شکل‌گیری فتنه و ادامه آن، صرفاً شفاف‌سازی نبود و گروهی دیگر با بی‌تدبیری صرفاً بر طبل آرام‌سازی صرف می‌کوبیدند. البته این دو طیف، هر دو مقصودند، اما حتماً سهم مساوی ندارند، چون گروه اول می‌دانستند که در زمین دشمن بازی می‌کنند و کلیت نظام را زیر سؤال بردند. گروه دوم اما با بی‌تدبیری و تنگ‌نظری آسیب‌هایی را وارد کردند که البته بعدها، حتی به‌دنبال این بودند که این بی‌تدبیری را غنیمتی در مقابل سهم خواهی‌های سیاسی قرار دهند. حتماً نفس مرزبندی با فتنه برای خواص و نخبگان تکلیف است، اما همه مبارزه با فتنه در حنجره خلاصه نمی‌شود و برای اینکه بهتر به نتیجه برسید، باید از مراجع و منابع مورد وثوق و دست‌اول کشور ارزیابی‌های نهادها و اشخاص مختلف را بدست بیاورید.

فرصت‌هایی که سوخت شد

باید افسوس خورد که متأسفانه این همه فرصت و هزینه صرف شد تا کشور آرامش پیدا کند. مدیران اجرایی مسئول خیلی بهتر از این هم می‌توانستند حوادث را اداره کنند. بالاخره برای بخشی از مردم واقعاً شبهه‌هایی در بی‌سم پراکنی سران فتنه ایجاد شده بود. وظیفه شفاف‌سازی باید اینجا در کنار وظیفه آرام‌سازی محقق می‌شد که اینگونه نشد. کسانی که تا قبل از اغتشاش و آشوب و تخریب اموال عمومی به خیابان‌ها آمدند، همین مردم بودند، چرا نباید این عده را جزء نظام بدانیم؟

آن‌ها که بر شاخ نشسته و بن می‌برند

وقتی رهبری نظام در خطبه‌های نماز جمعه روز ۲۹ خرداد سال ۸۸ و همچنین در سخنرانی‌های دیگر تأکید می‌فرمایند بر اینکه همه ۴۰ میلیون نفری که رأی دادند، جزو جبهه انقلاب هستند، چرا ما به‌دنبال محدود کردن این جبهه باشیم؟ واقعاً چه نفعی برای کشور و نظام وجود دارد که ما دایره علاقه‌مندان به این نظام را محدود کنیم؟ مگر رهبری در ماه رمضان سال ۸۸ که هنوز فتنه ادامه داشت، از گفتمان جذب حداکثری و دفع حداقلی سخن نگفتند؟ رهبری این اصل را برای چه کسانی گفتند؟ ما به مدیریت مدبرانه و حکیمانه ایشان اعتقاد داریم. به راستی رهبری چه خطری را پیش‌بینی کردند که لازم دیدند از این گفتمان سخن بگویند؟ مگر ما مخاطب سخنان رهبری نیستیم؟ چرا با فرمایشات ایشان برخورد دوگانه داریم و شیوه نؤمن بعض و نکفر بعض را در پیش می‌گیریم؟ این طریق خیانت به امام و انقلاب و شهدا و رهبری و همه آرمان‌های نظام است. متأسفانه برخی با کوه نظری بر سر شاخ نشسته و نمی‌بینند که بن می‌برند. همه عظمت انقلاب به حضور مردم است و فتنه ۸۸ را هم مردم خاموش کردند؛ اما عده‌ای این میان‌دنبال این هستند که نمدی برای کلاه خودشان بسازند.

اتفاقی که ساده نیفتاد

همیشه و در همه بزنگاه‌های تاریخی که خطری نظام را تهدید کرده، مردم به میدان آمدند و کار را تمام کردند. این امر هم اتفاقی نیست چون ماهیت گفتمان انقلابی حضرت امام بر این استوار بود که حضور مردم اصل است، یعنی مبنای نظام جمهوری اسلامی بر حرکت مردمی تعریف شده و همواره در همه مقاطع به آن متوسل شده است. این پشتیبانی مردمی را هیچ نظامی در جهان ندارد. مردم سرمایه اجتماعی جمهوری اسلامی هستند و هر تبدادی با حضور مردم آرام می‌شود. اساساً وحشت دشمنان این سرزمین در انتخابات ۸۸ حضور ۴۰ میلیون مردم بود و این، اتفاق ساده‌ای نبود. آن‌ها از همین رویدادی که منافع آن‌ها را به خطر می‌انداخت، سعی کردند تهدیدی برای نظام ما ایجاد کنند که تا حدی هم موفق بودند اما بالاخره دوباره، همان سرمایه اجتماعی نظام نقشه دشمنان را نقش بر آب کرد.

نکته‌ای مهم

ما قطعاً باید میان کسانی که در فتنه حضور داشتند و براندازانه در مقابل این نظام فعالیت می‌کردند، با گروه و تشکیلاتی که با سلیقه سیاسی متفاوت با ما، ولی در چارچوب نظام و قانون اساسی کنش سیاسی دارند تفکیک قائل شویم. نباید برخلاف نگاه رهبر معظم انقلاب با محوریت اصل جذب حداکثری و دفع حداقلی دائم تلاش کنیم افرادی را از قطار انقلاب پیاده کنیم.

هیات

امام جمعه موقت تهران از خواصی که فقط به منافع خود فکر می کنند، گلايه های بسياري دارد

اگر بصيرت داشتند پاسخ دشمنان را می دادند

بصيرت يعنی تعقل

در قرآن کریم آمده است: «قد جاء لکم بصائر من ربکم فمن ابصر فلنفسه» يعنی ما بصيرت هايی را به شما ارائه کردیم، هر کس بخواهد از آن استفاده می کند به نفع خودش، بصيرت در برابر بصر است، بصر چشم ظاهری است، اما بصيرت تعقل است تا آدم دوست و دشمن خودش را بشناسد، به ظواهر و حرف ها فریب نخورد و بتواند خطوط و جریان های حق و باطل را بشناسد.

نمونه ای از بصيرت علی (ع)

مثال های تاریخی می تواند بصيرت را به خوبی برای ما روشن کند. وجود مبارک امیرالمؤمنین (ع) در اثر توطئه سقیفه خانه نشین شد. وقتی ابوسفیان فهمید حضرت علی منزوی شده، خواست سوء استفاده کند. سراغ حضرت رفت و گفت: «یا امیرالمؤمنین، حق با شماست. خلافت حق کسی دیگری غیر از تو نیست. چرا دست به شمشیر نمی بری؟ چرا قیام نمی کنی؟ اگر فکر می کنی که کمک نداری، من به عدد گوسفندان قبیله ربیع به تو لشکر می دهم. یا کمک ما قیام کن و حقت را بگیر.» حضرت امیر نگاهی به او کرد و گفت: «ما عهدک للاسلام یا منافق؟» يعنی تو از کی دلسوز من و اسلام شده ای ای منافق؟! این يعنی بصيرت. حضرت می دانست که ابوسفیان می خواهد با ایجاد اختلاف بين مسلمانان به دین خدا ضربه بزند. حضرت توطئه آن منافق را خنثی کرد.

سند بی بصيرت

...رئیس جمهور آمریکا می آید و از یک جریان حمایت می کند، اگر این ها بصيرت داشتند، باید مثل امیرالمؤمنین پاسخ می دادند که شما از کی دلسوز ما شده اید، منافق ها! از سویی آمریکا و انگلیس کنار این ها قرار گرفته اند و از طرف دیگر آنهايي که مطرود امام بودند، سلطنت طلب، منافق، مجاهدین خلق، کودتاچي ها، فراری ها، این طیف ها در کنار هم قرار گرفتند و یک جریانی با این ها همراهی نشان داد، این بالاترین سند بی بصيرت ی رهبران این جریان است...

کاظم صدیقی - امام جمعه موقت تهران

«پیوند خوردن با دشمن» اصلی ترین عامل ایجاد فتنه است، فتنه ای که تشخیص حق و باطل را دشوار می کند

کفر و ایمان چه به هم نزدیک است

وقتی بحث فتنه مطرح می شود، يعنی شرایطی که تشخیص در آن راحت نیست، طبیعتاً اگر مشکلی در جامعه ایجاد شود و بتوانیم حق و باطل را تشخیص دهیم، فتنه ای صورت نگرفته است. در چنین شرایطی مردم می توانند به راحتی تصمیم بگیرند و جایگاه اصلی خود را پیدا کنند، اما در شرایط فتنه اینگونه نیست؛ دشواری در تشخیص به وجود می آید. دشواری در تشخیص هم در شرایطی به وجود می آید که شاخص های راهنما در جایگاه خودشان قرار ندارند. يعنی برخی از شاخص های حق در جبهه باطل قرار گرفته یا بالعکس. این جا تشخیص برای شما راحت نیست، با خودتان می گوید اگر اینجا جبهه باطل است، چرا فلان شخصیت موجه در آن قرار دارد؟ اینجا است که تشخیص دشوار می شود. خود این ابهام، سرعت عمل را از افراد می گیرد. حالا، وقتی سرعت عمل را از نیروهای تعیین کننده جامعه گرفته شود، نیروهای شر که می خواهند با یک برنامه ریزی ضربه به خودشان را بزنند، فرصت بهتری پیدا می کنند. يعنی شما تا نیروهای حافظ مصالح جامعه و دلسوز را پیدا کنید و به تشخیص برسید، آن هایی که برنامه ریزی کردند زهر خود را می ریزند. فتنه این طور تشکیل می شود؛ هم درونش نیروهای طرفداران نامزدهای شکست خورده هستند، هم مارکسیست و سلطنت طلب و منافق. وقتی اینها کنار هم قرار می گیرند، تشخیص را برای جامعه سخت می کنند و تشکیل فتنه می دهند. تصور آنها این بود که می توانند با سکوت، از این مسأله بهره بگیرند و اهرم های فشار به نظام را برای ابطال انتخابات بیشتر کنند. در شرایط فتنه، دشمن اصلی سعی می کند پشت نیروهای موجه پنهان شود و از ضعف های اخلاقی، خصلت های منفی و برخی لغزش های نیروهای ارزشمند در جامعه استفاده کند.

عباس سلیمي نمين
مدیر دفتر مطالعات تاریخ ایران

آیت الله مصباح

رئیس مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)



اگر ما تحلیل روشنی از جریان ۹ دی داشته باشیم، خواهیم فهمید که چرا مقام معظم رهبری عنایت خاصی به این روز دارند و تا آنجایی که بنده اطلاع دارم، هیچ کس به اندازه ایشان اهمیت این روز را درک نکرده است. اما اینکه چرا کسانی از این روز و حوادثش و یادآوری و بزرگداشتش خوششان نمی آید، بدیهی است. این روز در واقع خنثی کننده نقشه ای بود که شاید حدود دو دهه استکبار جهانی با کمک مزدوران داخلی اش آن را طراحی کرده بود.

مرتضی آقا نهرانی

نماینده سابق مردم تهران در مجلس



مردم ایران در این روز رکن رکن سیاست در اسلام را که حول محور ولایت است، مورد حمایت قاطع قرار داده و با تاخت به سمت دشمن، آن ها را از معرکه جسارت در حق ملت ایران دور کردند. انقلاب اسلامی ایران بیش از ۳۳ سال است که در سایه ولایت، توانسته است استحکام بی نظیر خود را پیدا کند. انقلاب اسلامی ایران انقلابی بر پایه معنویت، ارزشمندی و روشنگری بوده، به گونه ای که در طول تاریخ به ویژه در حماسه ۹ دی، پیوند ملت با ولایت و ظلم ستیزی نمودی آشکار و واقعی داشته است. دشمن بعد از حادثه ۹ دی، درک کرد مدل انقلاب مخملی در ایران و برخی حرکت های احساسی جوابگو نیست.

آیت الله نوری همدانی

از مراجع عظام تقلید



مردم ایران بصيرت بالایی در همه صحنه های انقلاب از خود نشان دادند و قیام ۹ دی ثمره بصيرت ملت ایران و پاسخی محکم به فتنه ۸۸ بود. علم آموزی نخستین اصل در اسلام و قرآن است. این امر باید با رشد فرهنگی، اقتصادی و سیاسی همراه باشد. دین بصيرت دو عامل جدایی ناپذیر از یکدیگر است. دین مبین اسلام نیز این مسأله را مورد تأکید قرار داده و بدون علم کسی نمی تواند در راه تکامل گامی مؤثر بردارد. علم توأم با رشد فرهنگی مؤثر است و ممکن است افرادی باسواد باشند، ولی بصيرت لازم را کسب نکرده باشند. ریشه بسیاری از فتنه ها و فسادها از بی بصيرت ی است.

سید یحیی صفوی

دستیار و مشاور عالی فرمانده کل قوا



ماجرای عبرت آموز فتنه ۸۸ و حماسه فراموش ناشدنی مردم، بویژه نسل سوم انقلاب اسلامی در ۹ دی ماه ۸۸، نیازمند تحلیل دقیق سیاسی و جامعه شناسی است. درست است که در فتنه آسیب هایی دیدیم، اما راهیمایی ۹ دی ماه، اقتدار و استحکام نظام و انقلاب اسلامی را بار دیگر به همگان ثابت کرد و نشان دادیم این انقلاب از چه پایه های مستحکمی برخوردار است. بودند کسانی که در انقلاب مسئولیت داشتند، اما عاقبت به خیر نشدند. دستاوردهای دیگر این بود که همه به سخنان چند سال قبل رهبری مبنی بر وجود جنگ نرم پی بردند و دانستند این حقیقت دارد و باید برای آن خودمان را آماده کنیم.

سید محمد حسینی

وزیر سابق فرهنگ و ارشاد اسلامی



برخی خواص خود را به نشنیدن می زنند و به دنبال این هستند که این روزها تکرار نشده و به فراموشی سپرده شود. برخی خواص می خواهند حماسه ۹ دی تکرار نشود. در زمان فتنه، فضای کشور غبار آلود بود و تمام معاندان و ضدانقلاب ها در عناد و خصومت ایران اسلامی هم پیمان شده بودند که با حضور مردمی در صحنه، باعث شد این مشکل در کشور برطرف شود.



هنر در برابر فتنه

۹ دی، یک روز در تاریخ بود که آمد و رفت، ولی هنوز هم جامعه از آن تأثیر می‌گیرد و برای اتفاق‌ها و برنامه‌های زیادی در شهر و کشور، مناسبت ۹ دی را بهانه می‌کنند. انصافاً حضور گسترده‌ای که در این روز در خیابان‌ها اتفاق افتاد، مسأله‌ای نبود که بتوان از آن به سادگی گذشت. هنرمندان و فعالان در عرصه‌های مختلف هم سعی کردند به سهم خود، به این موضوع بپردازند. قضاوت اینکه چقدر توانستند حق مطلب را در این باره ادا کنند با شما و از ما هم، معرفی بخشی کوچک از این محصولات هنری و فرهنگی تولید شده در این حوزه.



فیلم «پایان نامه»

آغاز یک ماجرای دانشجویی

فیلم پر حاشیه‌ای بود فیلم «پایان نامه». با تمام این حال مراحل فیلمنامه و ساخت فیلم واکران و... را طی کرد و رفت در آرشیو سینمای ایران، بین فیلم‌هایی که در سال ۸۹ اولین واکران خود را داشتند. فیلم پایان نامه در جشنواره بیست و نهم فجر و در اولین واکران، با اقبال خوبی روبرو نبود، اما توانست جایزه «اولین گردهمایی مجمع هنرمندان خراسان» را از آن خود کند. «حامد کلاه‌داری»، پایان نامه را با بازی بازیگرانی چون حامد کمیلی، بهاره افشاری، دارپوش ارجمند، محمدرضا شریفی‌نیا، احمد نجفی، جمشید هاشم‌پور و بازیگران دیگر کارگردانی کرد. ماجرای پایان نامه، از دیر رسیدن یک پایان نامه دانشجویی به دست استاد آغاز می‌شود. «روزبه» به همراه ۳ دانشجوی دیگر برای تحویل پایان نامه به دنبال استاد می‌روند و ناخواسته درگیر ماجراهایی می‌شوند که به کشته شدن چند دانشجو در حوادث انتخابات منجر می‌شود.



فیلم «قلاده‌های طلا»

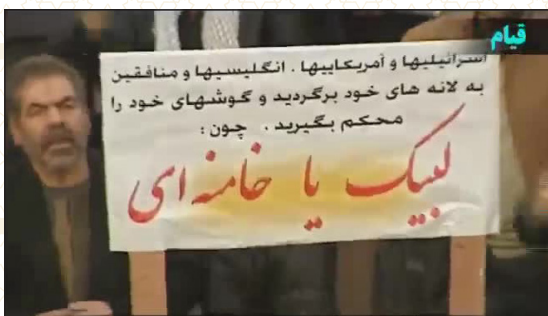
فتنه در قاب

«ابوالقاسم طالبی» در سال ۱۳۹۰، فیلم «قلاده‌های طلا» را کلید زد. واکران این فیلم از اسفند ماه سال ۱۳۹۰ در سینماها آغاز شد. قلاده‌های طلا به روایت اتفاق‌های پس از انتخابات ۸۸ می‌پردازد و داستانی فراجنحی دارد. امین حیایی، محمدرضا شریفی‌نیا، حمیدرضا پگاه و نیلوفر خوش‌خلق از جمله بازیگرانی هستند که در این فیلم نقش آفرینی می‌کنند. ماجرای فیلم قلاده‌های طلا، ماجرای برهم زدن آرامش سیاسی کشور در انتخابات است که توسط دستگاه‌های اطلاعاتی آمریکا و اسرائیل و انگلیس برنامهریزی می‌شود و در طول داستان، کشمکش‌ها و اوج و فرودهای زیادی با برخورد عوامل اطلاعاتی داخلی و خارجی اتفاق می‌افتد. تهیه‌کننده این فیلم، «خرابی»، خرید نسخه‌های قاچاقی این فیلم را از غیراخلاقی و غیرشرعی دانسته است؛ پس سراغ این فیلم را از مراکز معتبر پخش خانگی فیلم‌های سینمایی بگیرد.

کتاب «مشق بصیرت»

تقریر علما برای ۹ دی

اتفاقی که در ۹ دی ماه ۱۳۸۸ افتاد، اتفاقی جریان‌ساز بود و هر کس را در هر زمینه‌ای به تکاپو انداخت تا به سهم خود به حماسه‌ای که اتفاق افتاد، بپردازد. کتاب «مشق بصیرت» نمونه‌ای از این جریان است که در سالروز قیام ۹ دی، به چاپ رسید. مؤسسه «هستشدهین وصال» به کمک نشر کتاب فردا، زحمت چاپ این کتاب را بر عهده داشت. مشق بصیرت،



مستند «قیام»

مستندی برای حضور

بعد از اتفاق‌های سیاسی و اجتماعی سال ۸۸، به خصوص بعد از اتفاقی که در ۹ دی ماه این سال، با حضور گسترده ایرانیان در صحنه، فیلم‌ها و مستندهای زیادی در این باره تهیه و تولید شد. مستند «قیام» یکی از این آثار است که به بررسی عوامل حرمت‌شکنی آشورای ۸۸ و در پی آن، حضور میلیونی مردم در محکومیت دشمنان اسلام و ایران می‌پردازد. کافی است نام این مستند را در فضای مجازی جست‌وجو کنید تا امکان خرید اینترنتی و دانلود آن برای شما میسر شود. مستندهایی نظیر مستند قیام، بارها از شبکه‌های مختلف سیما در روزها و مناسبت‌های تاریخی مختلف پخش شده است. سال‌های ۱۳۸۹ تا ۹۰ و همچنین نیمه دوم سال ۱۳۸۸، سال‌های اوج پخش مستندهایی با این موضوع در سیما بود.



فیلم «اخراجی‌ها ۳»

طنزی برای فتنه

سری سوم این فیلم سینمایی، زمان جنگ را پشت سر گذاشته و به اتفاق‌های معاصر می‌پردازد. این فیلم که باز هم «مسعود دهنمکی» به کارگردانی اش کمر بست، نمایش طنز لودی از فضای سیاسی سال ۸۸ است و البته در کنارش، قصه‌های جدی، از دختری که به دنبال کشف درست و غلط چیزهایی است که می‌بیند و می‌شنود. اخراجی‌های ۳، با به طنز کشیدن اتفاق‌های سیاسی و اجتماعی پس از دوران جنگ، نگاهی انتقادی به این موضوع دارد. از حکایت‌های جالب این فیلم، این است که لیبرهای طرفداران ۲ باشگاه استقلال و پرسپولیس، سکانس‌های تظاهرات‌های خیابانی این فیلم را بر عهده دارند. نسخه کپی این فیلم در زمان واکران به بازار آمد، با این حال فیلم اخراجی‌های ۳، با فروش ۵ میلیاردی و ۹۰۰ میلیون تومانی در داخل ایران، عنوان پرفروش‌ترین و پرمخاطب‌ترین فیلم سال ۱۳۹۰ را از آن خود کرد.

هیات



حماسه نهم دی و بازتاب و واکنش رسانه‌های بین‌المللی به آن

نهم دی از دریچه رسانه‌های بیگانه

حضور حماسی مردم ایران در ۹ دی ۱۳۸۸، تمامی رسانه‌های خارجی را دچار بهت و سردرگمی کرد. این رسانه‌ها که طی ماه‌های پس از انتخابات ریاست جمهوری همین سال، تجمعات محدود مخالفین و ساختار شکنان را با آب و تاب گزارش می‌کردند و از برخی تجمعات ضدانقلابی جریان فتنه در تهران به صورت زنده و لحظه‌ای گزارش می‌دادند، در قبال حضور میلیونی مردم ایران در واکنش به حرمت شکنی ضدانقلاب در روزهای عاشورا سکوت اختیار کردند. این رسانه‌ها در واقع غافلگیر شدند و هرگز تصور نمی‌کردند که مردم ایران، این گونه وارد صحنه شده و متحد و منسجم به مخالفت با ساختار شکنان بپردازند و از نظام اسلامی و رهبر معظم انقلاب اسلامی دفاع کنند. نگاهی می‌اندازیم به عملکرد این رسانه‌ها در واکنش به حماسه نهم دی ماه.

بود، در گزارشی اعلام کرد: «بنا به گزارش‌های دریافتی، این راهپیمایی با سازمان‌دهی گسترده حکومت، بخش تبلیغات گسترده چندروزه از سوی تلویزیون و نیز با تعطیل کردن برخی ادارات و جمع‌آوری کارمندان دولت و دیگر اقشار از شهرهای کوچک و روستاهای حومه تهران ترتیب داده شده است.»

کتمان حقایق به سبک فرانسوی

شبکه تلویزیونی فرانس ۲۴ نیز که بعد از دستگیری کلوتید ریس (یکی از اتباع فرانسه که به اتهام شرکت در اغتشاشات بعد از انتخابات در تهران دستگیر شده بود) موضعی بسیار تند نسبت به ایران اتخاذ کرده بود، در برنامه تحلیلی خود در مورد راهپیمایی ۹ دی، مدعی شده بود که در بین راهپیمایان ۹ دی، ساندیس رایگان توزیع شده است. دیگر خبرگزاری فرانسه نیز در گزارشی، اعلام کرده بودند که مردم در مناطق مرکزی از جمله میدان انقلاب تهران تجمع کرده‌اند و در حالی که شعار نوشته‌هایی در دست دارند، شعارهایی در حمایت از حکومت ایران و درخواست پیگرد قانونی رهبران اپوزیسیون سر می‌دهند.

مخابره ۹ دی از شرق تا غرب

از طرفی خبرگزاری آلمان هم که در مقابل حضور میلیونی مردم ایران در حماسه ۹ دی، ابتدا زبان سکوت را اختیار کرده بود، موضعی خبری خود را در خطر دید و با بیان اینکه «هواداران رئیس‌جمهوری ایران تظاهرات کردند»، تلاش کرد تا این حماسه ملی را به یک دعوی سیاسی داخلی تقلیل دهد. همچنین شبکه‌های تلویزیونی بی‌بی‌سی عربی، سی‌ان‌ان، راشا تودی، دوپچه وله و یورو نیوز با بخش‌های تصویری از حضور گسترده مردم ایران در ۹ دی به پوشش اخبار مربوط به این رویداد پرداختند.

المنار و همراهی با ایرانی‌ها

خبرگزاری شینه‌وای چین گزارش داد که ایرانیان، در حمایت از حکومت جمهوری اسلامی به خیابان‌ها آمده و آشوب روز یکشنبه (عاشورا) را محکوم کردند. شبکه تلویزیونی «الجزیره» قطر با پوشش خبر تظاهرات گسترده مردم ایران علیه آشوبگران، تأکید کرد که مردم در این تظاهرات خواستار مجازات سران فتنه شدند. در میان دروغ‌پراکنی‌های رسانه‌های خارجی، شبکه المنار متعلق به حزب الله لبنان در بازتاب حضور میلیونی مردم ایران در راهپیمایی ۹ دی اعلام کرد: مردم ایران در تظاهرات میلیونی، هتک حرمت کنندگان به مقدسات دینی در روز عاشورای حسینی (ع) را محکوم و با سید علی خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی پیمان دوباره بستند.



نتوانست و این سکوت را شکست و سرانجام به حضور گسترده مردم ایران در راهپیمایی ۹ دی اعتراف کرد. اما خبرنگاران این شبکه، با نادیده گرفتن تظاهرات میلیونی و مردمی ملت ایران، سعی کرد تنها این تظاهرات را تجمعی دولتی قلمداد کند و تأکید کرد که این تظاهرات با حمایت دولت برگزار شده است.

حقانگرفتن صدای آمریکا

در این میان صدای آمریکا (که از طریق گزارش کار اوپاش اجیر شده در روز عاشورا به صورت آنلاین و لحظه به لحظه، برای تحریک دسته‌های ۳۰، ۴۰ نفر اوپاش به بزرگ‌نمایی حوادث می‌پرداخت) مدعی بود «مردم کنترل پایتخت را از دست نیروهای امنیتی خارج کرده و به دست گرفته‌اند!» این بار در جریان حماسه ۹ دی تا ساعت‌ها سکوت اختیار کرده و سپس مدعی شده بود «ده‌ها هزار نفر!» در تظاهرات دولتی ۹ دی شرکت کرده و با ایجاد سؤال‌های دوپهلو، حضور حماسی مردم را زیر سؤال می‌برد.

خباثت از جنس انگلیسی

شبکه «بی‌بی‌سی» نیز اعلام کرد که ده‌ها هزار نفر از مردم شهرهای تهران، شیراز، قم و دیگر شهرها، با برگزاری راهپیمایی‌های اعتراض آمیز، شعار «مرگ بر منافق» سر دادند. این شبکه در عین حال با تکرار مواضع ضد ایرانی خود به واکنش‌های مداخله‌جویانه کشورهای اروپایی و آمریکا درباره وقایع اخیر ایران و در اعتراض به دولت‌های انگلیس، فرانسه، کانادا، آلمان و آمریکا به رویکرد دولت این کشور در برابر اغتشاشگران اشاره کرد. البته بی‌بی‌سی خباث خود را بیشتر نشان داد و در خبر دوم، به جای تعبیر «ده‌ها هزار تظاهر کننده»، تعبیر «تظاهر کنندگان» را جای داد.

جک‌های ای‌بی‌اس

شبکه آمریکایی «ای‌بی‌اس» هم بیکار ننشسته بود و با فراکنی خبری، تلاش می‌کرد تا این حضور گسترده مردمی در برابر فتنه و دفاع از اعتقادات مذهبی و ارزشمند خود را تظاهرات هواداران دولت بخواند. این شبکه در این خصوص با نمایش تصاویری که نمایش تحریف‌شده واقعیت

سناریوی تکراری ساندیس

سرمداران رسانه‌های موج آفرین غربی، در یک موضع بسیار انفعالی برای کمرنگ نشان دادن حضور پر شور مردمی، بر آن شدند تا با بهره‌گیری از قدرت رسانه‌ای خود، که متکی به دروغ است، متناسب با نیازهایشان، افکار عمومی مردم جامعه‌شان را منحرف کنند. آن‌ها این بار هم با تکیه بر دروغ سناریو تکراری خود، یعنی حضور کارمندان دولت با دریافت مرخصی اجباری و انتقال شهرستانی‌ها به وسیله اتوبوس، سعی در کمرنگ‌نشان دادن حضور مردم داشتند. مضحک‌تر آنکه اعلام کرده بودند دولت با دادن ساندیس و ساندویچ، مردم را به خیابان‌ها کشانده بود.

تصور اشتباه نیویورکی

در همان زمان روزنامه آمریکایی «نیویورک تایمز»، در سرمقاله خود به قلم «فیلیپ لورت»، استاد امور بین‌الملل دانشگاه پنسیلوانیا و مدیر بخش ایران بنیاد «آمریکای نوین» در تحلیل حماسه ۹ دی، با اشاره به تلاش‌های غرب و رسانه‌های غربی برای سوءاستفاده از تحولات داخلی اخیر ایران، نوشت: «اصلاً تصور اینکه جمهوری اسلامی از درون منفجر شود، تصور اشتباهی است و «پاراک اوپاما»، رئیس‌جمهور آمریکا از آن برای سرپوش گذاشتن بر شکست خود در محقق ساختن وعده‌هایی که در خصوص تعامل با ایران از طریق هرگونه پیشنهاد استراتژیک و جدی مطرح کرده بود، بهره گرفته است.»

اعتراف رویترز به سوگند ایرانی‌ها

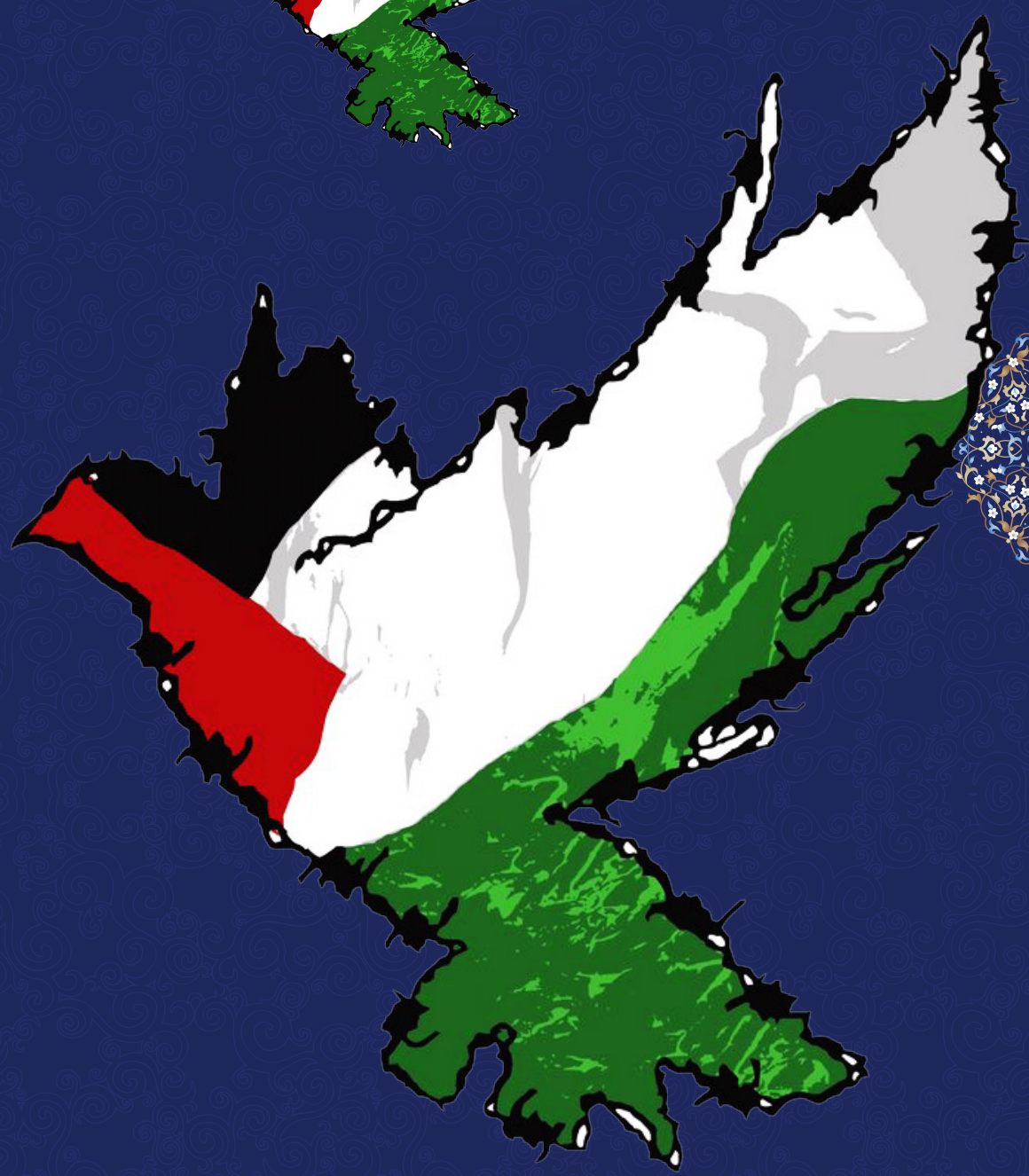
خبرگزاری رویترز با وجود اینکه به حضور میلیونی مردم ایران در راهپیمایی حماسه ۹ دی اشاره نکرد، ولی در گزارش خود، درباره تجمع عاشورایی در ایران اسلامی نوشت که راهپیمایان، سوگند وفاداری با نظام جمهوری اسلامی خوردند. رویترز در ادامه نوشت: «تظاهر کنندگان در تظاهرات خود علیه رهبر مخالفان «میر حسین موسوی» و دیگر کاندیدای انتخاباتی «مهدی کروبی» شعار دادند.» اما این خبرگزاری که در گزارش خود سعی کرد حضور میلیونی مردم ایران را فقط در حد ده‌ها هزار نفر مخابره کند، به برخی حواشی روزهای گذشته و نامربوط به راه پیمایی ۹ دی اشاره کرد.

دروغ بزرگ به سبک العربیه

شبکه تلویزیونی العربیه هم که طی روزهای پس از برگزاری انتخابات از کوچک‌ترین تجمع‌ها به صورت گسترده استقبال کرده و با گزارش‌های مکرر، به بخش اخبار داخلی ایران مبادرت می‌ورزید، با مشاهده حضور چند میلیونی ملت ایران در ۹ دی، ابتدا سکوت اختیار کرد، اما



بررسی مقاومت مردم
فلسطین به مناسبت روز غزه



هیأت

گزیده‌ای از بیانات رهبر معظم انقلاب درباره
رژیم غاصب صهیونیستی

مسئله فلسطین

«پرونده آمریکا، پرونده رژیم صهیونیستی، پرونده همین چند قدرت که در مقابل جمهوری اسلامی قرار دارند، از لحاظ مسئله حقوق بشر و طرفداری از حقوق ملت‌ها و حقوق انسان‌ها، پرونده بسیار سیاهی است. ۶۰ سال نسل‌کشی در فلسطین، نقض حقوق بشر نیست؟ دادن سلاح اتمی به دولت غاصب صهیونیستی، نقض صلح جهانی نیست؟ این‌هایی که این کارها را کردند، می‌توانند مدعی دفاع از صلح جهانی باشند؟» این‌ها بخشی از بیانات مقام معظم رهبری در دفاع از مردم فلسطین و انتقاد از استکبارهای جهانی است. اگر سیر فرمایشات و بیانات معظم له را در سال‌های اخیر دنبال کنیم خواهیم دید که ایشان همواره مسئله فلسطین را یکی از مهم‌ترین مسائل جهان اسلام دانسته‌اند و علاوه بر حمایت از فلسطینیان و خواسته‌های آن‌ها، اتفاقات این نقطه از خاورمیانه را درسی برای تمام جهان اسلام دانسته‌اند. ایشان معتقدند که بسیاری از تهمت‌های ناروایی که کشورهای مستکبر به جمهوری اسلامی می‌زنند به دلیل همین حمایت قاطع ما از مردم مظلوم فلسطین است. آنچه در زیر می‌خوانید بخشی از بیانات معظم له درباره مسئله فلسطین است.



درسی که غزه به دنیای اسلام داد

۲۱ آذر ۹۱ - بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی اساتید دانشگاه‌های جهان اسلام

همه باید بیدار باشند، همه باید هشیار باشند. غرب و آمریکا دشمن دنیای اسلام است؛ با این چشم باید به حرکات آن‌ها نگاه کرد. تحریک می‌کنند، سازمان‌های جاسوسی‌شان مشغول فعالیتند؛ هر جا دستشان برسد، تخریب می‌کنند. در قضیه فلسطین تا آنجائی که توانستند، کارشکنی کردند؛ البته شکست خوردند. ما داریم پیش می‌رویم، دنیای اسلام دارد پیش می‌رود.

این مسئله جنگ هشت روزه، خیلی مسئله مهمی است. بین غزه و بین دولت صهیونیست که مدعی است قوی‌ترین ارتش را در منطقه دارد، هشت روز جنگ اتفاق می‌افتد؛ آنگاه وقتی می‌خواهند آتش‌بس ایجاد کنند، آن طرفی که برای آتش‌بس شرط می‌گذارد، فلسطینی‌ها! این باور کردنی است؟ ده سال پیش اگر به شما این حرف را می‌زدند، چه کسی باور می‌کرد که یک روزی بین فلسطینی‌ها - نه همه فلسطینی‌ها؛ یک گوشه‌ای از فلسطینی‌ها، غزه - و بین رژیم صهیونیستی جنگی اتفاق بیفتد، برای آتش‌بس آن جنگ، فلسطینی‌ها شرط بگذارند؟ آفرین بر فلسطینی‌ها! آفرین بر حماس و جهاد و گردان‌های مبارزی که در فلسطین، در غزه جنگیدند و شجاعت‌شان دادند! شجاعت این است. من به سهم خودم از همه مبارزین فلسطین تشکر می‌کنم؛ به خاطر فداکاری‌ای که کردند، به خاطر تلاشی که کردند، به خاطر صبری که کردند، و دیدند که «آن مع العسر یسری». اگر چنانچه ما صبر کردیم، این صبر موجب می‌شود که خدای متعال فرج را برساند. صبر کردند، ایستادگی کردند، خدای متعال فرج را رساند؛ این درس است؛ برای خود آن‌ها هم درس است، برای دیگران هم درس است. این وحدت بین مسلمان‌ها را دست کم نگیرید؛ مسئله مهمی است.

یکم آذر ۹۱ - بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان

خدای متعال به مردم غزه این توفیق را داده است که در مقابل این دشمن خشن و ددمنش استقامت کنند، ایستادگی کنند، و آن‌ها پاسخ ایستادگی خودشان را هم گرفتند، و آن عزت مردم غزه بود؛ نشان دادند که با ایستادگی، با مقاومت، با سختکوشی می‌توان با همه حجم کوچک، بر یک حجم بزرگ پیچیده مسلح تأیید شده و حمایت شده از طرف قدرت‌های بزرگ فائق آمد. و راه، جز این نیست؛ این یک پیام است به دنیای اسلام.



معیار و شاخص نمایان و اساسی

۱۹ دیهشت ۹۲ - بیانات در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی

درستی مسیر نهضت‌های بیداری اسلامی را از جمله باید در موضعگیری آنان در قبال مسئله فلسطین جستجو کرد. از ۶۰ سال پیش تاکنون داعی بزرگ‌تر از غصب کشور فلسطین بر دل امت اسلامی نهاده نشده است. فاجعه فلسطین از روز اول تاکنون، ترکیبی از کشتار و ترور و ویرانگری و غصب و تعرض به مقدسات اسلامی بوده است. وجوب ایستادگی و مبارزه در برابر این دشمن حربی و غاصب، مورد اتفاق همه مذاهب اسلامی و محل اجماع همه جریانات صادق و سالم ملی بوده است. هر جریانی در کشورهای اسلامی که این وظیفه دینی و ملی را به ملاحظه خواست تحکیم‌آمیز آمریکا یا به بهانه توجیه‌های غیر منطقی، به دست فراموشی سپارد، نباید انتظار داشته باشد که به چشم وفاداری به اسلام یا صداقت در ادعای میهن‌دوستی به او نگرسته شود. این یک محک است. هر کس شعار آزادی قدس شریف و نجات ملت فلسطین و سرزمین فلسطین را نپذیرد یا به حاشیه ببرد و به جبهه مقاومت پشت کند، متهم است. امت اسلامی باید در همه جا و همه وقت، این معیار و شاخص نمایان و اساسی را در مدنظر داشته باشد.

اول فروردین ۹۲ - بیانات در حرم مطهر رضوی

در مسائل منطقه‌ای کار به جائی رسید که اعتراف و اقرار کردند که بدون حضور ایران و بدون رأی ایران، هیچ مشکل بزرگی در منطقه حل نخواهد شد. در قضیه حمله رژیم صهیونیستی به غزه، حضور قدرتمند جمهوری اسلامی در پشت صحنه موجب شد که خودشان اعتراف کردند که در مقابل مبارزان فلسطینی شکست خوردند؛ گفتند - ما نگفتیم، آن‌ها گفتند و اصرار کردند - که اگر چنانچه حضور جمهوری اسلامی نبود، قدرت‌نمایی جمهوری اسلامی نبود، مبارزان فلسطینی نمی‌توانستند در مقابل رژیم صهیونیستی مقاومت کنند، چه برسد به این که آن‌ها را به زانو در بیاورند؛ که در جنگ هشت روزه فلسطینی‌ها توانستند رژیم صهیونیستی را به زانو در بیاورند، و این اولین بار در تاریخ تشکیل رژیم جعلی و غاصب صهیونیستی بود.

هیات



وابستگی به سرنوشت رژیم صهیونیستی

۲۹ مرداد ۹۱ - خطبه‌های نماز عید فطر

روز قدس، این حرکتی که امام بزرگوار ما آن را آغاز کردند و بحمدالله روز به روز بهتر و سال به سال گرمتر، این حرکت ادامه دارد، یک حرکت بسیار عمیق و پرمعنایی است؛ این فقط یک راهپیمایی نیست؛ خونی است که در این روز در رگ‌های امت اسلامی می‌دود؛ علی‌رغم کسانی که می‌خواهند مسئله فلسطین و ملت فلسطین به دست فراموشی سپرده شود، این مسئله را روز به روز زنده‌تر می‌کند؛ و همین جور خواهد بود، وظائف سنگینی بر دوش مسئولان کشورهای اسلامی است، که امیدواریم خداوند همه را هدایت کند به آنچه وظیفه آنهاست، و کمک کند که بتوانند این وظایف را انجام بدهند.

۲۹ مرداد ۹۱ - بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی

منطقه حساس ما، بسیاری از مسائل و مشکلاتش به خاطر وجود این غده سرطانی صهیونیستی است، که دست‌های آلوده به خون قدرت‌های بزرگ، با همه توان می‌خواهند آن را حفظ کنند. آمریکایی‌ها صریح می‌گویند، دیگر قدرت‌های مسلط دنیا هم به طور صریح ابراز می‌کنند که سرنوشت خودشان را وابسته کرده‌اند به سرنوشت رژیم صهیونیستی، این به ضرر آنهاست.

امروز مسئله فلسطین به برکت بیداری اسلامی، بار دیگر به یک مسئله اصلی دنیای اسلام تبدیل شده است؛ نباید بگذارید این برجستگی و این امتیاز از بین برود و زیر توطئه‌ها و ترفندهای دشمنان مسلمان‌ها و دشمنان امت اسلامی پنهان بماند. مسئله فلسطین یک مسئله اصلی است. در طول زمان، ملت‌ها دولت‌های خودشان را با موضعگیری آن‌ها در قضیه فلسطین محک می‌زدند. البته فشار استبداد و استکبار و اختناق و زور نمی‌گذاشته است که خواسته ملت‌ها آشکار شود. امسال در قضایای روز قدس و راهپیمایی ملت‌های منطقه، به کوری چشم صهیونیست‌ها، ملت‌ها توانستند حرف دل خودشان را در این قضیه بزنند و ان‌شاءالله روز به روز بیشتر و گرم‌تر خواهد شد.

البته دشمن بیکار نمی‌نشیند و بیکار ننشسته است؛ توطئه‌های دشمن پیچیده‌تر شده است. مسئولان کشورهای اسلامی، دولت‌های کشورهای مسلمان، نخبگان - چه نخبگان سیاسی، چه نخبگان فرهنگی، چه روشنفکران، چه علمای دین - وظیفه دارند حقیقت را برای ملت‌ها روشن کنند.



مسئله فلسطین برای ما یک امر بنیانی است

۲۵ مرداد ۹۱ - بیانات در دیدار جمعی از آزادگان

امروز یک مسئله اساسی در دنیای اسلام داریم و آن، مسئله‌ی قدس است. چرا عرض می‌کنیم مسئله اساسی؟ چون ماجرای تقسیم غلط و مهندسی معیوب خاورمیانه - این منطقه زندگی ما و کشورهای ما - بر اساس توطئه اسکان صهیونیست‌ها در اینجا به وجود آمد. اگر چنانچه این توطئه وجود نمی‌داشت، شاید امروز وضعیت این منطقه وضعیت دیگری بود. این جدائی‌ها، این جنگ‌هایی که در این منطقه اتفاق افتاد، این دخالت‌هایی که قدرت‌های سلطه‌گر و زورگو در این منطقه کردند، ناشی از این قضیه بود؛ که این، داستان طولانی و مفصلی دارد. سعی آن‌ها این است که امروز این مسئله را به حاشیه برانند. دنیای اسلام نباید بگذارد. در طول سال‌های متمادی سعی کردند کاری کنند که ماجرای فلسطین از یادها برود؛ تا حدودی هم موفق شدند. ماجرای کمپ دیوید و دنباله‌های آن - که یکی از نقاط تاریک تاریخ معاصر ماست - برای این بود که مردم منطقه فراموش کنند که یک کشوری به نام فلسطین وجود داشته. آنچه توی دهن آن‌ها زد، انقلاب اسلامی بود، امام بزرگوار بود. از روز اولی که این انقلاب به پیروزی رسید، بلکه از قبل از پیروزی، از اوایل نهضت، مسئله فلسطین یکی از مسائل اصلی این انقلاب بود؛ و یکی از عوامل توجه دنیای اسلام به این انقلاب هم همین مسئله بود؛ اگر چه جهات دیگر هم بود. امروز سعی‌شان این است که این را خنثی کنند. دنیای اسلام نباید اجازه بدهد.

*طرح مسئله فلسطین برای جمهوری اسلامی یک امر تاکتیکی نیست؛ یک امر بنیانی است، از اعتقاد اسلامی ناشی می‌شود. وظیفه ماست که این کشور اسلامی را از سلطه و چنگ قدرت غاصب و پشتیبان‌های بین‌المللی‌اش در بیاوریم، به دست مردم فلسطین بسپاریم؛ این وظیفه دینی است، وظیفه همه مسلمان‌هاست؛ همه ملت‌های اسلامی، همه دولت‌های اسلامی وظیفه دارند که این کار را انجام بدهند؛ این یک وظیفه اسلامی است. ما با این چشم به قضیه فلسطین نگاه می‌کنیم، دیگران هم باید با همین دید نگاه کنند. این قضیه را در بازی‌های سیاسی، در تبادلات سیاسی، در بده‌بستان‌های سیاسی و احیاناً خائنه قرار ندهند.



نگاهی به حماسه مردم غزه در جنگ ۲۲ روزه بارژیم
اشغالگر قدس در گفت‌وگو با عباس خامه‌یار

پیروزی با طعم ایمان

نزدیک به ۱۷ سال، از نبرد ۲۲ روزه مردم غزه بارژیم صهیونیستی می‌گذرد. مقاومت مردم غزه در برابر رژیم تاندان مسلح اسرائیل، آن قدر تاثیرگذار بود که نتیجه صلح و آتش‌بس همچنان در منطقه کوچک نوار غزه بابر جاست. نتیجه‌ای که روز ۲۹ دی را در تقویم ایران، به نام روز حمایت از غزه و یادآوری آرمان‌های ملت فلسطین ثبت کرد. امسال اما، این روز حال و هوای دیگری به خود گرفته است، پررنگ‌تر شده و بیش از پیش توجه افکار عمومی را به خود جلب می‌کند، دلیل آن هم تصمیم آمریکا برای انتقال سفارتش از تل‌آویو به قدس است. تصمیم جنجالی ترامپ، خیزش جهانی مخالفان را به همراه داشته و اقدامی بی‌نظیر است. حالا با توجه به اتفاقات اخیر، می‌خواهیم روز غزه و اهمیتش را از زبان دکتر عباس خامه‌یار، معاون بین‌الملل سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی بشنویم و البته نتایج و تبعات تصمیم اخیر رئیس‌جمهور آمریکا را نیز بررسی کنیم.

روز جهانی قدس در حمایت از ملت
فلسطین، توسط امام خمینی (ره)، مطرح شد، و
حالا در کشورهای مسلمان گرمای داشته می‌شود.
اما در مورد ۲۹ دی، که به روز غزه، شناخته شده،
اوضاع چگونه است؟ آیا توانسته است، کار کرد
واقعی خود را پیدا کند؟

خوب است، مسئله‌ای که در رابطه با امام و روز
جهانی قدس مطرح کردید، را کمی بیشتر واکاوی
کنیم. امام خمینی (ره)، از همان سال ۱۳۴۲، که
مبارزه بارژیم پهلوی را به صورت آشکار، مطرح
کردند، در همان سخنرانی معروف خود، بارها نام
اسرائیل را بردند و شاه را به خاطر رابطه با اسرائیل،
محکوم کردند و خطاب به او گفتند، چه لزومی دارد
که با اسرائیل رابطه داشته باشیم و اصلاً این رابطه
باعث عقب‌ماندگی ایران است و از همان آغاز، در
سخنرانی‌های خود، مسئله مبارزه با شاه را با موضوع
مظلومیت فلسطین و اشغالگری اسرائیل، گره
زدند. امام (ره)، حمایت از فلسطین و مبارزه بارژیم
صهیونیستی را وارد ادبیات عامه کردند و اسرائیل
را غده سرطانی جهان اسلام نامیدند و یا در جایی
دیگر برای این که قدرت پوشالی صهیونیست‌ها را



هیأت



مسیحیت و پیروان آیین یهود، مقدس شمرده می‌شود، به نظر تان تصمیم ترامپ می‌تواند پیروان ادیان مختلف را برای دفاع از قدس، متحد کند و نوعی هم‌اندیشی بین آن‌ها به وجود بیاورد؟

این یک سؤال کلیدی و مهم است. تلاش‌های رژیم صهیونیستی و آمریکا همیشه در جهت تضعیف موقعیت جمهوری اسلامی ایران و همچنین ضربه زدن به اسلام و مسلمانان بوده است. این تلاش‌ها در سال‌های اخیر، با روی کار آوردن گروه‌های تکفیری از جمله داعش، اسلام‌هراسی و شیعه‌هراسی را در جهان، مخصوصاً در کشورهای اروپایی و آمریکایی، بیشتر کرده است. اما سرزمین بیت‌المقدس، برای همه ادیان محترم است. بیت‌المقدس، محل تولد حضرت عیسی بوده و مسجدالاقصی، اولین قبله مسلمانان و سومین حرم مقدس آن‌ها بعد از مسجدالحرام و مسجدالنبی است. پیروان راستین آیین یهود هم با اشغالگری رژیم صهیونیستی مخالف هستند. مسئله فلسطین الآن یک فرصت تاریخی را ایجاد کرده است، تا پیروان ادیان و اندیشمندان و بزرگانشان، با یکدیگر هم‌اندیشی کنند و تفاوت‌ها کمرنگ شود و به دنبال راه‌حل مشترک باشند، مفاهیمی همچون صلح‌طلبی، مبارزه با ظلم و احترام به حقوق اولیه انسان‌ها در میان همه ادیان مشترک است. با این اصول مشترک می‌توان گفت‌وگو کرد و به نتیجه امیدوار بود.

جمهوری اسلامی ایران چگونه می‌تواند از این فرصت استفاده کند، تا کشورهای منطقه را در رابطه با هدف دفاع از قدس، با خود همسو کند؟ و اساساً وظیفه‌اش چیست؟

ما بر حمایت همه جانبه از قدس و مسئله فلسطین تأکید کرده‌ایم و تا اینجا هم اقدامات رئیس‌جمهور در اجلاس ترکیه و همچنین تماس تلفنی با رهبر سیاسی حزب حماس، نشان از همین حمایت‌ها دارد. تماس حاج قاسم سلیمانی با گروه‌های جهادی فلسطین هم حائز اهمیت است. اما حمایت‌ها باید جنبه مردمی هم پیدا کند، اندیشمندان و روشنفکران و صاحب‌نظران توجه افکار عمومی را به اهمیت این مسئله جلب کنند. آمریکا با این اقدام دیگر نمی‌تواند ژست بی‌طرفانه به خود بگیرد. البته نباید نقش کشورهای عربی را در رسیدن به چنین وضعیتی نادیده بگیریم. واکنش منفعلانه که بوی حمایت از اقدامات آمریکا و رژیم صهیونیستی می‌داد و حتی اظهار دوستی کردن با رژیم صهیونیستی و حمایت از منافع آمریکا و اسرائیل در منطقه، زمینه را برای اقدامات اخیر رژیم صهیونیستی و دولت آمریکا هموارتر کرد، با این حال همان‌طور که رئیس‌جمهور اشاره کرده است، جمهوری اسلامی ایران، حاضر است، برای تغییر این تصمیم جنجال برانگیز و دفاع از ملت فلسطین، با هر کشوری در منطقه، آرد مذاکره شود.

فرمان جنجالی را امضا کرده و دستور به اجرا داده است، مردم غزه به‌صورت کامل مستقل در اعتراض به رژیم صهیونیستی و آمریکا، به خیابان‌ها ریخته‌اند و از انتفاضه سومی که در حال شکل گرفتن است، اعلام حمایت می‌کنند.

به اقدام جنجالی ترامپ اشاره کردید، اتفاق عجیبی که بعد از تصمیم ترامپ روی داده، همگرایی و اتحاد جامعه جهانی در برابر مخالفت با این تصمیم است. علاوه بر مخالفت کشورهای عضو اتحادیه اروپا، ما شاهد اعتراض برخی از کشورهای عربی همچون عربستان و قطر هم هستیم، در حالی که همین کشورهای عربی، در ماجرای غزه کاملاً سکوت کرده بودند.

بله دقیقاً! این اجماعی که در برابر تصمیم ترامپ صورت گرفته است، کاملاً بی‌سابقه بوده، هم در جهان اسلام، هم در جهان عرب و هم در میان کشورهای آزادی‌خواه آمریکای لاتین، به چنین اقدامی اعتراض شده است. چون ترامپ با این کار، روند حقوقی مسئله فلسطین را کاملاً زیر پا گذاشته و سال‌ها مذاکره برای صلح را زیر سؤال برده است. از دهه ۸۰ میلادی که مذاکرات شروع شده و اجلاس‌های زنجیره‌ای درباره مسئله فلسطین و رژیم صهیونیستی برپا شده است، همه تلاش‌ها و معاهدات بین‌المللی و حقوقی در جهت رسیدن به راه‌حل بوده و کنوانسیون ۴ ژنو، نیز، که تشکیل شده است، قدس را شهری اشغال شده دانسته که نباید هیچ تغییری در آن انجام شود و بارها در رابطه با بازگشت آوارگان فلسطینی و توقف شهرک‌سازی صهیونیست‌ها در قدس، قطعنامه‌های توجیهی، صادر شده است. اما این تصمیم، تمام برنامه‌هایی که در چهار چوب بین‌المللی برای رسیدن به صلح و راه‌حل مسئله پیش می‌رفته است، را مختل کرده است و طبیعی است که وقتی ترامپ به همه مذاکرات تیر خلاص می‌زند، راهی جز مبارزه باقی نمی‌ماند. مسئله تنها انتقال یک سفارت از تل‌آویو به قدس نیست، بلکه آغاز یهودی‌سازی بیت‌المقدس است و دیگر فلسطینیان در کرانه باختری جایی نخواهند داشت و مسئله آوارگی، مضاعف می‌شود و طرح دو دولت که توسط شورای امنیت، مطرح شده بود، تبدیل به ایجاد یک دولت خواهد شد و آن هم رژیم صهیونیستی است. این یک تصمیم هیچانی، آنی و زودگذر نبوده، سال‌ها اسرائیل و انگلستان و آمریکا مقدمات چنین کاری را فراهم کرده‌اند و حالا در دوره ترامپ به بهره‌برداری رسیده است، اما با همه این اوصاف، به نظر من آمریکا مرتکب یک اشتباه راهبردی و خطای محاسباتی شده است، نتیجه این کار، خیز بلند جهان اسلام، کشورهای عربی و حتی اروپایی‌ها در قبال مسئله فلسطین و بیت‌المقدس است. و فلسطینیان در طول هفت دهه مبارزه خود تابه‌حال شاهد چنین خیز بلندی نبوده‌اند.

بیت‌المقدس، برای سه دین بزرگ اسلام،

در هم شکنند، گفته‌اند: «اگر هر مسلمان یک سطل آب بریزد، اسرائیل را سیل می‌برد». این تمثیل‌ها و تأکیدها باعث شد که مسئله فلسطین، تنها متعلق به نخبگان و قشری خاص نباشد، بلکه عامه مردم، نسبت به آن حساس شوند. در اقدامی دیگر، امام خمینی (ره)، اولین مرجعی بودند که اجازه داد، از وجوهای شرعی مسلمانان به مردم فلسطین کمک شود، تا قبل از ایشان چنین اتفاقی نیفتاده بود و در اقدام آخر نیز، روز جهانی قدس را مطرح کردند و توجه امت اسلامی را به سمت مسئله فلسطین کشانیدند و در ادامه این مسیر، مقام معظم رهبری هم توجه ویژه‌ای به مسئله فلسطین داشتند و پس از اقدامات اخیر ترامپ، در دیدارشان با محبان اهل بیت، این مسئله را مطرح کردند که اسرائیل مشکل اول جهان اسلام است. جمهوری اسلامی ایران، سال‌ها نسبت به این مسئله نگاه انتقادی دارد. راهپیمایی روز قدس، هر سال باشکوه‌تر از سال قبل برگزار می‌شود، روز ۲۹ دی‌ماه، که سالروز پیروزی مردم غزه در رژیم صهیونیستی است، از همین جهت اهمیت دارد و آن‌طور که روز قدس شناخته شده و مطرح است، روز غزه نیست و باید تبلیغات بیشتری انجام شود، اما من به‌طور کلی نسبت به نگاه مناسبی انتقاد دارم. مسئله فلسطین نباید مختص روز قدس و یا روز غزه باشد، باید تبدیل به فرهنگ شود، فرهنگ مبارزه با رژیم غاصب و هر گروهی که چنین رویه‌ای در پیش می‌گیرد، نگاه مناسبی از اهمیت مسئله کم می‌کند.

اگر بخواهیم به آن جنگ ۲۲ روزه دوباره نگاهی بیاندازیم و نتیجه‌اش را بررسی کنیم، فکر می‌کنید، آن شکست موقعیت رژیم صهیونیستی را در منطقه به‌طور کلی تضعیف کرد؟ یا یک ضعف و شکست موقتی بوده است؟ تحلیل‌تان چیست؟

اهمیت کار مردم غزه، زمانی معلوم می‌شود، که مقایسه کنیم، غزه به لحاظ موقعیت جغرافیایی، مساحت، تعداد جمعیت و امکانات محدودش، در برابر رژیم صهیونیستی قرار گرفته است که تشکیلات عظیم رسانه‌ای، نظامی و پایگاه سیاسی‌اش نزد ابرقدرت‌هایی چون انگلستان و آمریکا، بر کسی پوشیده نیست. محاصره هوایی و دریایی مردم غزه، که متأسفانه با همکاری و سکوت بعضی از کشورهای عربی همراه بود، شرایط مقاومت را برای فلسطینیان ساکن غزه بسیار دشوار کرده بود و مردم برای مبارزه تونل‌هایی زیرزمینی حفر کرده بودند، تا بتوانند اسلحه‌های دست‌ساز و مواد غذایی و حتی وسایل دارو درمان را جا به‌جا کنند. بسیار اتفاق می‌افتاد که نیروهای مردمی در این تونل‌ها جان خود را از دست بدهند، اما با ممارست و تلاش‌های بی‌درپی و با نیروی ایمان، شاهد بودیم که رژیم صهیونیستی اسیر مقاومت مردم غزه شد و در یک باتلاق غیرقابل تصور گیر افتادند و مجبور به عقب‌نشینی شدند. این مسئله برای رژیم صهیونیستی بار روانی زیادی داشت، قطعاً پیروزی مردم غزه در چنین نبرد نابرابری، آن قدر به رژیم صهیونیستی ضربه زد، که تا امروز جرئت نکرده‌اند، آتش بس غزه را نقض کنند و این پیروزی پایدار و باثبات بود. حالا هم که ترامپ آن

هیات



بیشتر رسانه‌ها، تصویر مردم غزه را در هنگام مقاومت و مبارزه نشان می‌دهند که به خاطر موقعیت خاص آن‌هاست؛ اما زندگی فلسطینی، روی دیگری هم دارد

شکوفه‌های زندگی؛ شکوفه‌های زیتون

وقتی نام فلسطین و ساکنان فلسطینی می‌آید منظور از آن اشاره به دو بخش جغرافیایی است که به خاطر تعدی رژیم اشغالگر قدس از هم کاملاً جدا شده‌اند. یکی از این مناطق غزه و مناطق باختری است که زیر نظر خود فلسطینی‌ها اداره می‌شود که البته با اراضی اشغالی از هم جدا شده‌اند. دیگر فلسطینی‌ها هم ساکن اراضی ۱۹۴۸ هستند جایی بین مناطقی که اسرائیلی‌ها غصب کرده‌اند و البته تحت کنترل آنها به سر می‌برند. مباحثی که درباره سبک زندگی طبیعی مردم فلسطین مطرح می‌شود، مربوط به دو منطقه نوار غزه و کرانه باختری می‌شود؛ چرا که مردم در این مناطق از آزادی بیشتری برای زندگی به سبک و سیاقی که به آن اعتقاد دارند، برخوردار هستند و می‌توان اصالت یک زندگی فلسطینی را در آن مشاهده کرد. جدا از مبارزاتی که بین فلسطینیان و نیروهای اشغالگر قدس وجود دارد، روح زندگی نیز بین ساکنان واقعی فلسطین، جریان دارد. با ما به این گزارش بیاید تا روح یک زندگی فلسطینی را به شما معرفی کنیم.



هیات



غزه‌ای‌ها چگونه کار کرده و زندگی‌شان را می‌گذرانند؟

زندگی مدار سرب و چکمه

است؛ مثلاً قطع شدن گاه به گاه برق به خاطر اینکه تولید برق در فلسطین از میزان مصرفی کمتر است. ۶۰ درصد از جمعیت نوار غزه اکنون در زیر خط فقر زندگی می‌کنند. صنایع نوار غزه اغلب از تجارت‌های خانوادگی که به تولید منسوجات، صابون، حکاکی بر چوب درخت زیتون، و سوغاتی‌های صدف مروارید می‌پردازد، تشکیل شده است. مهم‌ترین محصولات کشاورزی نوار غزه عبارتند از زیتون، مرکبات، سبزیجات، گوشت و لبنیات. صادرات اصلی عبارتند از مرکبات و گل، در حالی که واردات اصلی را غذا، کالاهای مصرفی، و مواد ساختمانی تشکیل می‌دهد.

پایدار است که این شرایط، از مردم فلسطین سلب شده است. بیشتر مردم در کارهایی که توسط دفاتر و نمایندگی‌های سازمان ملل در این کشور درخواست داده می‌شود، مشغول هستند. البته شغل‌های دولتی هم سهم عمده مشاغل فلسطینی‌ها را تشکیل می‌دهد. می‌توان سطح زندگی مردم فلسطین را متوسط رو به پایین تخمین زد. تعداد افرادی که در این مناطق دارای درآمد ثابت هستند، بسیار کم است و گاهی دیده می‌شود بعضی از افراد برای اینکه بتوانند زندگی خود را بچرخانند، مجبور به کار در ۲ یا ۳ جا هستند. زندگی در فلسطین با سختی‌های دیگری نیز همراه

فلسطینی‌های ساکن در کرانه باختری و نوار غزه به خاطر شرایطی شبیه به شرایط حاکم در زمان جنگ، طبیعی است که از لحاظ معیشتی دچار مشکل باشند. با توجه به اینکه آزادی کامل ندارند و منابع کسب درآمد هم محدود و کم است، از این‌رو زندگی به نسبت دیگر کشورهای کمی سخت‌تر است. نوع و جنس کار مردم فلسطین در نوار غزه و کرانه باختری زیاد با هم تفاوت ندارند و متأسفانه در هر دو بخش شرایط بیکاری حاکم است. در شهر صنعت خاصی وجود ندارد تا مردم شهر به صنعت‌گری در آن حرفه معروف باشند. چرا که رشد صنعت نیازمند شرایط



غزه‌ای‌ها چطور از دواج کرده و به خانه بخت می‌روند؟ جهیزیه با داماد است

همان «بله و برون» خودمان است که از دو جلسه تشکیل شده است: یک جلسه که خانواده پسر به منزل دختر می‌روند و مراسم «بله و برون» که خانواده دختر به خانه پسر می‌روند تا جواب بله را بدهند. مراسم دیگر هم همان مراسم اصلی است. البته ناگفته نماند که آشنایی دختران و پسران فلسطینی با یکدیگر به منظور از دواج هم، تغییر و تحولاتی شبیه به ایران داشته است. در شیوه سنتی مادران برای پسرانشان به خواستگاری می‌رفتند؛ اما امروزه پسرها دخترانی که مدنظر دارند را به مادرانشان نشان می‌دهند و معرفی می‌کنند.

ما به آن جهیزیه می‌گوییم، نیز به عهده داماد است. در رسوم قدیمی فلسطینی‌ها تهیه خانه هم به عهده پسر بوده، اما به این گونه که پدر که خانه‌ای داشته چون زمین متعلق به خودش بوده برای پسرش خانه‌ای روی خانه خود (یعنی همان طبقه دوم) می‌ساخته تا پسر به همراه همسرش آنجا زندگی کند. اگر امکان این هم نبود، آنها با هم در یک خانه زندگی می‌کرده‌اند. در سال‌های اخیر مجوز این کار دیگر داده نمی‌شود و تازه عروس و دامادها مجبورند خانه‌ای دیگر تهیه کنند. رسوم مخصوص به از دواج در فلسطین تنها به دو مراسم ختم می‌شود که یکی مراسم خواستگاری و

در فلسطین با توجه به سطح درآمدی پایین، جوانان و خانواده‌ها با مسئله از دواج اقتصادی‌تر برخورد می‌کنند. سن متوسط از دواج در فلسطین ۲۵ سال است و مهریه در دو نوبت به نام مهریه مقدم و مهریه مؤخر داده می‌شود که البته مقدار آن با توجه به شرایط موجود زیاد نیست. مثلاً اولین مهریه که قبل از عقد داده می‌شود و به خرید لباس و مقدمات از دواج تعلق دارد، حدود ۲ هزار دلار است. مهریه دوم که همان مهریه مالیرانی‌ها محسوب می‌شود، حدود ۵ هزار دلار می‌شود. یکی از جالب‌ترین رسومات از دواج در فرهنگ فلسطینی‌ها این است که خرید وسایل منزل هم که

هیات



غزه‌ای‌ها، چگونه درس می‌خوانند؟ دانشگاه‌های آنلاین در فلسطین

می‌کنند. در نوار غزه چند دانشگاه خوب وجود دارد که معروف‌ترین آنها جامعه‌الازهر است که توسط یاسر عرفات افتتاح شده بود. این دانشگاه از بزرگ‌ترین دانشگاه‌های فلسطین است که رشته‌های بسیاری را پوشش می‌دهد. جامعه‌الاسلامیه، الاقصی و فلسطین هم نام‌های دیگر دانشگاه‌های معروف غزه هستند. از سال ۲۰۰۵ به بعد یک سری دانشگاه‌های آنلاین هم راه‌اندازی شدند که با توجه به شرایط مردم فلسطین بهترین راه حل برای کمک به ادامه تحصیل دانشجویان فلسطینی محسوب می‌شد. جالب است بدانید که دانشگاه‌های غزه یکی از اصلی‌ترین مراکز فعالیت‌های ضد استعماری و ضد صهیونیستی محسوب می‌شوند.

می‌کنند. جالب است بدانید که در فلسطین هم رشته‌های مهندسی و پزشکی بیشترین خواهان را دارند. دانشگاه‌های فلسطین تا مقطع تحصیلی لیسانس و فوق لیسانس را پوشش می‌دهند. مقطع دکترا را هم تنها بعضی از دانشگاه‌ها ارائه می‌دهند؛ از این رو برای کسب مدارک بالاتر نیاز است که دانشجویان فلسطینی به دانشگاه‌های سایر کشورهای دنیا بروند. اما این اتفاق برای دانشجویانی که حتی توانایی و استعداد‌های خودشان را ثابت کرده‌اند به سختی رخ می‌دهد چرا که گرفتن ویزا برای فلسطینی‌ها کاری بسیار سخت است؛ به خصوص برای کشورهای اروپایی و آمریکایی، از این رو کشور اردن، امارات و مصر از جمله کشورهایی هستند که بیشترین تعداد محصلان فلسطینی را جذب

همه، دوست دارند که در شان را ادامه بدهند و اساساً در زندگی روزمره، درس خواندن و ادامه تحصیل، جزو رفتارهایی است که داخل سبک زندگی بیشتر آدم‌ها قرار می‌گیرد. ادامه تحصیلات در دانشگاه‌ها یک پیش‌فرض بدیهی برای تمام محصلان فلسطینی است مگر اینکه شرایط خاصی پیش بیاید که نتوانند ادامه تحصیل دهند. نسبت حضور دختران به پسران در دانشگاه‌های فلسطین نسبت ۴۰ به ۶۰ است. اکثر اساتید و مدرسان دانشگاه‌های فلسطینی از خود فلسطینی‌ها و البته بعضی هم مصری هستند. دانشگاه‌های فلسطینی رشته‌های متنوع بسیاری را پوشش می‌دهند که متناسب با نیازهای روز کشورشان رشته‌های جدید را به دیگر رشته‌های دانشگاه اضافه



سفرهای سخت؛ سفرهای فلسطینی عشق در محاصره

خبرنگاران، مستند سازان و اکیپ‌های آزادی بخش نیز برای فعالیت در فلسطین برای ورود با سختی و مشکلات زیادی همراه هستند. از این رو اکثر شبکه‌های خبری یا خبرگزاری‌ها از مردم خود فلسطین برای انعکاس اخبار فلسطین استفاده می‌کنند. نمونه این سخت‌گیری‌های ورود و خروج خارجی‌ها را می‌توان در واقعه کشتی مرم به یاد آورد؛ کشتی‌ای که برای شکستن حصر غزه به سمت فلسطین حرکت کرد اما مورد حمله رژیم صهیونیستی قرار گرفت که البته برد رسانه‌ای فراوانی هم پیدا کرد تا چهره صهیونیست‌ها، بیشتر به جهانیان بشناساند.

فلسطینی‌ها برای سفر از کرانه باختری به دیگر نقاط جهان هم باز نیازمند عبور از مرز اردن به دلیل همسایگی فلسطین باختری با این کشور هستند. یعنی آنها اول باید وارد کشور اردن شوند و بعد، از آنجا می‌توانند به دیگر نقاط جهان سفر کنند. برای ورود خارجی‌ها به فلسطین هیچ بهانه‌ای وجود ندارد، مگر اینکه کارشان به آن سمت بیفتد. مثل مأموریت یا دعوت از سمت سازمان ملل برای نظارت، کمک یا پیگیری مباحث ضد جنگ در فلسطین. تازه نظارت‌ها از مناطق آسیب دیده فلسطینی با اسکورت کامل نیروهای امنیتی و تجهیزات کامل انجام می‌پذیرد.

دو منطقه کرانه باختری و نوار غزه با اراضی اشغالی تحت کنترل اشغالگران صهیونیستی از هم جدا شده‌اند؛ از این رو مردم برای تردد در این دو منطقه با سختی و مشکلات بسیاری رو به رو هستند. سفر به خارج از فلسطین در نوار غزه تنها از دو مسیر ممکن است؛ یکی از این مسیرها، مسیر دریا به خاطر هم جواری غزه با دریای مدیترانه است و دیگری، مرز مصر است که فلسطینی‌ها برای سفر به دیگر نقاط جهان نیازمند گذر از این مرز هستند. مسیر دریا به وسیله رژیم اشغالگر فلسطین بسته است. فلسطینی‌ها برای سفر از مسیر دوم هم نیازمند کسب اجازه از مصر هستند که البته کاری بسیار دشوار است.

هیأت



غزه‌ای‌ها، چه رسانه‌ها و تفریحاتی دارند؟ تفریحات سرزمین اشغال شده

فلسطین چندان حرفه‌ای نیست، اما فیلم‌هایی بوده‌اند که در جشنواره‌هایی مثل جشنواره‌های فیلم در کشور مصر یا جشنواره فیلم فجر در ایران شرکت کرده‌اند. یکی از خصوصیات نوار غزه ساحلی بودن این منطقه است که همین ویژگی، به ایجاد فضای تفریحی برای مردم فلسطین کمک بسیاری کرده است. رفتن به کافه تریاهای کنار ساحل و پرداختن به بازی‌های آبی، از عمده‌ترین تفریحات مردم فلسطین به شمار می‌آید. رفتن به اردوهای دسته جمعی نیز یکی دیگر از تفریحات کودکان فلسطینی است؛ آنها از طرف مدرسه به اردوگاه‌هایی که در کوه‌ها تدارک دیده شده، می‌روند و در کنار هم به تفریح می‌پردازند.

هستند. در فلسطین فیلم و سریال هم تولید می‌شود که به خاطر محدودیت‌های موجود، در ساختارشان ضعف‌هایی وجود دارد. بعضی از تولیدات فیلم و سریالی در فلسطین با مشارکت فیلم و سریال سازان و البته بازیگران لبنانی، مصری و سوری صورت می‌گیرد که موضوعات آنها هم اکثراً به مشکلات و سبک زندگی خود فلسطینی‌ها و دغدغه‌هایشان باز می‌گردد که چون به صورت محلی و برای خود فلسطینی‌ها ساخته می‌شوند این امر طبیعی است. مستند سازی هم از دیگر برنامه‌های پر طرفدار در فلسطین است؛ البته برنامه‌های طنز هم در شبکه‌های فلسطینی از طرفداران بسیاری برخوردار است. فیلم‌سازی در

در فلسطین نه ماهواره‌ای وجود دارد نه ارتباط با شبکه‌های خبری دنیا، از این رو ارتباط مردم با خارج از فلسطین از طریق اینترنت صورت می‌گیرد و ارتباط مردم دنیا هم با فلسطینی‌ها از همین طریق، سایت‌های فلسطینی بسیاری وجود دارد که متعلق به گروه‌های مختلف فلسطینی هستند که از طریق آن اخبار فلسطین را منتشر می‌کنند. رسانه‌ها و شبکه‌های خبری دنیا هم از اطلاعات این سایت‌ها استفاده می‌کنند. فلسطین تنها ۴ شبکه تلویزیونی دارد که با وجود محدودیت‌های بسیار، تولید برنامه‌های همین ۴ شبکه هم به سختی امکان پذیر است؛ شبکه الاقسی، القدس، فلسطین و فلسطین الیوم نام این شبکه‌ها



ماجرای ام نضال فرحات، شیرین فلسطینی

مادر فلسطینی

هیات

خیابان‌ها به دنبال فرمانده قسامی عماد عقل بودند. عماد عقل ترس و وحشت زیادی را در میان صهیونیست‌ها ایجاد کرده بود و کار مقاومت در آن زمان بسیار دقیق و سری بود. این اتاق با استفاده از بتون ساخته شد و عماد عقل خود بر کار ساخت آن نظارت و اشراف داشت. وی چندین بار برای پیگیری ساخت و آماده‌سازی این مکان به خانه ام نضال می‌آمد. بعد از ساخت این اتاق و آماده شدن آن شهید عماد عقل چندین روز در آنجا ماند و این اتاق به محل برنامه‌ریزی وی برای عملیات علیه صهیونیست‌ها تبدیل شد. وی از این اتاق خارج می‌شد و عملیات خود را انجام می‌داد و سپس به آن باز می‌گشت. به خاطر استتار و گمراه ساختن دشمن بالای آن اتاقکی به شکل حمام درست کردند. وی به طور مداوم در این پناهگاه نمی‌ماند ولی هنگامی که سربازان اسرائیلی به صورت انبوه وارد نوار غزه می‌شدند، به آنجا می‌آمد و در آنجا می‌ماند تا اوضاع آرام شود و سپس دوباره دست به عملیات نظامی علیه صهیونیست‌ها می‌زد. عماد و مجموعه‌ای از افراد تحت تعقیب به این پناهگاه می‌آمدند و در آنجا زندگی می‌کردند. گروه شهید عماد عقل یکی از فعال‌ترین تیم‌های مقاومت نظامی در غزه در آن زمان بود و این گروه به فضل الهی توانست عملیات زیادی را علیه صهیونیست‌ها به انجام رساند. پس از چند روز نیروهای اشغالگر از طریق یکی از مزدوران خود توانستند محل اختفای عماد عقل را پیدا کنند. اشغالگران این محل را محاصره کردند و با شهید عماد عقل درگیر شدند تا اینکه وی روز چهارشنبه ۱۹۹۳/۱۱/۲۴ به شهادت رسید.

محکومیتش آزاد کردند. ام نضال هنگامی که خیر شهادت هر یک از فرزندانش را می‌شنید، خدای متعال را شکر می‌کرد و دیگران به ادامه راه جهاد و شهادت فرما می‌خواند. ام نضال در سال ۱۹۹۳ شهید عماد عقل، فرماندهان گردان‌های قسام را که مهم‌ترین فرد تحت تعقیب اشغالگران به شمار می‌رفت، در خانه خود پناه داد. این کار برای وی چندان آسان نبود ولی این شیرین فلسطینی با فداکاری خود از مقاومت فلسطینیان حمایت کرد و در این راه از هیچ چیز دریغ نرورید. همین که فرزندش وسام در مورد افراد تحت تعقیب صهیونیست‌ها و زندگی دشوار آنان و در مورد عماد عقل فرمانده قسامی با وی سخن گفت، ام نضال با پناه دادن به وی و چندین تن دیگر موافقت کرد و تصمیم گرفت با فراهم آوردن مکان امنی برای آنان به کمکشان بشتابد و در راستای عمل به وظیفه خود و حمایت از مردم به آنان پناه دهد. سپس شهید عماد عقل در سال ۱۹۹۳ به منزل ام نضال فرحات آمد. عماد عقل در آن زمان تحت تعقیب بود. وی پس از یک سال اقامت در الخلیل به غزه بازگشت و در غزه جز خانه ام نضال پناهگاهی امنی برای خود نیافت و به خانه وی آمد. ام نضال به عماد عقل پیشنهاد کرد که در خانه وی پناهمگاهی برای خود بسازد و مدتی نزد آنان بماند. عماد با این ایده موافقت کرد و با کندن زیر زمین، اتاقی را ساخت تا افراد تحت تعقیب را به دور از چشمان نیروهای ارتش «اسرائیل» در خود جای دهد. در آن زمان چنین کاری بسیار دشوار بود و دشمن و جاسوس‌هایش در همه جا حضور داشتند و در همه محله‌ها و

ام نضال فرحات، این زن انقلابی فلسطینی به معنی واقعی کلمه یک شیرین بود. زنی که سال‌های متمادی به جهاد و مبارزه پرداخت و پرچم آزادی فلسطین را بر دوش کشید و در بیداری نسل جدید با جدیت مشارکت جست و زنان بزرگوار فلسطینی را ترغیب کرد تا راه زهای فلسطین را با همت خویش استمرار بخشند. وی سه تن از فرزندان خود را در راه خدا تقدیم کرد و منزلش چهار بار مورد هجوم اشغالگران قرار گرفت و بمباران و گلوله باران شد و در سال ۱۹۹۳ شهید عماد عقل را در خانه خود پناه داد و خالصانه به حمایت از مقاومت فلسطینیان پرداخت.

رسانه‌های خبری جهان و دنیای عرب هنگامی که ام نضال فرحات در سال ۲۰۰۲ در نوار ویدئویی ظاهر شد، بسیار شگفت‌زده شدند. وی در این نوار اسلحه‌ای را در دست داشت و با فرزند شهیدش محمد که آماده حرکت برای عملیات شهادت طلبانه در شهرک «عتمونا» در سال ۲۰۰۲ می‌شد، وداع می‌کرد. محمد فرحات در این عملیات توانست تعدادی از سربازان صهیونیست را به هلاکت برساند و عده‌ای را نیز زخمی کند. سال ۲۰۰۳ نیروهای اشغالگر فرزندش بکر نضال را ترور کردند و به شهادت رساندند. بکر یکی از فرماندهان عملیاتی و میدانی گردان‌های قسام و یکی از طراحان اولیه موشک‌های مقاومت بود. سال ۲۰۰۵ نیروهای اشغالگر فرزند سومش یعنی شهید رواد را با شلیک موشک به خودرویش در شهر غزه ترور کردند و به شهادت رساندند. در همین سال صهیونیست‌ها فرزندش وسام را پس از گذراندن ۱۱ سال اسارت و سپری شدن دوران

خاورمیانه درست در این نقطه به اوج می‌رسد. سرزمینی که نماد مقاومت و دادخواهی علیه ظالمان زمانه است. اینجا هیچ‌کس بی‌تفاوت نیست. همه خوب یادشان مانده که زمین زیر پایشان متعلق به آنهاست و تا ابد متعلق به آنها خواهد ماند. مقدس‌ترین و دورترین مسجد، محل معراج نبی‌اسلام(ص)، زادگاه و میعاد پیامبران الهی و مکان مقدس برای ۳ دین توحیدی، همه و همه در این جغرافیا جمع شده‌اند. فلسطین واژه‌ای نیست که از کنارش بی‌توجه بگذریم. چشم دوخته‌ایم به روزی که وعده الهی تحقق می‌یابد و حق به حقدار خواهد رسید. در این گزارش شرحی بر مکان‌های پررمز فلسطین را آورده‌ایم تا با این کشور و جاذبه‌های آن بیشتر آشنا شویم.



سرزمین زیتون‌های مقدس

فلسطین، سرزمین خاصی است؛ با هم ۱۰ مکان خاص این کشور را مرور می‌کنیم تا بیشتر به خاص بودن آن پی ببرید

مسجد الاقصی | به احترام قبله نخستین



مسجد الاقصی به معنای دورترین مسجد، نخستین قبله مسلمانان و محل عروج پیامبر اکرم(ص) به عرش الهی است. درباره علت نامگذاری این مسجد گفته می‌شود که به دلایل دوری از مکه به چنین نامی خوانده شده است. حریم مسجد در برگزیده صخره مبارکه‌ای است که پیامبر گرامی اسلام(ص) از فراز آن به سماوات عروج کردند و گنبدی بر بالای آن بنا شده است. شرح معراج رسول خدا در ابتدای سوره اسراء آمده است.

قبله مسلمین | مسلمانان تا سال یکم هجری نمازشان را به سوی این مسجد اقامه می‌کردند. اما به دستور الهی قبله به سمت کعبه تغییر یافت.

حضرت داوود نبی(ع)، بنیان‌گذار مسجد الاقصی | در بعضی روایت‌ها آمده که این مسجد به دست حضرت آدم(ع) بنا شده و در روایت‌های دیگری حضرت داوود نبی(ع) بنیانگذار آن معرفی شده است. پس از داوود(ع)، حضرت سلیمان نبی(ع) کار مرمت و بازسازی آن را تکمیل کرد. در تاریخ آمده که مسجد الاقصی پس از بنا توسط «بخت النصر» مورد هجوم واقع و بخش‌هایی از آن ویران شد. همچنین در زمان عباسیان نیز این مکان مقدس بر اثر زلزله آسیب جدی دید. اما در هر دوره مورد مرمت و بازسازی مجدد قرار گرفت.

حرم قدس | کل مساحت مسجد الاقصی که دربرگیرنده گلدسته‌ها، رواق‌ها، مدارس علوم دینی، گنبدها، سقاخانه‌ها، ایوان‌ها و محراب‌ها بوده، برای مسلمانان مبارک است. این تسمیه از عهد پیامبر(ص) تا دوره «مملوکیان» معمول بود و از این زمان حرم شریف لقب گرفت که به **حرم قدس** نیز معروف شده است.

مرکز تدریس علوم دینی | این مسجد که در بخش شرقی شهر بیت المقدس واقع شده، در سال ۴۸۸ هجری به مرکز تدریس علوم دینی و اسلامی تبدیل گشت. در آن زمان ۳۶۰ استاد از سراسر جهان اسلام در مسجد الاقصی به تبلیغ و تبیین اصول اسلامی می‌پرداختند.

امروزه امور اداری و مالی حرم شریف توسط سازمان اوقاف اسلامی تابع وزارت اوقاف و امور اماکن متبرکه اسلامی مستقر در امان اداره می‌شود.

بیت المقدس؛ مسجد قبه الصخره

نماد معراج پیامبر

پس از مسجدالاقصی، مسجد «قبه الصخره» مهم‌ترین و مقدس‌ترین مسجد در منطقه بیت المقدس به‌شمار می‌رود. مسجد قبه الصخره یکی از قدیمی‌ترین و زیباترین نمونه‌های هنر معماری ارزشمند در تمدن اسلامی است. علت نامگذاری این مسجد به وجود سنگی در داخل آن بر می‌گردد که مورد احترام پیروان ۳ دین اسلام، مسیحیت و یهودیت است. در روایت‌ها آمده که پیامبر اکرم (ص) از روی این صخره سوار بر براق شد و به معراج رفت. گنبد طلایی درست روی محل صخره قرار گرفته است. برپایی نماز جماعت فلسطینی‌ها در صحن بیرونی این مسجد همیشه با تدابیر شدید امنیتی صهیونیست‌ها همراه بوده است. این مسجد در روز عید سعید فطر نیز میزبان مسلمان‌های نمازگزار خواهد بود که ندای آزادی سر می‌دهند.

درج | مقبره جد رسول خدا (ص)

«عمروالعلاء» پسر عبدالمناف معروف به هاشم از بزرگان قبیله قریش و شهر مکه بود. او بزرگ خاندان بنی‌هاشم به‌شمار می‌رفت. «هاشم ابن عبدالمناف» نخستین کسی است که مسافرت‌های تابستانی و زمستانی قریش را به مناطق مختلف معمول ساخت. او زمستان‌ها به یمن و حبشه و تابستان‌ها به سمت غزه و شام رهسپار می‌شد. مردم مکه به او لقب سرور عرب یا سید دادند. لقبی که بعدها در فرزندان او باقی ماند. هاشم در یکی از سفرهایش در غزه فلسطین درگذشت و بارگاه او با نام مسجد «السیدهاشم» در منطقه قدیمی درج واقع شده است.

نابلس

مقبره حضرت یوسف (ع)

پس از مرگ یوسف نبی (ع) درگیری میان اقوام و طوایف مختلف صورت گرفت. هر طایفه‌ای می‌خواست تا پیکر یوسف در شهر و دیار آنها به خاک سپرده شود تا مزار او همچون دوران زندگی‌اش مایه برکت و افزایش روزی باشد. در نهایت رأی بر این شد که پیکر یوسف نبی (ع) را در زیر رودخانه نیل دفن کنند تا آبی که از روی آن می‌گذرد، متبرک شده و به همه خیر برساند. بعدها هنگامی که موسی (ع) قصد داشت از مصر خارج شود به وصیت یوسف نبی (ع) عمل کرد و پیکر او را از آن مدفن خارج ساخت تا به سمت شام برسد و در کنار پدرانش به خاک بسپارد. مقبره حضرت یوسف (ع) هم اکنون در محلی به نام خلیل در شهر نابلس واقع شده است.

الخلیل | ابراهیم (ع)، این جاست

حضرت ابراهیم (ع) در منطقه حبرون مزرعه‌ای داشت. هنگامی که همسرش «ساره» از دنیا رفت او را در گوشه‌ای از مزرعه به خاک سپرد. حضرت ابراهیم (ع) نیز در همین محل مدفون شده است. این منطقه هم اکنون در شهر «الخلیل» در ۳۷ کیلومتری جنوب غربی بیت المقدس واقع شده است. در برخی روایت‌ها مقبره آن حضرت در شام ذکر شده که احتمالاً به خاطر اسم عام و شهرت تمام آن مناطق به شام اینگونه آورده شده است. نام حضرت ابراهیم (ع) در بسیاری از سوره‌های قرآن آمده و به سبب هم‌کلامی با خداوند به «خلیل الله» معروف بوده است.

غزه | تاوان حمایت | نوار غزه، طی سال‌های اخیر، نماد مقاومت نیروها و مردم فلسطین

و نیز، نشانه‌ای از مظلومیت آن‌ها شده و بوده است. نوار غزه، ناحیه‌ای است به شکل نوار که چسبیده است به دریای مدیترانه. از جنوب، یازده کیلومتر با مصر و از شمال و شرق هم، ۵۱ کیلومتر با رژیم اشغالگر قدس مرز مشترک دارد. بزرگترین شهر نوار غزه، شهری به نام غزه است.



چرا مذاکرات سازش به نتیجه‌ای نخواهد رسید و فلسطینیان هم با آن مخالف هستند؟

نه قاطع فلسطینیان به سازش

مسئله سازش مسئله‌ای نیست که فلسطینیان به همین راحتی با آن کار بیایند. بر اساس نتایج یک نظر سنجی که توسط مرکز مطالعات آینده دانشگاه آزاد قدس انجام شده اکثریت فلسطینیان نسبت به مذاکرات سازش با دشمن صهیونیستی بدبین هستند. این نظر سنجی در استان‌های غزه و کرانه باختری و قدس اشغالی میان ۷۰۷ شخص که اکثریت آن‌ها جزو قشر جوانان هستند، به عمل آمده است و نزدیک به ۶۲٫۱ درصد از افراد شرکت کننده در این نظر سنجی بین رده سنی ۲۱-۳۰ سال هستند. نتایج این نظر سنجی حاکی از آن است که در صورت بی نتیجه بودن تلاش‌های جان کوری برای از سرگیری مذاکرات سازش، مسئولیت تمامی عواقب پیش روی مسئله فلسطین متوجه کشورهای عربی خواهد بود و طرح صلح اتحادیه عرب با دشمن صهیونیستی باید حذف شده و روابط دیپلماتیک تمامی کشورهای عربی با این رژیم غاصب باید قطع شود. اما چرا این مذاکرات به نتیجه‌ای نخواهد رسید و چرا فلسطینیان با آن مخالف هستند؟ ادامه این گزارش، پاسخ به این سؤال است.

وجود شکاف و اختلاف عمیق

مهم ترین مسئله در بی سرانجام بودن مذاکرات سازش، وجود شکاف‌ها و اختلافات عمیق میان فلسطینیان و رژیم اشغالگر قدس است. مسلماً وقتی چنین اختلاف عمیقی بین دو طرف وجود دارد تحقق صلح فراگیر و دائمی غیر ممکن به نظر می‌رسد. یکی از پیچیده ترین مسائل موجود در مذاکرات سازش تعیین و ترسیم مرزهاست. دو طرف فلسطینی و صهیونیستی برای حل این مسئله باید امتیازات سنگینی بدهند. چند سالی است که فلسطینیان و اسرائیلی‌ها برای حل مشکل مرزها با مشکلات زیادی مواجه هستند و بر رهبران سیاسی دو طرف تأثیر گذاشته است. رژیم اشغالگر قدس از زمان به قدرت رسیدن بنیامین نتانیاهاو اعلام کرده آماده است از مناطق وسیعی در کرانه باختری صرف نظر و برخی از شهرها را تخلیه کند. از سوی دیگر نتانیاهاو از زمانی که فعالیت سیاسی خود را به عنوان نخست وزیر آغاز کرد تأکید کرد که هرگز از شهرهای صهیونیست نشین بزرگ در کرانه باختری از چشم پوشی و آن‌ها را به طرف فلسطینی واگذار نخواهد کرد.

وقتی نتیجه‌ای حاصل نمی‌شود

روند مذاکرات سال‌های اخیر نشان داده که معمولاً این گفت‌وگو دستاورد چندانی نداشته است. صلاح زواوی، سفیر فلسطین در تهران با اشاره به از سرگیری مذاکرات سازش با رژیم صهیونیستی گفته است: «تجربه نشان می‌دهد که مذاکرات با رژیم صهیونیستی برای فلسطین هیچ نتیجه‌ای در بر نداشته است. تجربه ما از مذاکرات سازش با رژیم صهیونیستی از ۲۰ سال قبل و از زمان معاهده اسلو نشان می‌دهد که برای ملت ما هیچ فایده‌ای نداشته و ما قدمی به پیش نرفته‌ایم.» مسلماً همین موضوع باعث شده تا فلسطینیان، به طور قاطع نسبت به روند مذاکرات سازش بدبین باشند و آن را خواسته خود ندانند. سفیر فلسطین در تهران درباره خواسته مردم کشورش می‌گوید: «تشکیل دولت فلسطینی در چارچوب قطعنامه سازمان ملل گامی مثبت است. اگر ما بتوانیم برای رسیدن به دولتی که سازمان ملل به آن رأی داده تلاش کنیم قطعاً گام مثبتی خواهد بود و البته ما به این اقدام اکتفا نخواهیم کرد و این گامی برای رسیدن به آزادی کل فلسطین است.»

پای مسئله قدس در میان است

مسئله قدس مسئله مهمی است که فلسطینیان به هیچ وجه حاضر نیست بر سر آن مذاکره کنند. در حقیقت موضوع دیگری که دو طرف فلسطینی و صهیونیستی درباره آن اختلاف نظر شدید دارند و توافق درباره آن تقریباً محال است موضوع قدس است. در زمان ریاست عباس و اولمرت صحبت‌هایی شد درباره این که قدس تحت نظارت بین المللی باقی بماند، ولی عباس در آن زمان خواست که قدس به عنوان پایتخت فلسطین باشد و اولمرت در واکنش به این درخواست اوپمان گفت: «قدس تحت حاکمیت هیچ یک از دو طرف نخواهد شد.» یکی دیگر از موضوعات لاینحل بین دو طرف فلسطینی و صهیونیستی موضوع امنیتی است. نتانیاهاو خواستار تشکیل یک کشور فلسطینی بدون سلاح است، یعنی ارتش و تانک و سلاح سنگین مانند موشک نداشته باشد و این که این کشور تحت نظارت بین المللی تشکیل شود، ولی فلسطینیان با این درخواست نتانیاهاو مخالفند. مسلماً این دو موضوع باعث خواهد شد تا هیچ وقت مذاکرات سازش به نتیجه‌ای مشخص نرسد.

تکلیف آوارگان فلسطین چه می شود

موضوع آوارگان نیز از حساسیت ویژه‌ای برخوردار است و ممکن نیست دو طرف بر سر آن به توافق برسند حتی اگر مذاکرات صدها سال طول بکشد. رژیم اشغالگر قدس می گوید هرگز اجازه نمی دهد که هزاران آواره فلسطینی به فلسطین بازگردند. حتی نتانیاهو این موضوع را در مناطق اشغال شده به همه پرسید گذاشت که با مخالف قاطع همراه بود. برخی از کارشناسان و شخصیت های سیاسی رژیم صهیونیستی نیز معتقدند که موضوع آوارگان فلسطینی حل شدنی نیست و همچنان لاینحل باقی خواهد ماند. اختلاف اساسی دیگر در مذاکرات این است که طرف صهیونیستی از فلسطینیان می خواهد رژیم اشغالگر قدس را به عنوان یک کشور برای یهودیان به رسمیت شناسد و این چیزی است که نتانیاهو از آن به عنوان شرط تکمیل مذاکرات عنوان کرده است. از سوی دیگر طرف فلسطینی خواستار توقف شهرک سازی ها، آزادی اسرا و ترسیم مرزهاست مواردی که دو طرف از حل آن عاجزند. بنابراین آمیدی نباید به نتیجه بخش بودن مذاکرات سازش داشت.

اشغالگران به دنبال توطئه هستند

تجربه مذاکرات قبلی نشان داده که رژیم صهیونیستی در این مذاکرات بیشتر به دنبال توطئه است تا فقط منافع خود را تأمین کند، به همین دلیل فلسطینیان هم به از سرگیری این مذاکرات رضایت نمی دهند. احمد سعادت، دبیر کل جبهه خلق برای آزادی فلسطین با ارسال پیامی از داخل زندان «شطه» رژیم صهیونیستی، از فلسطینی های داخل و خارج سرزمین های اشغالی خواست با هر وسیله ممکن در مقابل شروع مذاکرات تشکیلات خودگردان فلسطین با رژیم صهیونیستی ایستادگی کنند و مانع تحقق توطئه های تازه این رژیم شوند. سعادت از ساکنان کرانه باختری و غزه خواست تا با مشارکت در یک تظاهرات گسترده، مخالفت شدید خود را با هرگونه شروع دوباره مذاکرات سازش با رژیم اشغالگر قدس اعلام کنند. پیام احمد سعادت که از چند سال قبل تاکنون در اسارت صهیونیست ها است، از درون زندان درز یافته است. سعادت در ادامه این پیام بر لزوم ادامه راه مقاومت از سوی ملت فلسطین به عنوان تنها گزینه مؤثر در مبارزات خود علیه اشغالگران تأکید کرده است.

مخالفت سایر گروه ها با مذاکره

گزارش ها حاکی از آن است که اولین نشست گفت و گوی سازش با رژیم صهیونیستی سه شنبه پیشرو در واشنگتن برگزار می شود و این در حالی است که ابومازن، رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین جمعه گذشته در دیدار با نویسندگان و خبرنگاران در رام الله اعلام کرده که این مذاکرات زیر نظر مستقیم آمریکا انجام می شود و «ماتین اندیک» به عنوان مسئول آمریکایی این مذاکرات انتخاب شده است. اما از همین حالا می توان گفت که این مذاکره هم نتیجه ای نخواهد داشت، چون ابومازن با تأکید بر پایبندی به دستیابی به صلح بر اساس قطعنامه های بین المللی، بر موضع فلسطین در خصوص شهرک های اسرائیلی نیز تأکید کرده و افزوده است: «ما این شهرک ها را غیرقانونی می دانیم و در باره آن هیچ گفت و گویی انجام نمی دهیم، چراکه مذاکره در این خصوص یعنی به رسمیت شناختن آن.» سایر گروه های فلسطینی بویژه جنبش مقاومت اسلامی فلسطین، مخالف از سرگیری مذاکرات سازش با رژیم صهیونیستی هستند و این اقدام را نوعی خودکشی سیاسی برای تشکیلات خودگردان فلسطین می دانند.

اشغالگران هم بدبین هستند

اما مخالفت ها برای انجام نشدن مذاکرات سازش فقط به فلسطینیان مربوط نمی شود و صهیونیست ها هم حاضر به دادن امتیاز برای از سرگیری مذاکرات نیستند. لابی پارلمانی در کنیست رژیم صهیونیستی در پی توافق دو طرف فلسطینی و صهیونیستی برای از سرگیری مذاکرات سازش، در هفته های گذشته تشکیل جلسه داده و با آزادی اسرای فلسطینی و توقف شهرک سازی مخالفت کرده است. اعضای کنیست و روسای شهرک های صهیونیستی در این نشست حضور داشتند. «یاریف لیوین» رییس این لابی که نماینده کنیست از حزب لیکود نیز است گفته: «موافقت با آزادی اسرای امنیتی فلسطینی با اصول ما برای ورود مذاکرات بدون پیش شرط همسویی ندارد.» از سوی دیگر نیسان سلومیانسکی، نماینده کنیست رژیم صهیونیستی از حزب خانه یهود گفته است: «مذاکرات با فلسطینیان هیچ نتیجه ای به دنبال نخواهد داشت و دو طرف برای مذاکره آمادگی ندارند.» این گفته ها نشان می دهد که نه تنها فلسطینیان، بلکه خود صهیونیست ها هم به مثبت بودن نتایج این مذاکرات بدبین هستند.

نگاهی گذرا به روند مذاکرات سازش از ابتدا تا کنون

مانع تراشی ها همچنان ادامه دارد

مذاکرات سازش بین دو طرف فلسطینی و صهیونیستی مسیر پر پیچ و خمی را تاکنون طی کرده است، ولی همیشه با مانع تراشی صهیونیست ها مواجه شده است. در این ستون می توانید برخی از مراحل مهم و حساس فرایند سازش را بخوانید:

- ۱- سال ۱۹۹۱ کنفرانس صلح مادرید که در آن چار چوبی برای روند سازش تعیین شد.
- ۲- سال ۱۹۹۳ رژیم صهیونیستی و سازمان آزادی بخش فلسطین، بیانیه اصولی حکومت خودمختار را بعد از چند ماه مذاکره محرمانه در اوسلو امضا کردند.
- ۳- سال ۱۹۹۴ اسحاق رابین، نخست وزیر رژیم صهیونیستی و یاسر عرفات رییس فقید فلسطین موافقتنامه حکومت خودمختار در قاهره امضا کردند.
- ۴- سال ۲۰۰۰ بیل کلینتون، رییس جمهور وقت آمریکاییان مذاکرات عرفات و ابیودا ولمرت، نخست وزیر وقت رژیم صهیونیستی در کمپ دیوید بود که این مذاکرات به علت اختلاف بر سر دو موضوع قدس و آوارگان شکست خورد و باعث قیام و انتفاضه جدید فلسطین شد.
- ۵- سال ۲۰۰۱ مذاکرات در طابا در مصر که این مذاکرات نیز ناکام ماند.
- ۶- سال ۲۰۰۳ ارائه طرح نقشه راه برای تأسیس کشور مستقل فلسطینی تا سال ۲۰۰۵ در نشست سران در اردن. نشستی که جرج بوش، رییس جمهور سابق آمریکا، آرل شارون، نخست وزیر سابق اسرائیل و محمود عباس در آن شرکت داشتند.
- ۷- سال ۲۰۰۷ ابومازن و ابیودا ولمرت مذاکرات را به طور رسمی در آنپلیس در ایالت مریلند آمریکا از سر گرفتند.
- ۸- سال ۲۰۰۸ بر اثر حمله اسرائیل به نوار غزه که به نبرد ۲۲ روزه معروف شد مذاکرات به حال تعلیق درآمد.
- ۹- سال ۲۰۱۰ باراک اوباما، رییس جمهور کنونی آمریکا مذاکرات مستقیمی را با ابومازن و نتانیاهو در کاخ سفید درباره روند سازش برگزار کرد.
- ۱۰- سال ۲۰۱۰ پایان توقف جزئی شهرک سازی ها در کرانه باختری رود اردن که به تعطیلی مذاکرات مستقیم سازش منجر شد.
- ۱۱- سال ۲۰۱۱ نتانیاهو درخواست اوباما را برای تشکیل کشور مستقل فلسطینی در چارچوب مرزهای سال ۱۹۶۷ در کرانه باختری و غزه و شرق قدس رد کرد.
- ۱۲- سال ۲۰۱۱ کمیته چهار جانبه صلح شامل آمریکا، اتحادیه اروپا، روسیه و سازمان ملل متحد از طرح فرآگیر مذاکرات سازش از جمله احیای گفت و گوها ظرف یک ماه برای دستیابی به توافق صلح تا اواخر سال ۲۰۱۲ خبر داد.
- ۱۳- سال ۲۰۱۱ فلسطین به عضویت یونسکو درآمد و رژیم اشغالگر قدس نیز از احداث ۲ هزار واحد مسکونی در قدس، کرانه باختری و بلوک کردن داری های تشکیلات خودگردان فلسطین خبر داد.
- ۱۴- سال ۲۰۱۲ دیدارهایی پشت درهای بسته میان مذاکره کنندگان صهیونیستی و فلسطینی در اردن برگزار شد.
- ۱۵- سال ۲۰۱۲ یک مقام فلسطینی بلند پایه بعد از پنجمین نشست بین دو طرف از سرگیری مذاکرات را بعید دانست.
- ۱۶- سال ۲۰۱۲ دو طرف فلسطینی و صهیونیستی تأکید کردند که گفت و گوی آرامی بین آنان همزمان با توقف مذاکرات مستقیم سازش در جریان باشد.
- ۱۷- سال ۲۰۱۳ اتحادیه عرب با ایجاد تغییرات و اصلاحاتی در طرح ابتکاری صلح عربی (۲۰۰۲) ایجاد و طرح مبادله زمین را ارائه کرد.
- ۱۸- سال ۲۰۱۳ جان کری وزیر امور خارجه آمریکا بعد از یک سری نشست های نفس گیر و پیاپی توانست طرحی را با موافقت دو طرف فلسطینی و صهیونیستی برای از سرگیری مذاکرات سازش ارائه کند که نتیجه قطعی آن هنوز مشخص نیست.

هیات

۱۰ چهره جهانی مرتبط با قدس، فلسطین و بیت المقدس را بیشتر بشناسیم

ستارگان درخشان قدس

سال‌های بسیاری است که زخم چرکینی بر بیکر فلسطین نقش بسته است و خون از تن آن جاری کرده است. زنان و مردان بسیاری روح و جسم خود را برای پهبودی‌اش فدا کرده‌اند. زنان و مردانی که دیگر جزوی از آن تن محسوب می‌شوند. افرادی که نامشان در جهان و به گوش جهانیان به همراه نام فلسطین آشناست. افرادی که ساکنان آبی این کره خاکی با ید راه و هدفشان را به خاطر داشته باشد تا حقیقت فلسطین همیشه زنده بماند. پس مرور نام و هدف آنها طی مسیری خواهد بود که رو به آینده‌ای روشن دارد.

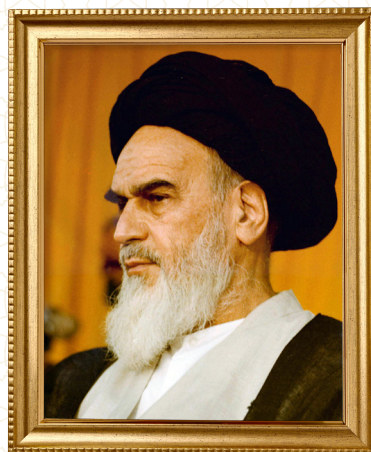
اختصاص و جوهات شرعی
امام خمینی (ره) اولین مرجع تقلید و پیشوای بزرگ مذهبی بودند که مجوز حمایت از مبارزان فلسطینی از محل وجوهات شرعی و زکات و صدقات را صادر کرده و در جریان جنایت رژیم اشغالگر قدس در به آتش کشیدن مسجدالاقصی، بر خلاف مشی دیگران که بازسازی مسجد را وجهه همت خود قرار داده بودند، با دوراندیشی تمام بر حفظ آثار جنایت رژیم صهیونیستی (به عنوان عاملی نمادین در جهت تحریک و تشویق مسلمانان بر علیه رژیم اشغالگر) تأکید می‌کردند.

تفاوت یهود و صهیونیسم
امام (ره) با مانیفست تاریخی خود مبنی بر اینکه یهود از صهیونیسم جداست، یک دلگرمی برای یهودیان ایران ایجاد کردند تا در کشور حرکت‌های سیاسی و اجتماعی خود را با آرامش انجام دهند؛ از این رو یهودیان ایرانی یکی از مدافعان انقلاب در ایران بودند و با تمسک به همین تفاوت‌هاست که یهودیان ایرانی نیز از مدافعان حقوق مسلمین در فلسطین هستند.

نابودی و محو صهیونیسم
امام خمینی (ره) نه تنها رژیم اشغالگر قدس را به رسمیت نمی‌شناختند و ایجاد آن را وسیله‌ای برای استعمار در دست دولت‌های غربی می‌دانستند، بلکه شدیداً به نابودی آن تأکید داشتند. امام خمینی (ره) در پاسخ به نامه دانشجویان مسلمانان مقیم آمریکا و کانادا در سال ۱۹۷۲ میلادی (۱۳۵۱ شمسی) می‌فرماید: «اسرائیل با تبنی و همفکری دولت‌های استعماری غرب و شرق، زاییده شد و برای سرکوبی و استعمار ملل اسلامی به وجود آمد و امروز از طرف همه استعمارگران حمایت و پشتیبانی می‌شود.»
حضرت امام بارها خطر توسعه طلبی رژیم اشغالگر قدس را گوشزد کرده و می‌فرمودند: «همه باید بدانند که هدف دولت‌های بزرگ از ایجاد اسرائیل تنها با اشغال فلسطین پایان نمی‌پذیرد، آنها در این نقشه‌اند که -پناه بر خدا- تمامی کشورهای عربی را به همان سرنوشت فلسطین دچار کنند.»

جهانی کردن مسئله فلسطین
تا قبل از ظهور انقلاب اسلامی، کشورهای اسلامی به فلسطین به عنوان یک مسئله عربی و اختلافی بین اعراب و یهودیان می‌نگریستند؛ در نتیجه ضمن قبول موجودیت دولت و رژیم بی‌به نام رژیم اشغالگر قدس در منطقه به دنبال حل مخاصمه بین فلسطین و اسرائیل بودند. اما امام خمینی (ره) بر این اعتقاد بود که مسئله فلسطین مسئله کیان اسلامی است و رژیم اشغالگر قدس نه تنها یک رژیم نامشروع و غیر قانونی، بلکه بزرگ‌ترین خطر برای ثبات جهانی و یک غده سرطانی در منطقه است.

امام خمینی (ره) یکی از مهم‌ترین افرادی است که توانست تأثیرات سرنوشت‌سازی در وضعیت سیاسی و جهانی کشور فلسطین بگذارد. رابط‌های که امام خمینی (ره) به عنوان یک رهبر دینی بین مسلمین جهان و فلسطین ایجاد کرد، بر مبنای اصل ظلم ستیزی و مبارزه با استکبار در دین اسلام بود از سوی دیگر بیت المقدس اولین قبله مسلمین و سومین شهر مذهبی آنهاست که با اعتقادات مسلمین پیوند خورده. امام خمینی (ره) مؤثرترین راهکارها را برای مبارزه با استکبار آن هم در سطح جهانی ارائه داد، روش‌هایی که هنوز به عنوان خط مشی مبارزات ایران و فلسطین علیه ظلم و استکبار ادامه دارد.

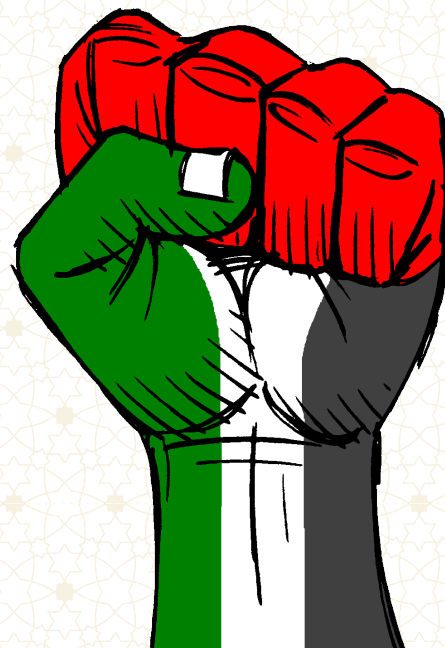


امام خمینی (ره)

مردی که کابوس صهیونیست شد

اعلام روز جهانی قدس
از مهم‌ترین اقدامات امام خمینی (ره) در راستای دفاع از حقوق فلسطین نام نهادن آخرین جمعه ماه رمضان به نام روز قدس است. امام درباره این نام‌گذاری فرموده‌اند: «من در طی سالیان دراز خطر اسرائیل غاصب را گوشزد مسلمین نمودم که اکنون این روزها به حملات و حشیانه خود به برادران و خواهران فلسطینی شدت بخشیده است و بویژه در جنوب لبنان به قصد نابودی مبارزان فلسطینی پیایی خانه و کاشانه ایشان را بمباران می‌کند. من از عموم مسلمانان جهان و دولت‌های اسلامی می‌خواهم که برای کوتاه کردن دست این غاصب و پشتیبانان آن، به هم پیوندند و جمیع مسلمانان جهان را دعوت می‌کنم آخرین جمعه ماه مبارک رمضان را که از ایام قدر است و می‌تواند تعیین کننده سرنوشت مردم فلسطین نیز باشد، به عنوان روز قدس انتخاب و طی مراسمی همبستگی بین‌المللی مسلمانان را در حمایت از حقوق قانونی مردم مسلمان اعلام نمایند. از خداوند متعال پیروزی مسلمانان را بر اهل کفر خواستارم.» (صحیفه نور ج ۸ صفحه ۲۲۹ تاریخ: ۱۶۵۵۸)

دعوت مسلمین به اتحاد
فلسطین که زمانی نقش قبله مشترک مسلمانان دنیا را بازی می‌کرد، این بار به وسیله امام خمینی (ره) تبدیل شد به کانون توجه و اتحاد مسلمین. این توجه به حدی در جهان اسلام مقبولیت یافت که هم اکنون فلسطین یکی از مهم‌ترین مسائل جهان اسلام است، از این رو یکی از اساسی‌ترین چالش‌های سیاست خارجی استکبار جهانی به شمار می‌رود.
امام خمینی (ره) درباره اهمیت توجه مسلمین به استکبار صهیونیسم در فلسطین می‌فرماید: «چرا مسلمین از این قدرت غافلند؟ چرا دولت‌های اسلامی از قدرت اسلام غافلند؟ چرا در طول سال‌های متمادی دولت‌های عرب باید از صهیونیسم سیلی بخورند؟ چرا باید تحت سلطه قدرت‌های خار جی باشند؟» (بیانات امام خمینی ۲۸۷۵۹ صحیفه ج ۱۳ ص ۱۲۶)





شهید فتحی شقاقی

جهاد مسلحانه

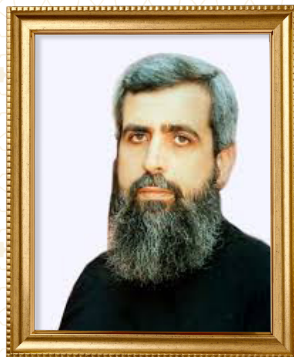
شهید دکتر «فتحی ابراهیم عبدالعزیز شقاقی» یکی از افرادی است که نامش با جنبش‌های اسلامی فلسطین پیوند خورده است. وی بنیانگذار و دبیر کل جنبش جهاد اسلامی فلسطین و یکی از برجسته‌ترین روشنفکران جنبش اسلامی بود که سمت و سوی فعالیت‌های جنبش را به سوی فعالیت‌های ملی و توجه به مسئله فلسطین از طریق جهاد مسلحانه سوق داد. جالب است بدانید که دکتر شقاقی در سال ۱۹۷۹ میلادی تنها به دلیل تألیف کتاب «الخمینی، الحل الاسلامی و البدیل» (خمینی، راه حل اسلامی و جایگزین) از سوی دولت مصر بازداشت شد. وی با هدف جهاد علیه اشغالگران صهیونیست به اکثر پایتخت‌های کشورهای عربی سفر می‌کرد تا اینکه سازمان اطلاعات و امنیت خارجی رژیم صهیونیستی «موساد» در روز پنج‌شنبه ۱۳۶۵/۱۱/۱۹ میلادی وی را در راه بازگشت از لیبی به دمشق در کشور مالت به شهادت رساند.



شهید عزالدین قسام

ارتش شهادت طلب

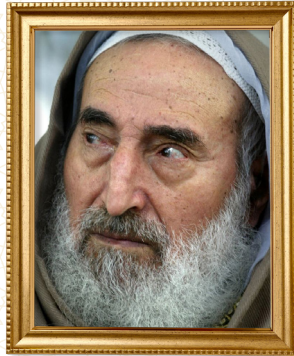
نام و مقاومت فلسطین با نام «عزالدین قسام» رابطه تنگاتنگی دارد. قسام نه تنها مبارز بود، بلکه مبارز ساز هم بود؛ وی با تشکیل جلسه‌های سری در خانه خود و برخی دوستانش، عده‌ای را انتخاب و آنان را برای جهاد آماده می‌کرد. او از این عده یگان‌های عملیاتی تشکیل می‌داد. در این یگان‌ها تنها افراد مؤمن که آماده جانفشانی بودند، حق عضویت داشتند. تقریباً تمامی تاریخ‌نگاران و تحلیلگران سیاسی بر این نکته اتفاق نظر دارند که شیخ عزالدین قسام در تبلیغ دین شیوه خاص و منحصر به فرد خود را داشت و راهبر جنبشی جهادی بود که از همه جبهه‌های مبارزه زمان خود گوی سبقت را رانده بود. عزالدین قسام چنان محبوبیتی نزد مردم داشت که حتی شهادت وی هم آتش مبارزه علیه استعمار را طی سال‌های ۱۹۳۶ تا ۱۹۳۹ شعله‌ور ساخت.



شیخ صلاح شحاده

مهندسی مبارزه

«صلاح شحاده» بعد از یحیی عیاش، بزرگ‌ترین فرمانده‌ای بود که شهادت طلبان جنبش حماس به خود می‌دیدند. «صلاح شحاده» پرچم هدایت استشهادیون حماس را بر دوش کشید و با طراحی ده‌ها عملیات شهادت طلبانه علیه اشغالگران، فصل خونین دیگری در تاریخ مجعول اسرائیل رقم زد و کار را به جایی رساند تا اسرائیلی‌ها برای خلاص شدن از «کابوس او»، در سال ۲۰۰۳ میلادی، این بار نه با طراحی‌های پیچیده اطلاعاتی که با استفاده از یک جنگنده فوق مدرن «اف ۱۶» و یک بمب یک تنی، کار را یکسره کنند. صلاح نقش بی‌بدیلی در تجهیز شاخه نظامی حماس به انواع تسلیحات موشکی و انفجاری نوین داشت. از زمانی که از زندان‌های صهیونیستی آزاد شد، با توسعه فعالیت‌های نظامی خود، خمپاره و راکت‌ها و موشک‌ها، گردان‌های قسام را مدرن‌تر کرد و ساختار آن را توسعه داد.



شهید شیخ احمد یاسین

تشکیل جنبش حماس

جنبش مقاومت فلسطین با نام «شیخ احمد یاسین» شناخته می‌شود؛ روحانی و از بنیانگذاران حماس. وی به دلیل فعالیت‌هایش و آزارهای بسیاری که در راه مبارزه دید، یکی از نمادهای مقاومت فلسطین شناخته می‌شود. شیخ احمد عضو شاخه اخوان المسلمین در فلسطین بود و به تشکیل جنبش مقاومت اسلامی (حماس) پرداخت که در ۱۴ دسامبر ۱۹۸۷ در آغاز انتفاضه اول اعلام موجودیت کرد. وی به عنوان یک رهبر سیاسی هرگز صلح بین اسرائیل و فلسطینیان را نپذیرفت و تا پایان بر این دیدگاه که سرزمین فلسطین بطور کامل باید در حاکمیت فلسطینیان مسلمان باشد، اصرار ورزید. وی در سحرگاه روز دوشنبه، ۲۲ مارس ۲۰۰۴ میلادی، پس از ادای نماز صبح هنگام خروج از مسجدی در شهر غزه، هدف موشک‌های پرتاب شده از سوی هلیکوپترهای نظامی اسرائیلی قرار گرفت و به شهادت رسید.



شهید محمد الدوره

بیداری دنیا

نام «محمد الدوره» امروز نمادی از مظلومیت کودکان فلسطینی است. گرچه محمد الدوره یکی از هزاران کودکی است که به دست نیروهای رژیم صهیونیستی آن هم مظلومانه و به طرز بی‌رحمانه‌ای شهید می‌شوند، اما شهادت محمد الدوره در آغوش پدر، ضیبت آن توسط خبرنگار فرانسوی و پخش آن از رسانه‌های دنیا، باعث باز شدن چشمان بسیاری از مردم دنیا به روی فجایعی شد که به دست نیروهای رژیم اشغالگر قدس در فلسطین در حال رخ دادن است. سالروز شهادت محمد الدوره به روز همدردی و همبستگی با کودکان و نوجوانان فلسطینی نامگذاری شد و این نوجوان ۱۲ ساله به عنوان نماد انتفاضه دوم فلسطین مطرح شد. بعد از این واقعه جهانیان عکس‌هایی از آخرین تقایم محمد الدوره به هنگام شهادت را در دست می‌گرفتند و در اعتراض به جنایتکاران رژیم صهیونیستی تظاهرات بسیاری به پا کردند.





آیات محمد الاخرس

عروس فلسطین

شهیده «آیات محمد الاخرس» یکی از معروف ترین زنان فلسطینی است که در عملیاتی استشهادی موفق شد تعداد زیادی از نیروهای رژیم اشغالگر قدس را از بین ببرد که یکی از موفق ترین عملیاتها محسوب می شود. او که قرار بود به زودی مراسم ازدواج خود را برگزار کند، در تصمیمی ترجیح می دهد با شهادت خود، تبدیل به عروس همیشگی فلسطین شود. او در نواری که قبل از شهادتش ضبط کرده است، درباره اقدام خود به عنوان یک زن می گوید: «سکوت ارتش های عرب که در خواب غفلتند و فقط روی صحنه های تلویزیون ظاهر می شوند، ننگی است که باعث می شود دختران فلسطینی وارد جنگ شوند؛ اما آنها هنوز در غفلت خود خوابیده اند.» «در مثلثی مهیب/ که ماموت ها/ تنوره می کشند/ جهان/ ترانه تو رامی خواند/ عروس نیزه ها» این متن بخشی از شعری است که در رثای شهید آیات الاخرس، این دختر هجده ساله سروده شده است.



روژه گاردی

بزرگ ترین افشاگری

در سال ۱۹۹۸ میلادی، یک دادگاه فرانسوی گاردی را برای انکار هولوکاست و افترای نژادی مجرم شناسخت و بخاطر کتاب «اسطوره های بنیان گذار سیاست اسرائیل» که در سال ۹۵ نوشته بود، ۱۲۰ هزار فرانک جریمه کرد. این کتاب که به فارسی و عربی منتشر شد، با پذیرفتن دیدگاه های «رابرت فاریسون» منکر هولوکاست، اظهار می کند که در طی هولوکاست یهودیان در اتاق های گاز کشته نشدند. یهودیان صهیونیسم با دست مایه قرار دادن و در بوق و کرنا کردن این اتفاق است که فعالیت های خود در قتل و کشتار مردم فلسطین را توجیه می کنند. شاید بتوان گفت در دادگاهی که در کشور فرانسه برای گاردی به بهانه رد هولوکاست تشکیل شد، از معدود دفعاتی بود که در پهنه اروپا علیه صهیونیسم حرفی زده می شد؛ دفعه ای که گوینده اش، یک فیلسوف و تاریخ ساز مهم بود؛ روژه گاردی.



راشل کوری

شهادت جوان امریکایی

«راشل کوری» یک امریکایی بود که با شهادت خود چهره منفور ارتش صهیونیستی را برای جهانیان به نمایش گذاشت. راشل تنها ۲۳ سال داشت و در شهر المپای ایالت واشنگتن زندگی می کرد. او به همراه ۸ تن از دوستانش - ۵ امریکایی و ۳ انگلیسی - در محله السلام واقع در شهر رفح در فلسطین اشغالی، سعی می کنند از اقدام یک دستگاه بولدوزر نظامی رژیم صهیونیستی در ویران کردن خانه یک فلسطینی، جلوگیری کنند. راشل در برابر بولدوزر می ایستد و از سرنشین بولدوزر می خواهد که آن را متوقف سازد. اما بولدوزر به او امان نمی دهد و پیکر راشل را به زیر می کشد. با گذشت ۷ سال از شهادت راشل کوری، تلاش کشتی ایرلندی مزین به نام وی برای کمک به مردم غزه نشان داد که راه مردم مظلوم فلسطین و تمامی شهدای آن هنوز ادامه دارد.



ناجی العلی

طعم تلخ طنز

«ناجی العلی» با شخصیت کارتونی اش «حنظله»، با فلسطین و مبارزه اش بر سر آزادی پیوند می خورد؛ کودکی که در اردوگاه های آوارگان فلسطینی زندگی می کند و ۱۰ سال دارد. او تمامی این سال ها ۱۰ ساله باقی مانده است. ناجی العلی با کاریکاتورهایش مخالفت سرسختانه خود را با رژیم اشغالگر قدس و البته اعراب سازشکار نشان می داد. سخنگوی روزنامه القیس، چاپ کویت یک بار گفت که ناجی العلی در طول فعالیتش در این روزنامه بیش از ۱۰۰ نامه تهدید به مرگ دریافت کرده بود. با هر معامله ای بر سر حقوق تاریخی فلسطینیان به شدت مخالف بود. او تنها به این خاطر، در یکی از شهرهای اروپایی ترور شد. ناجی العلی در فلسطین متولد شد و از ۱۰ سالگی تا آخر عمرش یک آواره ماند.



هیات

جست و جوی تاریخی در
ابعد قیام ۱۹ دی قم

از نوزدهم دی باید درس گرفت

خلاصه قیام نوزدهم دی مردم قم همین آیه شریفه‌ای است که: «لَا يَسْتَوِي نَسْمُكَم مِّنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتِلْ أُولَئِكَ أَكْبَرُ مِنْ ذِيَنَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدُ وَقَاتِلُوا.» مردم قم قبل از آنکه حرکت بزرگی از ملت ایران دیده شود و شروع بشود، قیام کردند. خوب، حرکت مردم قم حرکت بسیار اثرگذاری بود و ایران را لرزاند؛ همه دل‌های آماده را متوجه یک فرصتی و یک امکانی و یک حقیقتی کرد و نهضت به راه افتاد، تا بقیه قضایایی که میدانید. تکرار مطلب لازم نیست، آنچه لازم است، درس گرفتن از این قضایا است. از این جور قضایا باید درس گرفت. درس‌ها هم نویه‌نو مطرح می‌شود. هر روزی ما - من، شما، احاد مردم - احتیاج داریم به اینکه از حوادث گذشته درس بگیریم. نکته اصلی‌ای که در قضیه قم وجود دارد که من آن نکته را هم بارها عرض کرده‌ام و تکرار می‌کنم، این است که مردم قم در آن مقطع، بهنگام عمل کردند. همیشه کار وقتی که در وقت خود انجام گرفت، تأثیر می‌کند یا تأثیر آن افزایش پیدا می‌کند. همان کار را اگر گذاشتیم بیات شد، مدتی گذشت و بعداً انجام گرفت، گاهی اثر نمی‌کند یا اثر کمی می‌کند. هنر قمی‌ها این بود که نکته را فوراً گرفتند، دشمنی را فوراً شناختند و در همان وقت اول به آن پاسخ دادند، و الا اگر بعد از آنکه آن رفتار خیانت‌آمیز توطئه‌آمیز دشمن نسبت به امام بزرگوار انجام گرفت، این دست آن دست می‌کردند، [می‌گفتند] حالا می‌کنیم، فردا می‌کنیم، یک ماه دیگر می‌کنیم، این حوادث بعدی اصلاً به وجود نمی‌آمد. فریضه وقت دارد، در وقت خود باید فریضه را انجام داد؛ بهترین وقت انجام فریضه هم اول وقت - وقت فضیلت - است. خوب، بعضی اصلاً فریضه را انجام نمی‌دهند، می‌گویند بی خیال؛ بعضی انجام می‌دهند اما با تأخیر؛ بعضی می‌گذارند وقت که گذشت انجام می‌دهند، مثل توأبین؛ توأبین آن وقتی که باید می‌آمدند - که عاشورا بود - نیامدند، وقتی آمدند که کار از کار گذشته بود. با قیام مردم مدینه با رهبری عبدالله بن حنظله آمدند در مقابل یزید ایستادند، قیام کردند، حاکم مدینه را بیرون کردند، اما دیر؛ آن وقتی که شنیدند که حسین بن علی (علیه‌السلام) از مدینه خارج شد، آن وقت باید به این فکر می‌افتادند، نیفتادند؛ دیر به فکر افتادند، یک سال بعد [به فکر افتادند]؛ نتیجه هم همانی شد که تاریخ ثبت کرده است؛ قتل عام شدند، تارومار شدند، نابود شدند، هیچ کاری هم نتوانستند بکنند. کار را در وقت باید انجام داد. خوب، اگر بخواهیم کار را در وقت انجام بدهیم، بایستی فریضه را بشناسیم، بدانیم چه کاری باید انجام داد تا آن را در وقت خود انجام بدهیم.

۱۹/۱۰/۱۳۹۵

بیانات در دیدار مردم قم



ایمان، بصیرت و عمل

روزی که جوان‌های قم از طلبه و غیر طلبه و افسشار گوناگون و مردم مؤمن آمدند در کوچه و خیابان قم و به دفاع از امام، به دفاع از حقیقت، به دفاع از پرچم برافراشته مبارزه علیه طاغوت و در مقابل گلوله‌های مزدوران رژیم طاغوت قرار گرفتند و خونشان روی آسفالت‌های خیابان ریخته شد، هیچ کس از آن مردم و از حول و حوش آن مردم هرگز گمان نمی‌کرد که این حادثه چه اثری خواهد گذاشت. احساس تکلیف کردند، نیروی خودشان را و آنچه داشتند روی دست گرفتند، آمدند میدان. [مردم قم] فکر می‌کردند که نوزده دی منشأ این تحوّل عظیم زنجیره مبارزات و اعتراضات بشود و منتهی بشود به خیزش بزرگ عمومی مردم و کار را تمام کند؟ مردم قم فکر

حرکتی که ایران را لرزاند

بخشی از بیانات رهبر معظم انقلاب درباره قیام ۱۹ دی در قم

«مردم قم قبل از آنکه حرکت بزرگی از ملت ایران دیده بشود و شروع بشود، قیام کردند. حرکت مردم قم در ۱۹ دی حرکت بسیار اثرگذاری بود و ایران را لرزاند.» این بخشی از بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار سال گذشته‌شان با مردم قم است. مقام معظم رهبری بارها بر اهمیت این قیام و نقش آن در پیروزی انقلاب اسلامی اشاره کرده‌اند و از جمله ویژگی‌های بسیار مهم این قیام را «بهنگام بودن» آن دانسته‌اند. حتی معظم له، قیام ۱۹ دی را به مبدأ یک حرکت عمومی در میان ملت ایران تشریح کرده‌اند. اینجا می‌توانید بخشی از فرمایشات ایشان را درباره این اتفاق مهم تاریخ معاصر بخوانید.

ماجرایی که هیچ وقت کهنه نمی‌شود

ماجرای نوزدهم دی کهنه‌شدنی نیست. اینکه ما یک چیزهایی را تکرار کنیم که قبلاً هم گفتیم، موجب نمی‌شود که این حادثه رنگ کهنگی به خود بگیرد، مثل حادثه عاشورا؛ نمی‌خواهیم مقایسه کنیم اهمیت آن حادثه را با حوادث دیگر ولی در مقام تشبیه مثل حادثه عاشورا است؛ هزار و دویست سیصد سال است که حادثه عاشورا گفته می‌شود تکرار می‌شود، همه حرف‌ها بارها و بارها بر زبانها جاری می‌شود اما حادثه کهنه نمی‌شود؛ حادثه مثل خورشید درخشان که هر روز هست اما دارای کهنگی نیست، رنگ کهنگی ندارد؛ هر سال، هر ماه در زندگی این جامعه و جوامع اسلامی نورافشانی می‌کند، نور می‌دهد، انرژی می‌دهد، قوت می‌دهد. این حادثه هم همین جور است؛ از جنس حادثه عاشورا است. علت هم این است که کاری که در نوزدهم دی انجام گرفت، کار بزرگی بود؛ کاری بود که هر وقت شبیه این کار در میان هر ملتی، هر جمعیتی اتفاق بیفتد، آثار آن شگفت‌آور خواهد بود. خوب، زمینه در میان ملت ایران آماده بود؛ بدون زمینه آماده هیچ کاری به ثمر نمی‌رسد. بیانات امام در طول

خوب، انقلاب پیروز شد؛ پیروزی انقلاب بر حسب محاسبات متعارف دنیا امر محالی بود. هیچ کس باور نمی‌کرد که در کشوری مثل ایران با حساسیتی که قدرتهای استکباری روی آن داشتند - اینجا استراحتگاه صهیونیست‌ها بود، اینجا محل حضور مستشاران آمریکایی بود، اینجا جایی بود که بیگانگان در آن احساس آرامش و آسایش می‌کردند؛ تقریباً ده روز قبل از نوزدهم دی رئیس‌جمهور آمریکا در تهران در سخنرانی‌ای گفت که ایران جزیره ثبات است؛ این جوری روی این کشور حساب می‌کردند - در یک چنین جایی، در یک چنین کشوری، با این چنین حکومت سرکوبگر و ظالم که بی‌محبا با مردم روبه‌رو می‌شد، و با سایه سنگین آمریکا بر این کشور و بر حسب محاسبات عادی محال بود که یک انقلاب بر مبنای دین، بر مبنای اعتقاد دینی و ایمان مردم، به دست مردم، بارهبری مرجع تقلید و روحانی شاخص به پیروزی برسد؛ این محال بود. لذا نبود که هیچ دستگاه اطلاعاتی در دنیا نتوانست حدس بزند که این اتفاق خواهد افتاد؛ چون اصلاً با محاسبات عادی جور

این سالهای مبارزات، و مبارزات کسانی که مبارزه کرده بودند، و تبیین و گسترش تفکرات انقلابی در سراسر کشور، علاوه بر این‌ها، وجهه و جایگاه روحانیت و مرجعیت در بین مردم که از قرن‌ها پیش جافتاده بود، همه زمینه بود لکن این زمینه احتیاج داشت به یک کلید راه‌اندازنده؛ آن کلید را قمی‌ها زدند. کار بزرگی بود؛ به دفاع از امام بزرگوار وارد میدان شدند؛ میدان هم میدان متعارفی نبود؛ گلوله بود، تیراندازی بود، وحشت بود، سرکوبگری بود. بدون ترس، با شجاعت کامل، با درک به‌هنگام - که روی این کلمه من تکیه دارم؛ درک به‌موقع، احساس تکلیف به‌موقع؛ نه دیرتر از وقت لازم - وارد میدان شدند؛ خون به‌ناحق ریخته شهدای نوزدهم دی و شجاعت مردم قم و به‌هنگام وارد شدن مردم قم، فهمیدن وظیفه در لحظه لازم کار خودش را کرد؛ در واقع این کلیدی بود که زده شد، آن زمینه به جریان افتاد و ملت به پاخاست. بنابراین کار قمی‌ها یک کار فراموش‌نشدنی است. نمی‌خواهم من تاریخ را عرض بکنم. ما مسائل روز داریم؛ امروز باید ببینیم تکلیف ما برای فردا چیست.



ماجرای ۱۹ دی چه بود؟

بسیاری از کارشناسان تاریخ معاصر، یکی از نقاط عطف انقلاب اسلامی ایران را ماجرای قیام ۱۹ دی مردم قم دانسته‌اند. قیامی که مثل یک دومینو، اتفاقات روزهای بعد را در سراسر ایران رقم زد و حدود یک سال بعد به پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۵۷ منجر شد. جرعه قیام ۱۹ دی از یک مقاله در روزنامه اطلاعات شروع شد، مقاله‌ای که حاوی اهانت به امام خمینی (ره) بود. شاه برای زیر سؤال بردن و بی اعتبار کردن امام دست به انتشار آن مقاله زد، اما در نهایت خود او بود که در میان قیام مردمی گرفتار آمد، قیامی که پایه‌های حکومتش را دچار لرزه‌ای بی سابقه کرد.

فردای روز ۱۷ دی ماه ۵۶، اولین پس لرزه‌های انتشار این مقاله، در شهر قم به وقوع پیوست. در این روز طلاب مدارس و حوزه علمیه، کلاس‌های درس خود را تعطیل کرده و در مسجد اعظم دست به تجمع زدند. اگرچه در این روز درگیری‌های پراکنده‌ای در برخی نقاط شهر قم روی داد اما حرکت اصلی مردم قم هم‌زمان با روز ۱۹ دی ماه ۵۶ بود که در این روز بازار نیز علاوه بر دروس طلاب در حمایت از امام خمینی (ره) تعطیل شد.

صبح روز نوزدهم دی ماه جمعیت زیادی در مسجد اعظم تجمع کردند و سپس راهی منازل مراجع و آیات عظام شدند. جمعیت هر لحظه با شور و جوش بیشتری راهی بیوت آیات عظام میرزاهاشم آملی، علامه طباطبائی، وحید خراسانی، مکارم شیرازی، نوری همدانی و آیت الله مشکینی شدند و به سخنان آنان مبنی بر حمایت از امام خمینی (ره) گوش جان می سپردند.

تجمع و سخنرانی در دفتر آیات عظام تا بعد از ظهر ادامه داشت، اما درگیری بین مردم و عمال رژیم شاه از حدود عصر ۱۹ دی ماه و در زمانی که مأموران در یکی از میادین شهر قم راه را بر مردم سد کردند، شروع و این درگیری وزد و خورد منجر به شهادت تعدادی از اهل قم شد. به دنبال شهادت جمعی از مردم قم و هم‌زمان با چهلم این شهید مردم تبریز نیز دست به تظاهرات زدند و در ادامه اربعین شهدای تبریز، مردم یزد به پا خاستند و بعد از این، اعتراض‌ها به چهره، تهران، مشهد و سراسر کشور کشیده شد.

روی بصیرت تکیه کردیم و بعضی‌ها خوششان نیامد، به خاطر این است؛ اگر بصیرت نبود، همان ایمان ممکن است انسان را به بیراهه بکشاند. کسی که علم ندارد، بصیرت درست ندارد به آنچه پیرامون او دارد می‌گذرد، گاهی اوقات می‌شود که راه را عوضی طی می‌کند؛ همه نیروی او نه فقط هدر می‌رود، بلکه به کج‌راهه او را می‌رساند و می‌کشاند؛ پس بصیرت لازم است. عمل صالح بر اساس ایمان، ایمان راسخ و ایمان درست، ایمان همراه با بصیرت، و تداوم و استقامت، اگر چنانچه بود، پیروزی قطعی است. این‌هایی که پیروز نمی‌شوند، یکی از این‌ها را ندارند؛ یا ایمان نیست، یا ایمان درست نیست، یا استقامت نیست، یا بصیرت نیست؛ در نیمه‌راه بار را بر زمین گذاشتن است؛ طبعاً به نتیجه نمی‌رسند. ملت ایران این شرایط را فراهم کرد؛ ایمان او درست بود، چون راهنمای او راهنمای صادقی بود، راهنمای ماهر و خبیری بود؛ یک فقیه آگاه به مسائل جهان، و بریده از مطامع و منافع مادی شخصی، و آگاه به کتاب و سنت؛ راه را به مردم نشان می‌داد، مردم هم با بصیرت حرکت کردند؛ فهمیدند که چه کار باید بکنند؛ آن کار را انجام دادند، وَ كَانَتْ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرَ الْمُؤْمِنِينَ؛ حالا هم همین جور است.

۹۱/۰۱/۲۹۳۱
بیانات در دیدار مردم قم



چشم‌های کم‌سو نمی‌توانند درک بکنند اما وجود دارد. خوب، وقتی که ما زمینه این قوانین را به دست خودمان فراهم کردیم، خدای متعال قانون را محکم می‌کند. آتش سوزندگی دارد، باید شما زمینه را فراهم بکنید، آتش را روشن کنید، جسم غیر مرطوب را روی آتش بگیرد، آتش خواهد گرفت؛ زمینه را فراهم بکنید، قانون طبیعی کار خودش را خواهد کرد. باید زمینه را فراهم کرد؛ ملت ایران این زمینه را فراهم کرد. این حرف‌ها را بزرگان ما گفته‌اند، هم قرآن مکرر فرموده است، هم در کلمات ائمه (علیهم‌السلام)، در کلمات رسول خدا، این‌ها وجود دارد. فَلَمَّا رَأَى اللَّهُ صِدْقَنَا أَنْزَلَ بَعْدُونَا الْكِتَابَ وَأَنْزَلَ عَلَيْنَا النَّصْرَ. امیرالمؤمنین در نهج‌البلاغه می‌فرماید: صادقانه وارد میدان بشوید، ایستادگی بکنید، خدای متعال دشمن شما را سرکوب خواهد کرد و به شما نصرت خواهد داد. این قاعده کلی و قانون است. این قاعده در انقلاب تحقق پیدا کرد؛ مردم صادقانه وارد میدان شدند و ایستادگی کردند.

۱۹/۱۰/۱۳۹۴
بیانات در دیدار مردم قم

می‌کردند کاری که دارند می‌کنند این قدر برکت داشته باشد؟ فکر نمی‌کردند؛ اما، وَ كَانَتْ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرَ الْمُؤْمِنِينَ. (۱) عامل پیروزی این است که یک جماعتی - در یک مقیاس بزرگ، یک ملتی - ایمان درستی داشته باشد، و این ایمان راسخ باشد، و این ایمان با بصیرت همراه باشد، و این ایمان و بصیرت با عمل و اقدام همراه باشد؛ این‌ها وقتی روی هم گذاشته شد، نصرت قطعی است. آنجایی که شما می‌بینید مؤمنینی هستند و نصرت پیدا نمی‌کنند، به خاطر این است که یا ایمان ضعیف است، یا ایمان غلط است - ایمان به چیزی است که نباید به آن مؤمن بود - یا ایمان همراه با بصیرت نسبت به مسائل جهان و مسائل حول و حوش خودشان نیست، نداشتن بصیرت مثل نداشتن چشم است؛ راه را انسان نمی‌بیند. بله، عزم هم دارید، اراده هم دارید، اما نمی‌دانید کجا باید بروید. ما که این همه در باب قضیه حوادث نه دی

نمی‌آمد. در یک چنین کشوری، یک انقلاب این جور رخ بدهد و این انقلاب هم ناکام نشود - حالا عرض خواهیم کرد در مقایسه با بعضی حوادث دیگر این کشور - انقلاب نظام درست کند، نظام‌سازی کند، جمهوری اسلامی به وجود بیاورد و این جمهوری اسلامی همین‌طور بماند و روز به روز قوی‌تر، ریشه‌دارتر و سست‌تر نباشد. هیچ قاعده مادی و محاسبه مادی‌ای چنین چیزی را قبول نمی‌کرد؛ ممکن نمی‌دانست اما شد. اینکه شد، نشان دهنده این است که بر این عالم کون، بر این عالم وجود، قوانینی حاکم است که اهل ماده آن قوانین را نمی‌شناسند؛ آن قوانین را نمی‌بینند؛ سُنَّةُ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ. در جای دیگر: سُنَّةُ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِ. سنت خدا یعنی قوانین الهی؛ قوانینی وجود دارد در عالم وجود، در سرتاسر این کون عظیم. این قوانین مثل قوانین طبیعی، مثل قانون جاذبه، مثل قانون ستارگان و خورشید و ماه و آمد و رفت ماه و خورشید در شبانه‌روز، این‌ها قانون است؛ قانون طبیعی است. همین جور قوانینی در جوامع انسانی وجود دارد، این قوانین را اهل ماده با



واکوی اسناد قیام ۱۹ دی، در گفت و گو با حاج قاسم تبریزی

قیامی که جرقه انقلاب شد!

همه چیز در ظاهر با نوشتن یک مقاله شروع شد، اما مقاله احمد رشیدی مطلق بهانه بود، بهانه ای برای انفجار بغض ۵۰ ساله مردم از رژیم پهلوی. ماجرا را باید از سال ها قبل بررسی کرد، ریشه های این درخت تنومند، از مبارزه های امام خمینی با قوانین ضد ایرانی و ضد اسلامی حکومت آب خورده است و کم کمک رشد کرده جوانه زده و برگ و بری داده است به اسم قیام ۱۹ دی، حرکتی تاریخی از مردم قم، که به خاطر جریان سیالش در تاریخ معاصر ایران ماندگار شده است. بسیاری بر این باورند که ۱۹ دی ۵۶، نقطه عطفی در تاریخ انقلاب است. نقطه ای که به حرکت های بعدی جهت و هدف داده است! برای بررسی بیشتر ریشه های قیام ۱۹ دی و تبعاتی که به دنبال داشته است، سراغ حاج قاسم تبریزی رفتیم، مسئول کتاب خانه موزه عبرت. او خودش سابقه مبارزاتی دارد و هنگام واقعه ۱۹ دی، ساکن تهران بوده است و اکنون پس از سال ها سرو کار داشتن با اسناد انقلاب و ساواک می تواند راوی معتبری از آن روزها باشد.



آیت الله خمینی دیگر به سن کهولت رسیده و دفتر او را فرزندش سید مصطفی می گرداند، اگر مصطفی از بین برود، آیت الله خمینی هم از بین رفته است. این سند هم در کتاب امام در آینه اسناد ساواک چاپ شده و هم در کتاب اسناد مربوط به حاج سید مصطفی خمینی و به نظر می رسد زمینه سازی برای شهادت حاج آقا مصطفی باشد. اول آبان ۵۶، خبر شهادت حاج آقا مصطفی منتشر شد و در سراسر ایران از جمله، قم، اصفهان، تبریز، تهران و... مجالس ترحیم متعددی برگزار کردند. قم نیز در مساجد متعدد و روزهای مختلف، برای حاج آقا مصطفی ختم برگزار کرد. این اتفاقات در مجموع باعث شد تا ساواک محبوبیت میلیونی امام را با چشم و به صورت علنی ببیند.



جرقه قیام مردم قم در ۱۹ دی ماه ۵۶، از دو روز قبل یعنی هفدهم دی ماه آغاز شد، وقتی که مقاله احمد رشیدی مطلق در روزنامه اطلاعات چاپ شد و در آن هم به امام خمینی و هم به مقدسات اسلام از جمله حجاب توهین شده بود. وقتی اسناد را نگاه می کنیم، هفده دی ماه، سه روز اعلام کشف حجاب توسط رضا خان نیز هست. آیا در اسناد ساواک، در این باره چیزی ذکر شده که علت چاپ چنین مقاله ای چه بوده و اصلا آیا به عمد در سالروز اعلام کشف حجاب، مقاله ای با عنوان استعمار سرخ و سیاه در وهن و تمسخر حجاب نوشته شده است؟

اگر بخواهیم علت نگارش چنین مقاله ای را دریابیم، باید به تاریخ انقلاب و مبارزات امام خمینی (ره)، مراجعه کنیم. امام به عنوان کسی که هم علیه استبداد شاه مبارزه می کرد و هم گرایش اسلامی را در مردم بیدار می کرد، تحت کنترل حکومت بود. تا جایی که ساواک حدود ۸۵ جلد پرونده برای او تنظیم کرده است و همه این پرونده ها، در کتاب ۲۲ جلدی، به نام امام در آینه اسناد ساواک به چاپ رسیده است. از همان سال ۴۱ که جان اف. کندی، طرح تغییر ساختار ایران را اعلام کرد و مسئله کاپیتولاسیون مطرح شد، امام مبارزه را به صورت علنی آغاز کرد و در سخنرانی هایش مجلس و دولت را غیرقانونی خواند و این اقدامات زندانی شدن و سپس تبعید امام را در پی داشت و نشان می دهد که حکومت از همان ابتدا به اظهارات و اقدامات امام خمینی حساس است.

چرا چنین مقاله ای در همان سال ها نوشته نشد؟

قبل از سال ۵۶ هم رسانه های دولتی از راه های مختلف امام را تخریب می کردند، اما شکلش متفاوت بود، به این تندی و صراحت شمشیر از رو نیستند بودند. مثلاً در همان سال که امام زندانی شد، روزنامه ها نوشتند، روحانیت با دولت سازش کرده است! این مطلب دروغ به شدت توسط امام تکذیب شد. و با مثلاً در مجله «نگین کمان»، به امام توهین می شد. اما اگر دقیق تر بررسی کنیم، واکنش های مردمی به شهادت آقا مصطفی بود که کینه امام را در دل رژیم پررنگ تر کرد و با این مقاله می خواستند به نوعی از امام و فرزند شهیدش انتقام بگیرند. سال ۵۵ گزارشی در اسناد ساواک منتشر شد که گفته بود

تا قبل از این فکر نمی کرد روحانیت و به ویژه امام خمینی، چنین پایگاه گسترده ای داشته باشد، شاه در سال ۵۵، با یکی از خبرگزاری های خارجی مصاحبه کرد و وقتی مجری از او درباره وضعیت روحانیت در ایران پرسید، شاه گفته بود، دو نفر از آن ها خطرناک بودند، یکی شان را زندانی کرده ایم و دیگری را تبعید! و خطری ما را تهدید نمی کند!

یعنی شاه و عوامل رژیم، فکر می کردند، با تبعید امام خطر سقوط حکومت به طور کامل رفع می شود؟

دقیقاً! اما مجالس متعددی که برای شهادت آقا مصطفی برگزار شدند، این معادله را برهم زد. سراسر ایران مجلس ختم گرفتند، فقط بعضی از شهرستان ها مثل دماوند، ساواک خیلی فعال بود و مردم



هيات

می توان به دو عامل مهم اشاره کرد، یکی این که تا قبل از دهه ۵۰، مخصوصاً سال های ۵۵ و ۵۶، هنوز افشار مختلف مردم به بینش و رشد سیاسی نرسیده بودند و جریان اصلی مبارزه در دست خواص بود. از جمله عده ای از روشنفکران، روحانیون و آیات عظام و عده ای از فعالان سیاسی و حزبی. بعد از ماجرای قیام ۱۵ خرداد و آن کشتار گسترده، رژیم سخت گیری ها را بیشتر کرد. ساواک پیچیده عمل می کرد و فضای استبدادی حاکم شد، جریانی مخفی و زیرزمینی ایجاد شد که شناسایی اش برای ساواک دشوار بود، از طرفی دیگر شرایط سیاسی اجتماعی به سمتی رفت که مردم به وضع اقتصادی و اجتماعی و... معترض بودند، دولت وقت بحث فضای باز سیاسی را پیش کشید تا ایران منفجر نشود. احزاب و گروه های سیاسی مختلف فعالیت خودشان را آغاز کردند، البته این طرحی پوشالی بود برای این که جلوی اعتراضات گسترده مردم نسبت به استبداد گرفته شود. اما همین فضای باز سیاسی، باعث شد مردم راحت تر گرایش خود را به امام و اسلام نشان دهند و تازه رژیم متوجه شود، برخلاف تصور او، تبعید امام پایان کار نبوده است. همین فضای باز سیاسی جرقه قیام را شعله ورتر کرد و طومار حکومت پهلوی پیچیده شد. البته که وقتی رژیم پاسخ اعتراض و راهپیمایی مردم در مورد آن مقاله توهین آمیز را با آتش و گلوله داد، مردم به یقین رسیدند که فضای باز سیاسی، وعده ای دروغین و پوشالی بوده و مصمم تر از گذشته حرکت کردند و جریان این قیام ها ادامه داشت و منقطع نشد. وقتی به تاریخ استاد مراجعه می کنیم حتی تا یکم اسفندماه، همچنان مردم و طلاب قم به اعتراضات علیه مقاله توهین آمیز و همچنین کشتار ۱۹ دی ادامه داده اند. آخرین سندی که مربوط به واقعه ۱۹ دی است، در تاریخ ۱۹ اردیبهشت ۵۷، منتشر شده است، که "جمع کثیری از طلاب، که حدود ۱۲ هزار نفر می شوند، روبه روی مسجد اعظم قم تجمع کردند و پارچه سفیدی نصب کردند، با این مضمون که ما ملت ایران به رهبری الهی به ویژه حضرت آیت الله خمینی، کشتار مردم در شهرهای قم، تبریز، اهواز، جهرم و دیگر شهرها را محکوم می کنیم و خواهان تغییر رژیم هستیم." این پیام یعنی دیگر نمی توان رو به روی سیل خروشان حرکت مردم ایستاد و می بینیم حکومت هم علی رغم همه دست و پا زدند هایش نمی تواند بایستد!

ها به طرف مردم نشانه گیری شد. در واقع حرکت اصلی قیام از سوی طلاب و مراجع بود.

آمار از کشته شدگان به طور دقیق در اسناد ساواک منتشر شده است؟

دو سند در ساواک منتشر شده است. در یکی از اسناد که تاریخش مربوط به روز حادثه است، تعداد کشته شدگان ۵ نفر و ۹ نفر نیز مجروح اعلام شده است، در روز بیستم دی ماه نیز، سندی منتشر شده که تعداد مجروحین را ۱۴ نفر عنوان کرده است. البته این آمار اصلاً دقیق نیست. تعداد مجروحین و کشته ها بیشتر بوده است و مردم از ترس ساواک کشته ها و زخمی ها را به بیمارستان انتقال نمی دادند.

در مورد برخی روحانیون از جمله آیت الله حسین نوری، احکام سنگین تری وضع شد، چون نقش تعیین کننده در گسترش قیام داشتند و از جانب ساواک مسببین اصلی محسوب می شدند، در مورد آن ها چه اسنادی وجود دارد؟

روز بیستم کمیته حفاظت و امنیت قم، تشکیل جلسه می دهد و هفت روحانی و سه تن از بازاربان را به تبعید محکوم می کند. سند این کمیته در روز بیست و یکم منتشر شده است. طبق حکم ساواک، آیات عظام محمد یزدی، ناصر مکارم شیرازی، شیخ حسین نوری، خزعلی، محمدعلی گرامی و آقای حسن صانعی، به تبعید محکوم می شوند، محل تبعید هم مشخص کرده بودند، مثلاً آیت الله حسین نوری، به سه سال تبعید در خلخال محکوم شد و درباره وی نوشته اند، از روحانیان طرفدار خمینی و از مسببین اصلی حادثه ۱۹ دی. در میان اسامی تبعیدیان، نام سه تن از کسبه هم ثبت شده که از بازاربان فعال در جریان ۱۹ دی بودند.

یکی از ویژگی های قیام ۱۹ دی، این است که منقطع نشد و تأثیرات آن ادامه دار بود و چهلم های متعددی برای شهدای قم برگزار شد، مثل یک دومینو، قیام های بعدی پشت سر هم شکل گرفت، که اولین آن قیام مردم تبریز، در ۲۹ بهمن بود و همین طور به تدریج همه ایران به جریان سیل خروشان جمعیت پیوستند، در حالی که قبلاً هم ماجرای ۱۵ خرداد ۴۲، و یا ماجرای مدرسه فیضیه بوده است، چرا حرکت های قبلی اینقدر دامنه دار نشد؟

نمی توانستند به طور علنی مجلس ختم بگیرند، به طور ناشناس و مخفیانه اعلام کردند می کردند مجلس ختم است. رژیم شاه می ترسید که این مجلس منجر به شورش شود، از این رو برای این که به محبوبیت امام ضربه بزند مقاله ای با دستور شاه منتشر شد، با نام مستعار احمد رشیدی مطلق. متن مقاله را به چند نفر نسبت داده اند. عده ای گفته اند، پرویز نیکوخواه، از عوامل وزارت جهانگردی آن را نوشته است، برخی به دار یوش همایون، وزیر جهانگردی رژیم پهلوی نسبت داده اند. با این حال درباره این که انتشار این مقاله، به طور عمدی مربوط به سالروز کشف حجاب توسط رضاخان باشد، در اسناد ساواک به آن اشاره ای نشده، ممکن است مربوط باشد، چون مقاله به وهن و تمسخر حجاب هم می پردازد. به هر حال انتشار مقاله واکنش های گسترده ای را به همراه دارد.

یکی از ویژگی های قیام ۱۹ دی، همراهی روحانیون و همه اقلیت ها با یکدیگر است، در این باره توضیحات بیشتری بدهید، این که روحانیت چه نقشی در پررنگ کردن اعتراضات داشته اند؟

در تاریخ هجدهم دی هم سندی منتشر شده است که به علت درج مطلبی در روزنامه اطلاعات حدود ۲۵۰ نفر از طلاب حوزه علمیه، در مدرسه خان تجمع کرده و از آن جا به سمت میدان آستانه (ضلع شمالی حرم حضرت معصومه (س))، حرکت کردند. تظاهر کنندگان شعار درود بر خمینی، مرگ بر حکومت استبدادی سر می دادند و توسط مأمورین متفرق شدند. روز هجدهم و نوزدهم هم طلاب و بازاربان و عموم مردم به سمت خانه های مراجع و آیات عظام حرکت می کردند و آیت الله گلپایگانی، نوری همدانی، هاشم آملی لاریجانی، مکارم شیرازی و... برضد رژیم و در حمایت از امام خمینی سخنرانی کردند. ساواک قم طی گزارشی درباره واقعه ۱۹ دی چنین می نویسد: «ساعت ۱۰:۳۰ صبح، بیش از ۵ هزار نفر از طلبه های علوم دینی در مسجد اعظم اجتماع کردند و از آن جا به منزل چند تن از روحانیون رفتند و از آنان خواستند که از امام خمینی دفاع کنند... مردم قصد راهپیمایی به سوی خیابان بیگدلی و منزل آیت الله نوری را داشتند.» راهپیمایی را آغاز کردند و می خواستند از طریق خیابان ساحلی به منازل آیات سلطانی طباطبایی و مشکینی بروند که اولین نشانه های درگیری به وسیله مأموران رژیم رخ داد و اسلحه

گسترش بحران



هیأت

روحانیون مبارز در جنگ غالب آمده و یک ترک مخاصمه‌ای نسبی و نانوشته به اجرا درآمده بود. با قیام ۱۹ دی، جنگ بین شاه و روحانیت و یا به عبارت پیر بلانشه «آتش جنگ بین رژیم و شیعه» شعله‌ور شد و این بار جنگ با پیروزی روحانیون خاتمه یافت. شاید اظهارات آیت‌الله شریعتمداری به نمایندگی از ساواک بیشتر روشن‌گر این باشد. وی در اعتراض به اقدام نسنجیده رژیم گفت: «دولت در مبارزه با خمینی و اثرات وجودی او مرتکب اشتباهاتی شده است. درج مقاله در روزنامه‌ی اطلاعات کار ناجایی بود. انتشار این مقاله سه اثر منفی مشخص داشت؛ اول این که تحریک ساکن شد؛ یعنی یک مسأله‌ی ساکت شده و تا حدودی آرام شده را بیپه‌وده زنده کرد و پیوستگی آن‌ها را تشدید و تحکیم نمود... اثر منفی سوم این اقدام آن بود که مراجع بزرگ مذهبی شیعه را در محظور و تنگنا قرار داد و آن‌ها را مجبور به عکس‌العمل کرد. شاید به همین جهت بود که امام خمینی واقعه‌ی نوزده دی را علامت بیداری، هوشیاری و مقاومت ملت نامیدند و نوید دادند که «یک همچو ملتی پیروز» است و «به زودی این ریشه قطع» خواهد شد.

ج) مهم‌ترین پیامدهای واقعه‌ی ۱۹ دی سلسله‌حوادثی بود که چون موجی به دنبال یکدیگر آمد و منجر به سربرداشتن تمامی یک ملت شد. بعد از این واقعه، کارکنان پست ایران اعتصاب کردند، دانش‌آموزان چندین دبیرستان آمل دست به تظاهرات زدند و طبق گزارش‌های ساواک از یک روز بعد از فاجعه‌ی ۱۹ دی قم تا ۵۶/۱۱/۲۹ یعنی قبل از چهلّم شهدای واقعه در شهرهای مختلف اعتراضاتی به صورت‌های مختلف شکل گرفت.

* برگرفته از کتاب «یک سال مبارزه برای سرنگونی رژیم شاه»؛ مرکز اسناد انقلاب اسلامی

این اقدامات نه حرکتی ایجاد می‌کرد و نه چندان خشم رژیم را برمی‌افروخت و چه بسا برای رُست رژیم در اثبات فضای باز سیاسی ضروری بود. اما قیام ۱۹ دی و حمایت‌ها، عزاداری‌ها، واکنش‌ها، خشم عمومی و تداوم آن، نشان داد که قدرت مذهب فراتر از روشنفکری‌هاست.

به گفته‌ی خانم کدی «حوادث قم در ژانویه‌ی ۱۹۷۸ (دی ۱۳۵۶) را می‌توان نقطه‌ی عطفی دانست که در آن بخش اعظم ابتکار عمل در نهضت ایران از دست نیروهای غیر مذهبی با نامه‌های سرگشاده، اعتراضیه‌ها، سازمان‌ها و شب‌های شعر سیاسی آن‌ها خارج و به دست مخالفین مذهبی افتاد» حتی این خادنه مرزهای ایران را درنوردید و دانشجویان مسلمان در آمریکا را نیز به واکنش واداشت. گزارش ساواک از مراسم ترحیم در تگزاس نشانه‌ی این واقعیت است.

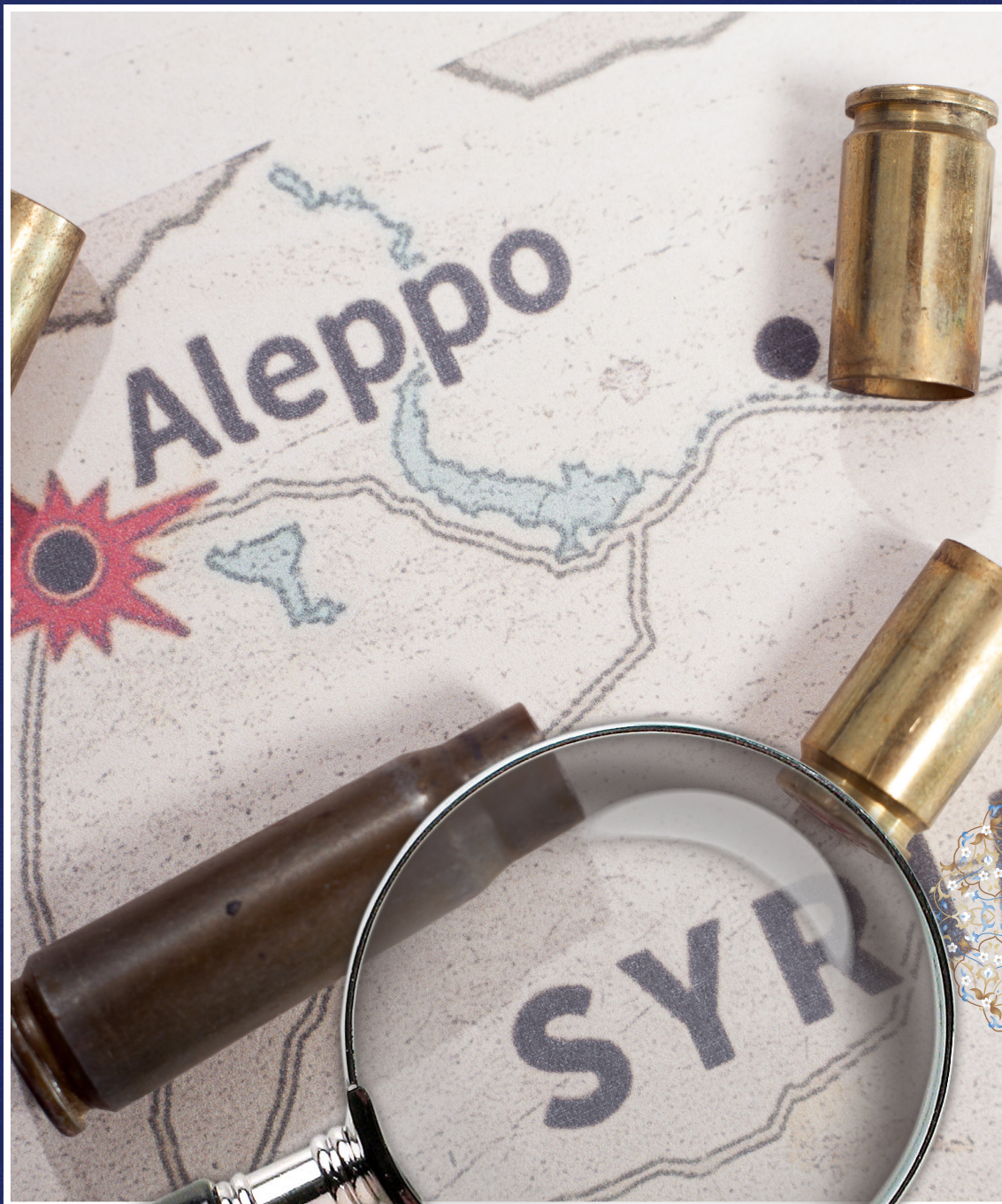
بدیهی بود که وقتی این قیام در قم، شهر مقدس شیعیان به وقوع می‌پیوست و روحانیون شیعه آن را رهبری می‌کردند و شهدا و مجروحین آن از طلاب علوم دینی بودند، مراسم بزرگداشت آنان در مساجد - نه در انجمن گوت و توسط روحانیون و نه روشنفکران - با حضور توده‌های عظیم مذهبی برگزار می‌شد. بر همین اساس به قول پارسونز، سفیر انگلیس «جناح مذهبی عملار هبری جریانات مخالف را به دست گرفت و در موعظه‌های خود در مساجد و مراسم مذهبی به‌طور علنی به دولت حمله بردند، آتش احساسات و هیجانات عمومی را دامن زدند»

ب) این قیام، جنگ خاموش بین شاه و روحانیت را برافروخت و «بین دولت و مقامات روحانی کشور، بحران شدیدی به وجود آورد» رژیم شاه با سرکوب قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، سرکوب قیام ۱۷ خرداد ۱۳۵۴، دست‌گیری، به شهادت رساندن و تبعید

احجت‌الاسلام روح‌الله حسینیان امرگ مشکوک آیت‌الله سیدمصطفی خمینی فرزند امام خمینی، فرصتی برای نیروهای مذهبی به وجود آورد که توانستند احترامات قلبی خود را نسبت به رهبر تبعیدی بروز دهند. رژیم شاه که از احساسات مردم مذهبی سخت عصبانی شده بود، دست به عمل نابخردانه‌ای زد و هفدهم دی‌ماه، مقاله‌ی توهین‌آمیزی را علیه امام در اطلاعات منتشر کرد. دو روز پی‌درپی قم، مرکز دانشگاهی علوم اسلامی در اعتراض به توهین رژیم شاه قیام کرد. روز دوم (۱۹ دی) این قیام سرکوب شد و عده‌ای به شهادت رسیدند. این واقعه‌ی خونین، بی‌آمدهای بسیار مهمی را برای رژیم و نهضت اسلامی ایران که از سال ۱۳۴۱ آغاز شده بود به دنبال داشت:

الف) یکی از پیامدهای آشکار این قیام، آشکار شدن نیروهای مذهبی در حرکت مردم ایران بود. طبق گزارش سفارت آمریکا در ایران، «در دو هفته‌ی گذشته به خصوص به دنبال وقایع ۱۹ دی قم، نقطه‌نظرهای جناح مخالف مذهبی روشن‌تر شده است... واقعه‌ی قم باعث شده است که شخصیت‌های مذهبی به شرایط سازمانی خود بیشتر دقیق شوند. ساخت پراکنده و همه‌گیر مذهبی ایران را شاید بتوان تنها منطقه‌ی مناسب برای فعالیت یک گروه مخالف در یک شبکه‌ی سراسری مملکت دانست... اگر وقایعی در رابطه با جامعه‌ی مذهبی چون آتش کشیدن بر روی راه پیمایان اتفاق بیفتد، علایق مذهبی، نیروی انسانی عظیمی را برای تظاهرات فراهم خواهد نمود».

این گزارش نشان می‌دهد که کارشناسان آمریکایی با همه‌ی بی‌اطلاعی‌شان، به قدرت مذهب و تأثیر فاجعه‌ی قم پی برده بودند؛ چه قبل از آن سازمان‌های وابسته به روشنفکران، محافلی را راه‌اندازی کرده بودند و گاهی به نوشتن نامه‌ی سرگشاده می‌پرداختند، اما



هیات

نگاهی به اوضاع منطقه
در ماه گذشته

ایران ۳ آمریکا



داعش از سال ۲۰۱۴ در کشور سوریه شروع به قدرت گرفتن کرد و آمریکا به بهانه مقابله با این گروه تروریستی از یک طرف و همچنین سرنگونی دولت بشار اسد از سوی دیگر تلاش کردند تا در این کشور حضور پیدا کنند. آن‌ها با تشکیل ائتلافی موسوم به مبارزه با تروریسم در سوریه عملیات نظامی انجام دادند اما گزارش‌های میدانی نشان می‌داد که هدف آن‌ها مبارزه با تروریسم نیست، بلکه آمریکا می‌خواهد نقشه‌های خودش را عملی کند. اما با درک خطر تروریسم در منطقه و با مجوز دولت سوریه دو کشور ایران و روسیه در خاک این کشور حضور پیدا کردند و در وهله اول جلوی گسترش داعش را گرفتند و از طرفی توطئه‌های آمریکایی را خنثی کردند. یکی از دستاوردهای ایران در سوریه حفظ دولت بشار اسد است، اما چرخش ترکیه به سمت ائتلاف ایران و حتی حفظ دولت حریری در لبنان و تقویت حزب... دیگر دستاوردهایی است که توانست محور مقاومت را در منطقه تقویت کند و آمریکا را ناکام بگذارد.

نقش ماندگار ایران و روسیه در سوریه

قومیت‌های مذهبی برقرار شود. سوم - سوریه از همان لحظات اولیه آغاز جنگ خاستگاه تشکیل دوباره موازنه قوای منطقه بود، حضور نداشتن مسکو هم می‌توانست ارزش این کشور را در معادلات بین‌المللی را از بین ببرد. بنابراین روسیه به دنبال حفظ جایگاه خود در معادلات بود. چهارم - روسیه در درگیری‌های منطقه‌ای جدید ورود نکرد، بلکه از ابتدا به دنبال آرامش و حل و فصل سیاسی مسائل در سوریه بود. این موضوع در رأس موضع روسیه در برابر تجاوزات اسرائیل به سوریه و نزاع ترکیه با کردها قرار داشته است. المیادین آورده است: باورهایی که روسیه بر اساس آن با تروریسم مبارزه می‌کند کاملاً با باورهای آمریکا فرق دارد این موضوع به وضوح در جنگ سوریه مورد تأیید است. آمریکا با هدف مدیریت شورش و موضع‌گیری گروه‌های شبه نظامی و رها کردن آن‌ها برای آزادی عمل علیه ارتش سوریه و متحدانش تا حد زیادی نسبت به گروه‌های تروریستی اغماض نشان داد این هدف نخستین آمریکا بود چون توقف نفوذ ایران در منطقه را اولویت خود برمی‌شمرد اما از دیدگاه مسکو جنگ سوریه خطری برای امنیت ملی روسیه محسوب می‌شود».

کیست روسیه یا آمریکا؟ حالا رسانه‌های روسیه از پایان مأموریت ضد داعش روسیه در سوریه و عقب نشینی نیروهای روسیه از سوریه خبر دادند. با گذشت زمان معلوم شد که پاسخ به سؤال در باره پیروز میدان سوریه نیازمند نظارت بر مواضع و نقش‌های چهار طرف منطقه‌ای شامل ترکیه، ایران، عربستان و اسرائیل است. هنگامی که از قدرت‌های بزرگی همچون آمریکا و روسیه حرف می‌زنیم پیش‌بینی عقب نشینی از منطقه برای هر کدام از آن‌ها دشوار است اما هم‌اینک سخن درباره نحوه عملکرد این قدرت‌ها به نفع خود با خط مشی‌هایی متفاوت مطابق با تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی است. در مورد آمریکا ناظران بر سر این قضیه اجماع نظر دارند که سیاست آمریکا در سوریه بیش از یک سال است که افول کرده و در عوض روسیه با همکاری ایران و ترکیه توانست واقعیت جدید و متفاوت با خواسته کشورهای غربی تحمیل کند. روسیه در نگاه کلی ۴ دیدگاه در مورد سوریه دارد که می‌توان آن‌ها را به این شکل عنوان کرد:

اول - روسیه مخالف تجزیه سوریه با کمک تحرک‌های شورشیان است. چرا که تجربه‌های پیشین در سوریه ثابت کرده بود که این تحریکات از همان ابتدا به ساکن یا بعداً در مرحله‌ای از مسیر حرکت خود بر اساس منافع اجنبی انجام شده است. دوم - پایان دادن به آتش درگیری‌های قومی - مذهبی در این کشور است. روسیه خواهان این است که در سوریه آرامش میان

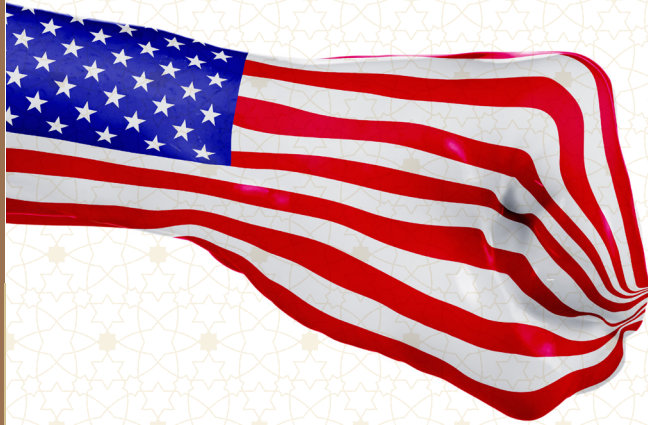
کشور روسیه از پایان ماه سپتامبر سال ۲۰۱۵ در سوریه حضور نظامی پیدا کرد. در این مسیر روسیه هم اغلب با حمله هوایی به مواضع دشمنان دولت سوریه از جمله گروه تروریستی داعش از دولت سوریه حمایت کرد. به تازگی اما مقامات روسیه‌ای اعلام کرده‌اند که قصد دارند سرپازان روسی را از سوریه خارج کنند و مداخله نظامی خود را در این کشور به اتمام برسانند، چرا که دولت بشار اسد دیگر قادر است با دشمنان خود در این کشور مقابله کند.

اما پایان حضور نظامی روسیه در خاک سوریه سوالی را در اذهان ایجاد کرده است مبنی بر اینکه آیا ارتباط میان دو دولت بعد از این کاهش شدیدی خواهد داشت و آیا روسیه بعد از این نقش محسوسی در سوریه نخواهد داشت. پگاه خبری المیادین در یادداشتی به قلم «علی شهاب» از نویسندگان فیلم‌های مستند به این سؤال پاسخ داده است و به تحلیل اوضاع سوریه بعد از حضور نظامی روسیه پرداخته است و نوشته همکاری دو کشور ایران و روسیه در سوریه به این زودی‌ها به اتمام نمی‌رسد. گزیده‌ای از این یادداشت را در اینجا می‌خوانید:

«آمریکا و متحدان این کشور در سوریه شکست خورده‌اند، اما به این موضوع اذهان نمی‌کنند. ناکامی آن‌ها در رسیدن به هر هدفی که با آغاز جنگ در سوریه تعیین کرده بودند به معنای شکست سیاسی پروژه آنهاست.

هنگامی که روسیه تصمیم به ورود به جنگ در سوریه گرفت تحلیلگران بلافاصله به دنبال جواب این سؤال بودند که پیروز





ایران و ترکیه برنده توطئه چینی آمریکا

دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا بعد از آنکه متوجه شد کشورش در جنگ افروزی های منطقه ای شکست خورده است و کار داعش در غرب آسیا به اتمام رسیده است، تلاش کرد با مطرح کردن «قدس» به عنوان پایتخت سرزمین های اشغالی و منتقل کردن سفارت آمریکا از تل آو یو به قدس توجه ها را در جهان متوجه مساله جدیدی کند و با عملیاتی کردن این پروژه که سال هاست هیچ کدام از روسای جمهور قبلی آمریکا نتوانستند آن را به اجرا در آورند برای خودش وجهه ای کسب کند.

عبدالباری عطوان، نویسنده و تحلیل گر جهان عرب اما با مطرح کردن اینکه ایران و ترکیه دو کشور غیر عربی بودند که در این توطئه چینی آمریکا سر بلند شدند، به این مساله این گونه نگاه کرده است: ترامپ با طرح پایتختی قدس برای اسرائیل متحدان خود را از بین کشورهای عرب سنی حاشیه خلیج فارس و همچنین مصر که در

محور موسوم به «میانه روهای عرب» هستند از پای در آورد و فتیله انتفاضه ای را روشن کرد که چه بسا تا چند ماه یا حتی چند سال ادامه داشته و مقدمه ای برای جنگی منطقه ای باشد.

عطوان می نویسد: قمار ترامپ که با استقبال گسترده بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر اسرائیل و لابی یهودی در واشنگتن همراه شد مهم ترین متحدان عرب آمریکا را به انزوا کشاند، منظور ما عربستان و مصر است و جایگاه دو کشور دیگر غیر عربی یعنی ایران و ترکیه را ارتقا داد دو کشوری که در کشمکش بر سر رهبری جهان اسلام و مرجعیت های اسلامی در جبهه مقابل قرار دارند. وقتی سردار «قاسم سلیمانی»، فرمانده سپاه پاسداران جمهوری اسلامی ایران آشکارا با فرماندهان گردان های عزالدین قسام شاخه نظامی جنبش حماس و گروهان های قدس شاخه نظامی جنبش جهاد اسلامی تماس گرفته و بر آمادگی ایران برای حمایت جامع از

نیروهای مقاومت در مقابله با اسرائیل تاکید کرد و سایت های ایرانی تصاویری از ژنرال سلیمانی را بر فراز قبه الصخره در قدس اشغالی و مرز لبنان و فلسطین منتشر کردند این یعنی ایران قوی ترین متحد فلسطینیان و انتفاضه آن ها شده است.

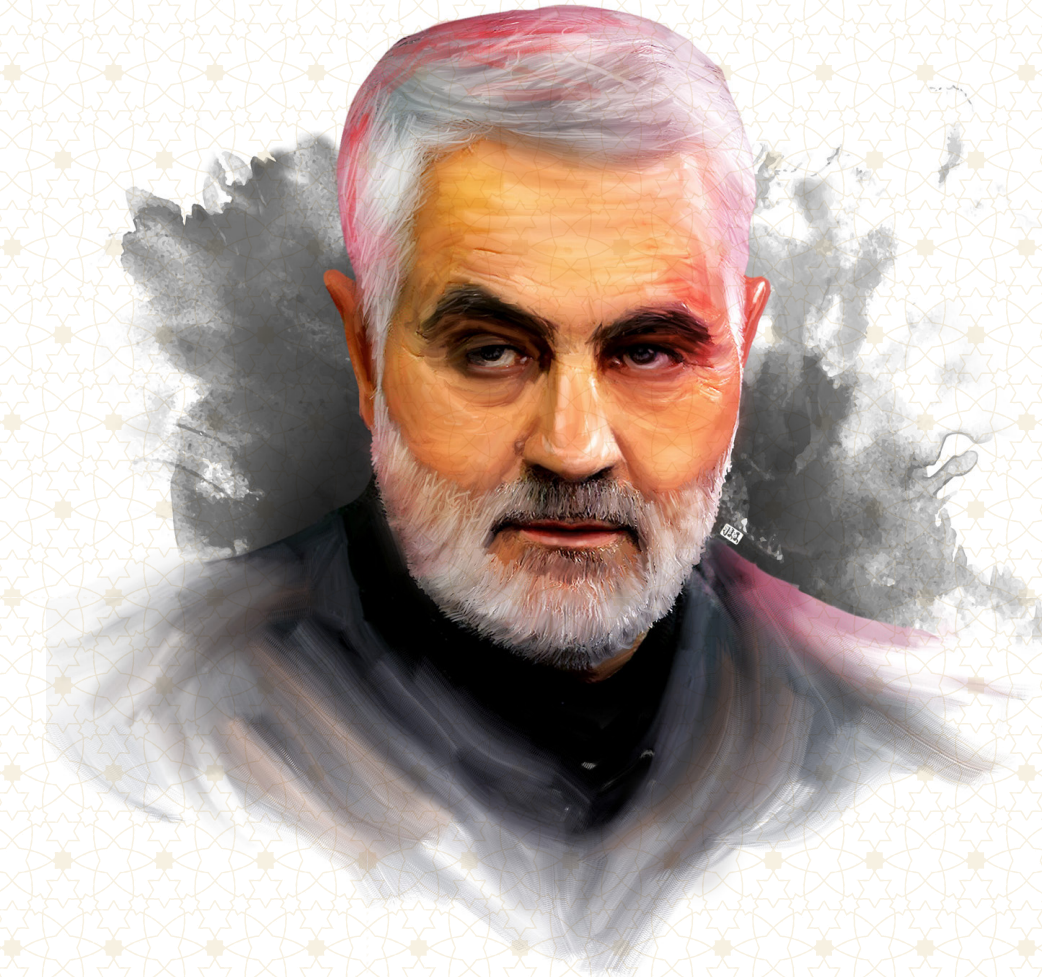
رأی الیوم آورده است: ژنرال سلیمانی در جنگی ورود نکرده مگر که پیروز از آن بیرون آمده: در کردستان عراق مداخله کرد و همه پرسی جدایی آن از عراق را ناکام گذاشت. در سوریه در کنار ارتش سوریه مبارزه کرده و در تسلط مجدد دولت بر بیش تر نقاط این کشور مشارکت داشت. الحشد الشعبی را در عراق تأسیس کرد و به آن ها قدرت داد تا موصل و بیش تر دیگر شهرهای عراق را آزاد کنند و هم اینک او به سمت فلسطین و قدس اشغالی نفوذ یافته آن هم در شرایطی که کشورهای عربی با پروار کردن ارتش هایشان بی جهت فخر فروشی می کنند.

تشکیل جبهه جدید اسلامی توسط ایران و ترکیه برای دفاع از قدس

نویسنده تاکید کرد: عربستان به تشکیل ائتلافی از کشورهای عربی اسلامی سنی، برای رویارویی با گسترش دایره نفوذ ایران و شیعیان دل بسته بود اما مسأله کنونی قدس و پیامدهای آن ضربه ای قوی به این زیاده خواهی ها زد تا به آن نشان بدهد که یک جبهه اسلامی مرکب از دو قدرت بزرگ منطقه ای اسلامی تأسیس شده که با یکدیگر در یک زمینه غیر فقه گرایی یا مذهبی برای مقابله با اسرائیل و همپیمان آن، ترامپ

متحد شدند و آن دو قدرت، ترکیه سنی و ایران شیعی است و کشورهای برادر مسیحی نیز از آن ها حمایت می کنند به گونه ای که ماهیت مناقشه را در منطقه به اصالت واقعی خود بازگردانند به گونه ای که مناقشه ای متمدانه در مقابله با رژیم نژاد پرست اسرائیل محسوب می شود و این تحولی بزرگ است که اسرائیل و متحدانش در ائتلاف میانه روهای سنی روی آن حساب نکرده بودند.





آمریکا به دنبال چاره‌ای برای مقابله با گسترش ایران



کشور ایران در سال‌های اخیر و بحران‌های ایجاد شده در منطقه توانست به خوبی از عهده مقابله بر آید. حتی ایران در عرصه همکاری با کشورهای منطقه‌ی نیز توانست دستاوردهای خوبی را بدست آورد که نمونه برجسته آن شکست توطئه داعش در عراق و سوریه است. اما با شکست کامل داعش در منطقه کشوری مثل آمریکا احساس نگرانی کرده است. به همین دلیل هم دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا در صدد است تا جلوی نفوذ ایران را بگیرد. حتی پیش‌بینی می‌شود که در گزارش ۹۰ روزه بعدی ترامپ در خصوص پایبندی ایران به برجام او به طور کامل از این توافق خارج شود.

طرح‌های ضدایرانی دولت آمریکا فقط به موضوع لطمه زدن به برجام ختم نمی‌شود. در این خصوص روزنامه آمریکایی «وال استریت ژورنال» در گزارشی نوشت که با عقب‌نشینی تکفیری‌های داعش، آمریکا بر مقابله با ایران متمرکز شده است. مقامات آمریکایی در تلاش شدید هستند تا دریابند که کجا و چگونه می‌توانند با نفوذ ایران در منطقه مقابله کنند. در حال حاضر هم واشنگتن، تل‌آویو و ریاض از گسترش نفوذ نظامی ایران در منطقه نگران هستند. آمریکا بر اساس خواسته ترامپ می‌خواهد جلوی حضور ایران در سوریه را بگیرد، چرا که حضور ایران در آن کشور مانعی بزرگ برای هم‌پیمانان آمریکایی است. آمریکا برای جلوگیری از حضور ایران گزینه‌های مختلفی را بررسی می‌کند. در راستای روزنامه آمریکایی می‌نویسد: ژنرال هربرت مک مستر، مشاور امنیت ملی دولت آمریکا اوایل سال آینده میلادی سخنرانی را در خصوص راهبرد

توسط سربازان آمریکایی وجود دارد، به طرح این مساله می‌پردازد که چنین اقدامی با پاسخ طرف ایرانی مواجه می‌شود و آمریکایی هم نمی‌توانند از چنین اقدامی احساس نگرانی نکنند. گزارش‌های اطلاعاتی آمریکانشان می‌دهد که ایران از حضورش در سوریه به دنبال ایجاد تاسیسات نظامی برای ساخت موشک در شمال غربی سوریه است. این مساله آمریکایی‌ها را خشمگین کرده است. آمریکا می‌خواهد جلوی جنگ احتمالی ایران و اسرائیل را در میدان سوریه بگیرد. آمریکا و همپیمانان این کشور تلاش می‌کنند تا از گسترش مناطق کاهش تنش در سوریه برای متوقف کردن گسترش ایران در امتداد مرز سرزمین اشغالی واردن شوند اما منتقدان می‌گویند که توافقات در واقع دستاوردهای ایران را افزایش می‌دهد و اهداف واشنگتن را تضعیف می‌کند.

جدید آمریکا بعد از پایان کار داعش در این کشور ایراد خواهد کرد. وال استریت ژرنال ادامه می‌دهد که آمریکا در آینده در سوریه باقی خواهد ماند و ۲ هزار نیروی نظامی این کشور ممکن است ایران را به عنوان هدف جدید مقابله خود قرار دهند و تمرکز خود را از مبارزه با داعش بردارند. مارک دوپووتیس، مدیر اجرایی اندیشکده دست‌راستی و ضدایرانی «بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها» که رابطه نزدیکی با دولت ترامپ دارد، می‌گوید: «حضور نظامی در سوریه می‌بایست به صورتی روزافزون مرکز ثقل راهبرد خنثی‌سازی ایران باشد. بدون قدرت نظامی آمریکا در سوریه، هیچ‌اهرم سیاسی‌ای وجود ندارد.» گزارش روزنامه آمریکایی وال استریت ژرنال با بیان اینکه دلایل مختلفی برای هدف قرار دادن نیروهای ایرانی در سوریه



تمایل ترکیه به ائتلاف ایران در منطقه

سیاست‌های پشت پرده عربستان و اسرائیل با محوریت آمریکا در هیچ کدام از کشورهای سوریه، عراق و لبنان و یمن با موفقیت همراه نبوده است. به همین دلیل هم آن‌ها تصمیم گرفتند تا به مقابله با ایران بپردازند، چرا که آن‌ها طرف پیروز در تمام این کشورها را ایران می‌دانند. البته ایران در کنار حزب‌الله در لبنان، انصارالله در یمن و نیروهای بسیج مردمی در عراق و پشتیبانی روسیه توانست پیروز در تحولات منطقه‌ای بشود.

به نظر می‌رسد که آمریکا به کمک هم‌پیمان‌های خود قصد دارد در آینده علیه ایران اقداماتی را انجام دهد.

نشریه آمریکایی هرالد تریبون در گزارش اخیر خود نوشته است که سردار سلیمانی، فرمانده سپاه قدس توانست در در جنگ البوکمال سوریه جنگی را هدایت کند که «مادر جنگ» ها در منطقه بود. این در حالی بود که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا که خودش در زمان انتخابات دولت پیشین را در خصوص خلق داعش مذمت می‌کرد.

امروز به عنوان حامی داعش ظاهر شده است و نیروهای آن‌ها را به سمت مناطقی می‌برد که ارتش دموکراتیک سوریه در آنجا حضور دارند. در این مناطق عمدتاً نیروهای کرد سوریه که تمایل‌های تجزیه طلبی دارند مستقر شده‌اند و امروز بعد از آمریکا بقایای داعش نیز به آن‌ها پیوسته‌اند.

در این میان رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه نیز رویکرد خود را درباره آمریکا تغییر داده است و از حمایت آمریکا درباره کردهای سوریه لب به انتقاد گشوده است. البته اردوغان در خصوص موضع ترامپ درباره انتقال پایتخت سرزمین‌های اشغالی نیز از ترامپ انتقاد کرد. جنگ سوریه یک جنگ نیابتی است که در آن سوریه ائتلاف‌های قدیمی را از بین برده است.



غیر از این از اردوغان بعید بود. انتخاب میان قطر و عربستان برای اردوغان زمانی جالب می‌شود که اردوغان سال‌ها قبل زمانی که به دنبال موفقیت حزبی بود از سعودی‌ها کمک مالی دریافت کرد. اما حالا تحولات منطقه‌ای در سوریه و قطر باعث شده است که وی از عربستان چشم‌پوشاند و به سمت دیگری نگاه کند.

به نظر می‌رسد بعد از شکست داعش در سوریه و پیروزی محور مقاومت در این کشور و البته چرخش ترکیه به سمت ائتلاف جدید با محوریت ایران و روسیه؛ دولت آمریکا به دنبال سرمایه‌گذاری جدیدی بر کردهای تجزیه طلب این کشور است تا بتواند با کمک آن‌ها مقابل ائتلاف جدید بایستد و همچنین هر زمان فرصت کرد از ظرفیت داعش هم در این کشور استفاده کند. با این حال چرخش ترکیه به سمت کشورهای محور مقاومت و تحکیم رابطه‌اش با قطر دستاورد جدیدی است که ایران می‌تواند از آن به نفع خود استفاده کند.

به همین دلیل با وجودی که هنوز تروریست‌های غربی در کشور سوریه حضور دارند و زندگی پنهان یا آشکاری دارند. دولت سوریه موفق شده است که ائتلاف‌های قدیمی که میان ترکیه و آمریکا را بود به نفع خود از بین ببرد. از طرفی هم ترکیه به سمت ائتلاف ایران، روسیه و سوریه کشیده شده است. هر چند هنوز نمی‌توان به ترکیه به عنوان یک هم‌پیمان تمام‌قد نگاه کرد.

نگاه خوش‌بینانه به تمایل ترکیه به سمت ایران این است که سوریه، عراق و ایران و ترکیه بر سر مساله کردهای تجزیه طلب در منطقه نگاه نزدیک به هم دارند. از این جهت می‌توان حضور ترکیه در کنار ایران و سایر هم‌پیمان‌های منطقه‌ای‌اش را مفید ارزیابی کرد.

در جنگ سوریه یک اتفاق مهم دیگر هم افتاد و ترکیه از ائتلاف با عربستان نیز خارج شد. البته خاستگاه این موضوع به جنگ ریاض با دوحه بر می‌گردد. چرا که ترکیه هم پیمان قطری‌هاست و ترکیه متحد استراتژیک قطر است و واکنشی



شکست محور عبری، عربی و غربی در پروژه حریری



اسرائیل-عربستان تمرکز خودشان را بر شکستن مثلث ائتلاف ایران-اسد-حزب الله گذاشتند. پلان A، ایجاد بحران در سوریه و سقوط حکومت اسد بود که موفق نشد؛ پلان B، تحریم اسد همگام با جریانات لیبی بود که آن هم به لطف و توی چین و روسیه در شورای امنیت، موفق نشد. پلان C، «جنگ فرسایشی» بود که اکنون پس از ۷ سال، به بن بست خورده است. در این پلان، سرمایه گذار و حامی اصلی تروریست‌ها و گروه‌های جهادی، آمریکا، اسرائیل، قطر، عربستان، ترکیه، انگلیس، و فرانسه بودند و کشورهای دیگر از حوزه بالکان گرفته تا آسیای مرکزی نیز از آن‌ها پشتیبانی به عمل می‌آوردند. اما محور مقاومت بود که پیروز شد و صد البته ورود روسیه به قضیه سوریه، کمک شایانی به آن کرد. علاوه بر پیروزی مقاومت، پیروزی روسیه در قبال آمریکا در خاور میانه هم بسیار معنادار بود و خشم امروز مثلث آمریکا-اسرائیل-عربستان از روسیه و محور مقاومت معنا می‌یابد.

خود قرار دهد. موضوعی که آن‌ها در استعفای حریری به دنبالش بودند. اما سید حسن نصرالله جلوی این موضوع را گرفت. اگر نگاهی منطقی به جریان تصمیم‌گیری‌های ولیعهد عربستان در این دو سال اخیر داشته باشیم، پی به ارتباط استعفای حریری با اتفاقات اخیر عربستان خواهیم برد. هر دو، نشانگر شکست سیاست‌های بن سلمان است. به راستی کدامین عقل سلیم می‌تواند علت بازداشت چند ده شاهزاده سعودی و مصادره اموال آن‌ها به ارزش ۸۰۰ میلیون دلار را فساد اقتصادی بداند؟! محمد بن سلمان، حلقه قوی‌ترین مخالفان داخلی خود را بازداشت کرد. پول آن‌ها را می‌خواست اما علت بازداشتشان، کنترل و خفه کردن جریان مخالف داخلی بود. جریانی که سیاست خارجی او در سوریه و یمن را مفتضح و حقیرانه می‌دانست و بستن شمشیر از رو در مقابل ایران را حماقتی دیگر از ولیعهد سعودی. در واقع اصل مطلب این است که مثلث آمریکا-

سعد حریری، یکی از خبرسازترین چهره‌هایی بود که در ماه گذشته استعفايش مورد توجه محافل بین‌المللی زیادی قرار گرفت. او که ابتدا به ریاض رفت و در آنجا متن استعفایش را طی یک بیانیه مقابل تلویزیون سعودی خواند و دلیل این اقدامش را نفوذ حزب‌ها... لبنان و ایران در منطقه عنوان کرد، بعد از چند روز اسارت توسط عربستان بالاخره آزاد شد و به کشورش بازگشت و در نهایت در لبنان مجدداً استعفایش را پس گرفت.

پایگاه گلوبال ریسرچ در تحلیل خود از ماجرای استعفای حریری می‌نویسد: استعفای حریری از آن جهت برای مردم لبنان بسیار ترسناک بود که نظام سیاسی این کشور با توجه به طرح ۱۹۲۵ استعمارگران فرانسوی، شکلی ائتلافی دارد. سه منصب اصلی اداره کشور شامل ریاست جمهوری، نخست‌وزیری، و ریاست مجلس، به ترتیب در دست مسیحیان، اهل سنت، و شیعیان است. بازداشت نخست‌وزیر توسط سعودی‌ها، می‌توانست موجب شکاف در داخل نظام سیاسی و بروز درگیری‌های داخلی شود که البته به لطف اتحاد ملی لبنانی‌ها که ائتلافی در نوع خود نادر بود، این امر به نفع جریان آمریکایی-سعودی محقق نشد. اوج هنر این قضیه زمانی بود که «سید حسن نصرالله»-دبیر حزب الله لبنان- و «میشل عون»-رئیس جمهور- به عنوان دو رقیب دیرینه حریری، نهایت حمایت از او در مقابل سعودی‌ها را نشان دادند و نگذاشتند که شکاف در داخل لبنان رخنه کند.

البته در آینده محتمل است که عربستان در صدد برآید تا لبنان را در حمایت از اسرائیل که این روزها به عنوان هم‌پیمان علنی‌اش در آمده است، تحریم اقتصادی کند. حتی اگر اتحاد ملی در لبنان از بین برود اسرائیل ممکن است حمله به این کشور را نیز در دستور کار



میرزای شیرازی

هیأت

سلام
حضرت
صبر

درباره زندگی حضرت زینب سلام الله علیها
به مناسبت ولادت ایشان



مر حوم میرزای شیرازی در منزل یکی از شاگردان خودش مر حوم شیخ حسنعلی تهرانی مهمان بود.

شیخ حسنعلی تهرانی در آن مجلس قسمتی از مقتل را خواند که: (دخلت زینب علی این زیاد)

(حضرت زینب وارد مجلس این زیاد شد)

میرزای شیرازی از شنیدن این جمله بی تاب شد، شیخ حسنعلی تهرانی خواست تا جمله بعدی مقتل را بخواند که میرزای شیرازی داد زد نخوان بگذار حق این جمله ادا بشود!

خلاصه آن مجلس با همان جمله دخلت زینب علی این زیاد به پایان رسید و میرزای شیرازی توان شنیدن ادامه مقتل را نداشت! می دانی یعنی چه؟ یعنی وقتی در چه فکر و فهم ار تقا پیدا کند، نوع برداشت از مطالب عوض می شود!

حالا ببینید این زینب کیست!

زین اب یعنی زینت پدر

دختر چگونه می تواند زینت پدرش باشد

بعد از کربلا وقتی در قامت اسیر وارد مجلس این زیاد شد این زیاد به خیال خودش می خواست زینب را تحقیر کند

پرسید:

کیف رایت صنع الله باخیک الحسین؟
(کار خدا با برادرت حسین را چگونه دیدی؟)

این جمله عجیبست!

هم نگرش جبری مسلکانه ای که بنی امیه ترویج می کردند تا جنایات خود را تقصیر خدا بیندازند را نشان می دهد و هم اینکه این زیاد می خواست با این جمله آتش به جان حضرت زینب بزند و شهادت عزیزانش را یاد آوری کند.

اما کدام زن می تواند در چنان موقعیتی با آن همه غصه و رنج چنین پاسخی دهد که:

«ما رایت الا جمیلا»

(جز زیبایی هیچ چیز ندیدم)

آری زینب همان کسی ست که سر خود را به وقت دیدن سر برادر روی نیزه به محمل می زند و برای مواسات خون جاری می کند اما وقتی که باید مدافع غیرت علوی باشد روبروی خاندان کفر می ایستد و می گوید تمام کربلا برای من زیبایی بود.

ولادت کوه صبر حضرت زینب سلام الله علیها بر شما مبارک باد.

علی (شایان) مصلح

السلام علیکم وعلیٰ آئینکم ورحمة اللہ وبرکاتہ

بررسی ابعاد زندگی حضرت زینب (سلام الله علیها)
در گفت و گو با دکتر محمد حسین رجیبی دوانی

زینب، زینت خانه امیرالمؤمنین (علیه السلام)

هیأت

نامش فراتر از سطرهای نانوشته تاریخ، ماندگار شده است. آن قدر که اگر نبود، پیام سرداران کربلا در نینوا خاموش می شد. اما کم گفته اند و کم شنیده ایم، از سال های کودکی، پرورش و از شکل گیری شخصیت یگانه ای همچون زینب (سلام الله علیها)، پیش از آن که در کربلا و کوفه و شام بدر خشد. کم گفته اند از سال های حضور در مدینه و پرورش یافتن در خانه وحی، آن هم در دامان مادری همچون فاطمه (سلام الله علیها) و پدری همچون امیرالمؤمنین (علیه السلام). پنجم جمادی الاولی سالروز ولادت زینب کبری (سلام الله علیها) است، به همین بهانه، منابع تاریخی و مذهبی را با کمک دکتر محمد حسین رجیبی دوانی ورق می زنیم، تا بیشتر با زوایای پنهان و پیدای زندگی آن بزرگوار و ویژگی های شخصیتی ایشان آشنا شویم.

کرده اند. از این رو حضرت زینب (سلام الله علیها)، در همان سن کودکی، راوی مظلومیت و البته حقانیت حضرت زهرا (سلام الله علیها)، است. غیر از خطبه معروف فدک، احادیث دیگری نیز از حضرت زهرا نقل کرده است و راوی مادر بزرگوار خویش بوده است. حدیثی که راوی اش حضرت زینب (سلام الله علیها)، باشد در میان اهل فن، بی هیچ شک و شبهه ای معتبر است. "مرحوم سید نورالدین حجازی" در کتاب "خصایص الزینبیه"، به ویژگی "موثقه" بودن حضرت زینب (سلام الله علیها)، اشاره می کند و می گوید، که امام سجاد (علیه السلام)، نیز با این که در مقام امامت بودند و قول خودشان معتبر بود، باز هم برخی از احادیث را به نقل از عمه بزرگوارشان روایت کرده اند. زیرا کلام حضرت زینب (سلام الله علیها) در میان مردم به سخن صدق و معتبر پذیرفته شده بود.

لقب مشهوری که به حضرت زینب (سلام الله علیها)، داده اند، عقیده بنی هاشم است، این لقب به چه معنا است؟

عقیده را برخی مؤنث صفت مشبه عقیل در نظر گرفته اند، به معنای بانوی خردمند ترجمه شده است و برخی صفت مبالغه، به معنای بانویی که خرد و تدبیرش فراوان است، البته اگر ریشه یابی لغت



دهید

دوانی: حضرت زینب (سلام الله علیها)، اولین نقش تاریخی و تأثیر گذار خود را در همان کودکی ایفا کرده است. وقتی حضرت زهرا (سلام الله علیها)، خطبه فدک را خطاب به مردم مدینه قرائت می کند. زینب (سلام الله علیها)، طفلی ۵ ساله بوده است که آن خطبه پر مغز را به خاطر سپرده و از مادر روایت می کند. در واقع تمام روایان خطبه فدک، از جمله، ابن عباس، ابن خطبه را به نقل از حضرت زینب (سلام الله علیها)، نقل

استاد! درباره زندگی حضرت زینب (سلام الله علیها)، اطلاعات کمی داریم، از تاریخ تولدشان آغاز کنیم، آیا ایشان در همان پنجم جمادی الاولی به دنیا آمده اند؟ یا همانند بعضی از معصومین و اهل بیت علیهم السلام در مورد تاریخ ولادتشان مناقشه و اختلاف هست؟

دوانی: بله همین طور است، در مورد این که زینب (سلام الله علیها)، دقیقاً در چه روزی به دنیا آمده است و حتی سال تولد، منابع به طور حتمی اشاره نکرده اند. اما بنا بر شواهد تاریخی احتمال می رود که نقل پنجم جمادی الاولی محتمل تر باشد و سال تولد را هم ششم هجرت گفته اند. محل تولدشان هم مدینه بوده است. درباره دوران کودکی اطلاعات اندک است. البته وقتی از اطلاعات صحبت می کنیم منظورمان منابع تاریخی موثق است. همین قدر می دانیم که وجود مقدس حضرت زینب (سلام الله علیها)، حیات و وفات پیامبر اکرم (ص)، را درک کرده اند و در سن ۵ سالگی نیز، شاهد شهادت مظلومانه مادرشان حضرت زهرا (سلام الله علیها)، بوده اند.

یکی از موارد مهمی که در تاریخ به حضرت زینب (سلام الله علیها)، منسوب کرده اند، نقل خطبه فدک است، لطفاً در این باره توضیح



مجال سخن گفتن ندارد و بعد از خطبه‌های آتشین حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها)، تنها جملاتی کوتاه بر زبان می‌آوردند و در مجلس این زیاد عرصه بر ایشان بسیار تنگ است و می‌توان گفت این حضرت زینب است که در آن مقطع کوتاه، که کاروان از کربلا به کوفه حرکت کرده و در این شهر مستقر است، زبان امامت حضرت سجاد می‌شود و به نوعی مسئولیت‌های ایشان را به طور موقت بر عهده می‌گیرد. اما در مجلس یزید و در شام، شرایط متفاوت از کوفه است حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها)، با خطبه‌هایش یزید را رسوا می‌کند و یزید برای این که از فشار افکار عمومی آسوده شود، در ظاهر این زیاد را سرزنش و لعنت می‌کند و مجبور می‌شود بر اهل بیت آسان بگیرد. آنجا است که امام سجاد (علیه‌السلام)، سخنرانی می‌کند. حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها)، هنگام حضورشان در شام، برای سیدالشهدا مجلس عزای اقامه می‌کنند و حتی از زنان درباری یزید، همچون هند همسر یزید، نیز از این مجلس عزاداری شرکت می‌کنند! در واقع اولین کسی که برای شهدای کربلا، اقامه عزای می‌کند، حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) است! آن هم در مرکز خلافت! این یعنی، افشاگری‌های حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها)، این بار عرصه را بر خلیفه ستمگر تنگ کرده است و او مجبور است در برابر خواسته‌های اهل بیت کرنش کند!

در مورد دورانی که زینب (سلام‌الله‌علیها)، به مدینه بازگشته است، چه مطالبی ثبت شده؟ آیا مسئله تبعید ایشان واقعیت دارد؟

در مورد سال آخر زندگی حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها)، دو نقل متفاوت وجود دارد، برخی می‌گویند، ایشان در مدینه علیه یزید افشاگری می‌کنند، تا جایی که حاکم مدینه به یزید گزارش می‌دهد و یزید حکم تبعید حضرت زینب را صادر می‌کند، اما محل تبعید را به خود ایشان واگذار می‌کند. عده‌ای از مورخین می‌گویند، حضرت زینب، مصر را برای تبعید خود انتخاب کرده است و ادله‌ای هم برای این قول خود می‌آورند، از جمله این که در مصر هم مزاری وجود دارد که منسوب به حضرت زینب است. عده‌ای هم می‌گویند، عبدالله به جعفر، املاکی در روستای "راویه" نزدیکی شهر شام داشته است، که حضرت زینب را به آنجا می‌برد. برخی هم قضیه تبعید را رد می‌کنند و قول ضعیفی وجود دارد که در سال آخر حیات حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها)، قحطی در مدینه پیش می‌آید و عبدالله مجبور می‌شود همراه خانواده‌اش به روستای راویه که در آنجا املاکی داشته است، کوچ کند. به هر حال، نمی‌توان هیچ کدام از این قول‌ها را نه به طور صد درصد قبول کرد و نه کاملاً بی اعتبار دانست. در مورد مرقد شریف آن حضرت نیز، عده‌ای از علما، قول مصر را معتبر می‌دانند و عده‌ای هم شام را. با این حال در میان شیعیان، قول شام معتبرتر است.

اصغر، محمد، علی و عباس گفته‌اند. اما برخی نیز نام مادر محمد را "خوصا" دختر "حفصه بن ثقیف" ذکر کرده‌اند و نام مادر عون اصغر را نیز "جمانه" ذکر کرده‌اند. به هر حال دو فرزند از عبدالله بن جعفر در روز عاشورا به شهادت رسیده‌اند که در مورد عون اکبر مطمئن هستیم، مادرش حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها)، بوده است. در مورد این که عبدالله بن جعفر هم مطلب یا سخنی پیرامون حضرت زینب گفته باشد، قول معتبری نیست، تنها به دیدار او و حضرت زینب، بعد از بازگشت کاروان اسیران آل الله به مدینه چیزهایی گفته‌اند که چندان معتبر و قابل استناد نیست که بیان شود.

در مورد نقش تاریخی حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها)، در واقعه کربلا و رساندن پیام سیدالشهدا، بسیار گفته شده است، به جز خطبه‌های آتشین آن حضرت در کوفه و شام، به چه رفتارها و تصمیماتی از جانب ایشان می‌توانیم اشاره کنیم که اهمیت داشته‌اند؟

مدیریت و درایت حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها)، به گونه‌ای بود که کاملاً می‌توان از نوع برخورد امام حسین (علیه‌السلام)، با ایشان این مسئله را حس کرد که آن حضرت، خواهر گرمی‌شان را همچون وکیلی مورد اعتماد، برگزیده بودند. همه خطاب‌های امام حسین (علیه‌السلام)، در روز عاشورا، خطاب به زینب (سلام‌الله‌علیها)، است. مثلاً «خواهرم فلان لباس خاص را بپوش» یا «خواهرم طفل شیرخوار را برای وداع بپوش» و با وجود این که حضرت رباب، مادر علی اصغر (علیه‌السلام)، در کربلا حضور داشته‌اند، اما خطاب وصیت‌ها و توصیه‌ها همه به حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها)، است از جمله این بی‌تابی نکند و یا امام حسین (علیه‌السلام)، را در نماز شبش فراموش نکنند... از طرفی بعد از شهادت امام حسین (علیه‌السلام)، این زیاد چنان خفقانی در کوفه ایجاد کرده بود، که حضرت سجاد (علیه‌السلام)، نمی‌توانست آن طور که باید ماهیت امامت خود را آشکار کند و جان ایشان سه بار به خطر افتاد که هر بار حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها)، جان برادرزاده و امام خویش را نجات داد. برای مثال وقتی در مجلس ابن زیاد حاضر بودند، آن ملعون چشمش به امام سجاد می‌افتد و می‌پرسد که ایشان کیست؟ حضرت پاسخ می‌دهد که من علی بن حسین هستم. ابن زیاد می‌گوید مگر علی را خدا در کربلا نکشت؟ امام فرمودند «برادری داشتم که آن هم نامش علی بود و او را مردم کشتند... ابن زیاد حتی طاقت شنیدن پاسخ امام را ندارد و با ایشان مجادله می‌کند و به جلادش دستور می‌دهد که امام را به قتل برساند! این جا است که حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها)، خود را سپر امام سجاد می‌کند و ابن زیاد با مشاهده شجاعت حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها)، از تصمیم خود منصرف می‌شود. امام سجاد در کوفه

را دقیق‌تر بررسی کنیم، عقیده به معنای یکتا و بی‌همتا است. به خاطر ویژگی‌های شخصیتی و نقشی که حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها)، در مواقع حساس و بحرانی حیات خویش ایفا کرده است و همچنین علم و کمالات خاص ایشان به چنین لقبی مشهور شده است.

هنگام خلافت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام)، آیا حضرت زینب نیز پدر را تا کوفه همراهی کرده‌اند؟ چه اخباری در مورد ایشان هنگام سکونت در کوفه نقل شده است؟

در دوران خلافت ۵ ساله امیرالمؤمنین (علیه‌السلام)، نیز، همه اهل بیت و خانواده آن حضرت همراه ایشان از مدینه به کوفه هجرت می‌کنند. زینب (سلام‌الله‌علیها)، نیز همراه خانواده به کوفه می‌آید. نقل است که در کوفه برای بانوان جلسات تفسیر قرآن برگزار کردند، یعنی هم به منابع روایی و بیان احادیث اهل بیت تسلط داشتند و هم به علوم قرآن.

در رابطه با امام مجتبی (علیه‌السلام)، چطور؟ نقل معتبر و قابل استنادی از ایشان درباره حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها)، داریم؟

امام مجتبی نیز، شش ماه از دوران امامت خود را خلیفه مسلمین هستند و پس از ماجرای صلحی که به اقتضای شرایط به ایشان تحمیل می‌شود، همراه اهل بیت به مدینه بازمی‌گردند. حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) نیز در همان دوران شش ماه خلافت برادرشان، در کوفه بودند و همچنان تنها فعالیتی‌شان، آموزش معارف الهی به بانوان بود. و پس از آن نیز، همراه امام مجتبی، در مدینه ساکن می‌شوند. متأسفانه تا قبل از واقعه کربلا اطلاعات دقیق و جامعی که قابل استناد هم باشد، از زندگی ایشان نیست. به هر حال طبق روش زندگی اهل بیت، حسن خانه داری و انجام وظیفه همسر داری و پرورش فرزندان، برای زنانی همچون زینب (سلام‌الله‌علیها)، اصل و ملاک بوده است ولی هر جا لازم هم بوده بنا بر اقتضات و شرایط سیاسی اجتماعی، وارد عرصه شده‌اند و نقش آفرینی کرده‌اند. می‌توان گفت یکی از دلایل اطلاعات اندک از زندگی ایشان، همین اصل بودن زندگی خانوادگی بوده است.

درباره زندگی خانوادگی او و تباط حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها)، با همسرش مطلبی نقل شده؟ این که چند فرزند داشته‌اند و عبدالله درباره ویژگی‌های حضرت زینب، سخن و یا ذکر فضیلتی دارد؟

در مورد تعداد فرزندان حضرت زینب و نام‌هایشان، قول‌ها متفاوت است، یکی از قول‌ها این است که عبدالله بن جعفر، چهار پسر و یک دختر داشته. نام دخترش ام کلثوم بوده و نام پسرها را عون اکبر، عون



گفت و گو با حاج حمید بهاری، مداح اهل بیت

قهرمان بودن زینب (سلام الله علیها) را در شعرهایمان نشان بدهیم

پسر مرحوم شاه حسین بهاری است و برادر مرحوم حاج علیرضا. چهار پنج سالش بوده که همراه پدر به مجالس روضه خوانی اش می رفته است. از همان سال های کودکی، هم نفس گرم پدر را به ارث برده و هم مهر و محبتی که شاه حسین از اهل بیت در دل بچه هایش کاشته است. حاج حمید بهاری، حالا دیگر مداح شناخته شده ای است و پا جای پدر و برادر گذاشته. آن ها که در مراسم های او شرکت می کنند، می دانند که جشن میلاد حضرت زینب، برای حاج حمید بهاری، مراسم ویژه ای است و با عشق و ارادت قلبی اش به حضرت زینب (سلام الله علیها)، این مراسم را می گرداند. در آستانه میلاد حضرت زینب (سلام الله علیها)، حاج حمید بر ایمان از اهمیت برگزاری مراسم شادی اهل بیت گفت و برخی از اشعار پیرامون حضرت زینب (سلام الله علیها)، را نقد کرد و تاکید داشت باید نشان و منزلت ایشان در اشعار رعایت شود و بیشتر به سبک زندگی و زوایای پنهان شخصیت آن بانو بپردازیم.

امادر محضر خدا و اهل بیت شاد بودن، نیروی جسمی و روحی را تقویت می کند. خداوند با خنده و سرور مخالف نیست. امام صادق (علیه السلام)، می فرماید: «شیعه واقعی ما کسی است که در شادی ما شاد و در حزن ما اندوهگین باشد». یعنی اولاً مهم است که شادی یاد خدا و اهل بیت را در دل زنده کند، پس هر کسی به شادی پیامبر و اهل بیتش مسرور بود، شیعه واقعی است، دوم این که کسانی حتی از امام صادق هم سبقت می گیرند و برای مراسم عزاداری

وانگیزه زندگی ایجاد می کند. اگر مراسم های شادی اهل بیت برپا نباشد فقط عزاداری ها را پر شور برگزار کنیم، جدا از این که جوان ها و عامه مردم تصویر غلطی از دین داری پیدا می کنند و اصلاً نسبت به مراسم های دینی بی میل و رغبت می شوند، جوان ها نیز برای تخلیه انرژی و شاد بودن و به قول معروف جوانی کردن، خدایی نا کرده سر از مجالس گناه و لهو و لعب در می آورند، آن وقت نه تنها نشاطی ندارند، بلکه کسالت و بیماری روح، وجودشان را فرامی گیرد.

آقای بهاری! درباره مراسمی که هر سال برای میلاد حضرت زینب برگزار می کنید، توضیح دهید

هر سال، شام ولادت حضرت زینب (سلام الله علیها)، برنامه داریم. سعی می کنیم مجلس باشکوهی باشد. از همه اقشار هم در آن شرکت می کنند. مکان جشن هم بسیار است، مثلاً سال های گذشته در جنوب تهران بودیم، امسال در تجریش هستیم. برایمان مهم است که قاری قرآن بین المللی و مداح پیشکسوت و روحانی و مداح جوان پسند را کنار هم قرار بدهیم. حضور مداحان پیشکسوت و کسانی که مدیحه ها و اشعار قدیم را زنده نگه داشته اند و در راه اهل بیت موی سفید کرده اند، برایمان اهمیت دارد، حتی اگر آن شخص نتواند مداحی کند، اما چند کلمه ای برای اهالی مجلس صحبت می کند.

چرا در تمام این سال ها به برگزاری جشن میلاد حضرت زینب (سلام الله علیها)، اهتمام داشته اید؟

خب اهل بیت همگی نور واحد هستند، توسل به هر کدام شان، گره گشا است. من از ذات خاصی به خانم حضرت زینب (سلام الله علیها) دارم. به قول معروف زینبی هستم. چون ایشان در نظرم قهرمانی هستند که نام و یاد امام حسین را زنده نگه داشته اند، ما محرم و صفر را از حضرت زینب (سلام الله علیها) داریم. حتی پیاده روی ایام اربعین که چند سالی است، باشکوه و به صورت گسترده برگزار می شود نیز، یادگاری از حضرت زینب (سلام الله علیها) است و سختی هایی که در راه امام حسین (علیه السلام)، تحمل کردند. از طرف دیگر به نظرم، مناسبت های تولد و وفات حضرت زینب (سلام الله علیها)، خیلی مظلوم واقع شده اند. تولد ایشان که چند روز قبل از ایام فاطمیه است و خیلی ها در تدارک فراهم کردن عزاداری حضرت زهرا هستند و از مناسبت تولد دختر شان، غافل می شوند. از طرفی ایام وفات ایشان نیز، دور روز بعد از میلاد آقا امیرالمؤمنین (علیه السلام)، است و بعضی از مردم هنوز در حال و هوای بزرگداشت روز پدر و ایام ولادت هستند. برای همین چندین سال است که تصمیم گرفته ایم روز ولادت این خانم را جشن بگیریم. البته برای مراسم وفات و ۱۵ رجب نیز، عزاداری برگزار می شود، اما هنوز رونق مراسم مولودی خوانی را نگرفته است.

به نظر تان برگزاری مراسم شادی اهل بیت چقدر اهمیت دارد؟ در حالی که عزاداری ها همیشه پر شور است ولی گاهی اوقات مولودی ها و اعیاد به اندازه کافی در جامعه پر رنگ نیست.

جامعه ما نیاز به شادی دارد، جوان های ما نیاز دارند که شادی واقعی را تجربه کنند. حالا اگر شادی در قالب حلال و شرعی و خدا پسندانه باشد، تأثیرش مانند گار است. باعث رشد معنوی می شود. نشاط عمیق و امید



از روزها قبل به استقبال می‌روند ولی به ایام ولادت و اعیاد مذهبی، توجهی ندارند. این کار مخالف سیره اهل بیت است و صحیح نیست. نباید جلوتر از اهل بیت حرکت کنیم. حتی بعضی در مراسم مولودی هم روضه می‌خوانند! البته بعضی ولادت‌ها از جمله ولادت امام حسین، حضرت ابوالفضل و حضرت زینب، خواهی خواهی با کمی اشک همراه است. پیامبر اکرم (ص)، هنگام ولادت حضرت زینب (سلام الله علیها)، بر مصیبت‌های ایشان گریستند، اما جایز نیست آن ثم اشک در مراسم شادی، جای خود را به گریه و نوحه خوانی بدهد. مقام معظم رهبری حتی با اندک گریه و نوحه هم در مراسم شادی مخالف هستند، برای ایام ولادت حضرت زهرا (سلام الله علیها)، در محضر ایشان بودیم، قبل از مراسم به مداحان توصیه کردند، آقا گفته‌اند، هیچ کس روضه نخواند، مراسم شادی حضرت زهرا است و باید شاد باشیم. البته این مسئله را باید توضیح داد که ارزش اشک بر اهل بیت بر هیچ کس پوشیده نیست و هیچ کس نمی‌تواند تأثیر سازنده عزاداری‌ها را منکر شود، اما باید نکته سنج بود و مراسم شادی را همیای عزاداری‌ها بپرواق کرد، اتفاقاً از راه مراسم‌های شادی اهل بیت می‌توان زلف جوانان را با عزاداری‌ها هم گره زد! کسی که به واسطه شادی اهل بیت دلش شاد شود و مهر آن‌ها در وجودش بیشتر شود، با عشق بیشتری برایشان سینه زنی می‌کند. از طرفی افراط در مراسم‌های عزاداری و حتی مجلس سرور را به عزای تبدیل کردن، تبلیغات منفی دشمن را علیه هیئت‌ها و منبرها زیاد می‌کند، همین شبکه‌های معاند از مجالس ما فیلم می‌گیرند و ضد ما پخش می‌کنند و می‌گویند که

خنده و گریه‌ها بمان حساب و کتابی ندارد، یا اسلام دین حزن و اندوه است و... هزار تبلیغ منفی دیگر که جوانان ما را از دینداری دور کنند.

به طور خاص، در مورد حضرت زینب (سلام الله علیها)، چطور؟ ایشان به خاطر مصیبت‌های گریه‌ی بیشتر در عزاداری‌ها پررنگ هستند و بزرگی‌ها و مناقب و وجوه ممتاز شخصیتی‌شان متأسفانه مکتوم و ناشناخته مانده، مراسم‌های شادی می‌توانند زمینه بیان معارف و جود ایشان را بیشتر کند. بله در باره حضرت زینب (سلام الله علیها)، این مسئله بیشتر احساس می‌شود. چون خانم مصیبت‌های زیادی تحمل کردند و در مراسم‌های عزاداری و روضه خوانی، بیشتر توجهات به همین مصیبت‌ها است و بیان بزرگی‌ها و خصوصیات رفتاری و ویژگی‌های شخصیتی آن بانو غافل می‌شوند، ولی در مراسم شادی ایشان فرصت خوبی برای پرداختن به این مسائل است. البته بگویم که در این مورد انتظار از روحانیون و وعظ بیشتر است. چون مداحان بیشتر به بیان مدیحه یا مرثیه می‌پردازند، ولی واعظی که منبر می‌رود، ظرفیت بیشتری برای بیان سیره و روش زندگی اهل بیت دارد.

اما شعرها هم مخاطب خاص خودش را دارد، مخصوصاً نسل جوان که خیلی زود با اشعار ارتباط برقرار می‌کند، وضعیت مدیحه‌ها و مرثیه‌هایی که برای اهل بیت، مخصوصاً حضرت زینب (سلام الله علیها) خوانده می‌شود، چگونه است؟ بله درست است، اشعار خیلی اهمیت دارند، نمی‌توان از تأثیرشان غافل شد. مداح باید شعری بخواند که پر مغز باشد، متأسفانه اشعار سطحی و کم‌مایه هم گاهی خوانده می‌شود و مناسب نیست. مثلاً در رابطه با حضرت زینب (سلام الله علیها)، نیز چنین مشکلاتی وجود دارد، مخصوصاً در مورد اشعار مرثیه و نوحه خوانی. به خاطر اشک ریختن مردم، گاهی اوقات آن بانوی جلیل‌القدر را خیلی پایین می‌آورند. یعنی شخصیت عظیم ایشان که پیام آور کر بلا بوده

و نهضت حسینی را زنده نگه داشته است را، اعوذ بالله، ضعیف و ستمدیده نشان می‌دهند. در حالی که ایشان دختر امیرالمؤمنین است و شجاعتش کاخ یزید را به لرزه می‌اندازد. جدای از این‌ها معلم قرآن هم بوده و احادیث زیادی را از مادر بزرگوارشان روایت کرده‌اند. صاحب علم لدنی بوده‌اند و... باید نشان مقام اهل بیت علیهم السلام و به خصوص شخصیت‌هایی چون حضرت زهرا (سلام الله علیها) و حضرت زینب (سلام الله علیها) حفظ شود و به بیان سیره آن‌ها بپردازند. مطالبی در قالب اشعار بیان شود که بتواند بزرگی حضرت زینب (سلام الله علیها)، ظلم ستیزی ایشان، صبر و بردباری و علم و حیا و تقوای ایشان را به تصویر بکشد. زندگی نامه ایشان به زبان شعر باشد، نه این که صرفاً یا ستایش محض باشد و یا بیان مرثیه‌های جانسوز.

خودتان در مراسم‌ها از شعر چه شاعرانی استفاده می‌کنید؟

من چون از خانواده‌ای هستم که پدر و برادرم مداح بودند و اشعار استادان قدیمی در وجودم ریشه دوانده نمی‌توانم نسبت به قدما بی‌توجه باشم، از طرفی اگر سبک‌های خواندن و نوع اشعار خودمان را به روز نکنیم، مخاطب جوان را از دست می‌دهیم. البته منظور از شعرهای به روز، اشعاری هستند که هم قوام و استحکام ساختاری و معنایی دارند و هم نسل جوان با مفاهیم آن راحت‌تر رابطه برقرار می‌کند. الان در بین شعرای جوان، نام‌های معتبر و صاحب سبکی هستند که اشعار خوبی هم دارند، مثل دکتر لطفی، محسن عرب خالقی، سعید پاشازاده، مجتبی صمدی، سعید محسن حسینی و... من در کنار اشعار جدید، از شعر شاعران قدیمی همچون ژولیده نیشابوری، آقای سازگار، صابر همدانی، یغمای جندقی، دیوان خوشدل، دیوان صغیر اصفهانی و... نیز استفاده می‌کنم.

به نظر تان علت سرودن اشعار سخیف چیست؟

آقای آهی، استاد ما می‌گفتند، قدیم وقتی کسی شعر می‌گفت، شعرش را می‌برد پیش اهل فن، پیش مراجع می‌خواند تا ببینند اشکال اعتقادی نداشته باشد، تا سنجیده شود که چقدر پر مغز و پر محتوا است. اما حالا طوری شده که مثلاً حاج حمید بهاری سری توی سر هادر می‌آورد و دیگر اعتقادی به یادگرفتن ندارد، فکر می‌کند عقل کل است و همه چیز را می‌داند، کمتر به خودمان نظارت می‌کنیم، کمتر خودمان را پالایش می‌کنیم و معمولاً حاضر نیستم محصول فکر و اندیشه خودمان را به بوته نقد بسپاریم.

در مورد نوحه‌ها و مرثیه‌ها، شعر

زینب، زینب «مرحوم مؤذن زاده به عنوان یکی از نوحه‌های قوی و تأثیرگذار ماندگار شده است. در مورد مدیحه‌ها، مورد خاصی هست که خودتان به عنوان شعری در شان حضرت زینب (سلام الله علیها)، پیسندید؟

اشعاری که از حضرت زینب می‌پسندم، تعدادشان زیاد است، اما یکی از بهترین‌ها شعری از حاج احمد صالح است. ایشان شان آن بانو را رعایت کرده‌اند و به زیبایی بزرگی شخصیت‌شان را بیان کرده‌اند، در شعرشان حضرت زینب (سلام الله علیها)، عصاره‌ای از ۱۴ معصوم است، از هر معصومی یک کرامت و یک ویژگی دارد. مثلاً در ابیات میانی این شعر می‌گوید: «کیست مرد آفرین بنیان کن / کیست مرد آفرین ولیکن زن / به مقامات اوفقاً مانند / این جهان لال و آن جهان الکن / مانده و صفش در ابتدا زینب / و یاد جای دیگر گفته است: «سر بلندی دل ز دولت اوست / کر بلا هم رهین همت اوست / گردنش زیر بار منت اوست / همه عالم گواه عصمت اوست / شمع سادات نینوا، زینب / به علی رفته و علی شده است / سرو پایش سینجلی شده است / جلوه چهارده ولی شده است / به بلاهای حق بلی شده است / یک نفس رفته تا کجا زینب!



ما را به سر هوای شهیدان بی سراسر است

نگاهی به زندگی پیشکسوت تعزیه که بدون سواد فقط شعرهای اهل بیت (علیهم السلام) را می فهمد

کافی است کمی تاریخ ایران را بدانید تا متوجه شوید چطور ما می توانیم عالی ترین مضامین را از شرق و غرب عالم بگیریم و آن را در خود حل کرده و فرهنگ و هنر جدیدی بیافرینیم. این عملکرد در دوره اسلامی به اوج خود رسید و ایرانیان مضامین عالی و بزرگ دینی را چنان بازآفرینی کردند که از خود اعراب هم جلو زدند و با آمیزش آن با هنر توانستند دین را به تجسم در آورند. سرخ یکی از این نوآوری ها را می توانیم در تعزیه دنبال کنیم. هنری که در عمق فرهنگ عاشورا شناور است و سال هاست که زلف باور مردم را با نمایش و شعر پیوند زده است. ولی به نظر می رسد که مثل گذشته کسی تعزیه را آن طور که باید جدی نمی گیرد و این هنر رو به فراموشی است برای همین سراغ حسینعلی جلیلی یکی از پیشکسوتان این هنر رفتیم که در خراسان نام آور است و همه او را می شناسند. او از وضعیت فعلی تعزیه در کشور دل خوشی ندارد ولی امیدوار است جوانان بتوانند جای قدیمی ها را بگیرند و این هنر را به سطح جهانی برسانند.

صدایش با همه کهنگی هنوز رسا است و انگار نه انگار ۸۵ بهار را پشت سر گذاشته. خطهای روی پیشانی اش بیت های بلند و عمیقی از شعر کوتاه زندگی است که جز برای اربابش حسین (علیه السلام) نوشته نشده است. پیرمرد، آرام و موقر ما را برای گرفتن عکس و معطلی برای پیدا کردن محل مناسب مصاحبه همراهی می کند و طی مسیر برای عوض شدن حال و هوا کاغذهایش را از جیب بیرون می آورد و با لهجه سبزهواریش می خواند:

کن نظری سوی ما/ای علی مرتضی

ای ز دو عالم بری/یا علی و یا علی

دست هایش را با قدرت تسکان می دهد و با تغییر لحن صدایش همه را متوجه خودش می کند. بعد از چند بیتی که می خواند شروع می کند به گفتن: «حسینعلی جلیلی هستم از روستای جلین در نزدیکی سبزووار. از همان طفولیت بسیار علاقه به تعزیه داشتیم. پدرم سواد داشت و نوحه خوان بود و من حتی قبل از اینکه به مکتب بروم و صدایی هم داشته باشم کنار دسته های تعزیه بودم و با آن ها تعزیه کار می کردم تا اینکه مکتب رفتم و خط قرآن را کمی یاد گرفتم. تا اینکه معلممان که زن شیخ روستا بود مرد و من همانی که یاد گرفته بودم هم فراموش کردم. دیدم این طور نمی شود برای همین شب ها می نشستم و به زور کتاب هایی که داشتیم را می خواندم و بعضی کلمات را به هم وصل می کردم و سعی می کردم شعرها را بنویسم ولی فردا صبح همه آن ها را فراموش می کردم و چیزی که خودم شب قبل نوشته بودم را نمی توانستم بخوانم». علاقه او به شعرهای مذهبی و توسلش بالاخره جواب می دهد و به لطف



تعزیه و انقلاب اسلامی

می شدند و من هم برایشان می خواندم ولی بارها هم شد که پاسبان ها به مجلس آمدند برای خراب کردن آن. خوشبختانه یکی از اقوام ما از درجه دارها بود و مخالف رژیم. برای همین بالباس در تعزیه حاضر می شد و وقتی پاسبان ها او را می دیدند می رفتند. از نقش هیأت های مذهبی و تعزیه خوان ها در دوره انقلاب می گوید و اینکه مردم چطور گرد پرچم امام حسین (علیه السلام) جمع می شدند: «دستگاه امام حسین (علیه السلام) با همه چیز فرق می کند، چرا که او در روز الست همه جام شراب محبت الهی را یکجا سر کشیده است و خدا هم عنایت ویژه ای نسبت به

اهالی قدیمی منطقه سبلان تهران هم چند سال با صدای نوحه ها و شعرهای حسینعلی جلیلی و بچه های عنبرستان که به کمکش آمده اند اشک ریخته اند و از او خاطره دارند؛ «آن زمان رژیم شاه خیلی نسبت به تعزیه و دستگاه امام حسین (علیه السلام) حساس بود چرا که می دانست کسانی که پای این مراسم می نشینند ناخودآگاه از سالار شهیدان الگو می گیرند و حکومت هم از این مسئله می ترسید. برای همین خیلی وقت ها مجبور بودیم که یواشکی مجالس را برپا کنیم و یا صدایمان را از یک حدی بالاتر نبریم. آن روزها که در تهران بودم مردم زیادی در تکیه جمع



فراغتی برای تعزیه باقی نمانده است

داوود فتحعلی بیگی کارگردان، نمایش نامه نویس و بازیگر نام آشنای کشور است. تاکنون در بیش از ۳۰ نمایش به عنوان بازیگر، نویسنده و کارگردان حضور داشته و در سال ۱۳۸۰ موفق به دریافت مدرک درجه یک هنری از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی شده است. او که ریاست کانون نمایش های سنتی ایران را بر عهده دارد اعتقاد دارد که تعزیه در کشور کمرنگ شده ولی با قوت برقرار است و به کار خودش ادامه می دهد که در ادامه گفتگو با او را می خوانیم.

برای تعزیه بود که بزرگان شهرها هم آنجا حاضر می شدند و از نزدیک تعزیه را می دیدند. ما در یک دوره ای در تهران، ۶۰-۵۰ تکیه داشتیم، اما الان بیشتر این تکایا یا کاملاً از بین رفته یا تبدیل به مکان دیگری شده است. باید جایی وجود داشته باشد که به طور مستمر تعزیه یا شبیه خوانی اجرا شود تا ۳۶۵ مجلس جداگانه تعزیه برای ۳۶۵ روز سال اجرا شود تا مردم بفهمند گستردگی تعزیه چیست.

شما در انجمن تعزیه فعالیت

می کنید، به نظر تان با وجود این موارد می شود امیدی به رونق بیشتر تعزیه داشت و یا حتی امیدوارانه اجراهای جهانی را برای آن در نظر گرفت؟

انجمن تعزیه قرار نیست متولی اجرای تعزیه باشد. این انجمن در نظر دارد در جهتی پیش برود که بتواند هم نقش هدایت کننده و هم نقش حمایت کننده داشته باشد و به عنوان یک انجمن فرهنگی هنری فعالیت می کند. درباره اجراهای جهانی هم باید گفت که خیلی نمی شود به آن امید داشت چرا که متولیان امر هم چندان استقبالی از تعزیه نمی کنند. خاطر هم هست زمانی که بازی های المپیک در یونان برگزار می شد قرار شد گروه تعزیه ای را به آنجا بفرستند که این هنر ایرانی اسلامی دیده شود؛ دو ماه کشمکش بود که گروه کمتر شود و آخر سر هم فهمیدیم که به بهانه فرستاد گروه تعزیه می خواهند مدبران را برای گردش به یونان بفرستند و آخر سر هم ما نرفتیم و تعزیه هم آنجا اجرا نشد.

به نظر می رسد که هنر تعزیه با توجه

به قدمتی که دارد نسبت به گذشته کمرنگ شده و فقط در عاشورا و تاسوعا باید منتظر آن باشیم. با این نظر مخالفم؛ چرا که ما هنوز در شهرهای مختلف مثل اصفهان و سایر شهرها هر هفته مراسم تعزیه را شاهدیم. اما در تهران ممکن است کم شده باشد. اولین دلیل مربوط به محل های ویژه تعزیه است که امروز از آن ها خبری نمی بینیم و اکثر صاحبان هیأت ها رو به مداح و سخنرانی محوری رفته اند. بعد ما می بینیم که در دوره ای تعزیه فراغت مردم را پر می کرد و آن را به چشم سرگرمی می دیدند ولی امروزه سرگرمی های دیگری هم هست که مردم ترجیح می دهند سراغ آن ها بروند. مشغله های مردم هم خیلی زیاد شده است به طوری که اگر به شما بگویند مثلاً فردا به مراسمی بیا به خاطر کارهایی که دارید نمی توانید حضور پیدا کنید.

پس موافق هستید که به هر حال

کمرنگ شده این مسئله، حتی جوان ها هم ترجیح می دهند به تئاتر بروند تا اینکه مراسم تعزیه را ببینند.

خوب قطعاً در تهران کم شده نسبت به قبل آن هم به خاطر بانیا است که اولاً تعزیه خوان ها را دعوت نمی کنند و بعد هم به خاطر این است که پول آن چنانی به آن ها نمی دهند و تعزیه خوان ها مجبورند کار دیگری هم کنار این هنر داشته باشند تا بتوانند امرار معاش کنند. بعد هم جای مناسب تعزیه نیست؛ خیلی ها فکر می کنند تعزیه نمایش خیابانی است در حالی که در گذشته محل هایی

اهل بیت (علیه السلام) چشمش به نور شعرهای آیینی که در مدح و منقبت آن ها نوشته شده است روشن می شود؛ «با اینکه سواد نداشتم و کسی هم نبود به من یاد بدهد ولی می توانستم هر جا که شعری درباره اهل بیت (علیه السلام) نوشته شده است را متوجه شوم و آن را بخوانم. درباره بقیه شعرها این طور نبود ولی انگار شعرهایی که در مدح امام حسین (علیه السلام) و بقیه اهل بیت (علیه السلام) نوشته بود نوری داشتند که آن ها را می خواندم و می فهمیدم». تعزیه خوان ها همیشه به جلیب و بقیه ده ها سر می زدند و تنها رسانه ای که این قدر مستمر به ترویج فرهنگ عاشورا می پرداخت همین ها بودند، آن هم برای روستایی مثل جلیب که مردمش رادیو و تلویزیون را نمی شناختند. از بین این همه تعزیه خوان، میرزای شاهرودی است که استعداد حسینی را کشف می کند و به او میدان می دهد؛ «میرزا پسری داشت هم سن و سال ما که او مخالف می خواند و یک روز مریض شد. او می دانست که من علاقه زیادی به تعزیه دارم و حتی شعرها را هم بلدم. برای همین پسر کوچکش محمد را فرستاد در خانه ما و گفت حسین بیا که مجلس عابس داریم و تو سمعون بخوان. من واقعاً خجالت می کشیدم که جلوی میرزا بایستم و او با آن هیبت و سپر و کلاه خود جلوی من شعر خوانی کند. وقتی که مجلس تمام شد و من مخالف خوانی کردم، میرزا که حکم استادی به گردن من دارد به پدرم گفت کربلایی علی اکبر این پسر خود شمر است در مخالف خوانی. بعد از آن هم مخالف خوان تعزیه شدم».



گفتم که مجلس به هم نمی خورد. سرهنگی بود با چند سرباز و همین که نزدیک شدند من شروع کردم به خواندن چند شعر انقلابی و بعد هم تعزیه ام را خواندم. آن روز مردم حساسی گریه کردند و آن سرهنگ و سربازان هم مثل بقیه مردم ایستادند و به مرثیه امام حسین (علیه السلام) گریه کردند. این فرق میان انقلاب اسلامی و حکومت شاهنشاهی است که مأموران آن زمان برای براندازی تعزیه می آمدند ولی در روز ۲۲ بهمن که روز جشن هم هست مأموران برای عزاداری امام حسین (علیه السلام) می آیند».

بخوانیم تا جایی که همین هیأت ها و مجالس عزاداری به هم پیوست و دستگاه شاه را سرنگون کرد». روحیه آزادی و شجاعت اژیته ای است که بعد از ۷۰ سال کار تعزیه به حسینعلی جلیبی رسیده است و کار برای امام حسین (علیه السلام) باعث شده که او چیزی جز اهل بیت نبیند؛ «چند سالی از انقلاب گذشته بود و من روز ۲۲ بهمن در امامزاده شیرعلی شمال می خواستم تعزیه بخوانم. آن روز همه چیز را آماده کرده بودیم و می خواستیم تعزیه را شروع کنیم که یکی گفت مأموران دارند می آیند و می خواهند تعزیه را به هم بزنند. من

امام حسین (علیه السلام) دارد. زمان انقلاب هم همه مردم می خواستند که پرچم امام حسین (علیه السلام) بلند شود و ما تعزیه خوان ها هم همین را می خواستیم. وقتی امام خمینی (ره) برای دین علیه حکومت شاه قیام کرد ما هم شعرهایمان را حماسی تر کردیم و مردم هم با شعارهایشان ما را همراهی کردند. امام (ره) یک عالم دانشمندی بود که برای رضای خدا و به تاسی از جدش قیام کرده بود ولی مردم بی سواد روستا که نمی فهمیدند او چه می گوید برای همین کار ما تعزیه خوان ها و منبری ها و روضه خوان ها این شده بود که درباره انقلاب

هیأت



دوباره شعر دیگری را درباره حضرت خواندم و تا چهار بار این اتفاق تکرار شد که آخر سر باز یگر مقابل پی به شعر ندانستنش برد. مشکل نسل جوان تعزیه هم این است که زیاد سراغ ساز و دهل رفته و از اصل ماجرا غافل مانده است.»

زندگی با تعزیه

کمتر کسی را سراغ داریم که در زندگی با اهل بیت به خصوص امام حسین (علیه السلام) مأنوس شده باشد و برکت سراسر وجودش را نگرفته باشد؛ حسینعلی جلیلی باینکه در روستا کشاورزی می کند اما زندگی اش را بابرکت ترین زندگی می داند چرا که صرف عزای حسین (علیه السلام) شده است؛ «از قدیم گفته اند که آنچه نصیب است نه کم می دهد/ گر نستانی به سستم می دهند، واقعاً هم همین طور است شما ببین اگر این همه پول و مال و ثروت که برای امام حسین (علیه السلام) خرج می شود را یکجا در نظر بگیری می بینی که تهران به این بزرگی را زیر خودش دفن می کند و دیگری چیزی باقی نمی ماند. امام حسین (علیه السلام) خیلی لطف دارد و همه عالم مدیون او هستند چرا که خدا هم او را خون خودش می داند. دور از شأن خداسست که بخواید خون داشته باشد ولی می خواهد بزرگی امام حسین (علیه السلام) را بگوید و اینکه اگر این امام نبود مثل این بود که جسمی خون نداشته باشد. ما همه مدیون امام حسین (علیه السلام) هستیم و تازه نباید هم بنشینیم با او حساب و کتاب کنیم که مثلاً من انقدر تعزیه خوانده ام پس باید چنین و چنان شود. باید مودب باشیم و ببینیم او چه چیزی به ما می دهد و ما هم با آن کیف کنیم.»

خودش را از خواندن در دستگاه امام حسین (علیه السلام) محروم کند. به او شعرهای حضرت مسلم را دادم و قرار شد فردای آن روز بخواند. خواندنش شبیه روضه بود و من هم نمی توانستم جوابش را بدهم تا اینکه در فرصتی به او گفتم که تو برو لباست را عوض کن و من هم مجلس را با خواندن نکه می دارم. مجلس آن روز تمام شد و به او گفتم حاجی می خواهی بخوانی یا فقط از روی هوس می خواهی تعزیه کار کنی. او می خواست کار کند برای همین در مراسم عاشورا دعوتش کردم سبزووار و آنجا بود که آموزشش دادم. ۱۸ سال با من تعزیه خواند و بعد هم به یک استاد قوی تعزیه تبدیل شد و امروز هم به خاطر پا درد خانه نشین شده است.» راضی بودن به رضای خدا در همه زندگی حسینعلی جلیلی جریان دارد ولی با این حال کمی از وضعیت تعزیه در چند سال اخیر ناراضی است و می گوید: «اینکه یک عده می آیند و رقص و ساز در تعزیه راه می اندازند اصلاً خوب نیست و به نظر ظلم بزرگی است که به دستگاه امام حسین (علیه السلام) می شود. آخر یکی نیست بگوید وقتی امام حسین (علیه السلام) می جنگید که دیگر دور از شأنش نمی رقصید. واقعاً باید در تعزیه امروز سعی شود که نبردهای امام حسین (علیه السلام) و اصحابش به درستی و با شعرهای قوی نمایش داده شود. البته نسل جوان هم زیاد سراغ شعر و حماسه نمی رود؛ من زمانی جایی تعزیه داشتم و مقابلم یکی دیگر از یک گروه تعزیه بود. شروع کردم به شعر خواندن و اتفاقاً مجلس حضرت علی اکبر (علیه السلام) هم بود. من شعری را شروع کردم درباره حضرت خواندن ولی باز یگر مقابل توقع نداشت که چنین چیزی را بخوانم. او جواب نداد برای همین

ردای استادی بر تن استرداد و پشتکار حسینعلی جلیلی او را به جایی می رساند که در تعزیه به یکی از اساتید این هنر تبدیل می شود و شاگردان زیادی را هم پرورش می دهد به طوری که امروز هر یک از آن ها تعزیه خوان های روستاهای مختلف شده اند و حتی چند نفر هم برای خودشان گروه مستقل تعزیه خوانی دارند که روزهای عزاداری و یا آخر هفته ها مراسم تعزیه خوانی را برپا می کنند. «یکی از شاگردانم که از فامیل هم هست مدتی شروع کرد به مخالف خوانی تا اینکه یک روز به من گفت که می خواهم شهادت بخوانم. من هم گفتم در دستگاه امام حسین (علیه السلام) هیچ فرقی نمی کند که کجا کار کنی و چه چیزی بخوانی فقط مهم این است که بهتر از بقیه کارت را انجام دهی و بخوانی که خوشبختانه او امروز به یکی از علی اکبر خوان های خوب تبدیل شده و وقتی من هم نیستم تعزیه شهرمان را او اداره می کند.» همان طور که تعزیه خوان ها به روستای جلیلی آمدند و حسینعلی را شیفته خود کردند او هم از جوانی وظیفه خود می داند که این هنر قدیمی را ترویج کند برای همین به شهرهای مختلف می رود و آنجا مجلس برپا می کند؛ «روستاهای مختلف سبزووار و آن منطقه را کامل رفته ام و بارها در مشهد و بقیه جاها مجلس تعزیه داشته ام. تا کرمان و بوم هم زیاد رفته ام. اتفاقاً آنجا میرزا حاجی قربانی بود که از نظر صدا و هیکل خیلی خوب بود ولی تا چشمش به من افتاد گفت که من نمی توانم بخوانم و از ما اصرار و از او انکار که خواندن در قد و قواره من نیست. پیشش رفتم و گفتم که تو با من بخوان و من هم کمکت می کنم. واقعاً دیدم حیف است که مردی با این صدای خوب